

ماریج میرزا

# عملیات لرستان

اسناد سر تیپ محمد شاه بختی

۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ شمسی

به کوشش

کاوه بیات



# تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۳

نشر و پژوهش شیرازه





عملیات لرستان  
اسناد مرتب محمد شاه بختی  
به کوشش کاوه بیات  
حروفچینی و صفحه آرایی: هُما ؛ لیتوگرافی: کوه رنگ  
چاپ و صحافی: فاروس ایران  
حق چاپ و نشر محفوظ است.  
تهران - صندوق پستی: ۱۱۳۸ / ۱۹۳۹۵  
تلفن: ۲۲۵۴۵۶۱  
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

# عملیات لرستان

اسناد سر تیپ محمد شاه بختی  
۱۳۰۳ و ۱۳۰۶ شمسی

به کوشش کاوه بیات

## فهرست مطالب



پیشگفتار ..... ۵

### محاصره خرم آباد

مقدمه ..... ۱۱

اسناد ..... ۱۹

### لشکرکشی به طرهان

مقدمه ..... ۲۰۱

اسناد ..... ۲۰۹

پیوست‌ها ..... ۲۸۵

فهرست اعلام ..... ۲۹۵

نمونه اصل اسناد ..... ۳۱۵

## پیشگفتار

با شکست انقلاب مشروطه، نه تنها نظام نو و مبتنی بر قانونی که آرمان مشروطه خواهان بود، تحقق نیافت، بلکه نظام سنتی حاکم نیز با تمام کاستی هایش از دور خارج شد. در نتیجه برای مدت زمانی مدید اکثر ایالات و ولایات ایران را آشوب و اغتشاشی گسترده فراگرفت. این تغییر و دگرگونی به ویژه بر نواحی غربی کشور تأثیر نهاد که به لحاظ بافت عشایری و موقعیت مرزی اش زمینه ای مستعد بر آشوب و اغتشاش نیز داشت. دوران مشروطه به تاخت و تاز سالارالدوله گذشت. ایام جنگ جهانی اول نیز به تحولات ناشی از رویارویی نظامی قوای روس و عثمانی و انگلیس در این خطه. نتیجه نهایی کار نیز قدرت فزاینده پاره ای از نیروهای محلی و سستی گرفتن اقتدار مرکز.

تلاش دولت برای اعاده اقتدار مرکز بر این نواحی که از سال های نخست دهه ۱۳۰۰ شمسی آغاز شد، بیش از ده سال طول کشید که بخش مهمی از آن نیز صرف درگیری های نظامی شد. بار عمده این تحولات را احمد آقاخان امیراحمدی نخستین فرمانده لشکر غرب بر عهده داشت، که چه در آغاز کار و چه در پاره ای از دیگر مراحل انتظام لرستان، رهبری عملیات نظامی و اعمال برخی از دگرگونی های سیاسی و اجتماعی آن خطه را در دست گرفت. با انتشار خاطرات و اسناد او<sup>۱</sup>، قسمت های ناشناخته ای از این تحولات که نقش مهمی در تاریخ معاصر ایران و نحوه شکل گیری اقتدار رضاخان سردار سپه داشت، آشکار شد و اینک نیز امید است با انتشار اسناد سر تیپ محمدخان شاه بختی گوشه های دیگری از تاریخ معاصر لرستان روشن شود.

---

۱. احمد امیراحمدی، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳؛ اسناد نخستین سپهبد ایران، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران؛ مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.

محمدخان زکریا (۱۲۴۱-۱۲۷۱) که بعدها نام خانوادگی شاه‌بختی اختیار کرد، مدارج نظامی را - همانند رضاخان سردار سپه، دوست و حامی بعدی‌اش - از رده‌های پایین بریگاد قزاق آغاز کرد و فقط در خلال جنگ جهانی اول، یعنی هم‌زمان با توسعه سازمانی نیروی قزاق از سطح یک تیپ به سطح یک لشکر بود که به درجه سروانی ارتقاء یافت و به دنبال آن در پی خاتمه جنگ درجه سرهنگی قزاق. وی پس از کودتای ۱۲۹۹ در نظام متحدالشکل جدید به فرماندهی فوج آهن از قوای مرکز منصوب شد و در مراحل پایانی سرکوب نهضت جنگل شرکت داشت.

یکی از نخستین مأموریت‌های نظامی شاه‌بختی پس از ارتقاء به درجه سرتیپی، فرماندهی تیپ پیاده لشکر مرکز در عملیات لرستان در سال ۱۳۰۳ بود که موضوع بحث بخش اول این کتاب است و تحول عمده بعدی، احراز ریاست لشکر غرب در سال ۱۳۰۶ که بخشی از حوادث آن در بخش دوم کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. همان‌گونه که ملاحظه خواهد شد هیچ‌یک از این مأموریت‌ها با توفیق همراه نبود و حتی یکی از آنها - لشکرکشی به طرهان - موجب آن شد که نه فقط از فرماندهی لشکر غرب عزل شود بلکه برای مدتی نیز مفضوب شاه قرار گیرد، ولی این دوران قهر و غضب به درازا نکشید و شاه‌بختی از نو به خدمت فراخوانده شد، چنان‌که در پاییز ۱۳۰۷ با اوج گرفتن شورش عشایر فارس، فرماندهی تیپ فارس را بر عهده گرفت. ولی در این مقام نیز شایستگی قابل توجهی نشان نداد. آخرین مقام نظامی مهم او در زمان رضاشاه، فرماندهی لشکر خوزستان بود که با هجوم نیروهای بریتانیا و شوروی به ایران در شهریور ۱۳۲۰ هم‌زمان شد که یکی از نتایج آن نیز محاصره شدن سرلشکر شاه‌بختی و قوای تحت فرمان او در اهواز بود.

در سال ۱۳۲۳ با تصمیم متفقین مبنی بر فعال کردن محور مواصلاتی بوشهر-شیراز-اصفهان به مثابه یکی از راه‌های ارسال تدارکات نظامی به شوروی - در کنار دیگر محورهای موجود - سرکوب عشایر قشقایی در اولویت قرار گرفت و شاه‌بختی که اینک سپهد شده بود در مقام فرمانده قوای جنوب رشته لشکرکشی‌هایی را در فارس آغاز کرد که با شکست قوای دولتی در نبردهای موک (بر سر راه فیروزآباد) و سمیرم، هیچ‌یک به نتیجه نرسید. ریاست لشکر آذربایجان پس از فروپاشی حکومت پیشه‌وری در سال ۱۳۲۵ آخرین فرماندهی نظامی وی بود.

شاه‌بختی نیز همانند بسیاری از دیگر امرای عالی‌رتبه برجای‌مانده از دوران رضاشاهی، در سال ۱۳۳۱ به‌دستور دکتر مصدق بازنشسته شد ولی در پی کودتای ۲۸ مرداد برای مدتی به‌استانداری آذربایجان منصوب شد و تا پیش از فوت نیز در ادوار دوم و سوم مجلس سنا (۴۰-۱۳۳۲) عضویت داشت.

سپهد محمد شاه‌بختی چنان‌که از سوابق نظامی او به‌طور کلی — و دو نمونه مستندِ عملیات لرستان به‌طور مشخص — برمی‌آید از لحاظ نظامی فرمانده کارآمدی نبود؛ در رویارویی‌هایی جدی مانند عملیات لرستان یا ماجرای لشکر خوزستان در شهریور ۱۳۲۰، سریعاً به‌محاصره قوای مقابل درآمد و در رویارویی‌های دیگر نیز همانند تجربه فرماندهی تیپ مستقل فارس در ۱۳۰۸ یا فرماندهی قوای جنوب، خط‌مشی انفعالی‌ای که اتخاذ می‌کرد، عملاً نتایجی کمتر از محاصره شدن نداشت. در واقع چنین به‌نظر می‌آید که تنها دلیل ارتقاء درجه و استمرار خدمات نظامی‌اش در آن بود که مورد اعتماد کامل رضاشاه — و بعد از او نیز محمدرضاشاه — قرار داشت و نظام حاکم از جانب او هیچ‌گونه خطری احساس نمی‌کرد.

اسناد مجموعه اول، یعنی اسناد محاصره خرم‌آباد، مجموع مدارک و نوشته‌هایی است از تحولات لرستان در بهار سال ۱۳۰۳ یعنی تقریباً کل دوران فرماندهی اولیه شاه‌بختی در آن مرحله. بخش دوم یا اسناد مربوط به عملیات طرهان، فقط دوره‌ای کوتاه از کل دوران ریاست لشکر وی را در این نوبت شامل می‌شود. از این گذشته، یکی دیگر از تفاوت‌های مهم این دو بخش، تفاوت کیفی این دو مجموعه، یعنی وجه مستند بخش اول و صورت گزارش‌گونه بخش دوم است. «محاصره خرم‌آباد» مجموعه‌ای است مشتمل بر ۳۵۰ فقره سند که تحولات آن ایام را از اوایل اردیبهشت تا اواسط خرداد ۱۳۰۳ در بر می‌گیرد. بخش مهمی از این اسناد، گزارش واحدهای تحت فرماندهی شاه‌بختی و دستورالعمل‌های اوست برای این واحدها. در کنار این نوشته‌ها مکاتبات جاری با سران وفادار عشایر یا محدود دستورالعمل‌های مرکز نیز که به‌علت قطع ارتباط معمولاً خیلی دیر وصول شده‌اند، مشاهده می‌گردد که در مجموع تصویر جامعی از عملیات نظامیان به‌دست می‌دهد. بخش دوم، گزارشی است از عملیات روزانه ستون اعزامی به طرهان، در فاصله آبان تا بهمن ۱۳۰۶ و در مقایسه با بخش پیشین که تحولات مورد نظر را از دیدگاه‌های مختلف بیان می‌کند، این متن بیشتر به‌روایتی ویرایش‌شده و بعد از واقعه شباهت دارد تا گزارش روزانه وقایع. از



این رو همانند اسناد محاصره خرم آباد زنده و جاندار نیست. در مقابل، یکی از مزایای مهم بخش دوم منحصر و یگانه بودن آن است. تا پیش از تحکیم قدرت و تأسیس سلطنت پهلوی، با توجه به آزادی نسبی مطبوعات در آن سال‌ها اخبار جسته و گریخته‌ای از عملیات نظامی قشون در ولایات ثبت شده است و لهذا موضوع محاصره خرم آباد چندان ناشناخته و مهجور نیست. در حالی که عملیات بعدی قشون، مانند ماجرای طرهان به هیچ وجه انعکاس مشابه‌ای در جراید وقت نیافت و این گزارش تنها شرح جامعی است که از آن در دست است. چند گزارش رسمی نیز در مجموعه اسناد سازمان اسناد ملی ایران در این زمینه ملاحظه شد که جهت تکمیل اطلاعات موجود در انتها ضمیمه شده است.

البته این گونه اسناد همگی یکجانبه و فقط مبتنی دیدگاه یک طرف ماجرامی باشد و یکی از مهم ترین کاستی‌های آن‌ها نیز آن است که از لحاظ شناخت علل و زمینه‌های طغیان و تمرد گاه به گاه عشایر کمک چندان نمی‌کنند. البته این کاستی را دلیل موجهی است، زیرا غالباً این شورش‌ها جز سوء سیاست و کج فهمی همین مقامات نظامی علت و زمینه دیگری نداشته است و طبیعی است که روایات رسمی و نظامی نیز این وجه از کار را نانوشته بگذارند.

در واقع یکی از اهداف نگارنده از نوشتن مقدمه جداگانه‌ای بر اسناد هر یک از وقایع «محاصره خرم آباد» و «عملیات طرهان» آن است که در تشریح زمینه تاریخی و ابعاد گسترده تر این وقایع، به بخش‌های نانوشته و پنهان حوادث مزبور، یعنی علل کلی بروز چنین وقایع خشونت‌بار نیز اشاره شود.

تاریخ منطقه از دیرباز مشحون از جنگ و جدل و خشونت است. خشونتی که نه فقط در روابط خارجی، که در روابط و مناسبات داخلی ایلات و عشایر آن خطه نیز حکمفرما است. آشوب ناشی از فروپاشی نظام سنتی قاجار، و دشواری‌های شکل‌گیری و تثبیت یک نظام جدید دولتی نیز در تشدید این ویژگی‌ها مؤثر بوده است. در اشاره به دشواری‌های شکل‌گیری و تثبیت نظام جدید، بیشتر به مسائلی چون پراکندگی جمعیت، کوهستانی بودن منطقه، فقدان خطوط مواصلاتی، خوی و خصلت بیابانی عشایر... اشاره شده است که می‌توان از آن‌ها به عنوان دشواری‌های «فنی» سرکوب و اسکات عشایر یاد کرد، در حالی که یکی از مهم ترین دشواری‌های نهفته در این راه مسئله قانون و نحوه حاکمیت و اجرای آن بود.

چنانچه در مقدمات وقایع مورد بحث آمده است در هر دو واقعه مسئولیت بروز این شورش‌ها بیشتر متوجه امرای لشکر است تا «شرارت» و «خبثت» عشایر؛ امیرلشکر امیراحمدی با اقداماتی چون دستگیری و اعدام سران تأمین‌گرفته لُر و کشتار و اسارت توده عشایر بیرانوند در زمستان ۱۳۰۲، زمینه را جهت شورش گسترده عشایر در بهار سال بعد آماده کرد؛<sup>۱</sup> باز هم دستگیری و اعدام سران تأمین‌یافته لُر در سال ۱۳۰۴، مظالم و سخت‌گیری‌های مأمورین خلع سلاح و مالیه در محل و بالاخره اقدامات شاه‌بختی در بهره‌برداری از رقابت‌های محلی بود که به شورش طرهان، و لزوم عملیات نظامی مزبور منجر شد و نه نوعی خوی و خصلت عشایری یا محلی که چاره‌ای جز جنگ باقی نمی‌گذاشت.<sup>۲</sup>

هر دوی این حوادث نیز همانند نمونه‌های بسیاری از دیگر موارد مشابه در عصر رضاشاه، منبعث از نارضایی‌هایی بودند که اگر امکان طرح و بروز قانونی می‌یافتند، چه‌بسا کار به رویارویی‌های خشونت‌بار و اتلاف نیروهای کشور نیز نمی‌رسید. ولی استبداد حاکم که در مناطق عشایری کشور به صورت قدرت بی‌چون و چرای نظامیان جریان یافت، عرصه را چنان تنگ داشت که غالباً جز بروز خشونت‌بار نارضایی‌ها چاره‌ای نمی‌ماند. در واقع، تنها وقتی هم که نوعی دادرسی شکسته‌بسته میسر می‌شد، هنگامی بود که همانند دوران فرمانروایی شاه‌بختی در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۵، و «عملیات طرهان»، دامنه شورش و ناتوانی نظامیان در سرکوب آن چنان بالا می‌گرفت که جز عزل «خاطی» و رسیدگی به خواسته‌های «شاکی» راه دیگری نمی‌ماند.

مع‌هذا هنوز هم بیشتر اسناد و مدارک موجود از تحولات عشایری کشور را در عصر رضاشاه، اسناد و گزارش‌های دولتی تشکیل می‌دهند و اگر صاحب‌نظران و مطلعان برای کشف و ضبط اسناد، یادداشت‌ها و یادمانده‌های محلی اقدام گسترده‌ای به عمل نیاورند، در آخر جز همین‌گونه روایات یکجانبه، چیز دیگری بر جای نخواهد ماند.



متن اصلی این اسناد را دوست و همکار گرامی جناب آقای سیروس سعدوندیان،

در اختیار نگارنده قرار داده‌اند که از ایشان تشکر می‌گردد.

از دشواری‌های اصلی آماده‌سازی این نوشته‌ها ثبت دقیق اسامی جغرافیایی و عشایری متن است. برخی از این نام‌ها در منابع مدوّن موجود به‌صورتی متفاوت از متن نوشته‌شده، برخی نیز اصولاً ثبت نشده‌اند. سعی شد با استفاده از راهنمایی‌های آقایان حمید ایزدپناه<sup>۱</sup> و اردشیر کشاورز که لطف کرده متن حروفچینی‌شده این نوشته‌ها را مطالعه فرمودند با توجه به دانش خود از تاریخ و جغرافیای منطقه نکاتی را متذکر شدند، از اینگونه کاستی‌های احتمالی پرهیز گردد، مع‌هذا نگارنده تردید دارد که توانسته باشد از تمام راهنمایی‌های اساتید گرام استفاده کرده باشد. در پایان جا دارد از لطف و همراهی دوست گرامی جناب آقای سید فرید قاسمی نیز تشکر گردد که گذشته از تاریخ مطبوعات، در طرح و شناخت مسائل لرستان نیز صاحب‌نظر و پرتلاش هستند.

کاوه بیات

زمستان ۱۳۷۳

---

۱. تمام توضیحات درون [ ] در حواشی کتاب از آقای ایزدپناه است.

# محاصره خرم آباد

## مقدمه

تلاش‌های اولیه دولت برای اعاده حاکمیت مرکز لرستان در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۲ با آنکه با زدوخوردهای متعددی نیز توأم بود، ولی با توفیق چندانی روبرو نشد. در واقع به علت تمرکز اکثر نیروهای موجود در صفحات شمالی و به ویژه شمال غربی کشور برای پایان دادن به شورش جنگل و غائله سمکو در آذربایجان غربی، عملیات نظامی لرستان در این سال‌ها بیشتر جنبه بازدارنده داشت و فتوحات قشون از حول و حوش بروجرد فراتر نرفت.

در این ایام حتی همان مختصر توجه و حفظ ظاهری نیز که معمولاً نسبت به حکومت خرم آباد مبذول می‌شد، مشاهده نمی‌شود. میرزا رحیم خان معین السلطنه نایب‌الحکومه و مشیر و مشار سنتی دولت در خرم آباد، در اوائل شهریور ۱۳۰۲ در نامه‌ای به ریاست وزرا، ضمن اشاره به عدم رسیدگی و بی‌توجهی مرکز نوشت: «... مدتی است که هیئت دولت به کلی چشم از خرم آباد و لرستان پوشیده‌اند. مأمورین آن دولت از نظامی و غیرنظامی به خاک لرستان قدم نمی‌گذارند...»<sup>۱</sup> ولی چنانچه اشاره شد، دیگر اولویت‌های نظامی کشور مانع از استقرار قوای کافی در لرستان بود. کما اینکه رضاخان سردار سپه نیز در اشاره به نامه معین السلطنه که برای نظرخواهی از سوی ریاست وزرا به وزارت جنگ ارسال شده بود، نوشت که «تنظیم و اصلاح وضعیت» خرم آباد موکول به استقرار قوای نظامی است.<sup>۲</sup>

چنانچه از گزارش کلنل ساندرز وابسته نظامی سفارت بریتانیا برمی‌آید رضاخان

۱. معین السلطنه به ریاست وزرا، نمره ۵۰۴، ۲۰ شهر محرم [۱۱ شهریور] ۱۳۰۲. (اسناد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی از این پس «مؤسسه») ۸۹۸۰-۸۹۶۴-۱۹.

۲. وزارت جنگ به ریاست وزرا، نمره ۱۱۸۳۸، ۴ میزان ۱۳۰۲. مؤسسه ۸۹۶۶۰-۱۹.

قصد داشت در پاییز همان سال نیرویی معادل چهار هزار نفر را به لرستان اعزام دارد تا پیش از بهار و فرارسیدن موسم بازگشت کل عشایر به نواحی تابستانی ایل در اطراف خرّم آباد و بروجرد، در نقاط سوق الجیشی مسیر ایل، نیرو مستقر ساخته و کار خلع سلاح لرهارا آغاز کند.<sup>۱</sup>

در پاییز ۱۳۰۲ قوایی از مرکز اعزام شد تا با همکاری تیپ پیاده لشکر غرب که در بروجرد متمرکز بود به سوی خرّم آباد پیشروی شود. نیروی عمده‌ای که در برابر نظامیان قرار داشت عشایر بیرانوند بودند که با حدود هجده هزار خانوار نفوس، کل مسیر و حول و حوش محور بروجرد-خرّم آباد را در دست داشتند. در اواخر شهریور و اوایل مهر ۱۳۰۲ برخی از سران ایل چون شیخ علی خان امیر عشایر و غلامعلی خان امیرهمایون در پی اقدامات شریف الدوله والی لرستان و سر تیپ شاه‌بختی فرمانده تیپ پیاده غرب تأمین گرفته بودند، از این رو جز طایفه یاراحمدی که به علت بازداشت پاره‌ای از رؤسای خود به دست نظامیان، عاصی شده بودند، نیروی دیگری از بیرانوند در مقابل نظامیان نبود.<sup>۲</sup> مع‌هذا با توجه به خصوصیات جغرافیایی مسیر بروجرد-خرّم آباد و تسلط عشایر بر مواضع سوق الجیشی آن، پیشروی نیروهای نظامی که در آذر ۱۳۰۲ آغاز شد تنها پس از یک رشته نبردهای شدید - به ویژه در اطراف تنگ زاهدشیر - میسر شد.<sup>۳</sup> ورود نیروهای دولتی به خرّم آباد (۲۲ آذر ۱۳۰۲) همانند فتح چهریق در سال گذشته، با تبلیغات محلی و مملکتی گسترده‌ای توأم شد.<sup>۴</sup>

پس از فروکش جنجال و هیاهوی «فتح» خرّم آباد، با احداث برج‌ها و استحکاماتی در مسیر بروجرد-خرّم آباد و اطراف شهر و جلب و تأمین دیگر رؤسای محلی برای تحکیم موقعیت نیروهای دولتی اقداماتی آغاز شد. چنین به نظر می‌آمد که

1. Lieut- Col. M. Saunders. Sept. 29, 1923. F. O. 416/72.

۲. اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از بروجرد به طهران، نمره ۱۴، ۴ میزان ۱۳۰۲، شریف الدوله به ریاست وزرا. و اداره تلگرافی دولت علیه ایران، از بروجرد به طهران، نمره ۱۲۶، ۲۸ سنبله ۱۳۰۲، شریف الدوله به ریاست وزرا. مؤسسه ۸۹۶۴۰۰-۱۹؛ همچنین: محمدرضا والیزاده معجزی، سفرهای رضاشاه کبیر به لرستان، از انتشارات انجمن ادب و قلم لرستان، وابسته به اداره فرهنگ و هنر لرستان، لرستان، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]، صص ۳۱-۳۳.

۳. برای آگاهی بیشتر بنگرید به امیراحمدی، احمد، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، صص ۲۰۹-۲۰۳.

۴. برای مثال بنگرید به جراید ذیل: ایران، ۲۹ جوزا ۱۳۰۲، مجله پهلوی، ۲۸ جوزا ۱۳۰۳.

چنانچه در نظر گرفته شده و اقتضای کار نیز بود، زمینه لازم برای خلع سلاح عشایر و به فرمان درآوردن سایر طوایف و تیره‌ها فراهم آمده است، ولی با دستگیری تنی چند از سران عشایر چون شیخ‌علی خان بیرانوند و مهرعلی خان حسنونند که قبلاً تأمین گرفته و حتی با سوارانشان به خدمت نیروهای دولتی درآمده بودند — به‌خدعه و نیرنگ و شیخون همزمان بر ایل و احشام بیرانوندها — تحولات لرستان مسیر دیگری در پیش گرفت. البته برخلاف قول و قسم عمل کردن دولتی‌ها پدیده نو و نادری نبود و سابقه‌ای طولانی داشت. آنچه تا حدودی نوآوری محسوب می‌شد، کشتار وسیع و هولناک توده انبوهی از زن و مرد و کودک بیرانوند بود که هم‌زمان با این دستگیری‌ها صورت گرفت؛ در شب ۱۵ دی، نیروهای دولتی بدون مقدمه، از چند طرف بر عشایری که بین تنگ زاهدشیر و تنگ رباط می‌زیستند هجوم آورده و چندصد تن از آن‌ها را کشته و همین حدود را نیز اسیر کردند.<sup>۱</sup> چندی بعد نیز شیخ‌علی خان بیرانوند و مهرعلی خان حسنونند و حسین خان سردار اشرف و تنی چند از دیگر رؤسای طوایف لر محاکمه و اعدام شدند.<sup>۲</sup>

امیراحمدی اندک‌زمانی پس از این واقعه و در توجیه کشتار مزبور و به‌ویژه بازداشت مهرعلی خان امیرمنظم گزارش کرد: «... به‌موجب اسناد و مدارک که به‌دست آمده، مشارالیه توطئه‌های عظیمی بر علیه قشون و وضعیات امروزه تهیه می‌دیده است، لذا پس از یک‌رشته اقدامات و تدابیر عملی روز گذشته [یعنی ۱۰ حوت اسفند] خود امیرمنظم و حسین خان امیراکرم و حسن خان سردارافخم و کریم خان سردار مظفر اخوان مشارالیه با سیصد نفر از بستگان و اتباعش بوسیله نظامیان رشید لشکر غرب دستگیر و خلع سلاح گردیدند...»<sup>۳</sup> با این حال وی نه در این گزارش و نه در خاطرات خود از «توطئه‌های عظیمی [که] بر علیه قشون و وضعیات امروزه» تدارک شده بود اطلاعی به‌دست نمی‌دهد.

امیراحمدی در خاطرات خود می‌نویسد چون اطلاع یافته بود که لر‌ها قصد دارند در شب ۱۷ دی به خرم‌آباد حمله کنند، در مقام پیشدستی برآمده و دست به‌چنین

۱. از تلفات این عملیات روایات مختلفی در دست است: به‌نوشته روزنامه ایران، ۴۰۰ نفر کشته و ۳۰۰ نفر نیز اسیر شدند (ایران، ۴ دلو [بهمن] ۱۳۰۲). در «خاطرات» امیراحمدی از ۱۵۰ کشته و ۸۰۰ نفر اسیر یاد شده است. ص ۲۲۰.  
 ۲. مجله پهلوی، ۲۵ حوت [اسفند] ۱۳۰۲.  
 ۳. مجله قشون، شماره اول، سال سوم، حمل ۱۳۰۳.

اقداماتی زد<sup>۱</sup>. این گفته امیراحمدی — چنانچه ملاحظه خواهد شد — همانند بسیاری دیگر از نوشته‌هایش در این زمینه مقرون به صحت نیست. بعید به نظر می‌آید که لر‌ها در آن وقت از سال، یعنی اواسط دی‌ماه که بخش مهمی از عشایر در مناطق گرمسیری جنوب لرستان بودند، بخواهند و بتوانند خرّم‌آباد را مورد هجوم قرار دهند. به احتمال قوی مقصود امیراحمدی آن بود که از ضعف کمتی و موقعیت آسیب‌پذیر لر‌ها در آن فصل از سال و همچنین اطمینان خاطر آن‌ها از تأمین دولت استفاده کرده و در تدارک عملیات بهار، ضربه‌ای اساسی بر آن‌ها وارد بیاورد<sup>۲</sup>. به هر حال این اقدام در میان عشایر به طور کلی و عشایر لرستان بالاخص، تأثیر بسیار نامطلوبی بر جای نهاد. به‌ویژه آنکه این اقدامات که تحت عنوان «اسکان» صورت می‌گرفت با اقدامات موهنی چون ارائه بسیاری از مردان و زنان و کودکان اسیر به عنوان «رعیت» به مالکین محلی نیز توأم شد؛ در اوایل اسفند همان سال کمیسیونی متشکل از رؤسای دواير دولتی و مالکین محلی تشکیل شد و امیراحمدی با تأکید بر سرکوب تمام و کمال لر‌ها، در این مجمع اظهار داشت که «... افراد ایل برای رعیتی حاضرند... [و] ... هر یک از مالکین هر چه رعیت لازم دارند درخواست نمایند که از افراد ایل فرستاده شود...»<sup>۳</sup>

چند صباحی پیش از ابراز «مراتب رضایت خاطر و قدردانی» رضاخان از امیراحمدی، به خاطر «تصفیه لرستان و تنکیل و سرکوبی رؤسای بیرانوند و قلع و قمع اشرار» نگذشته بود که آشکار شد که اقدامات امیراحمدی نه تنها به «تصفیه صفحه لرستان» کمکی نکرده، بلکه با دامن زدن به آتش کین‌خواهی و انتقام‌جویی لر‌ها موجب آشوب و اغتشاش بیشتر آن صفحات نیز شده بود. محاصره خرّم‌آباد در بهار ۱۳۰۳ که اسنادش موضوع اصلی مجموعه ذیل است، حاصل این تحولات بود.



با فرارسیدن فصل بهار و بازگشت عشایر از مناطق زمستانی به بیلاق‌های شمال

۱. امیراحمدی، خاطرات، ص ۲۱۶.

۲. شرح والیزاده معجزی از این حادثه نیز مؤید نادرستی روایت امیراحمدی و سوءاستفاده وی حسن ظن اولیه سران بیرانوند است. نه تنها طرح و برنامه‌ای برای حمله به خرّم‌آباد در کار نبوده است بلکه رؤسای عشایر برای نزدیکی و تقرب به حکومت نظامی رقابت و همچشمی نیز داشته‌اند. والیزاده معجزی، پیشین، ص ص ۴۰-۴۵.

۳. روزنامه ایران، ۱۳ حوت ۱۳۰۲.

لرستان، غلامعلی خان و لطیف خان بیرانوند به خونخواهی پدر برخاستند. گروهی از دیگر طوایف لر چون پاپی و سگوند و چگنی... نیز وارد کار شدند. چنانچه از اسناد این مجموعه برمی آید شورش لرها در آغاز بیشتر به صورت یک رشته برخوردهای پراکنده و بی ارتباط بروز می کند. ولی از همان ابتدای کار نیز تلاش نظامی ها برای سرکوب این حرکات بی نتیجه می ماند (اسناد شماره ۴۰ تا ۵۰) و به تدریج دامنه طغیان گسترش می یابد. امیراحمدی در تهران است؛ بحران ناشی از شکست ماجرای جمهوری که موجب کناره گیری موقت رضاخان از امور گردید، به احضار اکثر رؤسای لشکرها به تهران و چاره اندیشی جهت ادامه کار منجر شده بود. سر تیپ شاه بختی که در غیاب امیراحمدی، در مقام فرماندهی تیپ پیاده لشکر غرب، فرماندهی قوای لرستان را نیز بر عهده داشت به رغم دستورالعمل های تلگرافی امیراحمدی مبنی بر اعزام نیروهایی جهت سرکوب لرها (سند شماره ۵۱) بیشتر خواهان اتخاذ یک سیاست دفاعی و منتظر دریافت قوای امدادی است (سند شماره ۵۲).<sup>۱</sup>

از اواسط اردیبهشت، محاصره خرم آباد جنبه ای قطعی یافت (سند شماره ۱۰۶) و فرمانده لشکر غرب نیز روحیه مناسبی نداشت. در واقع آنچه شاه بختی در توصیف روحیه افسران اعزامی از مرکز گزارش می کند بیشتر به وصف حال خودش شباهت دارد: «... بدون جهت مرعوب به هیچ وجه وجودشان قابل استفاده نیست. عوض اینکه وسیله تشجیع افراد را فراهم کنند بالعکس مذاکرات و حرکات وهن آمیز آنها به کلی نفرات را بی پا و خیال نظامیان را نیز مشوب نموده است»<sup>۲</sup>. وی حتی در همان مراحل اولیه محاصره نیز امیدی ندارد که بتواند بیش از ۸ ساعت مقاومت کند و تصور می کند «... این آخرین راپرتی است که فدوی موفق به عرض آن گردیده... این است از دور دست مبارک را فشار داده و خدا حافظی ابدی...» می کند.<sup>۳</sup> البته تمام واحدهای تحت فرمان شاه بختی چنین روحیه ای نداشتند و دفاع جانانه آنها مانع از سقوط خرم آباد شد. یاور ابراهیم خان ضرابی، با عده قلیلی استحکامات تنگ زاهدشیر را حفظ کرد و افرادی چون سلطان سید حسن رضوی فرمانده گروهان چهارم که در کوه مدبه مستقر بود نیز در دفاع از خرم آباد نقش مهمی ایفا کردند. و

۱. بخش قابل توجهی از مکاتبات این مجموعه را درخواست های شاه بختی مبنی بر اعزام هر چه سریع تر قوای مستقر در الشتر (به فرماندهی سرهنگ گریکو) به سوی خرم آباد تشکیل می دهد.

۲. سند شماره ۱۴۷.

۳. سند شماره ۱۰۲.



به‌همچنین نایب حسنین افغان فرمانده قوای تنگ رباط. در حالی که این اسناد از تحولات نظامی خرم‌آباد و اطرافش تصویر دقیق و روشنی به‌دست می‌دهند، آنچه چندان روشن و واضح نمی‌باشد، نحوه واکنش و عملکرد مرکز در قبال این تحولات است.

تصویری که امیراحمدی در خاطراتش از ماجرای خرم‌آباد به‌دست می‌دهد مخدوش و نادرست است و اسناد و مدارک موجود، به‌ویژه اسناد این مجموعه و احکام قشونی لشکر غرب (که همراه با خاطرات امیراحمدی منتشر شده‌اند) بیانگر این نادرستی و بی‌حقیقتی است. روایت امیراحمدی از این تحولات به‌قرار ذیل است: در تهران نزد رضاخان بود که خبر محاصره خرم‌آباد رسید، فوراً توسط تلگرافخانه بروجرد پیامی در تشجیع شاه‌بختی و وعده اعزام سریع قوای امدادی مخابره می‌کند. همان روز فوج بهادر را به‌فرماندهی سرهنگ کریم آقاخان بوذرجمهری تحویل گرفته و با مصادره تعدادی اتوموبیل، بخشی از قوای مزبور را به‌بروجرد اعزام داشت. خودش نیز فردای همان روز راهی بروجرد شد و بعد از ظهر وارد شهر شد. قوای گریکو نیز بنا به‌دستور صادره همان روز وارد بروجرد شده بودند، دو ساعت بعد، در عصر همان روز راهی جبهه شده و ارتفاعات مشرف بر رازان را از دست لرها گرفت. و فردای آن روز نیز نظامیان مستقر در تنگ زاهدشیر را از محاصره درآورده و خرم‌آباد را نجات داد. به‌عبارت دیگر در عرض سه روز مسئله خرم‌آباد را حل و فصل کرد.<sup>۱</sup> در صورتی که بر اساس اسناد موجود از روزی که خبر محاصره خرم‌آباد واصل شد تا رهایی آن، حدود ۳۰ روز به‌طول انجامید و نه ۳ روز.

ارتباط تلگرافی و اصولاً کل ارتباط خرم‌آباد با جهان خارج از ۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۳ قطع شد. سرتیپ شاه‌بختی نیز از چند روز پیش از این واقعه با خاطرنشان ساختن وخامت وضع خواستار اعزام قوای کمکی شده بود. در یکی از آخرین تلگراف‌هایی که در اواسط اردیبهشت از تهران به‌خرم‌آباد رسید، امیراحمدی وعده داد که در عرض چند روز با قوای مکفی و طیاره حرکت کند (سند شماره ۱۰۳) ولی فقط حدود ده روز به‌طول انجامید که خود را به‌بروجرد رساند (۲۷ ثور) و ده روز دیگر نیز گذشت که با اعزام قوای سرهنگ گریکو به‌سمت رازان در ۹ اردیبهشت،

عملیات رهایی خرم آباد آغاز شود.<sup>۱</sup> و باز هم برخلاف آنچه در «خاطرات» ترسیم شده است امیراحمدی شخصاً در هیچ یک از نبردهای مسیر بروجرد-خرم آباد حضور نداشت و در طول این چند روز نبرد همیشه یک منزل از قوای عملیاتی عقب بود؛ در حالی که قوای سرهنگ گریکو برای تصرف ارتفاعات رازان تلاش می کردند، امیراحمدی در بروجرد بود<sup>۲</sup> و هنگامی نیز که قوای مزبور به سمت زاغه رهسپار شدند وی در چالانچولان اقامت داشت.<sup>۳</sup> و در زمانی که اردوی سیار در تدارک راهیابی به زاهدشیر بود، امیراحمدی در تجربه بود.<sup>۴</sup> تنها وقتی که در رأس قوای اعزامی قرار داشت، هنگامی بود که در پایان عملیات و با استقرار اردوی سیار در تنگ زاهدشیر، پیشاپیش دیگر واحدهای نظامی وارد خرم آباد شد (۱۵ خرداد).<sup>۵</sup>

در مقایسه با عملیات نظامی پاییز ۱۳۰۲، عملیات «فتح» مجدد خرم آباد در این نوبت، با سهولت بیشتر و درگیری های بالنسبه سبک تری صورت گرفت. با توجه به گزارش های موجود در این مجموعه چنین به نظر می آید که نیروی اصلی لرها صرف نبردهایی شد که برای دستیابی بر خرم آباد صورت گرفت و با توجه به شدت نبردهای مزبور از مدت زمانی پیش از حرکت قوای امیراحمدی از بروجرد، از فشار لرها در جبهه جنگ کاسته شده بود.<sup>۶</sup> در واقع مشکل اصلی خرم آباد حفظ آن بود و نه تصرفش. کما اینکه هنوز چندساعتی از ورود امیراحمدی به شهر نگذشته بود که قوای عشایر برای قطع مجدد ارتباط خرم آباد بر نیروهای سرهنگ گریکو در زاهدشیر حمله آوردند. اگرچه با مقاومت نظامیان این تلاش لرها نیز در هم شکست<sup>۷</sup> ولی چنانچه از مابقی احکام قشونی لشکر غرب برمی آید اقدامات امیراحمدی برای بسط اقتدار نظامیان با سرعت و موفقیت چندانی توأم نبود؛ هم زمان با تلاش های محتاطانه امیراحمدی برای استقرار مجدد نیرو در برخی از استحکامات از دست رفته اطراف

۱. سند شماره ۲۴۱.

۲. حکم عملیاتی فرماندهی کل قوای لرستان و خوزستان (از این پس «حکم») شماره ۲، ۹ جوزا ۱۳۰۳، به نقل از امیراحمدی، احمد، اسناد نخستین سپهبد ایران، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، صص ۳۹-۴۱.

۳. حکم شماره ۶، ۱۲ جوزا ۱۳۰۳، اسناد نخستین سپهبد ایران [از این پس اسناد امیراحمدی، صص ۴۷-۴۸].

۴. حکم شماره ۸، ۱۴ جوزا؛ اسناد امیراحمدی، صص ۵۰-۵۲.

۵. حکم شماره ۹، ۱۵ جوزا؛ [متن اصلی احکام، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی].

۶. بنگرید به گزارش های همین مجموعه در اوائل جوزا.

۷. حکم شماره ۱۰، ۱۶ جوزا؛ اسناد امیراحمدی، ص ۵۴.

خرم‌آباد مانند قلعه ماسور، هنوز در اطراف تنگ زاهدشیر نبردهای پراکنده ادامه داشت و حوزه اقتدار نظامی‌ها از حول و حوش خرم‌آباد فراتر نرفت.<sup>۱</sup> تنها در اواخر مرداد بود که سعی شد با حمایت قوای چریک در مناطقی دورتر از شهر، عملیات محدودی صورت گیرد.<sup>۲</sup>

در کنار این اقدامات نظامی، برای تحکیم موقعیت دولت از لحاظ سیاسی نیز تدابیر مهمی اتخاذ شد؛ در حالی که امیراحمدی پس از بازگشت به لرستان، بدون توجه به نتایج سیاست نادرست پیشین هنوز هم «... برانداختن نام لر از صفحه لرستان...» را وعده می‌داد<sup>۳</sup> و اطمینان داشت «... که این مرتبه به‌طوری قوای الوار را درهم خواهد شکست که بعدها قدرت جزئی حرکت ننمایند»<sup>۴</sup>، از طهران دستورالعمل متفاوتی رسید. اقدامات امیراحمدی در مرکز بازتاب نامساعدی یافته و انتقادهایی را برانگیخته بود.<sup>۵</sup> رضاخان در ۱۹ مرداد، در حالی که ریاست وزرا را نیز عهده‌دار شده بود، طی مخابره تلگرافی به امیراحمدی لحنی به‌کار گرفت کاملاً متفاوت از لحن حاکم. اینک سخن از عفو و اغماض بود و اینکه «... کلیه طوایف و ایلات لرستان [را] جزو سکنه این مملکت و از فرزندان غیور و رشید ایران محسوب...» داشته و ضمن چشم‌پوشی از «... اعمال و خبط و خطاهایی که مرتکب...» شده‌اند اعلان عفو عمومی داده شود.<sup>۶</sup> امیراحمدی نیز «... برای اینکه یک بار دیگر رأفت و عطوفت بندگان حضرت اشرف... را به آن‌ها چشانیده و لذت زندگانی را در تحت سرپرستی یگانه ناجی و محیی مملکت [را] به آن‌ها...» بفهماند، بیانه‌هایی مبنی بر عفو عمومی منتشر کرد.<sup>۷</sup> و به این ترتیب مرحله دیگری از تاریخ پرفراز و نشیب لرستان پشت سر گذاشته شد.

۱. احکام شماره‌های ۱۱ تا ۱۴، پیشین، صص ۵۴-۶۲.

۲. احکام شماره ۷۲-۷۴، پیشین، صص ۱۵۳-۱۵۶.

۳. سخنرانی در بروجرده، به‌نقل از روزنامه ایران، ۱۲ جوزا ۱۳۰۳.

۴. سند شماره ۲۹۲، همین مجموعه. ۵. روزنامه ستاره ایران، ۱۵ سرطان ۱۳۰۳.

۶. مجله پهلوی، ۲۸ جوزا ۱۳۰۳، ص ۵.

۷. پیشین، ص ۸.

## اسناد

### ۱

قربان وجود ذی وجود مبارک گردهم. تا جهان را بقا بود ممکن — عز و جاه تو در ترقی باد. خلاق متعال سایه بلندپایه حضرتت را بر رئوس قاطبه چاکران پاینده باد و همواره اسباب مسرت برقرار باشد. ضمناً لازم شد عریضه نگار شوم که از جمله محوشدگان نباشم. وقتی که شرفیاب حضور محترم اسعد امنع آقای امیر غرب شدم حضرت عالی تشریف نداشتید اکنون سبب جسارت است. قربانت رجوع کار از برای بروز خدمت است. این راه متعلق به مخلصان و ربطی به آقای صادق خان نداشت و معادل دو ماه است مواجب فدوی را نداده است و صادق خان سگوند خورده است. تمام حکام سنوات ماضیه حسن خدمات چاکر را ملحوظ خاطر داشته به سر مبارک قسم است وقتی خود صادق خان و سگوندها از این راه عبور می کردند می بایستی به ما باج بدهند، اما بسته به مساعدت حضرت عالی است. یعنی این کارهای رضاقلی خان یاور است در صورتی که تمام کارهای صادق خان خدعه است. لازم شد اطلاع دهم صادق خان می رود پیش سردار اقدس شیخ خزعل می گوید اطمینان قلبی داشته باشید این دوره جمهوری است و همه نوع در خدمتگذاری حاضرم. ۱۲ هزار تومان پول گرفته، تمام کارش خیانت است و حيله. از آنجا که مراجعت می کند خدمت حضرت آقای یاور رضاقلی خان به میل آقای یاور گفتگو می کند، بله به این قسم تزویر پیش گرفته است. چاکر مستدعی است از حضور محترم اقدام کاملی در مستدعیات فدوی واقعی

بفرمایید که به مثل سابق خدمتگذار بوده و هستیم. هر گونه فرمایشی باشد اطاعت داریم. اما این قدر فراموشی با این قرب مسافت روا نمی باشد. یقین است بی مرحمتی نخواهید فرمود ایام عزت مستدام باد. میر ایمان دیرکوند.

## ۲

نمره ۱۲۵۸، ۷ ثور ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت میرایمان خان، معروضه شما واصل و ملاحظه شد. شرحی را که از خدمات خود اظهار داشته اید رسیده از مطالبش مستحضر و نهایت خوشوقت شدم. بدیهی است که شما همیشه خدمتگذار دولت بوده اید و اینجانب نیز شما را خدمتگذار دانسته و نسبت به امورات شما نهایت مساعدت و همراهی را خواهم داشت. البته خدمات شما بی نتیجه نخواهد ماند.

[برای آنکه] از هر حیث آسوده و راحت بوده باشید لازم است خودتان به شهر آمده اینجانب را ملاقات نموده مطالبی که دارید حضوراً گفتگو و مذاکره نموده با گرفتن دستورات و تعلیمات لازمه به محل خود مراجعت نموده مشغول انجام خدمات مرجوعه خود بوده باشید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۳

یاور ابراهیم خان<sup>۱</sup> کشف کرده برسانید.

رنگرزان. عمدة الامراء العظام شیر محمد خان ایل خانی<sup>۲</sup>. مذاکرات شما با خوانین پایی به طول انجامیده، لازم است هر چه زودتر مذاکرات را ختم نموده در صورتی که حاضر برای تسلیم و اطاعت دولتی می باشند احشام و قاطرها را مسترد داشته و به وسیله شما تقاضای عفو و اغماض از تقصیرات

۱. یاور ابراهیم خان ضرابی، فرمانده یک گردان سوار از فوج سوار فاتح (الشکر مرکز).

۲. شیر محمد خان سگوند.

گذشته نموده با دادن اطمینان کامل احشام را تحویل گرفته و چند نفر از خوانین ایل مذکور به همراه خود نزد اینجانب آورده و مراحم دولت را به آنها خاطر نشان کرده با گرفتن دستورات لازمه به محل خود مراجعت نمایند. نتیجه را فوراً راپرت دهید. ۹ ثور، نمره ۱۲۹۱. رییس تیپ پیاده، محمد.

#### ۴

همدان. حضرت ایالت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند احشام فیال<sup>۱</sup> که قریب به چهار هزار رأس بوده و در چراگاه بوده‌اند، الوار از گردنه ونایی سرازیر شده به احشام حمله و کلیه را می‌برند. نظامیان پست‌های فیال و حاجی آباد ونایی سارقین را تعقیب و احشام را کلیه مسترد و به صاحبانش پس می‌دهند. محض راپرت عرض شد. ۹ ثور، نمره ۱۱۶۹، رییس تیپ پیاده، محمد.

#### ۵

همدان. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. یاور ابراهیم خان راپرت می‌دهد لیل ۹ برج جاری کای رَمَت<sup>۲</sup> ها به قریه حسین آباد ثقة الاسلام رفته دو نفر را کشته مقداری احشام به غارت می‌برند. سلطان حسن خان وزیری با عده سوار در آبادی گوشه پل جلوگیری کرده شبانه تعقیب در نتیجه کل احشام را گرفته به رعایا مسترد نموده قبض دریافت داشته است. راپرتاً عرض شد. ۱۱ ثور، نمره ۱۳۰۳. رییس تیپ پیاده، محمد.

#### ۶

از بروجرد. بندگان حضرت اجل ریاست تیپ پیاده و فرمانده محترم اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند مطابق راپرت نایب

اول شجاع نظام الوار مکرر به پست‌های تنگ دینار آباد و برج‌های جدید البنا حمله آورده و با عدم موفقیت مراجعت می‌کنند. ۵۰ نفر قوای گروهان اول [در] دو قسمت و در دو نقطه مختلف به حراست پست‌ها و بروج مشغول هستند. پس از قضیه سویی که برای قسمت فوج دفاع حادث گردیده الوار فوق‌العاده جری و با نهایت تهور شب و روز به قوای نظامی و پست‌ها حمله می‌نمایند و همین قضیه سوء باعث شده الواری که تخت قاپو شده‌اند به خیال فرار افتاده و تا به حال چندین خانوار فرار کرده‌اند و یقین خاطر مبارک مستحضر است الواری که تخت قاپو شده‌اند در دهاتی می‌باشند که پست نظامی در آنجا نیست که از فرار آن‌ها در شب‌ها جلوگیری نماید. با کمی عده و فقدان قوای سیار که در موقع لزوم به جاهایی که لازم است کمک و امداد داده شود وضعیت وخیم را بر تأمروض گردید. ۹ ثور، نمره ۱۲۱۲، نصرالله خلعتبری<sup>۱</sup>.

## ۷

به بروجرد. تلگراف. فرمانده فوج گارد سپه. نمره ۱۲۱۲ ملاحظه شد لازم است اول در هر آبادی که الوار تخت قاپو را سکنا داده‌اید کدخدای محل را مسئول که از فرار آن‌ها جلوگیری نماید و در صورت لزوم و وقوع سوءظن نزدیکترین پست را مطلع [آن‌ها] دستگیر و با جدیت کامل از تهاجم اشرار جلوگیری نمایند. خود شما تصدیق می‌کنید که در این مدت مأمورین شما ابداً خدمت نمایانی نکرده و این قضیه خود بر تهاجم و تجری الوار افزوده، لهذا لازم است صاحب‌منصب مأمور را مسئول قرار دهید که در قلع و قمع اشرار جدیت کامل به خرج داده و نگذارد بر تهاجم سارقین افزوده شود. ۱۱ ثور، نمره ۱۳۱۱، رییس تیپ پیاده، محمد.

۱. سرهنگ نصرالله خلعتبری، فرمانده فوج گارد سپه (فوج فدوی سابق) از لشکر غرب.

۸

همدان. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. دیرک وندها<sup>۱</sup> راجع به محصولی که در اطراف خرم آباد دارند فوق العاده متوحش هستند و در این خصوص الی کنون شرحی ننوشته اند ولی به طوری که انتشار دارد با طوایف چگنی مبنی بر اتحاد مشغول مذاکره هستند. نتیجه مذاکرات معلوم نیست. پس از کسب اطلاع راپرت عرض می شود و از طرف حضرت اجل هم در خصوص محصول دیرک وندها دستوری مرحمت نشده متمنی است در این خصوص دستوری مرحمت فرمایید تا به همان وتیره رفتار شود. محض راپرت عرض شد. ۱۰ ثور نمره ۱۳۱۲، رییس تیپ پیاده، محمد.

۹

نمره ۱۳۲۰، ۱۲ ثور ۱۳۰۳.

کدخدا شیر محمد، کدخدا ظهراب و کدخدا علی شاه (دیرک وند). شرحی سابقاً نوشته شده اینک نیز مجدداً بر حسب تقاضای تجار تذکر می دهیم که محمولات تجارتی را که شما حامل می باشید به خرم آباد با کمال اطمینان آورده و به صاحبانشان تحویل نمایید. راه شهر برای شماها باز و حکم داده ام هیچ کس متعرض عابرین آن ایل نخواهد شد و چنانچه مایحتاج و آذوقه لازم داشته باشید از شهر خریداری کرده ببرید. به هیچ عنوان از شماها جلوگیری نمی شود و از هر حیث آسوده خاطر بوده بلکه از طرف اداره قشونی همه قسم رأفت و مهربانی نسبت به شماها معمول خواهد شد. رییس تیپ پیاده لشکر غرب و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

۱۰

همدان. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. فرمانده فوج



گارد سپه را برت داده و تقاضا می کند در این موقع که از طرف الوار متمرّد و پراکنده شده به قراء کلنگانه و غیره دستبرد و حمله می شود و مالکین مخصوصاً آن هایی که مجاور با محل الوار هستند متوحش و همه روزه تقاضای تفنگ برای حراست خود می نمایند و نیز مطابق را برت صارم الممالک ۱۵۰ نفر از طایفه حسنونند با اسلحه در اطراف ونایی دیده شده مستدعی است اجازه فرمایید که با گرفتن ضامن به هر یک از قراء چند قبضه اسلحه داده شود. را برتاً عرض شد تا هر قسم امر فرمایید رفتار شود. ۱۲ ثور، نمره ۱۳۶۶، رییس تیپ پیاده لشکر غرب، محمد.

## ۱۱

از بروجرد. تلفونگرام. بندگان حضرت اجل ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی نظامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند دیشب عدّه عبدال به خانه های محمدتقی خان بیرانوند که دور از پست ها سکونت دارند آمده احشام او را غارت می نمایند. نمره ۱۲۱۳، نصرالله خلعتبری، نایب سرهنگ.

## ۱۲

بروجرد. تلفونگرام. فرمانده فوج گارد سپه. جواب نمره ۱۲۱۳. لازم است محمدتقی خان را احضار و از طرف من اطمینان و امیدواری دهید که قریباً از طرف حضرت امارت جلیله دامت شوکته جبران احشام رفته اش خواهد شد. ابداً از این قضیه نگران نباشد. ۱۲ ثور، نمره ۱۳۶۷، رییس تیپ پیاده لشکر غرب، محمد.

## ۱۳

نمره ۴۶، ۱۲ ثور ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده قوای اعزامی لرستان

دامت شوکته. محترماً بر طبق راپرت واصله از پست کوره آجرپزی به عرض می‌رساند دیروز یک ساعت بعد از ظهر چهل نفر تفنگچی و سی نفر سوار از طوایف گرمسیری بیرانوند به گله طایفه سگوند حمله برده، سی گوسفند و یک رأس اسب به غارت بردند بعد عباس، امیر و سید مراد امنیه تعقیب کرده پس از سه ساعت زدو خورد بیست رأس گوسفندها را پس گرفته و ده رأس گوسفند با یک رأس اسب به غارت می‌برند و مقدار شصت عدد فشنگ در این قضیه به مصرف رسیده محض اطلاع عرض شد. فرمانده بهادران ۵ امنیه. سید حسن ناظری.

## ۱۴

نمره ۱۳۶۹، ۱۴ فور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده امنیه خرم آباد (بهادران ۵). نمره ۴۶ ملاحظه. لازم است عملیات و خیالات امنیه‌ها را کاملاً در نظر گرفته و از وضعیتشان مستحضر باشید زیرا ممکن است به وسیله این قبیل راپرت‌ها فشنگی که تحویل آن‌ها است از بین برده و به این عنوان فشنگ بدست بیاورند. زیرا الوار فوق العاده به فشنگ محتاج و احتمال می‌رود افراد مذکور فشنگ‌ها را به قیمت گزاف به آن‌ها بفروشند. در هر حال در این خصوص مواظبت کامل به عمل بیاورید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۱۵

به رنگرزان. تلفونگرام. یاور ابراهیم خان فرمانده گردان سوار. بر طبق اطلاعات واصله کای رمت‌ها احشام و اغنامی را که از اهالی دهات اطراف غارت می‌نمایند لب آب برده بختیاری‌ها هم از آن طرف آب آمده احشام مذکور را با اسلحه معاوضه می‌نمایند. لازم است نهایت مراقبت را نموده

تحقیقات کامل به عمل آورده نتیجه را راپرت دهید. ۲۰ حمل، نمره ۶۴۴. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۱۶

نمره ۷۱، ۲۱ حمل ۱۳۰۳.

مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. در جواب تلفونگرام نمره ۶۴۴ راپرت می نماید به طوری که بنده هم تحقیق نموده ام از نزدیکی دروازه گورکش کای رَمَت ها به بختیاری پل بسته با چند طایفه آن ها کاملاً مربوط و احشامی را که غارت می نمایند به اسلحه با بختیاری ها کرایه پایی<sup>۱</sup> تبدیل و معاوضه می نمایند. یاور ابراهیم ضرابی.

## ۱۷

همدان. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. جهت استحضار خاطر مبارک معروض می دارد از قرار راپرت های واصله طایفه کای رَمَت که فعلاً با پایی متحد شده و متمرّد گردیده اند نظر به اینکه قبلاً اسلحه آن ها جمع آوری شده و بیش از چند قبضه اسلحه نداشته اند فعلاً در صدد تهیه اسلحه افتاده گوسفند و غیره به لب رودخانه که حدود بختیاری ها است برده و با تفنگ معاوضه نموده و می نمایند. محض راپرت عرض شد. ۲۱ حمل، نمره ۶۷۸. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۱۸

از همدان به خرم آباد. رییس محترم تیپ پیاده. عطف به نمره ۶۷۸ حسب الامر مبارک لازم است به فوریت اسامی طوایف بختیاری و رؤسای آن ها که اسلحه در مقابل احشام با الوار معاوضه می کنند کشف نموده و اطلاع دهید تا اقدامات لازم به عمل آید. نمره ۹۶۸، فرج الله<sup>۲</sup>.

۱. نارسایی متن در اصل.

۲. سرهنگ فرج الله خان آق ولی، ریاست ارکان حرب (ستاد) لشکر غرب.

۱۹

از خرم آباد به رنگزخان. یاور ابراهیم خان در جواب نمره ۷۱، ۲۱ حمل، لازم است به اسرع وقت اسامی طوایف بختیاری و رؤسای آنها که اسلحه در مقابل احشام با الوار معاوضه می کنند کشف و راپرت دهید تا اقدامات مؤثری به عمل آید. ۱۱ ثور، نمره ۱۳۴۰. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

۲۰

از رنگزخان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. در جواب امریه نمره ۱۳۴۰ معروض می دارم کای رمت ها با دهات سالاروند بلوک هله ور که هر آبادی کدخدای علی حده دارد ارتباط و مبادله می نماید. مخصوصاً با آبادی توی و مله با کدخدا میرزا و نظر و خداکرم ارتباط کامل دارند و رعایای عزیزالله خان هستند. راپرتاً معروض داشت. نمره ۱۳۸، یاور ابراهیم ضرابی.

۲۱

همدان. تلگراف. ریاست ارکان حرب لشکر. جواب نمره ۹۶۸. کای رمت ها با دهات سالاروند بلوک هله ور که هر آبادی کدخدای علی حده دارد ارتباط و مبادله می نمایند. مخصوصاً با آبادی توی و مله با کدخدا میرزا و نظر و خداکرم ارتباط کامل دارند و رعایای عزیزالله خان هستند. ۱۳ ثور، نمره ۱۳۷۴. رییس تیپ پیاده، محمد.

۲۲

تأمین نامه. نمره ۱۳۹۲، ۱۳ ثور / ۱۳۰۳. تقی خان، حسینعلی خان، محمدتقی خان، خوانین ظهرة یابی.

از این تاریخ که شما با طایفه خود برای خدمتگذاری به دولت حاضر شده‌اید و از صمیم قلب خود را نسبت به اداره قشونی خدمتگذار می‌دانید این است که می‌نویسم به موجب این ورقه شما و طایفه در حمایت اداره جلیله قشونی خواهید بود و از طرف دولت نیز به شما تأمین داده شده است که تا مدتی که برخلاف میل اداره قشونی از شما خلافی مشاهده نشده، مورد مراحمت واقع گردیده که از هر حیث با آسودگی خیال مشغول خدمت و رعیتی بوده باشید و الا در صورت مشاهده خلاف این ورقه از درجه اعتبار ساقط<sup>۱</sup> و از مراحم دولت محروم خواهید بود.

رییس تیپ پیاده لشکر غرب و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۳

رنگرزان. تلفونگرام. یاور ابراهیم خان برسانید. عمدة الامراء العظام کریم خان ایل بیگی سگوند، به طوری که شنیده شده شما با ایل به هرو کوچ کرده‌اید. نظر به اینکه بودن شما در هرو بی نتیجه بوده و در بین دوکوهه مورد لزوم دارد لازم است فوری حرکت کرده. محل توقف خودتان را بین دوکوهه قرار داده و طایفه را نیز کوچ داده در آبستان<sup>۲</sup> سکنی دهید. نتیجه را هم به اینجانب اطلاع دهید. ۱۳ ثور، نمره ۱۳۹۲، رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۴

از کوه شاهنشاه. قربان آستان مبارکت گردم. انشاء الله وجود شریف حضرت عالی در قرین استقامت است. باری لازم گردید عریضه شرفیابی خدمت حضور مبارک عرض شود و اگر جویای گزارشات باشید چاکر از سابق تا به حال کمر خدمتگذاری و جان نثاری بسته‌ام حالا به اجازه

رضاقلی خان شرفیاب خدمت شده ایم، ولی قانون حضرت اجل را نمی دانیم که دوست و دشمن را مثل هم حساب می کنید. با اینکه مخلصان راه خدمت گرفته دستورالعمل بفرمایید تکلیف خود را بدانیم و از بابت بار مکاری که در میان این طایفه می باشد شنیده ام اهالی فساد کرده اند. اگر راه نمی دهند مردم کشت زرع خود را آب بدهند و رعیتی خود را بدهند و تکلیف بار مکاری را بدهند مخلص یکی هستم از حضرات نظامی. حسین دیرک وند.

## ۲۵

نمره ۱۳۹۴، ۱۴ نور ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت حسین خان دیرک وند. معروضه شما واصل از اینکه اظهار خدمتگذاری کرده اید مسرور. اینجانب هم قبل از رسیدن کاغذ به خوبی شما را خدمتگذار دانسته بلکه در ردیف افراد قشونی شما را در نظر داشته ام. در هر حال چنانچه قبلاً هم نوشته ام راه شهر برای شما باز و از اظهارات مفرضانه مفسدین کناره گیری کرده و با کمال اطمینان مال التجاره های تجار را با مال های خودتان حمل به شهر نموده و از هر حیث مطمئن باشید. رییس تیپ پیاده لشکر غرب و اردوی لرستان، محمد.

## ۲۶

از رنگرزان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. عبدال با دستجات اوتاف<sup>۱</sup> و عده زیادی از تبعید شده های سیلاخور هم فراری و نزد آنها رفته. عده تفنگچی پیاده مال اسد که چند نفر به اسم شناخته شده از گرمسیر آمده متحداً مشغول دزدی. امروز در ساعت ۱۱ صبح بین برج تکه و آبستان در موقعی که قافله می گذشته به جاده ریخته نظامیان سوار قریب یک ساعت و نیم مشغول جنگ

بوده، قاطرهای فوج سپه را برده‌اند. مال‌التجاره‌ها را به طرف تنگه سواران فرستاده و مشغول تعقیب شده‌اند. از اشرار چند نفر مقتول شده که نعش آن‌ها را با قاطر برده‌اند. عده اشراری که به جاده ریخته‌اند قریب صد نفر و صد نفر هم در کوه بوده‌اند. دو رأس اسب نظامی را که مشغول جنگ بوده برده‌اند. ۱۲ ثور، نمره ۱۳۹، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۲۷

همدان. مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً عین راپرت واصله از یاور ابراهیم خان را جهت استحضار خاطر مبارک ذیلاً عرض نماید. بعد العنوان...<sup>۱</sup> نمره ۱۳۹، یاور ابراهیم ضرابی. در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که در خصوص اضافه نمودن عده به اردوی خرم آباد چند راپرت به حضورت مبارک عرض و تقاضا نموده و مجدداً هم به عرض می‌رساند با عده حالیه نهایت سخت است در این فصل بهار که کلیه ایلات از گرمسیر مراجعت کرده و همه روزه به پست‌های نظامی تعرض می‌کنند انتظامات لرستان را عهده‌دار شود. ولی با داشتن عده کافی ممکن است در این فصل به طور خوبی از شرارت و حملات ایلات جلوگیری نمود. با این حال متمنی است عطف توجهی به صفحه لرستان فرموده که به فوریت عده کافی به خرم آباد اعزام شود و الا این پیشامدها و وضعیات کنونی چنانچه چند روز دیگر به این ترتیب بگذرد حالت روحیه افراد به کلی خراب و عملیات این مدت به کلی بالعکس نتیجه خواهد داد. راپرتاً عرض، منتظر امر مبارک است. ۱۳ ثور، نمره ۱۳۸۰، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۲۸

به رنگرزان. یاور ابراهیم خان به فوریت یک قسمت سوار بفرستید محلی

که دیروز مال‌ها را با بار گندم و غیره برده‌اند و دستور دهید ممکن است از بارها در کوه‌ها ریخته شده باشد جمع‌آوری نمایند. ۱۳ ثور، نمره ۱۳۸۴، رئیس تیپ پیاده، محمد.

## ۲۹

از رنگرزان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. در تعقیب راپرت نمره ۱۳۹ به عرض می‌رساند اگرچه در قضایای اخیر فوق‌العاده خجل هستم و به‌طوری‌که در نظر داشته مطابق آمال موفقیت حاصل نکرده‌ام ولی جهت تکمیل استحضار خاطر مبارک راپرت می‌نمایم دو نفر نظامی بدون اطلاع بنده با قاطرها شب در دالوند توقف و صبح حرکت نموده مطابق تعلیماتی که هم‌روزه به‌طور مستقیم به سواران می‌دهم سواران قافله را برده در محل وقوع قضیه شروع به مصادمه. قافله رجعت داده شد. دو نفر نظامی فوج سپه قاطرها را جلوتر برده و پس از مصادف شدن خودشان به طرف آبستان بدون تیراندازی فراری و قاطرها را دزدها برده‌اند. پس از تعقیب، اشرار قاطرها را از کوه بالای آبستان به طرف گردنه نمک و ریمله<sup>۱</sup> برده و مسافت زیادی هم سوار به‌معیت پست آبستان اشرار را تعقیب کرده‌اند. نمره ۱۴۰، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۳۰

از رنگرزان. مقام محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. مطابق اطلاعات قریب ۳۰ نفر از تفنگچی‌های مال‌اسد گرمسیر که مسبوق شده‌اند مهردها دستگیر و زن‌های آنها کوچ داده شده جهت جمع‌آوری عیالات خودشان مسلح بین چادرهای سگوند بوده و با آنها حمل [و] نقل شده از آبستان به کوه بین زاغه و آبستان رفته و راهنمای



چگنی‌ها بوده‌اند. سگوندها مسبوق بوده‌اند در این موقع هم که ایلخانی شرفیاب شده جهت جلوگیری راپرتاً خاطر محترم را به این قضیه مستحضر می‌سازم. نمره ۱۳۲، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۳۱

از رنگرزان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارم صاحبمنصبی را که با عده سوار جهت تعقیب اشرار اعزام نموده دو رأس مال‌های خوب که اشرار جا گذارده بودند با تقی، غلام پست که از خرّم آباد به بروجرد می‌رفته که با قاطرها برده بودند به رنگرزان آورده ۱۵ خروار گندم در کوه ریخته که متواتراً به آبستان حمل و بقیه را به واسطه نداشتن وسیله حمل در کوه گذارده فردا حمل می‌شود. غلام پستخانه که دیشب با آنها بوده اظهار می‌دارد کاظم خان چگنی و ولی نام بیرانوند طایفه شیخه و چگنی‌ها ۲۵۰ تفنگچی و یکصد نفر بی اسلحه با آذوقه از طرف ریمله به آبستان آمده، پس از سرقت دیشب از طرف دره دراز مراجعت نموده‌اند و کاغذهای پست را آتش زده‌اند. از دو رأس اسب نظامی یکی کشته شده و یکی را برده‌اند. راپرتاً معروض داشت. نمره ۱۳۳، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۳۲

از رنگرزان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارم در تکمیل تحقیقات نمره ۱۳۳ بیرانوندها از آن خط عبور و به ریمله رفته و چگنی از راه سگوند به آبستان آمد در کوه محاذی توگه<sup>۱</sup> غارتی را تقسیم و شبانه از راه سگوند که ابتدای ورود اردو به خرّم آباد بهادران‌های سوار تردد می‌نموده مراجعت کرده‌اند. نمره ۱۴۵، یاور ابراهیم ضرابی.

۱. [سروتوگه (سراب توگه) چشمه آبی است در زاغه سفلی]

## ۳۳

از بروجرد. بندگان حضرت اجل ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند الوار همه شب به دهات اطراف شب دزدی می‌آیند. دیشب گذشته تا گوشه آمده و تا نظامی به کمک اهالی اعزام شد موفق به سوراخ نمودن چند خانه شدند. خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم در این موقع که عده مکفی برای استقرار پست‌ها در دهات نیست و از وضعیت پست‌ها نیز خاطر حضرت اجل مسبوق می‌باشد جلوگیری از الوار متمرّد که با الوار تخت قاپوشده مراوده ننمایند و شبی به دهات نیایند جز اینکه در دهات پستی نظامی برقرار شده یا با گرفتن ضامن معتبر به هر دهی چند قبضه تفنگ دادن شکل دیگری ممکن نیست. و الا از وضعیت فعلی ناامیدی اهالی و امیدواری اشرار فراهم خواهد شد. فدوی حقایق را معروض می‌دارم که در آتیه در حضور مبارک مسئول نباشم. نمره ۱۲۱۳، نصرالله خلعتبری.

## ۳۴

به بروجرد. فرمانده فوج گارد سپه. در جواب ۱۲۱۳ خیلی تعجب می‌کنم با اینکه چهار گردان در بروجرد و حومه آن دارید باز علت چیست که به این اندازه متوحش شده‌اید. در هر حال لازم است پنج قبضه تفنگ دودی با گرفتن ضامن و قبض رسمی تحویل وفا عزیزالله نموده و انتظام دو گوشه را از او بخواهید. ۱۲ ثور، نمره ۱۳۴۶. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۳۵

به همدان. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند فرمانده فوج گارد سپه راپرت می‌دهد الوار همه شب به دهات اطراف رفته و دیشب نیز به قریه گوشه آمده تا نظامی به کمک اعزام

شود، موفق به سوراخ چند خانه شده‌اند. لهذا خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد در این موقع که عده مکفی برای استقرار پست‌ها در کلیه دهات نیست و نیز الوار متمرّد با الوار تخت قاپوشده مراوده نموده و شب‌ها به دهات می‌آیند. مستدعی است اجازه فرمایید در دهاتی که پست نظامی نیست دستور دهم با گرفتن ضامن معتبر به هر دهی چند قبضه تفنگ داده شود که به هیچ قسم دیگری ممکن نیست از وقوع این قبیل قضایا جلوگیری کرد. چرا که وضعیت فعلی باعث ناامیدی اهالی و امیدواری اشرار خواهد بود. راپرتاً به عرض رسید تا هر قسم امر و مقرر فرمایید رفتار شود. ۱۲ ثور، نمره ۱۳۷۷. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۳۶

از بروجرد. بندگان حضرت اجل ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً در تعقیب راپرت نمره ۱۲۱۳ به عرض می‌رساند روابط الوار تخت قاپوشده با الواری که در کوه‌ها مجتمع شده‌اند نزدیک و به واسطه فقدان قوا که از آن‌ها جلوگیری نمی‌شود متوالیاً فرار می‌نمایند و نیز هر شب الوار به محل آمده و دستبرد می‌زنند و به واسطه نبودن نظامی ممکن نمی‌شود آن‌ها را تعقیب کرد. چنانچه قوه احتیاطی در مرکز باشد ممکن است تا آبسرد<sup>۱</sup> که محل آن‌ها است تعاقب و اگر غارتی نموده‌اند مسترد داشت. پست‌ها هم با فاصله زیاد و از وسط پست‌ها الوار بدون هیچ مانعی به هر کجا که بخواهند می‌روند و عبور می‌نمایند خاطر مبارک را مستحضر می‌دارم که لااقل یک گردان پیاده و یک بهادران سوار برای حومه بروجرد و جلوگیری از فرار الوار تخت قاپوشده و شرارت الوار لازم است. چنانچه این وضعیت ادامه یابد کلیه الوار فرار خواهند نمود مگر امر و مقرر فرمایید به همدان کوچ داده شوند. نمره ۱۲۸۶، نصرالله خلعتبری.

## ۳۷

از بروجرد. بندگان حضرت اجل ریاست محترم و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً در تعقیب راپرت نمره ۱۲۸۶ به عرض می‌رساند رعایای دهات دسته‌دسته با یک حالت تأثرآوری به شهر آمده و درخواست اسلحه می‌نمایند. شب‌ها به واسطه سارقین لرهاالی آسوده نیستند. هر شب که می‌گذرد وضعیت تیره‌تر و سخت‌تر می‌شود. قوای نظامی هم به قدر مکفی نیست که در کلیه نقاط مثل سال گذشته پست مستقر و از فرار الوار تخت قابوشده و شب‌دزدی‌ها جلوگیری شود. چنانچه دیشب گذشته جمعی از الوار از اطراف میدان تا قریه بصری آمده و اگر نظامی‌ها به‌امداد نمی‌رسیدند خسارت مهمی وارد می‌نمودند. از آبادی‌هایی که اسلحه و پست ندارند متواتراً الوار شبانه فرار می‌نمایند. نظر به موقعیت و وخامت اوضاع و فشار آقایان طباطبایی و جلوگیری از بلوای رعایا به بعضی از دهاتی که پست ندارند با گرفتن ضامن تفنگ دودی داده که هر موقع امر فرماید جمع‌آوری شود. نمره ۱۲۸۷، نصرالله خلعتبری.

## ۳۸

بنندگان حضرت اجل ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند الوار متمرّد که مستحضر از فقدان قوای نظامی بروجرد می‌باشند هر روز از یک طرف حمله می‌نمایند، فعلاً یا برای اغفال قوای شجاع نظام پست‌های دراندره یا به خیال دیگری کلیه دستجات مختلف الوار به ریاست عبدال و برارجان به طرف کیوره<sup>۱</sup> آمده و کوه‌های بالای کیوره را متصرف و علناً در روز تعرض می‌نمایند. یک قبضه مسلسل و سی نفر پیاده که در شهر موجود بود تحت فرماندهی نایب اول عباس‌قلی خان به کیوره فرستادم و نتیجه را بعد به عرض می‌رساند. ولی

خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد که در مرکز تیپ به هیچ وجه نظامی که بتوان به خارج فرستاد نیست و چنانچه از محل دیگری الوار حمله بنمایند با فقدان نظامی معلوم نیست چه باید کرد. الواری که به سمت کیوره آمده‌اند متجاوز از دویست نفر می‌باشند. به شجاع نظام هم دستور دادم که مراقب پست‌های آن حدود باشد که الوار اگر خیال حمله دارند موفق نشوند. نمره ۱۳۷۰، نصرالله خلعتبری.

## ۳۹

همدان. مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می‌رساند سه فقره راپرت‌هایی از نایب سرهنگ نصرالله خان رسیده که جهت استحضار خاطر مبارک عین آن‌ها را ذیلاً عرض می‌نماید:

۱- بعدالعنون... نمره ۱۲۸۶، نصرالله خلعتبری.

۲- بعدالعنون... نمره ۱۲۸۷، نصرالله خلعتبری.

۳- بعدالعنون... نمره ۱۳۷۰، نصرالله خلعتبری.

محض راپرت عرض شد. ۱۴ ثور، نمره ۱۴۰۷، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۴۰

از رنگرزان. به خرم‌آباد. تلفونگرام. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارم مطابق قراری که جناب سرهنگ نصرالله خان داده بودند صبح ۴ ثور از طرفین به الوار هجوم نموده و تعقیب از اشرار شد. در ساعت معینه گروهان پیاده فوج سپه با عده سوار گردنه کوه مابین سُرچ<sup>۱</sup> و پینه<sup>۲</sup> را اشغال نموده به طرف پینه پیشرفت می‌نمایند. ۴۳ نفر سوار با فرمانده بهادران با دو نفر فرمانده دسته

۱. اصل: سوج [SORC]

۲. اصل: پونه [PINA]

مجروح، دو نفر نظامی مقتول، ۷ نفر مجروح، ۱۵ اسب مقتول. از چهل و سه نفر نظامی شش نفر با اسب و اسلحه آمده بقیه تسلیم شده‌اند. جراحات صاحبمنصبان و نظامیان خطرناک نیست. نظامیان تسلیم شده را پس از خلع سلاح مرخص نکرده‌اند، مشغول جویای راپرت صحیح هستیم. گروهان پیاده با مختصر عملیاتی عقب‌نشینی کرده به دولیسان و بیدگیجه آمد، پس از جمع‌آوری کلیه عده راپرت عرض می‌نماید. از عده جناب سرهنگ نصرالله خان و عملیات آن‌ها هیچ اثری نبوده است. نمره ۱۰۱، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۴۱

از رنگرزان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارد رحمن خان فرمانده گروهان با عده مراجعت نموده، دو نفر پیاده خلع سلاح، یک نفر پیاده مجروح، دو اسب مقتول گردیده. عده الوار قریب به ۲۰۰ نفر بوده، تلفات الوار زیاد و غیر معلوم است. نمره ۱۰۲، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۴۲

از خرم آباد به رنگرزان. یاور ابراهیم خان راپرت نمره ۱۰۱ و نمره ۱۰۲ شما را ملاحظه نموده تعجب می‌کنم از اینکه مدتی است در آن حدود می‌باشید هنوز با وضعیات آنجا آشنا نشده و مطلع نیستید که سارقین آنجا چند نفر و چه موقعیتی را برای عملیات باید اتخاذ نموده، و در موقع عملیات عده کافی برای سرکوبی آن‌ها اعزام دارید، با چه نظریه در صورتی که مابین گردنه سُرچ و پینه قریب به دو فرسنگ راه می‌باشد، چهل نفر سوار فرستادید که با عده کفایت صاحبمنصبان و نظامیان این پیشامد بشود و نیز راپرت دهید قسمت پیاده در چه محل عملیات می‌کرده و چه نتیجه به دست آورده‌اند و

فاصله پیاده با سوارهای گردنه چقدر بوده است و زخمی‌هایی [را] که احتمال خطر می‌رود شبانه بروجرد فرستاده و ابداً در این موقع مریض به خرّم آباد نفرستید. در هر حال راپرت جامعی از ضایعات و عده سوار، پیاده [و] دواب تهیه فوری مخابره نمایید. ۵ ثور، نمره ۱۱۹۱، رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۴۳

از رنگرزان به خرّم آباد. تلفونگرام. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. در جواب امر صادره نمره ۱۱۹۱ معروض می‌دارد مابین گردنه سُرج و پینه یک فرسخ هم مسافت کمتر و اغلب با عده کم حتی ۱۰ نفر خودم می‌رفته. مقابل آن پست‌های بیدگیجه و دولیسگان و میراحمدی است و این‌بنده مطابق دستور کتبی که داده بودم بهترین وسیله برای دستگیری اشرار خط ذیل بوده؛ قسمت پیاده با ترتیب منظمی نقاط لازمه را اشغال و به طرف پونه رفته. چند نفر تفنگچی با دو نفر زن و ۶ نفر بچه [و] الاغ و سیاه چادر با آن‌ها مصادف شده، در نتیجه عملیات دو نفر تفنگچی فرار و بقیه مردها کشته شده زن‌ها و بچه‌ها اسیر چادر و الاغ به دست می‌آید. این عمل حرکت پیاده را به تأخیر انداخته صاحب‌منصبان سوار بدون ملاحظه اطراف و جوانب به واسطه عدم تجربه عده [ای] را جمع داخل گردنه نموده ابتدا معدودی با آن‌ها مشغول شده رفته رفته اشرار زیاد سواران مقاومت نموده انتظار ورود پیاده سُرج و قوای بروجرد را داشته‌اند. اشرار در برابر آن‌ها زیاد شده پس از وقوع قضیه پیاده رسیده. اشرار به طرف پیاده و عده رحمن‌خان متوجه شده تمام قوای اشرار در گردنه پینه تمرکز پیدا کرده. پیاده و سواران تحت امر رحمن‌خان با ترتیب منظمی تا یک ساعت به غروب مقاومت و به طرف دیرک‌وند آمده‌اند. از قوای بروجرد به هیچ وجه خبر و اثری نشده است این لطمه به واسطه نیامدن عده

بروجرد و عدم تجربه و خبط نظامی و صاحبمنصب سوار وارد آمد. از عده رحمن خان دو نفر پیاده خلع سلاح، یک نفر مجروح، دو اسب بهادران ۳ مقتول، از ۴۵ نفر سوار شش نفر با اسب [و] اسلحه سلامت، دو نفر صاحبمنصب نایب اول حسن علی میرزا، نایب ۲ حسن خان معینی، نایب جهانگیرخان، ۵ نفر نظامی مجروح، ۱۱ نفر خلع سلاح شده در رنگرزان حاضرند. ۲۰ نفر مفقود که مقتول و مجروح آنها را نمی توان معین کرد. کلیه ضایعات بهادران ۳۷ قبضه تفنگ، با اسب صاحبمنصب ۴۱ رأس اسب با زین برگ که ۱۵ رأس کشته ۲۰ رأس بدست دشمن افتاده. کدخدای رنگرزان هم که راهنما بوده مقتول و یک قبضه تفنگ سه تیر توقیفی با او بوده برده شده، آدم مخصوص به گردنه فرستاده شده تفتیش نموده، مقتول [و] مجروح پیدا نموده بیاورد. راپرتاً عرض شد. ۶ ثور، نمره ۱۰۵، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۴۴

همدان. مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می رساند به طوری که تحت نمره ۴۶۳، ۱۷ حمل راپرت عرض شده بود<sup>۱</sup> جهت پاک کردن عقب اردو و سرکوبی بیرانوندهای متواری شده به نایب سرهنگ نصرالله خان حکم داده شد که عده مکفی با یک نفر صاحبمنصب قابل از طرف بروجرد و یاور ابراهیم خان نیز با اعزام یک عده پیاده و سوار از طرف هرو الوار را تعقیب و دستگیر کند و نیز قبلاً مفتش اعزام داشته پس از تعیین محل الوار متفقاً با اطلاع همدیگر در یک روز از طرفین قوای لازمه اعزام و بیرانوندها را سرکوبی نمایند. لهذا صاحبمنصبان مزبور پیش از شروع به عملیات به وسیله مفتش محلی دشمن را کشف کرده نایب سرهنگ نصرالله خان و یاور ابراهیم خان با یکدیگر قرارداد کرده و در صبح ۴ ثور از طرفین عده اعزام داشته شروع به عملیات

۱. در این مجموعه ملاحظه نشد.



نمایند. صبح ۵ ثور از یاور ابراهیم خان راپرتی رسیده که عین آن را جهت استحضار خاطر مبارک ذیلاً عرض می نماید:

بعدالعنوان... نمره ۱۰۱ یاور ابراهیم ضرابی. متعاقب آن نیز راپرتی از یاور مذکور واصل شد، عین آن ذیلاً عرض می شود:

بعدالعنوان... نمره ۱۰۲ یاور ابراهیم ضرابی. در جواب یاور ابراهیم خان تلفونگرام ذیل مخابره گردید، که جهت استحضار خاطر مبارک عرض می نماید:

یاور ابراهیم خان از راپرت نمره ۱۰۱ [و] نمره ۱۰۲ مستحضر تعجب می کنم... نمره ۱۱۹۱ رییس تیپ پیاده. محمد.

صبح ۶ ثور مجدداً از یاور ابراهیم خان راپرتی رسیده ذیلاً عرض می شود:

بعدالعنوان. در جواب امر صادره نمره ۱۱۹۱... نمره ۱۰۵ یاور ابراهیم ضرابی.

راپرتاً عرض شد. ۶ ثور، نمره ۱۲۱۶، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۴۵

از بروجرد به خرم آباد. بندگان حضرت اجل ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند نایب ۱ شجاع نظام راپرت می دهد در ساعت چهار بعد از ظهر چهارم ثور کوه های شاه نشین را متصرف در آبادی های شعبان شاه وردی که در زیر دست آنها بوده است اثری از دشمن نبوده ولی با دوربین چادرهای الوار عبدال که در جناح چپ گردنه پینه و تا محل آنها دو فرسخ مسافت داشت می بیند. در ساعت ۶ صبح صدای تیر از آن طرف گردنه پینه از قسمت یاور ابراهیم خان استماع می کند. گردنه پینه در تصرف الوار بوده است، نظر به کمی عده شجاع

نظام با قسمت یاور ابراهیم خان نمی تواند ارتباط پیدا کرده و نیز مواقع مهم خود را ترک نموده و به جلو حرکت کنند. محاربه از طرف یاور ابراهیم خان تا ظهر امتداد و از ظهر به بعد صدای تیر مسموع نشده است. با وجود اینکه قبلاً به یاور ابراهیم خان دستور داده بودم که مواقع مهم را اشغال نماید تا عده شجاع نظام حمله نمایند، معلوم نیست به چه واسطه موفق به اشغال مواقع مهم نشده است. ۵ ثور، نمره ۱۱۳۸، نصرالله خلعتبری.

## ۴۶

همدان. مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند، راپرتی از نایب سرهنگ نصرالله خان راجع به عملیات قسمتی که چهارم ثور از طرف بروجرده اعزام شده رسیده است که عین آن جهت استحضار خاطر مبارک ذیلاً عرض می نماید:

بعدالعنوان... ۵ ثور، نمره ۱۱۳۸، نصرالله خلعتبری. راپرتاً به عرض رسید، ۷ ثور، نمره ۱۲۵۱، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۴۷

تهران. مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. در تعقیب راپرت نمره ۱۲۵۱. محترماً به عرض می رساند راپرتی از یاور ابراهیم خان در تعقیب راپرت های قبل رسیده که عین آن را جهت استحضار خاطر مبارک ذیلاً عرض می نماید:

بعدالعنوان. با کمال احترام معروض می دارد کدخدا عبدال توسط یک نفر نظامی و دو نفر مجروحین که رها نموده و فرستاده است کاغذ نوشته تقاضای تأمین برای خودش و استخلاص چهار نفر حبسی؛ آله؛ بردعلی، تیمور [و] علی حسین را نموده. ۱۶ نفر نظامی که یک نفر آن شاگرد بیطار است نزد او

رفته عبدال با نظامیان خیلی مذاکرات، حرف تسلیم آمیز و اظهار ندامت [و] بی تقصیری کرده است. فوق العاده پشیمان بوده که چرا صاحبمنصبان را نشناخته و پس از مجروح شدن و خلع سلاح که او متوجه به قوای رحمن خان شده فرار نموده‌اند. فرستاده مجدداً هم آن‌ها را پیدا کنند، ممکن نشده. تأمین خواسته که اسلحه را تسلیم و خود عبدال به استخلاص آله قناعت نموده است. ۲۰ دستگاه سیاه چادر زده‌اند در دامنه کوه نزدیکی پینه منزل داشته‌اند. زن و بچه و حشم هم زیاد همراه دارند. بنده جواب کاغذ را نوشته اطمینان و قبول تقاضای مشارالیه نموده و نصایح تهدید آمیز به طوری که مقتضی است داده نتیجه را راپرت می‌دهم. نمره ۱۰۸، یاور ابراهیم ضرابی. راپرتاً عرض شد ۷ ثور، نمره ۱۵۲، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۴۸

فرمانده فوج گارد سپه. راپرت نمره ۱۱۲۸<sup>۱</sup> ملاحظه از اقدام و عملیات شما و قسمت شما در سرکوبی سارقین چیزی مفهوم من نشده است. جز از بین بردن اهمیت و حیثیات نظام مأمورین شما کاری دیگر نکرده‌اند. لازم است از صاحبمنصب بی لیاقت مأمور توضیح بخواهید برای عملیات جنگی مأمور بوده است یا اینکه خدمت دیده‌بانی به او رجوع شده است؟ با اینکه شخصاً سارقین را دیده که به طرف گردنه پینه حرکت کرده‌اند حتی زد و خورد نظامیان گردنه پینه را با الوار مشاهده کرده علت اینکه از کوه قسمتی در تعاقب سارقین که عقب نظامیان را موفق نشوند تحدید نمایند، نفرستاده است چیست و در موقعی که توجه سارقین به طرف نظامیان بوده به چه علت به چادرهای الوار حمله نکرده‌اند؟ این بی لیاقتی صاحبمنصب مأمور شما لطمه بزرگی به نظامیان مأمور یاور ابراهیم خان وارد آورده است. ۷ ثور، نمره ۱۲۵۳، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۴۹

به رنجران. یاور ابراهیم خان راجع به اعزام عده و قرارداد فی مابین استیضاح شده. فرمانده فوج راپرت می دهد که در روز معین قوای اعزامی در ساعت ۶ صبح کوه های شاه جمشیدی را به تصرف در آورده صدای تبادل تیر از طرفین را استماع ولی گردنه پونه و خط عبور آنها به تصرف الوار بوده که به واسطه کمی عده موفق نشده اند ارتباط با آن قسمت را مربوط نمایند و موقعیت محل هم اجازه نداده که مواقع مهم خود را ترک و به جلو حرکت نمایند، ۱۰ ثور، نمره ۱۳۳۱، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۵۰

از رنجران. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. در جواب امریه نمره ۱۳۳۱ با کمال احترام معروض می دارد بنده از تعداد قوای بروجرد بی اطلاع هستم. کلیه عده تفنگچی الوار ۲۵ الی ۳۰ نفر بوده که آنها هم به مرور در محل گردنه اجتماع نموده، پس از بلند شدن صدا نیز تمام هوچی و غیر مسلح که در موقع زیاد است. برای تعرض بلکه تهدید به همراهان عبدال ۵۰ نفر کافی بوده عده عبدال و همراهانش معلوم است باقی شایعاتی است که می دهند، صحت ندارد. اشرار از غفلت و خطای سوار و موقعیت محل استفاده نموده پس از وقوع قضیه قدرت مقاومت [پیدا] کرده اند و گرنه قبلاً دستجات ثابتی در این حدود وجود نداشته که قوای بروجرد را در ساعت ۶ صبح روز عملیات مجبور به توقف و محافظه کاری نماید. کوه شاه جمشیدی در این حدود نیست کوهی که اشغال آن ضرورت عملیاتی داشته باشد فقط بالای گردنه بوده که در تصرف پیاده هرو بوده، در محوطه عملیات نبوده است. امر امر مبارک است. نمره ۱۳۵، ۱۲ ثور، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۵۱

از طهران. رییس تیپ پیاده راپرت راجع به واقعهٔ اخیر را ملاحظه کردم.<sup>۱</sup> لازم است اولاً کدخدا عبدال را تأمین داده نظامیانی که دستگیر شده‌اند مسترد نمایند. ضمناً سرهنگ علی محمدخان<sup>۲</sup> را با اردوی کوچکی مرکب از پیاده و سوار و دو عراده توپ، چهار دستگاه مسلسل به طرف محل اجتماع الوار سوق داده ضمناً به نایب سرهنگ نصرالله خان هم امر کنید که با عدهٔ کافی از روی نقشهٔ صحیح عقب آنها را اشغال نموده با یک عملیات شدید به کلی این عدهٔ غیرقابل را محو و نابود کنند که جبران عملیات اخیر بشود. نتیجهٔ اقدامات را فوری راپرت دهید. ۱۳ ثور، امیر لشکر غرب، احمد.

## ۵۲

طهران. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. در جواب نمرهٔ ۱۷ خاطر مبارک را محترماً مستحضر می‌دارد به طوری که در راپرت قبل نیز عرض شده کدخدا عبدال تقاضای استخلاص برادرش (آله) و چند نفر دیگر از کدخدایان مهم مال‌اسد را کرده و تسلیم اسلحه خود و اظهار اطاعت را منوط به استخلاص آن چند نفر نموده است. در صورتی که اظهارات مشارالیه به کلی کذب است. با این تفصیل کدخدا اله را با دو نفر دیگر از کدخدایان جهت اغفال مشارالیه نزد یاور ابراهیم خان اعزام داشته. به یاور مزبور دستور دادم با نگاه داشتن آنها در نزد خود بلکه بتواند داخل در مذاکره شده و عبدال را متقاعد و وسایل استخلاص نظامیان را فراهم دارد و راجع به اعزام اردوی کوچکی جهت سرکوبی الوار [که] امر و مقرر فرموده‌اید محترماً معروض می‌دارد چنانچه در تحت نمرهٔ ۱۲۱۶<sup>۳</sup> به عرض حضرت اجل رسانیده و از وضعیات فعلی خرّم آباد خاطر مبارک را کاملاً مستحضر داشته‌ام

۱. سند ۴۷.

۲. سرهنگ علی محمدخان بهزادی، فرماندهٔ فوج آهن از لشکر مرکز.

۳. سند ۴۴.

که با موقعیت کنونی خرم آباد و بروجرد به هیچ وجه نمی توان عده را ترکیب داده و جهت سرکوبی اعزام داشت در صورتی که این عده فعلی مأمورین خرم آباد و بروجرد جهت حفاظت موقعیت خودشان کم و با یک مشکلاتی امروز پست ها را حفاظت می نمایند و به علت غیر مکفی بودن نفرات مدتی است اغلب نظامیان پست ها را عوض نکرده در برج ها اتصالاً خدمات خود را ادامه می دهند و همه روزه با الوار زدو خورد می نمایند، با این حال تصدیق خواهید فرمود رفته رفته حالت روحیه شان امیدبخش نبوده و در آتیه هیچگونه از آن ها نمی توان استفاده نمود. برای استحضار خاطر مبارک تقسیمات قسمت های اردو را در محل هایی که مأمورند ذیلاً عرض می نماید:

۱- دو گروهان پیاده، نیم گروهان مسلسل، نیم گروهان پنجاه تیر، دو بهادران سوار در هرو ساخلو و پست های آنجا را تشکیل می دهند.

۲- یک گروهان [او] نیم پیاده، نیم گروهان پنجاه تیر، یک رسد سوار از آبستان تا خرم آباد مأمور برج ها و قلعه می باشند.

۳- بیست و پنج نفر سوار در تنگ ازنا قلعه امام قلی خان ساخلو هستند.

۴- دو گروهان پیاده با دو مسلسل و چهار پنجاه تیر، یک عراده توپ و ۲۵ نفر سوار در قلعه ماسور و برج های اطراف شهر را محافظت می نمایند.

۵- نیم گروهان پیاده مأمور خط تنگ رباط<sup>۱</sup> هستند.

۶- همه روزه یک گروهان پیاده خدمات مستحفظی را عهده دار است.

۷- قریب یک گروهان هم مأمور داخله قسمت های اردو می باشند.

۸- یک گروهان هم جهت احتیاط طرف احتیاج است.

عده ساخلوی خرم آباد حالیه عبارت است از یک گروهان پیاده، سه بهادران سوار، نیم گروهان مسلسل و شش قبضه پنجاه تیر و سه عراده توپ که طرف اطمینان نیستند، می باشد. با این حال چنانچه میل مبارک است از عده نفرات پست ها کسر کرده در معیت سرهنگ علی محمدخان اعزام دارم.

راجع به قوای بروجرد نیز به طوری که از راپرت های فرمانده گارد سپه مستفاد می شود و خاطر مبارک کاملاً مستحضر است فعلاً از کمی عده هرروزه راپرت داده و اظهار عجز و تقاضای اعزام عده را برای حفاظت آنجا می نماید. با این تفصیل چطور ممکن خواهد بود از طرف بروجرد مشارالیه موفق به اعزام قوا گردیده کمکی به اردوی اعزامی آن حدود نماید. در خاتمه به عرض مبارک می رساند به طوری که در چندین راپرت خود عرض کرده ام قوای مکفی در این موقع بهار جهت جلوگیری از شرارت و عملیات الواری که از گرمسیر مراجعت نموده اند مورد احتیاج است. اگر چنانچه قوای کافی اعزام نگردد، روز به روز بر تخریب آن ها افزوده و اسباب زحمت را فراهم خواهند نمود و عملیات گذشته نیز که با هزاران خون دل موقعیت حاصل شده است نتیجه بعکس خواهد بخشید. ۲- مستدعی است عطف توجهی مخصوص فرموده با اعزام قوای جدیدی حالت روحیه نظامیان را اصلاح فرموده و گذشته از آن وسایل پیشرفت کار را فراهم فرمایید که خدای نکرده دچار مشکلات صعب العلاج نشویم. ۱۴ ثور، نمره ۱۴۱۲، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۵۳

تهران. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکت. فرمانده فوج گارد سپه تحت نمره ۱۱۸۹ راپرت می دهد الوار غفلتاً ریخته احشام دهات ونایی و کفشگران را که در جلگه مشغول چرا بوده اند به غارت می برند. نفرات پست های نظامی مطلع گردیده آن ها را دنبال در نتیجه دو ساعت جنگ کلیه احشام را پس گرفته و یک نفر از الوار زنده دستگیر و دو نفر نیز مقتول می شوند. از قرار راپرت عده مجروح الوار زیاد بوده است و در ضمن تقاضا کرده مالکینی که در دهات آن ها پست نظامی نیست، فوق العاده متوحش هستند. چنانچه اجازه مرحمت می شود با دادن ضامن معتبر چند قبضه اسلحه

به هر یک از آنها داده شود. بسته به میل مبارک است هر طوری که امر می فرماید رفتار شود. راپرتاً عرض شد. ۸ ثور، نمره ۱۲۷۷، رئیس تیپ پیاده، محمد.

## ۵۴

از طهران به خرم آباد. رئیس تیپ پیاده اجازه می دهد یک نفر لری که در ونایی دستگیر شده اعدام نماید و چند قبضه تفنگ با گرفتن ضامن به رعایای ونایی بدهد. ۱۳ ثور، نمره ۳۵، امیر لشکر غرب، احمد.

## ۵۵

فرمانده فوج گارد سپه راپرت نمره ۱۱۸۹ ملاحظه شد اجازه می دهد [لری را که دستگیر شده است اعدام نماید و با] ۱ دادن ضامن معتبر چند قبضه تفنگ نیز به رعایای ونایی بدهد و رضایت مرانیز به نظامیان رشید ابلاغ دارید. ۵ ثور، نمره ۱۴۱۴، رئیس تیپ پیاده، محمد.

## ۵۶

از خرم آباد. تلفونگرام. یاور ابراهیم خان. در این موقع که کریم خان ایل بیگی به شما نزدیک شده لازم است با مشارالیه مراوده کرده و محبت نمایید او را وادار کرده راجع به آوردن قاطرها با حسین قلی پایی داخل مذاکره شود که از قرار معلوم با مشارالیه مربوط است. ۱۴ ثور، نمره ۱۴۱۱، رئیس تیپ پیاده، محمد.

## ۵۷

از رنگرزان. تلفونگرام. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی



لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می دارد سگوندها آمدن به نقطه آبستان و غیره را با اینکه در این موقع بهترین نقطه برای چرانیدن حشم است تخلیه و به نقاطی که هیچ وقت نبوده اند رفته. رسماً هم شایعات دروغ داده با هرج و مرج مساعد و در رفتن به آبستان اشکال تراشی می نمایند. آمدن سگوند در این حدود بیشتر اشرار را جری و اهالی را مرعوب نموده. مستدعی است اقدامات مقتضیه بفرمایید. ۱۴ ثور، نمره ۱۴۷، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۵۸

رنگرزان. تلفونگرام. یاور ابراهیم خان نمره ۱۴۷ ملاحظه شد. شرحی به وسیله تلفن به خود کریم خان نوشته شد لیکن لازم است شما هم تأکید فرمایید که از هر و مراجعت نمایند. ضمناً وضعیات کریم خان را در نظر داشته باشید زیرا با شیر محمد خان ایل خانی کدورت دارند. محبت کردن با کریم خان الحال ضرری ندارد. در این موقع اظهار دوستی نمایید. ۱۵ ثور، نمره ۱۴۲۷، رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۵۹

از بروجرد به خرم آباد. خدمت حضرت مستطاب اجل عالی سرتیپ محمد خان دام اجلاله بعد از تقدیم ادعیه خیریه با اوضاع کنونی سیلاخور عموم رعایا متوحش و در شرف تفرقه. از حضرت عالی تمنا داریم امر فرموده، به اندازه استعداد هر محل اداره به رعایا تفنگ داده، عهده بگیرند تا ترتیب امنیت داده شود. اگر این مرحمت را نفرمایند در این موقع کلیه رعایا متفرق خواهند شد. ۲۲ شهر صیام، عبدالحسین طباطبایی، صدرالعلما طباطبایی، ابوالمجد طباطبایی، علی طباطبایی، مغیث الاسلام، اسمعیل طباطبایی، شریعتمدار طباطبایی، محمد طباطبایی.

## ۶۰

خدمت جنابان مستطاب آقایان محترم طباطبایی دامت برکاتهم. تلگراف آقایان واصل از مفاد آن کاملاً مستحضر گردیدم. البته خاطر محترم آقایان به خوبی مسبوق است که در این مدت مأموریت خود به هیچ وجه در مساعدت نسبت به امورات آن آقایان کوتاهی و خودداری نشده. در این خصوص هم قبل از وصول تلگراف آقایان از حضرت امارت جلیله لشکر دامت شوکته کسب تکلیف و تحصیل اجازه شده بدیهی است پس از حصول نتیجه به طوری که جنابان عالی تقاضا فرموده اید اقدام لازم به عمل خواهد آمد که وسایل راحتی خیال آقایان محترم از هر حیث فراهم گردد. ۱۴ نور، نمره ۱۴۳۵، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۶۱

از خرم آباد به طهران. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند فرمانده فوج گارد سپه تحت نمره ۱۴۰۳ راپرت می‌دهد عده زیادی از الوار متش مسلح در کوه‌های ونایی اجتماع نموده‌اند و نیز برارجان با عده‌ای در اطراف دره چپی متوقف و عبدال با عده قریب به پانصد نفر سوار [و] پیاده در اطراف تنگ دینار آباد تمرکز نموده. عملیات امساله الوار غیر از عملیات سال‌های گذشته است. چنانچه سال‌های گذشته به طریق دزدی پاره‌ای اقدامات می‌نمودند امسال به طور علنی و تهور فوق‌العاده به پست‌های نظامیان تعرض می‌نمایند. دیروز از سه ساعت به غروب به پست تنگ دینار آباد متجاوز از سیصد نفر حمله نموده و با بیست نفر از نظامیان گروهان اول و چند نفر سوار که برای محافظت پست و ساختن برج در آنجا قبلاً نقاط مرتفع را گرفته بودند شروع به جنگ می‌نمایند. از کثرت دشمن که از هر طرف به نظامیان حمله می‌نموده‌اند ناچار شبانه سنگرهای خود را تخلیه و عقب می‌نشینند. در نتیجه این مصادمه از نظامیان

گروهان اول دو نفر مجروح گردیده، اسلحه آنها به دست الوار افتاده است. دو نفر از سوار و دو نفر از پیاده مفقود هستند. زین العابدین خان وکیل باشی سوار مقتول می شود. نظر به اینکه در میان تنگ موفق به ساختن برج نشده بودند و محل پست فوق العاده خطرناک بوده است فرمانده فوج دستور داده پست را تخلیه و نظامیان به قلعه الله یار عودت نمایند. در خاتمه راپرت خود متذکر شده است مقصود الوار نه این است که فقط گاهی به پست ها حمله نموده و ضایعات بگیرند بلکه خیال اساسی در نظر گرفته و اقدامات جدی می نمایند. برای جلوگیری از خیالات آنها قوای مکفی مورد احتیاج است. محض استحضار خاطر مبارک راپرتاً عرض گردید. ۱۵ ثور، نمره ۱۴۴۳، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۶۲

از خرّم آباد به تهران. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند همه ساله معمول بوده که تجار خرّم آبادی به دزفول رفته توسط دیرک و ندها مال التجاره خودشان را به خرّم آباد حمل نموده و کرایه می دادند. امسال نیز مال التجاره کلی تجار حمل نموده به سه فرسخی خرّم آباد آورده اند ولی امسال ایل مزبور در تحویل دادن بارهای تجارتی خودداری نموده و طفره<sup>۱</sup> می روند. دو روز قبل فدوی شرحی به آنها نوشته به اطاعت و انقیاد دعوت نموده و در ضمن گوشزد کردم مالهای تجارتی را به خرّم آباد ارسال، خودشان نیز ایاب و ذهاب به شهر نموده و از مراحم دولت همه نوع مطمئن باشند. اینک راپرتی از تاجری که حامل کاغذ مزبور [بود] رسیده که مفادش این است اولاً میرها به هیچ وجه حاضر به اطاعت نیستند. دوم در دادن مال التجاره طفره می روند. غلامعلی خان و لطیف پسر شیخ علی خان دو روز قبل با دویست سوار وارد میان طایفه بهاروند شدند.

مشارالیه راپرت می دهد از قراری که در بین آنها مذاکره است خیال دارند در روز اول و یا دوم شعبان<sup>۱</sup> به پست های شهر حمله نموده و کوچ کرده نزدیک خرم آباد بیایند و قرار داده اند جمعی از بیرانوندها برای سرقت و قطع روابط اردو به طرف تنگ زاهد و زاغه و هرو بروند. در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می دارد با وضعیات فعلی موقعیت خرم آباد و بروجرد خیلی سخت و کاملاً در تهدید است. نظریه فدوی بر این است تا رسیدن قوا از مرکز برای نگاهداری موقعیت خرم آباد و پست های عرض راه به فوریت حکم صادر فرماید سرهنگ گیگوخان<sup>۲</sup> با اردوی الشتر هر چه زودتر حرکت کرده به خرم آباد بیایند، فقط عده ای را به طور ساخلو در قلعه الشتر گذاشته بقیه عده را با خود بطرف خرم آباد حرکت دهد و الا با این ترتیبات که عرض شد تصور می رود جهت اردو پیش آمد خوشی رخ ندهد. خاتماً معروض می دارد نظر به اینکه موقعیت اجازه نمی داد پیش از این منتظر باشم لهذا امروز صبح ۱۵ ثور شرحی به گیگوخان نوشته به مشارالیه تأکید کردم عده ای را در قلعه مظفر ساخلو گذاشته با بقیه اردو در ظرف ۴۸ ساعت خود را به خرم آباد برساند. مستدعی است از طرف حضرت اجل تلگرافاً به توسط فدوی امر صادر شود که با قوای خود به فوریت در خرم آباد حاضر شود. محض راپرت عرض و منتظر دستور می باشم. ۱۵ ثور، نمره ۱۴۶۴، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۶۳

نمره ۱۴۶۰، ۱۵ ثور ۱۳۰۳. خدمت جناب مستطاب اجل آقای امیر جنگ والی محترم پشت کوه دام اقباله. تلگرافی توسط اینجانب به عنوان جنابعالی از طرف بندگان حضرت اجل امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته مخابره شده است که عین آن را در تاریخ چهارم ثور توسط قاصد

۱. احتمالاً منظور اول و دوم شوال (= ۱۶ و ۱۷ ثور) است.

۲. سرهنگ گریگور (گریکو) از فرماندهان مجاهدین ارمنی که پس از تشکیل قوای متحدالشکل، با افرادش به قشون پیوست.

مخصوص لفاً ارسال خدمت داشت. در بین طوایف چگنی قاصد را برهنه کرده و پاکت را نیز گرفته‌اند. لازم گردید مجدداً سواد تلگراف مزبور را برای اطلاع جنابعالی ارسال دارد تا به‌طوری که امر فرموده‌اند در اعزام ده نفر سوار تأکید بفرمایید. پس از ورود به خرم‌آباد این ده نفر را عوض نموده و خدمت جنابعالی اعزام خواهند شد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد. نمره ۱۲۰۴، ۴ ثور، خدمت جناب مستطاب اجل آقای امیر جنگ والی محترم پشتکوه، دام اقباله. تلگرافی توسط اینجانب به‌عنوان جنابعالی از طرف بندگان حضرت اجل امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته مخابره شده است که عین آن را برای جنابعالی لفاً ارسال می‌دارد، مقتضی است به‌طوری که امر فرموده‌اند در اعزام ده نفر سوار تأکید فرمایید، پس از ورود به خرم‌آباد، ده نفر را عوض نموده و خدمت جنابعالی اعزام خواهند شد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

از همدان. رییس تیپ پیاده برسانید. خدمت جناب مستطاب اجل آقای امیر جنگ والی دام اقباله. چند نفر سواری که فرستادید نظر به اینکه قابل اعزام به تهران نبودند نگاه داشتم که عوض آن‌ها را بفرستید. اینک ده سوار رشید قابل با اسب‌های خوب مُعین نموده بفرستید تا با این عده عوض شده به تهران اعزام و عده سابق نزد شما فرستاده شود. نمره ۸۴۶، ۱ ثور، امیر لشکر غرب، احمد.

## ۶۴

نمره ۱۴۸۶، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت امان‌الله خان. مشروح شما رسید از مضمونش مستحضر شدم. اولاً به شما می‌نویسم خدمات شما به هیچ وجه فراموش نخواهد شد و نتیجه صداقت و درستکاری خودتان را قریباً خواهید دید. در خصوص ایلات متمرّد راپرت داده بودید به شما می‌نویسم قریباً اشخاص متمرّد نتیجه عملیات

خودشان را دیده و به کیفر اعمال خود خواهند رسید. در این نزدیکی‌ها ملاحظه خواهید کرد. به همین زودی بندگان حضرت اجل امارت جلیله لشکر غرب نیز تشریف فرمای خرم آباد شده با اردوهای پولادین به طرف دزفول حرکت خواهند فرمود. آنچه را که انتشار داده‌اند اراجیف و بی‌اساس است. به این قبیل مزخرفات اهمیت ندهید، راپرت‌های خودتان را مرتباً ارسال دارید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۶۵

به تهران. تلگراف. حضرت امبارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند راپرتی از طرف میر صید محمدخان پیشکار والی رسیده که عین آن را جهت استحضار خاطر حضرت اجل ذیلاً عرض می‌نماید:

بعدالعنوان. از طرف والی میرزا فرهادخان [و] میرزا حجت‌الله‌خان رفتند بغداد نزد ملک عراق و مندوب سامی. از آنجا میرزا حجت‌الله‌خان به عمله والی عودت کرده و میرزا فرهادخان با همراهی خواجه عذرانامی کلیمی از اهل بغداد با لباس مُبدل از راه دارالدوله<sup>۱</sup> برای تهران حرکت کردند. نمی‌دانم رسیده‌اند یا خیر. جهت شکایت رفتند. محض راپرت عرض شد گرچه جسارت است و راه هم مغشوش است که همه چیز عرض شود به همان نشان که عرض کردم همان دستخط نخست حضرت اجل را زیارت کردم احضار نفرمودید و الاً زودتر شرفیاب می‌شدم. این عرض صداقت است. سالار اشرف پسر ظهیرالملک<sup>۲</sup> که وکالت دارد از طرف والی به تهران و هم قرابت

۱. منظور کرمانشاه است.

۲. میرصید محمدخان ملقب به اشرف‌العشائر، فرزند حاج میر تیمورخان درک‌وند، رییس میرهای صیمره. میر تیمورخان (یا میر لُمر) رییس ایل درک‌وند. میرصیدخان که به‌میروزیر نیز معروفیت داشت عهده‌دار «وزارت» غلامرضاخان امیر جنگ، والی پشتکوه بود که «در سال ۱۳۰۲ متمایل به حکومت نوین گردید و با این وعده که پس از دستگیری والی به‌جای وی تعیین می‌شود، عزم حسین‌آباد نمود که در دهستان از پشت مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد.»  
میرزا فرهاد، مانند دیگر اعضاء خاندانش از کتاب و منشی‌های دستگاه والیان پشتکوه. یحیی‌خان

دارد میروند تمام راپرت هر جا باشد، سالار اشرف<sup>۱</sup> و میرزا محمود که سابق نزد فرمانفرما بوده می دهند. نمره ۱۴۹۰، ۱۵ ثور ۱۳۰۳، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۶۶

از خرّم آباد. نمره ۱۴۹۷، لیلہ ۱۶ ثور ۱۳۰۳. فرمانده فوج گارد سپه، ۱۳ طغرا تلگراف به نمرات ذیل که به عنوان حضرت اجل و غیره است چون سیم قطع بوده و فوریت داشت ارسال داشته لازم است خود شما شخصاً در مخابره فوری آن ها تأکید نمایید. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۶۷

مقام منیع محترم حضرت اجل امجد ارفع اکرم حضرت ریاست تیپ پیاده دامت شوکته. پس از مراسم دعاگویی و جان نثاری خاطر مبارک را مستحضر می دارد عرض و استدعای چاکر به آستان مبارک چنان است که از مرحمت حضرت ریاست پناهی قریب یک ماه است که جان نثار مستخلص گردیده به دعاگویی وجود مقدس مشغول هستم از آن موقع تا حال مریض بوده ام که به آستان بوسی شرفیاب شوم، این است که از راه استیصال عرض می نماید خاطر مبارک مستحضر است که جان نثار دارای چیزی نیستم اگر امر عالی صادر شود دستخطی مرحمت شود جزئی چوب و محصولی که در زمین های کرگه<sup>۲</sup> باقی مانده یک نفر از شهر بفرستم توجه نموده بلکه به قدر لقمه نان خالی روزانه از آن ها بیاورد که از تصدق سرتان زندگانی نمایم و جزئی طلب که از بعضی رعیت و غیره داشته ام امری به جناب سرهنگ نصرالله خان بشود که بلکه وصول شده به مرحمتان در شهر بروجرد دعاگو باشم. زیاده امر امر مبارک است. جان نثار، رضا سیف الممالک.

۱. سالار اشرف اعظم زنگنه، فرزند حاج محمد رضاخان، فرزند حاج محمد رضاخان ظهیرالملک، امیر تومان، رییس ایل و افواج چهارگانه زنگنه. دختر سالار اشرف همسر یدالله خان علوی پسر والی پشتکوه. [برگرفته از توضیحات آقای اردشیر کشاورز]

## ۶۸

نمره ۱۵۰۹، ۱۶ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده فوج گارد سپه. شرحی رضاخان سیف الممالک نوشته و تقاضا کرده است که از رعایای شهری بفرستد محصولی که در کرگه دارد جمع آوری نماید جواب به مشارالیه نوشته و اجازه دادم که از رعایای شهر جهت جمع آوری محصول بفرستد. لازم است شما هم در حدود وظایف اداری در امورات مشارالیه مساعدت نمایید. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۶۹

نمره ۱۵۱۰، ۱۶ ثور ۱۳۰۳.

رضاخان سیف الممالک، معروضه شما واصل و ملاحظه شد اجازه می دهم از رعایای شهری بفرستید محصولتان را جمع آوری نمایید، شرحی نیز به نایب سرهنگ نصرالله خان فرمانده فوج گارد سپاه نوشته شد که در امورات شما مساعدت نموده وسایل راحتی شما را فراهم سازد. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۷۰

از آبستان به خرم آباد. مقام محترم جناب اجل ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته العالی. محترماً معروض می دارد حسب الحکم جناب یاور ابراهیم خان چند روز است با ۶ نفر نظامی از برای رد کردن قافله به طرف کوه های اطراف جاده آبستان می رفتم امروز هم حسب المعمول با شش نفر نظامی پیاده و نه نفر نظامی سوار ارتباط تنگ زاهد شیر رفته در مراجعت از طرف کوه تنگ ازنا و کوه گردنه آبستان و گردنه تکه<sup>۱</sup> یک مرتبه الوار از برای ما تیراندازی کردند و به طرف ما حمله نمودند و یک عده هم به طرف برج



حمله‌ور شدند. سوارهای ارتباط به طرف برج عقب‌نشینی کرده خود [را] با نظامیان پیاده که همراه داشتم به هر وسیله بود به برج رسانیدم قافله را هم سلامت به برج رساندم و در برج مشغول تیراندازی شدیم. پس از مدتی تیراندازی الوار به طرف کوه‌ها فراری شدند سوارهای ارتباط را به طرف تنگ زاهدشیر روانه نمودم. در خاتمه از طرف برج تکه سه نفر نظامی که بر حسب حکم نایب ۳ حسین‌خان به طرف برج آبستان اعزام شده بودند و الوار آن‌ها را نیز احاطه کرده بودند از برج تیراندازی کرده و نظامیان را خلاص. فقط یک نفر از نظامیان مجروح ولی زخمش قابل اهمیت نیست و هر سه نفر در برج بنده می‌باشند. الحال هم چهار سمت برج را احاطه نموده‌اند و چند نفر از الوار هم مجروح شده و چند نفر نیز کشته شده است. به هر وسیله خواستم نعش الوار را بیاورم مکن نشد و نقداً هم مشغول تیراندازی هستم، تلفون به رنگرزان قطع شده راپرتاً عرض شد. نمره ۲۸، معین نایب ۱ عزیزالله جوشنی.

## ۷۱

رنگرزان. عمدة الامراء العظام کریم‌خان ایل بیگی. تلفونگرام شما ملاحظه شد. انتظار داشتم که حکم را مُجرا داشته‌اید. با این حال لازم است به فوریت حرکت کرده به اطراف جاده آبستان بیایید. نظر به اینکه محل گریت اهمیت دارد صلاح در خالی بودن آنجا نیست فوری به محل آبستان حرکت نموده راپرت ورود خودتان را به اینجانب بدهید. ۱۵ ثور، نمره ۱۴۶۵، رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۷۲

رنگرزان. یاور ابراهیم‌خان به طوری که از دیرک‌وند راپرت می‌دهند عده‌ای از بیرانوندهایی که جدیداً از گرمسیر آمده با یک قسمت از خود دیرک‌وند برای سرقت مکاری‌ها در جاده حرکت کرده یا می‌کنند (برای

گردنه تکه و هرو). لهذا لازم است یک قسمت در زاغه بگذارید همه روزه تا غروب کوه‌های اطراف گردنه تکه را در دست داشته و شب را به زاغه مراجعت نمایند و نیز لازم است بی‌نهایت در محکم بودن ارتباط با تنگ زاهد شیر جدیت داشته باشید زیرا احتمال می‌رود یک نظر الوار به بریدن ارتباط هرو به خرم آباد می‌باشد. ضمناً تذکر می‌دهد که قوای خود را زیاد متفرق نگاه ندارید. ۱۵ ثور، نمره ۱۴۵۱. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد. (رمزاً با تلفون مخابره شده است).

## ۷۳

نمره ۱۴۴۱، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده فوج آهن سرهنگ علی محمدخان. نظر به اینکه باید محوطه و مستحفظی هر قسمت معین باشد لهذا لازم است بروچی که جدیداً در جنوب شرقی شهر ساخته شده است در تحت مسئولیت یک نفر صاحب‌منصب و یک نفر معین نایب یا وکیل خوبی به طریق ذیل پست برقرار نماید: وکیل یا معین نایب با ۸ نفر نظامی جناح راست، یک وکیل با ۶ نفر در جناح چپ، ۷ نفر در جناح راست راه، یک نفر صاحب‌منصب و ۹ نفر نظامی با یک قبضه پنجاه تیر در برج جناح چپ راه. کلیه مسئولیت بروج مذکور با صاحب‌منصب اعزامی است و باید در ظرف فردا پست‌ها اشغال و مستقر شده باشد. نیز بروج ذیل را حکم دادم که از قسمت فوج گارد سپه از فوج آهن تحویل گرفته و پست برقرار نمایند: برج حسین خان، برج میان باغ، برج شمال غربی شهر که روی کوه واقع است سر جاده حسن‌وند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۷۴

نمره ۱۴۴۲، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده قسمت اعزامی تیپ پیاده نایب سرهنگ حسین خان<sup>۱</sup>. نظر به اینکه

۱. نایب سرهنگ حسین خان امیرعلایی، جمعی لشکر غرب.

باید محوطه مستحفظی هر قسمت معین باشد لهذا لازم است بروجی که جدیداً در جنوب شرقی شهر ساخته شده است در تحت مسئولیت یک صاحبمنصب و یک نفر معین نایب یا وکیل خوبی به طریق ذیل از قسمت فوج آهن پست برقرار شود: معین نایب یا وکیل با ۸ نفر در جناح راست، یک وکیل و شش نفر در برج جناح چپ، ۷ نفر در جناح راست راه، یک نفر صاحبمنصب با ۹ نفر نظامی و یک قبضه پنجاه تیر در برج جناح چپ راه و کلیه مسئولیت پست ها و بروج مذکور با صاحبمنصب آن قسمت خواهد بود. پس لازم است پست های ذیل را نیز از فوج آهن تحویل گرفته و از نظامیان فوج گارد سپه پست برقرار نمایید: برج حسین خان بیرانوند، برج میان باغ، برج شمال غربی که در روی کوه سر جاده حسن وند واقع است. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۷۵

نمره ۵، ۱۵، ۱۳۰۳. نور

از تنگ ازنا. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. ۱- با کمال احترام به عرض می رساند در یوم ۱۱ برج ثور ۳ بعد از ظهر قریب به یکصد و پنجاه سیاه چادر از طوایف پایی آمده و به مسافت دوهزار متری در نقطه مقابل محل متوقفه ما در ملکی خودشان چادر زده. ۲- اتفاق قابل عرض نیست. راپرتاً عرض شده نایب اول ابوالحسن، نمره ۶۰۹.

## ۷۶

نمره ۱۴، ۱۴۲۸، ۱۳۰۳. نور

تنگ ازنا. نایب اول ابوالحسن خان فوج دفاع، راپرت نمره ۵ ملاحظه، حکم داده شد به سگوندها که به طرف قلعه مراجعت نمایند. لازم است شما هم ابداً کسی را در قلعه راه نداده و حسب الامر ارتباط خودتان را همیشه با آبستان برقرار نمایید. کفیل ارکان حرب اردو، امجد السلطان.

## ۷۷

نمره ۱۴۳۶، ۱۴ ثور ۱۳۰۳.

عمدة الامراء العظام شیر محمد خان ایل بیگی. بر طبق راپرت نایب اول ابوالحسن خان مأمور تنگ ازنا قریب به یکصد و پنجاه سیاه چادر از طوایف پایی آمده و به مسافت دوهزار متری در نقطه مقابل قلعه چادر زده اند. علت اینکه طایفه مزبور نزدیک اوبه های<sup>۱</sup> شما آمده اند چیست و به چه واسطه از آنها جلوگیری نمی نمایند؟ توضیح دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۷۸

تهران. تلگراف. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً معروض می دارد در این موقع که بعضی از خوانین و کدخدایان طوایف مختلفه به وسایل مقتضیه جلب و تحبیب گردیده و دعوت به خدمت می شوند برای تشویق آنها که سابقاً نیز در لرستان مرسوم و معمول بوده به نام خلعت شال به آنها داده می شده و این مسئله یک اندازه اسباب اطمینان آنها را فراهم می داشته است، لهذا مستدعی است اعتبار پانزده طاقه شال جهت این گونه مواقع که مورد احتیاج است از طرف حضرت اجل مرحمت شود که در مواقع لازمه وسایل تشویق آنها فراهم گردد. محض راپرت عرض شد. ۱۵ ثور، نمره ۱۴۶۶، رییس تیپ پیاده.

## ۷۹

خرم آباد. مقام منبع بندگان حضرت اجل ریاست محترم تیپ پیاده لشکر غرب و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض آستان مبارک می رساند پس از اینکه حرکت کرده به سیلاخور آمدیم چند روزی

۱. واحد عشایری مجموعه ای از چند خانوار (اصطلاح ترکی).

جایجا نشده، بعد [از] قلعه نو نظام السلطنه مرحوم که در دست یمین الملک است زمینی دادند، ده دوازده جفت گاو بسته و مشغول شخم شدیم. از مراحم کامله بندگان حضرت اجل اخوان راحت ولی خیلی خسارت به ما وارد آمده، به سر مبارکت عیال هامان نان ندارند بخورند، این موقع خود چاکر عزم شرفیابی به آستان مبارک را داشته چون که اجازه نداده بودید و احضار نفرموده، نبی الله خان اخوی را فرستادم. استدعا دارم این احشام که از ما چه خرم آبادی برده و چه هر طایفه، حکم سختی بفرمایید که باعث تشکرات فدوی باشد. در خصوص زراعات چاکر و فامیل و اتباع، آنهایی که در هرو می باشد دیگر عرضی نمی کند، ولی آنهایی که در محل ده پیر حوالی خرم آباد داریم هر طور مقتضی است ترتیب و دستور بفرمایید. امر امر مبارک. جان نثار تقی.

## ۸۰

نمره: ۱۴۹۸، ۱۵ نور ۱۳۰۳.

رنگرزان. یاور ابراهیم خان فرمانده گردان سوار. تقی خان بیرانوند که با طایفه خود به سیلاخور کوچ داده شده اند از حضور ریاست محترم دامت شوکت تقاضای گندم جهت معاش خود نموده است چون فعلاً گندم موجود نیست حسب الامر سه خروار ذرت قدغن نمایید به مشارالیه تحویل نمایند که به سیلاخور حمل نماید. کفیل ارکان حرب اردوی لرستان، امجد السلطان.

## ۸۱

نمره: ۱۴۹۹، ۱۵ نور ۱۳۰۳.

به سیلاخور. مقرب الحضرت تقی خان بیرانوند. معروضه شما توسط نبی الله خان واصل و از نظر حضرت ریاست گذشت، امر فرمودند موقع جمع آوری محصول شما را احضار خواهند فرمود. لیکن راجع به گندم نوشته بودید فرمودند چون گندم فعلاً وجود ندارد، مال بفرستید هرو اجازه دادم یاور

ابراهيم خان سه خروار ذرت برای صرف معاش شما تحويل نمايد و در موقع نیز به طوری که به شما وعده فرموده اند همه قسم محبت و مهربانی در حق شما می شود. از هر حیث آسوده و راحت باشید. امجدالسلطان.

## ۸۲

خرم آباد. قربان آستان مبارکت کردم. چاکر چند سال قبل در خدمت صادق خان، کمر خدمتگذاری و جانفشانی دولت را بسته ام اگر لطف و مرحمت را درباره چاکر داشته باشید هیچوقت از چاکری و جان نثاری دولت دست بردار نیستم. چاکر از سابق تا الحال به دستگیری آقای ایلخانی با صادق خان راه خدمت را داشته و داریم و البته برای اینکه در کار بزرگی هستیم که طایفه بالاگریوه را یک حال و یک جهت کرده و رو به خدمت بیاوریم بعد از سه چهار [روز؟] دیگر. چاکر چند وقت در خدمت آقای رضاقلی خان یاور خدمت کردم، خدتمان به جایی رسیده. امیدواریم به سر همان خدمت باشیم. چند سال پیش از آقای امیر لشکر خدمت کردیم و مواجب داد. امیدواریم به سر همان خدمت باشیم. مخلوق لرستان را باید به محبت با آن ها رفتار کرد که خدمت بکنند. زیاده قربانت شوم، حسین خان بهاروند.

البته باید راه عبور را به جهت تجارت محبت فرمایید که بار تجارت را نگذاریم بماند. فقره دیگر مرحمت بفرمایید مردم به جهت کشت و زرع خودشان بیایند آن ها آب دهند و حق رعیتی خود را بدهند والسلام ایام به کام باد. قربانت، حسین خان دیرکوند.

## ۸۳

نمره ۱۴۸۷، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت کدخدا حسین خان دیرکوند، عریضه شما واصل، ملاحظه

شد از اظهار خدمتگذاری شما نهایت خرسند و مسرور شدم. البته وظیفه شخص خدمتگذار همین است که اظهار داشته‌اید. باید مردم را برای خدمت به دولت هدایت نمایید و به آن‌ها بفهمانید که این زمان غیر از زمان سابق است. البته دولت هم به طوری که قبلاً نوشته‌ام رعایای خود را دوست داشته و همیشه میل دارد که وسایل راحتی آن‌ها را فراهم سازد. در موضوع کشت و زرع طایفه نوشته بودید فعلاً به موجب اعلان اخطار نموده‌ام که راه شهر جهت طوایف دیرک‌وند باز و اداره قشونی آن‌ها را خدمتگذار می‌داند، به هیچ وجه از آن‌ها جلوگیری نخواهد شد. به آن‌ها نیز اطمینان دهید که زراعت متعلق به خودشان خواهد بود. اداره قشونی در باب زراعت آن‌ها نظریه ندارد و از هر حیث آسوده و راحت باشید. رییس تیپ پیاده لشکر غرب و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۸۴

قربان آستان مبارکت گردهم، این ساعت تعلیقه مبارکه حضرت اجل امجد اشرف آقای سرتیپ پیاده اعزامی لرستان رسید، زیارت شد از مضمونش خورسند و خوشحال شدیم. از طرف طایفه بالاگریوه از میر دیرک‌وند، جودکی، پایی در کار هستند تمامی مشورت کنند به جمله خدمتگذار و جانفشان بعد از دوسه روز با وکالت تمام طایفه‌ها خود و چاکر با دو نفر ریش سفید به خدمت بیایند. به شرط<sup>۱</sup> اینکه مواجبشان موجود باشد. چون که آقای رضاقلی خان مدتی است که مواجبشان را قطع کرده البته درباره‌شان مرحمت خواهد شد. از جانفشانی و خدمت دولت دست‌بردار نیستند. آن‌ها طایفه عوام وحشی هستند باید به محبت آن‌ها را زیر بار بیاورید. اگر چاکر جان‌نثار و خدمتگذار دولت هستم هر چه عرض می‌کنم صحیح می‌باشد. فقره دیگر از بابت دو نفر سادات با چند بار تجارت شهری به خدمت فرستاده با چند حیوان مکاری امر فرمایید راه عبور را بگشایند که مردم اطمینان حاصل کنند. زیاده قربانت گردهم. حسین خان دیرک‌وند. وصول ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

## ۸۵

نمره ۱۵۰۰، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت کدخدا حسین خان دیرک‌وند. معروضه ثانوی شما واصل از مطالب آن مستحضر گردیده و از طرز خدمتگذاری شما نهایت خوشوقتم. به‌طوری که در جواب عریضه اولیه شما نوشته‌ام اداره قشونی شما و طوایف دیرک‌وند را خدمتگذار دانسته و می‌داند. البته خدمات شما بی‌نتیجه نخواهد بود. راه شهر برای طوایف مزبور باز و اداره قشونی نیز نظریه‌ای در محصول و زراعت آن‌ها ندارد. لازم است به‌کلیه آن‌ها اطمینان داده و ابلاغ نمایند که زراعت متعلق به‌خودشان خواهد بود. از طرف دولت هم مساعدت و همه قسم مرحمت درباره آن‌ها مبذول خواهد شد. اداره قشونی هم در امورات آن‌ها مساعدت و همراهی خواهد نمود. هر موقع مطلبی دارند جهت خرید و فروش به‌شهر آمده و مراجعت نمایند. ابداً از آن‌ها جلوگیری نخواهد شد و خود شما هم به‌طوری که نوشته‌اید با یکی دو نفر از ریش‌سفیدان به‌شهر آمده اینجانب را ملاقات نموده هر‌گونه مطلبی دارید اظهار نموده با گرفتن دستورات لازمه مراجعت نمایند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۸۶

نمره ۱۵۰۳، ۱۶ ثور ۱۳۰۳.

به‌تنگ رباط. مقرب الحضرت عباس خان حسنوند. هفت نفر سوار در معیت معین نایب حسین خان به‌الشتر می‌روند. لازم است فوری خودتان و یا غلامرضا خان، یا اینکه یکی از بستگان خودتان را با آن‌ها جهت بلدیت همراه نمایید که سواران مزبور را به‌اردو برسانند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.



## ۸۷

نمره ۱۴۵۲، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

محرمانه، فرمانده قوای الشتر، نظر به اینکه موقعیت فعلی اردوی خرم آباد امیدبخش نیست و محتاج به کمک فوری می باشد و در صورت نرسیدن کمک به اردو حیثیات قشون به کلی از بین رفته و در نتیجه جهت اردوگران تمام خواهد شد لهذا لازم است یک عده نظامی از اردوی خود در قلعه مظفر به طور ساخلو گذاشته خود شما با بقیه اردو در ظرف ۴۸ ساعت بدون فوت وقت به خرم آباد بیایید. راجع به آمدن شما از الشتر به سمت خرم آباد به حضرت امارت جلیله دامت شوکتہ تلگرافاً راپرت عرض کرده ام در هر صورت شما منتظر حکم حضرت اجل نبوده هر چه زودتر به طرف خرم آباد حرکت کنید، موقع فوق العاده باریک و وجود عده کمکی بی نهایت مورد احتیاج است. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۸۸

از رنگرزان. تلفونگرام. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکتہ. با کمال احترام معروض می دارد امروز در ساعت ۱۰ صبح موقعی که قافله از آبستان می گذشته و سواران بدرقه می نموده بین آبستان و تکه مجدداً اشرار به جاده هجوم، در نتیجه دو ساعت مصادمه سواران قافله را به سلامت عبور داده و قافله خرم آباد را آورده اند. یک نفر نظامی مجروح، یک نفر خلع سلاح، یک اسب زخمی، دو اسب و دو قبضه تفنگ سواران به دست اشرار افتاده و در کوه بالای آبستان اشرار منزل نموده اند. عجالتاً برج جدیدی را که مانع از ساختن هستند ممکن نشد بنا نمود. راپرتاً معروض داشت. نمره ۱۵۵، یاور ابراهیم ضرابی.

## ۸۹

تهران، تلگراف، مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت

شوکت. محترماً به عرض مبارک می‌رساند. صبح در ساعت ۱۰ صبح روز ۱۵ ثور موقعی که قافله از آبستان به طرف خرم آباد می‌آمده و سوار نظامی نیز همراهشان بوده است غفلتاً الوار به آن‌ها حمله نموده پس از دو ساعت مصادمه نظامیان موفق شده قافله را عبور می‌دهند به سلامت، ولی در نتیجه جنگ سختی که دو ساعت مداومت داشته یک نفر نظامی مجروح و یک نفر خلع اسلحه، یک اسب زخمی، دو قبضه تفنگ به دست الوار می‌افتد و نیز دستور داده بودم در محلی که طرف احتیاج است جدیداً برجی بنا نمایند از قراری که یاور ابراهیم خان راپرت داده است مانع از ساختن برج شده و با آتش سریع نمی‌گذارند عمله و بنا مشغول کار شوند و در کوه بالای آبستان الوار اقامت نموده چند روز است کوه مزبور را ابداً تخلیه نمی‌نمایند. محض راپرت عرض شد، ۱۶ ثور، نمره ۱۴۸۲، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۹۰

نمره ۱۴۵۳، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

محرمانه، فرمانده اردوی الشتر، گرچه تحت نمره ۱۴۵۲ مطالب را به شما نوشته و ارسال داشته‌ام لیکن تصور کردم که مبادا حادثه‌ای رخ دهد که پاکت مزبور به شما نرسد. این است مطالب تکرار و به وسیله قاصد می‌فرستم. نظر به اینکه موقعیت فعلی اردوی خرم آباد امیدبخش نیست و محتاج به کمک فوری می‌باشد و در صورت نیامدن به کمک اردو، حیثیات قشون به کلی از بین رفته و در نتیجه جهت اردوگران تمام خواهد شد. لهذا لازم است یک عده نظامی از اردوی خود در قلعه مظفر به طور ساخلو گذاشته، خود شما با بقیه اردو در ظرف ۴۸ ساعت بدون فوت وقت به خرم آباد بیایید. راجع به آمدن شما با بقیه اردو از الشتر به خرم آباد به حضرت امارت جلیله لشکر دامت شوکت راپرت عرض شده است. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۹۱

نمره ۱۵۰۲، ۱۶ ثور ۱۳۰۳.

رییس اردوی الشتر، در تعقیب نمره ۱۴۵۲ و نمره ۱۴۵۳ می نویسد نظر به اینکه فعلاً احتیاجی به آمدن قوای آنجا پیدا نکرده لازم است حرکت خودتان را موقوف داشته ولی با حالت حاضر به حرکت منتظر دستور ثانوی باشید. چنانچه مجدداً آمدن شما را با قوا به طرف خرّم آباد ایجاب نماید فوری اطلاع می دهم که هر چه زودتر خودتان را با عده به کمک اردوی خرّم آباد برسانید و از وضعیات آنجا نیز مستحضرم دارید که بی اطلاع نباشم. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۹۲

تهران. تلگراف. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. در تعقیب نمره ۱۴۶۴ محترماً به عرض می رساند با اینکه موقعیت کنونی خرّم آباد آمدن سرهنگ گیگوخان را با اردوی خود به خرّم آباد ایجاب می نماید و همین طور دستور داده بودم فوری حرکت نماید، از آنجایی که می خواستم بدون اجازه حضرت اجل اقدامی نکرده و با اینکه احتمال می رفت این اقدام برخلاف نظریه حضرت اجل باشد به فوریت در تعقیب دستورات خود مجدداً شرحی به سرهنگ گیگوخان نوشته به مشارالیه گوشزد داشتم حرکت خود را فعلاً موقوف داشته و منتظر دستور ثانوی و امریه حضرت اجل باشد. در این صورت مستدعی است قدغن فرمایید مشارالیه با اردوی خود به فوریت به طرف خرّم آباد حرکت نماید، و الاً با این قوه فعلی تصور می نمایم که ارتباط اردو به بروجرد در نتیجه عملیات الوار قطع گردیده و منتج به یک سلسله زحمات و پیش آمدهای ناگوار گردد. محض راپرت عرض شد. در خاتمه مستدعی است در صدور حکم به اردوی الشتر دریغ نفرمایید که موقعیت بی نهایت وخیم به نظر می آید. ۱۶ ثور، نمره ۱۵۱۶، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۹۳

طهران. تلگراف. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند به موجب راپرت‌های واصله غلامعلی خان، خُله<sup>۱</sup> و لطیف پسر شیخ علی خان و میرزاخان برادر مَعده پسر شیخ علی خان و صید مهدی برادر علی مردان و یکصد نفر سوار با اسلحه دو روز است وارد به محل طایفه دیرک‌وندها که سه فرسخی شهر است شده‌اند. عمده مقصود آن‌ها این است به هر وسیله که باشد عبور کرده به عبدال و طوایف بیرانوند که در طرف پینه و غیره اجتماع نموده‌اند ملحق گردیده عقب سَر اردو را از طرف جاده تحدید نمایند ولی هنوز موفق نگردیده‌اند عبور نمایند. به پست‌ها در جلوگیری از خیالات مشارالیه دستور داده شده است. دیرک‌وندها با چگنی‌ها قرآن قسم خورده، متحد شده‌اند که متفقاً به طرف شهر و برج‌های دور شهر حمله نمایند. از قرار مذاکرات که نموده‌اند روز اول [و] دوم شوال [۱۷ و ۱۸ ثور] نظریه خودشان را تعقیب خواهند کرد. محض راپرت عرض شد. ۱۶ ثور، نمره ۱۵۱۷، رییس تیپ پیاده.

## ۹۴

به طهران. تلگراف. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می‌رساند نظر به اینکه هم‌روژه سواران والی<sup>۲</sup> با مطالبه حقوق و سایر اظهارات بی‌رویه اسباب زحمت را فراهم داشته و در این موقع هم که پاره‌ای انتشارات راجع به حملات الوار به شهر شیوع پیدا کرده، گذشته از اینکه به هیچ وجه سواران مزبور طرف اطمینان نبودند، لازم بود یک عده را نیز جهت تحت نظر گرفتن آن‌ها مأمور داشته و معطل نمایم، لهذا صبح ۱۶ ثور با دادن پنجاه تومان خرجی به اسم اینکه طهران خواهید رفت در تحت نظر یک نفر صاحب‌منصب و چند نفر سوار نظامی بدون اسلحه

۱. اصل: خوله. [غله مخفف غلام یا غلامرضا است. چون در لکی «غ» نیست، بدل به «خ» می‌شود].  
۲. والی پشتکوه.

بروجرد اعزام و به فرمانده فوج گارد سپه نیز دستور دادم در بروجرد داخل در علیق و غذا نموده تا دستور ثانوی حضرت اجل از آن‌ها نگاهداری نمایند و خیال فدوی نیز فعلاً از این حیث راحت گردد. محض راپرت عرض شد. ۱۶ نور، نمره ۱۵۱۸، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۹۵

۱۶ نور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست تیپ پیاده بروجرد و فرمانده معظم اردوی لرستان دامت شوکته. به عرض محترم می‌رسانم به موجب انتشار واصله دیشب برادر حاجی شکرالله نام پشت بازاری به نظامی‌ها گفته است که لرها این شب‌ها قصد دارند به شهر حمله نمایند مراقب خود باشید. امروز نیز اسفندیارنام طولابی برای شخصی اظهار داشته است که امشب الوار به پست‌های جنوبی شهر حمله خواهند نمود. نایب سرهنگ محمود یولادین.

## ۹۶

نمره ۱۵۱۴، ۱۶ نور ۱۳۰۳.

حکومت نظامی خرم‌آباد. راپرت شما ملاحظه شد. این قبیل انتشارات اهمیت ندارد. شما مأمورین پست‌های خودتان را منظم و مرتب نمایید و نیز با پاره‌ای وسایل که تصور می‌رود انتشارات این قبیل اشخاص را اردو قابل توجه قرار داده است، لازم است در آتیه از این گونه اظهارات پاره‌ای اشخاص جلوگیری نموده و انتشاردهندگان را تحت نظر گرفته و به‌طوری که مقتضی می‌دانید آن‌ها را تحدید نمایید که این قبیل اظهارات تجدید نشود. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۹۷

از دهات سیلاخور. مقام بندگان حضرت اجل ریاست تیپ پیاده لشکر

غرب و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. اینکه حضرت اجل فرموده‌اید که فدویان از اشخاصی که در سیلاخور و محال دینارآباد و دراندره [هستند] سرپرستی نمایم [و] همیشه در سر خدمت باشیم، همه نوع جهت اطاعت حاضریم لکن همین قدر به عرض می‌رساند اگر بخواهیم شرح خدمتگذاری و فداکاری چندین ساله خودمان را به دولت عرض کنم که چند نفر رشید و جوان از فامیل در راه دولت تلفات داده تا اندازه‌ای خاطر عاطر محترم مسبوق است این آرزو را از خدا خواسته که بحمدالله تعالی اردوی معظمی مثل این اداره از طرف دولت مأمور به قلع قمع اشرار و متمردين ایل و خوانین بیرانوند بشود و فدویان هم با آرزو و آمال چندین ساله نایل و دارای آب [و] خاک خود باشیم، در ضمن هم جان‌های غیر قابل را در راه خدمتگذاری دولت فدا سازیم و قیطول و اتباع چندین ساله متفرقه را جمع‌آوری نمایم و با نهایت امیدواری و تشکرات فوق‌العاده مشغول جانفشانی باشیم، آن وقت اگر باز این باقی‌مانده طایفه بیرانوند چند نفر دزد و شرور بود این چاکران از لطف خدا و مراحم کامله حضرت اجل با فامیل و بستگان حاضر هستیم آن‌ها را معدوم نمایم، آن وقت با تفضل خدا و توجه اداره محترم تمام آب و خاک محل بیرانوند را متصرف و مشغول خدمات مرجوعه و جمع‌آوری محصول محل مذکور می‌شویم که آن وقت بر تمام عشایرات لرستان معلوم می‌شود که نتیجه خدمت به دولت اینطور است که پس از چندین سال چاکران دارای آب [و] خاک خود شده و هیچ وقت خدمات مجهول نمی‌ماند. چنانچه این عرایض به پیشگاه حضرتت اجابت نمی‌رسد فدویان همینطور که در این اوقات سیلاخور هستیم باز همین طور کاری با محل بیرانوند نداریم هر حدودی که از محل سیلاخور معین می‌فرمایید اسلحه مرحمت فرمایید هر گاه از حدود معین خلاف نظمی به ظهور رسید از عهده برمی‌آییم. در صورتی که هیچ‌یک از تقاضاها قبول نمی‌شود دستخط آزادی مرحمت فرمایید که از مالکین سیلاخور تقاضای محل رعیتی نموده مشغول رعیتی و دعاگویی وجود مبارک باشیم. امر مبارک مطاع است. منصور، جمشید.

## ۹۸

نمره ۱۵۲۲، ۱۶ ثور ۱۳۰۳.

خرم آباد. معتمدالسلطان منصورخان بیرانوند شرحی که نوشته بودید  
 واصل و ملاحظه نمودم، این است نوشته می شود محل زراعت و محصول  
 طوایف شعبان شاه وردی و سبزعلی ها را به شما واگذار کردم. لازم است در  
 جمع آوری محصول این دو محل جدیت نمایید و در موقع لزوم هم حکم  
 می دهم اسلحه به شما بدهند. خدمات شما همیشه منظور نظر بوده و هست.  
 بدیهی است که در فراهم نمودن وسایل راحتی شما همه گونه مساعدت و  
 همراهی خواهد شد. از هر بابت آسوده خاطر باشید. رییس تیپ پیاده و  
 فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۹۹

از بروجرد. تلگراف. بندگان حضرت اجل ریاست تیپ پیاده و فرمانده  
 اردوی لرستان دامت شوکته. در چند شب قبل الوار کای رَمَت و کرنوکر شبانه  
 از پائین تنور در و چوقابهرام<sup>۱</sup> عبور و احشام آبادی های قلعه جنی، هاویلان،  
 روشت، باقالین، بامسر [و] حتی در قلعه بامسر به میان آبادی ریخته و  
 اثنایه شان را غارت کرده اند. در نتیجه کلیه مالکین و کدخدایان سربند و  
 سیلاخور علیا و سفلی متوحشانه به شهر آمده تقاضای اسلحه خود را  
 می نمایند و می گویند چنانچه اقدام عاجلی نشود به مقامات عالیه تظلم  
 می نمایند. فدوی از اقدامات آنها جلوگیری نموده و از حضور مبارک کسب  
 تکلیف می نمایم. نمره ۱۵۳۸، نصرالله خلعتبری.

## ۱۰۰

بروجرد. تلگراف. فرمانده فوج گارد سپه. در جواب نمره ۱۵۳۸ لازم

۱. در پاره ای منابع چغابهرام هم ثبت شده.

است تعداد پنجاه قبضه تفنگ دودی<sup>۱</sup> با دادن ضامن معتبر و گرفتن قبض به آنها تقسیم نموده که خودشان محافظت نمایند، در ضمن گوشزد کنید قریباً قطع ریشه الوار گردیده و به این قضایا خاتمه داده می شود. رییس تیپ پیاده، نمره ۱۵۲۸، ۱۷ نور ۱۳۰۳، محمد.

## ۱۰۱

نمره ۱۵۲۸، ۱۷ نور ۱۳۰۳.

سلطان محمدعلی خان رییس قسمت تنگ زاهد. ده نفر سوار برای ارتباط فرستاده شد. لازم است از وضعیات خودتان فوری اطلاع داده و نیز راپرت دهید علت اینکه سیم تلفون دیشب حرف نمی زد چیست. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۰۲

خرم آباد. تهران. رمز. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. جهت استحضار خاطر مبارک محترماً به عرض می رساند با اینکه از طرف الوار تاکنون تعرضات شدیدی نسبت به اردو دیده نشده است با این حال حالت روحیه صاحبمنصبان قسمت اعزامی از تهران فوق العاده خراب گردیده، بدون جهت مرعوب، به هیچ وجه وجودشان قابل استفاده نیست عوض اینکه وسیله تشجیع افراد را فراهم نمایند بالعکس مذاکرات و حرکات وهن آمیز آنها به کلی نفرت را بی پا و خیال نظامیان را نیز مشوب نموده است. راپرتاً عرض می نمایم چنانچه اندک تعرضات از طرف الوار دیده شود تصور می رود از وجود صاحبمنصب بلکه افراد اعزامی از طهران جز مزید بر گرفتاری نتیجه دیگر گرفته نشود. مستدعی است هر چه زودتر با اعزام یک قسمت جدیدی حالت روحیه صاحبمنصبان و نظامیان را تطهیر فرموده و از پیشامدهای ناگوار جلوگیری فرمایید. ۱۷ نور، نمره ۱۵۲۶، رییس تیپ پیاده، محمد.

۱. منظور تفنگ سرپر است.



## ۱۰۳

از تهران. رئیس تیپ پیاده. بر طبق تلگراف حکومت جلیله وضعیات خرم آباد صورت خوشی ندارد و با تهوری که در شخص شما و رشادتی که در نظامیان دلیر سراغ دارم مطمئن هستم که این قضایا قابل اهمیت نیست. بهر حال خود من روز دوشنبه حرکت می‌کنم، فوج بهادر و فوج سنگین اسلحه با توپخانه مکفی شنیدر<sup>۱</sup> دو روز بعد از من حرکت می‌نمایند. طیاره‌ها نیز در همان موقع پرواز خواهند نمود. لازم است مواقع فعلی را مستحکم نموده مخصوصاً خط رجعت اردو را کاملاً تأمین نمایید تا رسیدن و وارد شدن اردو. نمره ۷۸، امیر لشکر غرب، احمد.

## ۱۰۴

نمره ۲۳۹۸، ۱۷ نور ۱۳۰۳.

حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت اقباله. محترماً خاطر عالی را مستحضر می‌دارد ساعت ۲ بعد از ظهر امروز صید هاشم به اردو آمده راپرت می‌دهد که غلامعلی خان، خله با جمعیت بیرانوند به طایفه بیرانوند آمده و با آن‌ها هم قسم شده‌اند که به خرم آباد حمله نمایند و ضمناً مشغول مذاکره با اهالی خرم آباد هستند. و شرحی به کدخدا حاجی علی بسطامی خمسه نوشته و او را می‌خواستند با خود مساعد نمایند ولی مشارالیه از قبول پیشنهاد آن‌ها امتناع ورزیده. فرمانده اردوی الشتر، گیگو.

## ۱۰۵

نمره ۱۵۴۴، ۱۸ نور ۱۳۰۳.

خرم آباد. (رنگرزان) یاور ابراهیم خان. از دیروز تاکنون به واسطه قطع سیم از وضعیات شما مطلع نیستم. لازم است به فوریت از وضعیات خودتان مطلع

۱. Schneider. توپ کالیبر ۷۵ فرانسوی.

نمایید و نیز تلگرافی که به حضرت امیر راپرت نموده‌ام<sup>۱</sup> به فوریت و به اسرع‌ترین وسیله برای مخابره به بروجرد برسانید. چنانچه موفق شدید با آستان ارتباط پیدا کرده و سیم را مرمت نمایید و همین‌طور در نظر داشته باشید هر موقع که سیم قطع شد به بروجرد فوراً راپرت دهید که از آنجا به حضرت امارت راپرت دهند. دیروز تلگرافی از حضرت امارت رسید که دو فوج پیاده و یک فوج آتشبار و دو طیاره فوری از تهران حرکت نموده‌اند تا چند روز دیگر می‌رسند. لازم است استحکامات خودتان را محکم نگاهداری نموده و نظامیان را نیز از رسیدن قوای طهران مطلع سازید. چنانچه موقعیت اجازه دهد ممکن است پست‌های میراحمدی و غیره را جمع‌آوری در زاغه و رنگرزان تمرکز داده موقعیت خودتان را حفظ و از وضعیات خودتان راپرت دهید. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۱۰۶

نمره ۱۵۴۶، ۱۸ نور ۱۳۰۳.

حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می‌رساند به‌طوری که قبلاً راپرت عرض شده بود که الوار خیال هجوم دارند در روز ۱۷ برج دو بعد از ظهر الوار در گردنه تکه سیم را قطع و ارتباطی که همه‌روژه از رنگرزان به آستان می‌آمده مصادف با یک‌عده از الوار گردیده پس از زدو خورد موفق نمی‌شود که به طرف آستان عبور نماید، مجبوراً به طرف رنگرزان عودت می‌نماید و همچنین یک‌عده سوار با قافله که از آستان به رنگرزان می‌رفتند موفق به عبور نگردیده به آستان مراجعت می‌نمایند. متعاقب آن الوار به برج آستان حمله نموده پس از دو ساعت زدو خورد موفق به انجام مقصود نشده و با دادن دو نفر تلفات به طرف کوه می‌کشند و دیشب را در اطراف برج و جلگه و کوه‌های مشرف به آستان

بودند و تا دو ساعت بعد از نصب شب لیل ۱۸ از طرف الوار به کلیه پست‌ها و برج‌های اطراف شهر حمله و شروع به تیراندازی شد. تا صبح از تمام برج‌ها و پست‌ها صدای شلیک شنیده می‌شد ولی الوار موفق به اخذ نتیجه نگردیده فقط شبانه تیزی کوه سفید<sup>۱</sup> را که مشرف به شهر است از طرف الوار اشغال صبح به طرف برج‌های جناحین شروع به تیراندازی نموده‌اند. فعلاً که ساعت ۶ صبح ۱۸ است و راپرت عرض می‌شود مشغول به زد و خورد هستیم. امیدوارم با توپ از کوه سرازیرشان نموده کوه سفید را از تصرف آن‌ها خارج نمایم، ولی از اطراف هنوز به تعرضات نسبت به پست‌ها شروع نکرده‌اند تا بعد چه پیش آید. ولی تصور می‌رود خیال اساسی داشته امروز از اطراف به پست‌ها نیز حمله نمایند. الساعة که راپرت عرض می‌شود از تنگ زاهدشیر و رنگرزان اطلاعات صحیحی ندارم. راپرت را توسط قاصد به رنگرزان ارسال که از آنجا به بروجرد فرستاده مخابره نمایند و به یاور ابراهیم خان نیز دستور دادم چنانچه موفق شد با آبستان و تنگ زاهد ارتباط پیدا نماید و نتیجه اقدامات را پس از گرفتن راپرت از پست‌ها و معلوم داشتن مقصود دشمن مجدداً راپرت عرض بنماید. فعلاً روابط قوای خرم‌آباد با بروجرد و پست‌ها قطع است. محض راپرت عرض و راجع به رسانیدن کمک جهت خرم‌آباد پس از عرض راپرت‌های قبل خود تکرار آن را زاید می‌دانم. در خاتمه به عرض می‌رساند امروز در موقع تیراندازی میل یک توپ که در قلعه فلک‌الافلاک بود شکست و تقریباً الساعة هم سیصد نفر سوار از دیرک‌وندها به طرف تنگ زاهد حرکت کرده و از هر طرف سخت به طرف شهر حمله کرده و سخت جنگ امتداد دارد. رییس تیپ پیاده، محمد.

۱۰۷

نمره ۱۵۴۵، ۱۸ ثور ۱۳۰۳.

(بروجرد)، فرمانده فوج گارد سپه. تلگراف حضرت امارت را که توسط

یاور ابراهیم خان ارسال شده فوری مخابره نمایید و هر وقت که سیم قطع می شود و یاور ابراهیم خان اطلاع می دهد فوری به حضرت امیر راپرت عرض کنید. از وضعیات خودتان نیز رمزاً به اینجانب مکتوبی نوشته فوری ارسال دارید و گلیسیرین خیلی زودتر بفرستید. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۱۰۸

نمره ۱۵۴۴، ۱۸ ثور ۱۳۰۳.

(الشر). سرهنگ گیگوخان فرمانده اردوی الشتر، وضعیات خرم آباد کسب اهمیت پیدا کرده لازم است به محض وصول این کاغذ یک عراده از توپ‌هایی که در اردو دارید به فوریت و به اسرع وقت [و] وسایل خرم آباد ارسال دارید. همین قدر می نویسم احتیاجات کاملی به توپ می باشد، چنانچه حمل آن اسباب اشکال و معطلی باشد گهواره‌اش را به وسیله مقتضیه ارسال نمایید. از امروز صبح که ۱۸ ثور است در اطراف خرم آباد با الوار شروع به زد و خورد گردیده است. لازم است فوری توپ و یا گهواره‌اش را بفرستید. رییس تیپ و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۰۹

نمره ۳۵، ۱۸ ثور ۱۳۰۳.

(قلعه ماسور)<sup>۲</sup>. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته.

۱- الوار مشغول خراب کردن برج بودند آن‌ها را با توپ متفرق. عده سوار آن‌ها به طرف خرم آباد خواهند آمد. سوار آن‌ها خیلی زیاد هنوز هم از عقب تقویت می شوند.

۱. ظاهراً در ثبت شماره اشتباهی رخ داده است، زیرا سند ۱۰۵ نیز ۱۵۴۴ است.  
۲. با توجه به شماره نامه، چنین به نظر می آید، نامه بعدی (سند ۱۱۰) باید پیش از این سند نگاشته شده باشد، با این حال در ترتیب نگارش اصلی تغییری داده نشد.

- ۲- بین دو برج راه رومانی را الوار گرفته‌اند.  
 ۳- چگنی‌ها مثل دیشب در آن حدود حاضر، توپ‌ها خیلی مؤثر و طرف را متلاشی نموده.

## ۱۱۰

۱۸ ثور ۱۳۰۳، نمره ۳۰.

خرّم آباد. (قلعه ماسور) حضور مبارک ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته.

۱- چگنی‌ها به طور متفرق از کوه‌های رومانی به جلگه رومانی<sup>۱</sup> عقب کشیده‌اند.

۲- الواری که به قلعه جناح چپ ماسور رفته‌اند. خود را به دماغه کوه شرقی خرم آباد کشیده و بالا می‌روند.

۳- تاکنون از ۵ ورس<sup>۲</sup> بیشتر تیراندازی نشده.

۴- برج جناح چپ قلعه نمره ۴ به الوار تیراندازی می‌کنند.

۵- قسمتی از الوار به طرف برج جدید کوه شرقی نزدیک می‌شوند.

۶- روح صاحب‌منصبان و افراد برج‌ها به مرحمت حضرت رییس سرشار است. اضطرابی تصور نفرماید.

۷- توپ را مشغول تعمیر هستند. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۱۱۱

۱۹ ثور ۱۳۰۶ (قلعه ماسور). سلطان اسدالله خان از قرار معلوم برج جناح چپ قلعه ماسور که در قلعه کوه است بدست الوار افتاده. چنانچه برج مزبور دست الوار باشد و صلاح بدانید قوای دو برج جناح چپ قلعه را بخواهید به قلعه، قبل از اینکه اتفاقی جهت آن‌ها رخ دهد. فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۱. در اصل: رونایی [RUMONI]

۲. verst واحد مقیاس روسی معادل تقریبی ۱۰۰۰ متر.

## ۱۱۲

نمره ۳۷، ۱۸ نور ۱۳۰۳.

۹ بعد از ظهر (قلعه ماسور) حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته.

۱- برج‌های جنوبی قلعه را حسب الامر در قلعه جمع. برج چپ نمره ۴ در محاصره الوار بود با این حال او را جزو شبانه آنجا را تخلیه می‌نمایند. دو نظامی آن پس از خارج شدن بین راه معلوم نیست. یک نفر پنجاه تیر و یک نفر از گروهان اول شاید به شهر آمده باشند.

۲- منتظر مال شدم نرسید که آذوقه بینه زیادی که در قلعه هست حمل نمایم بالاخره اینطور تصمیم گرفتم که آنچه پیاده هست پس از احضار [افراد] برج گرارجنه<sup>۱</sup> با خود به شهر بیاورم و سوار را هم در قلعه گذارده و پس از فرستادن مال آن‌ها بار کرده بیایند. بعد از حاضر شدن برج گرارجنه تمام برج‌ها را الوار می‌گیرند، چون قبلاً اطراف برج‌ها را داشتند الوار به کوه گرارجنه آمده به قلعه تیراندازی می‌کنند. در روز اگر الوار در گرارجنه باشند آتش توپ لازم است.

۳- توپ و مسلسل‌ها را با سوار [و] پیاده شبانه به شهر روانه کردم. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۱۱۳

۱۹ نور ۱۳۰۳. کوه مدبه. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند در ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح سیصد نفر از الوار سه قسمت شده به روی برج ۳ و ۴ می‌آیند الساعه مشغول جنگ می‌باشم. نایب سرهنگ ولی آقا<sup>۲</sup>.

۱. در اصل: گل ارژنه [GAR ARJENA]

۲. نایب سرهنگ ولی آقاخان امیراحمدی.

## ۱۱۴

۱۸ ثور ۱۳۰۳. کوه مدبه. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. خرّم آباد الان که ساعت ۱۲ ظهر است دو ساعت و نیم است که جنگ می نماییم و عده الوار تقریباً یکهزار نفر می باشند و از عقب برج چهارم حمله آور به جلو می باشند. فشنگ تقریباً تمام می شود. راپرتاً عرض شد. نایب سرهنگ ولی آقا.

## ۱۱۵

۱۸ ثور ۱۳۰۳، ساعت ۱۲/۵ ظهر، حضور مبارک ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً معروض می دارد این ساعت که راپرت عرض می شود جنگ به شدت دوام دارد. حتی الوار نزدیک به برج چهارم رسیده عده ما کافی نیست و چندین برابر عده دشمن زیاده تر است. کلاً وضع سخت است. نایب سرهنگ ولی آقا.

## ۱۱۶

۱۸ برج ثور ۱۳۰۳، (کوه مدبه) حضور مبارک ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً معروض می دارد فشنگ ارسالی دریافت، مابین نظامیان تقسیم شد. تا این ساعت قریب پانصد نفر سوار و پیاده الوار دور آخرین برج مارا که از گروهان ۳ است گرفته به طوری که می شود تصور کنم برج مزبور سقوط نموده است، مابین ما و ایشان را یک دره عمیق مهمی قطع نموده است به قسمی که به هیچ وجه نمی توان از حال آنها اطلاع حاصل کرد. با این وضعیت و با این عده. عده دشمن که دور برج را محاصره کرده نهایت زیاد. راپرت قضیه و کثرت دشمن را به نایب سرهنگ ولی آقا خان عرض خواهم کرد. نایب اول رفیع نظام.

## ۱۱۷

۱۸ ثور ۱۳۰۳، (کوه مدبه) نایب سرهنگ ولی آقاخان. سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ فوج گارد سپه را اعزام داشتیم. لازم است مسئولیت کلیه فرونت را با نظریات حاصله تحویل مشارالیه داده. خود شما با عده اسکورت و اسب سوارها مراجعت نمایید. فرمانده بهادران ها هم در همان جا بمانند و با نفرات خودشان. رئیس اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۱۱۸

۱۸ ثور ۱۳۰۳، (شهر). سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ فوج سپه. به طوری که دستور داده ام فوری حرکت کنید بروید فرونت را از نایب سرهنگ ولی آقاخان تحویل گرفته تا عصر به اینجانب راپرت دهید. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۱۹

۱۸ ثور ۱۳۰۳، (از کوه سفید چگنی کش). مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. خرم آباد. راپرتاً عرض می شود بنده با عده به سنگرهایی که الوار بیرق زده بودند وارد شده. عده الوار در قلعه کوه قریب به سه هزار نفر متجاوزند. آتش توپخانه به قلعه مؤثر. دو پست را تخلیه کردند. فرمانده بهادران ۲، سلطان غلامحسین قویمی.

## ۱۲۰

۱۸ ثور ۱۳۰۳ (از کوه مدبه جناح چپ) مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. راپرتاً معروض می دارم در ساعت ۴ بعد از ظهر مسئولیت جناح چپ که در تحت ریاست فرمانده گردان ۱ سوار بود تحویل گرفتم. برجی که خود اینجانب سابقاً مأمور ساختمانش



بودم در تصرف الوار است و عده الوار اطراف برج قریب ۵۰۰ نفر است و برج آخر را هم محاصره نموده اند که غیر ممکن است به آن ها کمک فرستاده شود و قریب ۲۰۰ نفر هم الوار دور برج چهارم می باشند. گروهانی که اعزام شده با پنجاه تیر رسید. این قوا در اینجا مکفی نیست و بنده هم از این عده مطمئن نیستم. مستدعی است بقیه قسمت بنده را روانه فرمایید با دو دستگاه مسلسل در معیت رفیع نظام فقط یک رسد از شهر بیرون آمده. اسب های سوار هم در اینجا بی مصرف به شهر خواسته شوند. فرمانده گروهان ۴ سید حسن رضوی.

## ۱۲۱

۱۹ نور ۱۳۰۳ (کوه چگنی کش سفید). مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند دیشب گذشته عده زیادی از الوار به پست محمد وکیل چپ حمله نموده، وکیل مزبور بواسطه کثرت دشمن پست را تخلیه و عقب نشینی نمود. محمود خان نایب اول هم بدون جنگ و بدون حکم پست را تخلیه نموده و رفته است. فقط از عده مشارالیه ۵ نفر نزد اینجانب آمده بقیه را با خود به شهر برده. فعلاً اینجانب با نایب دوم محمد علی نیستا و نایب ۳ ابراهیم خان، ۲ پنجاه تیر، ۲۷ نظامی، در کوهی که الوار بیرق زده بودند هستم و سنگرهای تخلیه شده در دست الوار است. عده هم فوق العاده خسته که بدون اختیار می خوابند. عده الوار هم زیاد است راپرتاً عرض شد. فرمانده بهادران دفاع، غلامحسین قویمی.

## ۱۲۲

۱۹ نور ۱۳۰۳ (کوه چگنی کش). مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. به عرض عالی می رساند از دیروز غروب دشمن از سه طرف حمله نمود. اسدالله بیک معین نایب که با ۱۵ نفر نظامی در قلعه بود،

دشمن حمله نموده قلّه را متصرف شده. فعلاً از شهر که ملاحظه می فرمایید قلّه قرمز سمت چپ در دست دشمن است، به سلطان احمد خان با عده گروهان اول که ۵۰ نفر می باشند با یک پنجاه تیر از سمت راست کوه به طرف دشمن حرکت نموده. در قلّه سمت چپ الوار دیده می شوند. از حیث آب سخت می گذرد و امر فرماید برسانند. فرمانده بهادران ۲ فوج دفاع، سلطان غلامحسین قویمی.

## ۱۲۳

۱۹ ثور ۱۳۰۳ (کوه مدبه). خرّم آباد. حضور محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً راپرت عرض می شود. ارشدالسلطنه با عده ای وارد تحویل گرفتم. عده دشمن تقریباً مغلوب امروز قریب ۲۰ نفر تلفات گرفته شده، اول به فضل خداوند، ثانیاً به اقبال ریاست محترم قلب الوار را در هم خواهم شکست. سید حسن رضوی، گروهان ۴.

## ۱۲۴

۱۹ ثور ۱۳۰۳. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً معروض می دارد، الساعه قریب به محاصره هستیم و عده هم کافی نیست. محمدعلی خان نایب با عده اش که بنا بود دیشب نزد بنده بیاید، بالعکس با عده اش به شهر آمده. مستدعی است امر فرمایید عده و آذوقه مکفی و فشنگ ارسال دارند و برج دیگری که دیروز راپرت آن عرض شده بود یعنی برجی که پنجاه تیر دارد الی حال در محاصره است و هنوز تسلیم نشده است. و کلیه عده ای که نزد اینجانب است. قریب پنجاه نفر بیشتر نیست، که فقط ۱۵ نفر طرف اعتماد در استقامت است. ۳ نفر هم تیرخورده داریم. مستدعی است امر فرمایید، هر چه زودتر عده با فشنگ [و] آذوقه ارسال دارند و اگر توپ بزرگ نباشد کار از پیش نخواهد رفت. مستدعی است مقرر فرمایید چند نفر از صاحب منصبانی که در شهر خوابیده اند نیز به کمک بفرستند. سید حسن رضوی، (کوه مدبه).

## ۱۲۵

۱۹ ثور ۱۳۰۳ (کوه مدبه). مقام محترم بندگان حضرت ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. در تعقیب راپرت قبل معروض می‌دارد پس از حمله نظامیان و گرفتن برج چهارم نظر به اینکه وضعیت محل طوری است [که] در نزدیکی برج کمرهایی خیلی سخت دارد سوار و پیاده الوار قریب سیصد نفر از جلگه و چادرها حمله کردند، ۱۴ نفر از نظامیان سوار و پیاده مقتول و مجروح شده، آب و آذوقه به برج رسانیده مجدداً برج در محاصره الوار افتاد. اغلب زخمی و مقتول در برج و بعضی‌ها نزد اینجانبند. از طرف کوه شاهنشاه هم متواتراً کمک برای دشمن می‌رسد. عملیات لازمه به عمل آمده، جز آتش توپخانه قسم دیگری ممکن نیست. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۱۲۶

۱۹ ثور ۱۳۰۳ (کوه مدبه). مقام محترم ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. الساعة که ۱۲ ظهر است دشمن پای برج را گرفته عده دشمن قریب به هزار نفر می‌باشد و سخت ریشه برج را گرفته‌اند. عن قریب برج تسلیم می‌شود. عده دشمن باز در چادرها جمع ممکن [است] از شهر با توپ شلیک کرد. بی‌استفاده نخواهد بود. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۱۲۷

۱۹ ثور ۱۳۰۳ (کوه مدبه). خرم‌آباد. مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام به عرض می‌رسانم دو [و] یک ربع کم از ظهر به اقبال بی‌زوال مقام مقدس برج را از محاصره بیرون آورده و قریب ۵۰ نفر به عده الوار تلفات وارد آورده، الوار از

جناحین قلعه فراری گشتند. کمال رضایت را از قسمت بهادران فوج دفاع و سایر قسمت‌هایی که به کمک آمدند دارم. امیدوارم که نظامیان رشید رضایت ریاست محترم را جلب و خدمات آن‌ها در نظر حضرت اجل جلوه‌گر گردد. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۱۲۸

نمره ۱۵۶۴، ۱۹ نور ۱۳۰۳.

(رنگرزان). یاور ابراهیم خان. به‌طوری که معلوم است هنوز ارتباط خودتان را با آبستان مرتب ننموده‌اید. اینجانب هم به‌هیچ وجه از شما اطلاعی ندارم. خیلی مشوش هستم چنانچه بخواهم از وضعیات شما یا تنگ مستحضر شوم باید بوسیله قاصد اطلاع حاصل کنم. در هر حال لازم است در ظرف همین دوروزه به هر وسیله است ارتباط با آبستان را برقرار و به‌طوری که سابقاً هم نوشته‌ام هر چه می‌توانید قوای خود را جمع نگاه داشته عده و پست‌های دوردست را برداشته در سر جاده بگذارید و ارتباط را محکم کنید. عده بقدر لزوم در زاغه تمرکز داده بقیه را در جاده عبور ارتباط بگذارید، برج گردنه تکه را ساخته به فوریت پست برقرار کنید. از وضعیات خودتان و ورود اردو به بروجرد هر چه زودتر اینجانب را مطلع ساخته و راپرت دهید. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۱۲۹

نمره ۱۵۵۸، ۱۹ نور ۱۳۰۳.

(خرم آباد)، مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. در هر نقطه تشریف دارند مخابره شود. در تعقیب نمره ۱۵۴۶ محترماً به عرض مبارک می‌رساند به‌طوری که در راپرت قبل عرض کردم از لیل ۱۸

ثور الوار شروع به حمله نموده صبح ۱۸ از هر سمت به پست‌های اطراف  
 خرّم آباد به طور سخت هجوم آور گردیدند. قله کوه سفید که بالای سر شهر و  
 از طرف چگنی‌ها در ليله ۱۸ اشغال شده بود قبل از ظهر با اعزام عده‌ای پیاده  
 دشمن را سرازیر با گرفتن تلفات سنگینی مجدداً کوه را نظامیان متصرف  
 گردیدند ولی عده زیادی که از کوه جناح چپ که منتهی به کوه مدبه می‌شود  
 حمله کرده بودند موفق شده برج را متصرف پس از خراب کردن برج رو  
 به کوه مدبه جلو آمده ارتباط را با قلعه ماسور قطع و برج‌هایی که در جناحین  
 قلعه ماسور بوده محصور داشتند تا ظهر ۱۹ ثور آنچه لازمه استقامت بوده  
 به خرج داده شد ولی چون دشمن فوق‌العاده زیاد و در حملات خودشان  
 تخریبی نشان می‌دادند و روابط را با قلعه ماسور قطع و برج‌ها را محصور کرده  
 بودند و بیم آن می‌رفت برج‌ها پس از چند ساعت تسلیم شوند ناچاراً  
 به وسایل مقتضیه به فرمانده قلعه ماسور دستور داده شد که از موقعیت استفاده  
 کرده، حکم دهد برج‌های جناحین را تخلیه و به قلعه ماسور جمع شوند. پس  
 از آن قلعه را نیز تخلیه نموده به شهر بیایند. به این دلیل گذشته از اینکه خط  
 ارتباط را قطع و به هیچ وجه نمی‌شد از وجود آنجا استفاده نمود، بعلاوه عده  
 الوار که به کوه مدبه حمله می‌نمودند زیاد بود و برای نگاهداری آنجا عده  
 مکفی نداشتیم، لهذا ظهر ۱۹ قلعه ماسور تخلیه گردید و همین طور برج‌هایی  
 که در سمت چگنی ساخته شده بود. نظر به نداشتن موقعیت و عدم امکان  
 به نگاهداری آن‌ها تخلیه گردیدند. فعلاً هم یک ساعت از ظهر می‌گذرد از  
 حملات الوار در کوه مدبه و کوه سفید مدافعه می‌شود. عده دشمن فوق‌العاده  
 زیاد ساعت به ساعت حملات خود را شدیدتر نشان می‌دهند و دو برج فعلاً  
 از طرف دشمن به کلی محصور می‌باشد، رابطه اردو با تنگ زاهد شیر و رنگرزان  
 قطع، معلوم نیست در عقب اردو مشغول چه عملیاتی می‌باشند. اگر ۲۴ ساعت  
 دیگر بدین طریق بگذرد و با اینکه تخلیه شهر و عقب‌نشینی سخت و تلفات  
 سنگین وارد خواهند آورد، مجبورم شهر را تخلیه نموده و عقب‌نشینی نمایم و با

نداشتن قوه باز جهت استخلاص نفرات برج ها که محصور هستند یک مرتبه حمله به الوار خواهم کرد بلکه بتوانم نفرات برج ها را از محصورى خارج نمايم همین قدر عرض می نمایم فعلاً اردو در حالت محصورى و در کوه های اطراف شهر مشغول دفاع می باشم. وضعيات بی نهایت وخيم است. نمره ۱۵۵۸، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۱۳۰

نمره ۱۵۵۹، ۱۹ ثور ۱۳۰۳.

ضمیمه تلگراف نمره ۱۵۵۸. فرمانده قوای الشتر جهت استحضار شما می نویسم، وضعيات فوق العاده وخيم و سخت گردیده الوار متحداً به شهر هجوم نموده فعلاً در کوه های اطراف شهر مشغول دفاع هستم. چنانچه بدین منوال بگذرد تصور می رود مجبور به تخلیه شهر گردیده از تنگ زاهدشیر و یا خط الشتر عقب نشینی نمایم. ارتباط با عقب سر که از دو تنگ زاهدشیر و رنگرزان باشد بکلی قطع. الوار ساعت به ساعت به حملات خود می افزایند. چنانچه تصمیم به عقب نشینی شود فوری شما را مطلع خواهم داشت. تلگرافی به حضرت امارت جلیله دامت شوکته عرض شده هر چه زودتر به نهاوند ارسال که فوری مخابره نمایند. از وضعيات خودتان و آن حدود اینجانب را مطلع دارید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۳۱

نمره ۱۵۶۰، ۱۹ ثور ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند، نظر به اینکه تصور می رفت راپرت نمره ۱۵۵۸ که به وسیله قاصد از خط رنگرزان ارسال حضور مبارک گردیده موفق به عبور و

رساندن راپرت نشود، لهذا عین راپرت نمره ۱۵۵۸ را مجدداً از خط الشتر فرستادم که سرهنگ گیگوخان از نهاوند مخابره نماید، رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

### ۱۳۲

خرم آباد، ۲۹ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. این قسمت فشنگ کسر دارد، و نفرات هم کافی نیست. خیلی خوب بود که امر بشود نفرات با فشنگ بفرستند. مخصوصاً خیلی لازم است که نفرات پست ارتباط زودتر بیایند که تا روشن است با وضعیات زمین آشنا شوند. در هر صورت عده و فشنگ با پنجاه تیر زودتر فرستاده شود. ۲ ساعت قبل یک نفر نظامی از بین برج ها عبور می کرد که برود به پست سر جاده یک تیر از دره های مقابل جاده انداخته شد هر چه تفحص کردیم معلوم نشد که در کجا است، ولی گمان می کنم دشمن در دره های مقابل جاده باشد. نظامی سلامت رد شد. سلطان سید حسن ناظری.

### ۱۳۳

نمره ۱۵۷۲، ۲۰ ثور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان، فرمانده امنیه خرم آباد. راپرت شما رسید به سرهنگ علی محمدخان حکم دادم فشنگ بفرستند. پنجاه تیر در آنجا مورد لزوم ندارد و پست ارتباط را هم شب برقرار نمایید. دو نفر از قسمت خودتان تعیین کرده و سه نفر نیز به یاور میکائیل خان نوشته شد که در اختیار شما بگذارد که یک پست پنج نفری برقرار نمایید. نهایت مواظب باشید که اتفاق سویی رخ ندهد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

### ۱۳۴

نمره ۱۵۷۳، ۲۰ ثور ۱۳۰۳.

یاور میکائیل خان فرمانده اسکورت. نظر به اینکه باید بین برجی که

سلطان سید حسن خان امنیه و برجی که شما هستید ارتباط گذاشته شود، لهذا سه نفر از نظامیان خودتان را در تحت اختیار مشارالیه گذاشته که دو نفر نظامی هم سلطان سید حسن خان تعیین و یک پست پنج نفری ارتباط در مابین دو برج برقرار نماید. در خاتمه پست خودتان را مستحکم و در مقابل حمله دشمن جدیت کامل به خرج دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۳۵

نمره ۱۵۶۹، ۲۰ نور ۱۳۰۳.

قلعه بیگی اردوی لرستان، حکومت نظامی خرم آباد. لازم است به کلیه پست های مستحفظی و گشتی های دروازه ها دستور کامل بدهید که در موقع خروج و ورود احشام و غیره به شهر چه اشخاصی خارج و نیز به شهر داخل می شوند مخصوصاً دقت کنید در صورتی که غریب و خارجی به شهر وارد می شوند، مورد نظر قرار داده جلب و تحقیقات نموده راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردو، محمد.

## ۱۳۶

۲۱ نور ۱۳۰۳، خرم آباد. مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می رساند وضعیات فرونت امروز با روزهای سابق؛ عده دشمن تقریباً متجاوز از یک هزار پیاده و چهار صد سوار می باشد. زدوخوردهای مفصلی هم با الوار شده. عده بنده کلیه خسته، مستدعی است امر فرمایید قسمتی از شهر بفرستند. اگر امروز دارای توپ سنگین و دو قبضه مسلسل بودیم اقلأ یکصد نفر از الوار را تلفات می گرفتیم. [در] تمرکزگاه دشمن چندان عده ای نمانده و کلیه دشمن به اطراف پراکنده تیراندازی توپ از خرم آباد به محل دشمن نتیجه نخواهد داشت. پنجاه تیرهایی که نزد بنده است اسقاط و در موقع قابل استفاده نیست.



مستدعی است امر فرمایید دو دستگاه مسلسل با پنجاه نفر کمک برای این قسمت فرستاده شود. عده دشمن از قراری که عقب‌نشینی کردند تلفات زیادی به آن‌ها وارد آمده است. از خوانین هم در این چندروزه زخمی و کشته شده‌اند زیرا امروز فشار الوار فوق‌العاده‌تر از هر روز است. یک نفر از قسمت اسکورت دیشب مقتول مقرر فرمایید فشنگ روسی و انگلیسی و سه تیر ارسال دارند. تقی‌خان نایب برای اتصال تلفون و تعیین مسافت برای تیراندازی به دشمن، پشت کوه آمد. تلفن درست نشد. سید حسن رضوی، گروهان ۴.

## ۱۳۷

نمره ۱۵۷۴، ۲۱ نور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴. راپرت شما را ملاحظه نمودم اینکه راپرت داده‌اید از سه قبضه پنجاه‌تیر که با قسمت شما است استفاده نمی‌شود، سه قبضه دیگر فرستاده شد، عوض کرده و آن سه قبضه را به شهر فرستید. دیگر اینکه بر طبق راپرت واصله لطیف پسر شیخه کشته شده و پسر غلامعلی خان هم زخمی است. قوای آن‌ها متفرق و برگشته‌اند. خود شما هم راپرت داده‌اید جمعی از الوار به طرف تنگ ازنا رفته‌اند، حالیه می‌نویسید که قوای الوار زیاد شده است. در هر صورت فرونت خودتان را کاملاً نگاهداری نموده و از تعرضات آن‌ها جلوگیری کامل نمایید. فردا کلیه قسمت شما را عوض خواهیم کرد. حکم دادم قند و چایی و گوشت پخته بفرستند که بین نفرات تقسیم شود، دستور هم داده شد فشنگ ارسال دارند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۳۸

نمره ۱۵۸۳، ۲۱ نور ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته، (در هر کجا

تشریف دارنده مخابره شود). در تعقیب نمره ۱۵۵۸<sup>۱</sup> محترماً به عرض می‌رساند الساعه که ساعت ۱۲ ظهر است ۶ روز است خرم آباد محصور فقط کوه مدبه و کوه سفید که جناحین خرم آباد است دست نظامیان است، قوای دشمن از پنج هزار نفر متجاوز و چندین حملات فوق‌العاده سخت به عمل آورده پاره‌ای از برج‌ها را محصور نموده‌اند و با اینکه در موقع هجوم تلفات سنگین داده‌اند مع‌هذا در حملات خود پافشاری می‌نمایند. تا حال تقریباً سیصد نفر از دشمن تلفات گرفته شده و تلفات اردو نسبتاً کمتر است ولی همه‌روزه به قوای دشمن کمک می‌رسد. نظامیان در این شش‌روزه شب و روز در زدو خورد، ابداً راحت نکرده‌اند و برجی که قبلاً عرض کرده بودم از طرف الوار محصور است با اینکه جهت استخلاص آن‌ها به الوار چندین مرتبه حمله شده ولی در نتیجه استقامت آن‌ها موفقیت حاصل نگردیده، برج به دست الوار افتاد و نظامیان خلع سلاح گردیدند و تاکنون چندین مرتبه شب از هر طرف به شهر حمله نموده‌اند بلکه شهر را متصرف شوند ولی موفق نگردیده‌اند. گرچه با زیادی دشمن به طوری که قبلاً عرض کرده بودم ممکن نبود بیش از ۲۴ ساعت در شهر توقف نمایم، ولی از توجهات ایزدی تاکنون شش روز است در حالت محصورى باقى و نظامیان با کمال رشادت در مقابل حملات الوار استقامت می‌نمایند. آنچه بتوانم در نگاهداری شهر و استحکامات فداکاری خواهم کرد. ولی نظامیان خسته و به کلی حالت روحیه‌شان از دست رفته است. از شدت استیصال دو مرتبه به گیگوخان نوشته که خود را به کمک اردو برساند، همه را طفره رفته، وضعیات ناگوار و گرفتاری اردو را در نظر نگرفته است، همین قدر عرض می‌نمایم در ظرف این شش‌روزه نظامیان را با رسیدن قوای استمدادی از طرف حضرت اجل وعده داده‌ام، من بعد دیگر تصور می‌رود آن هم نتیجه ندهد. فعلاً که راپرت عرض می‌شود وضعیات خیلی وخیم جز توسل به مراحم ایزدی چاره دیگری به نظر

نمی‌رسد. در هر حال با یک قوت قلب و پافشاری تا جان در بدن هست از حملات دشمن دفاع و پس از آن منتظر مقدرات خواهم بود. امروز از صبح تاکنون نظر به قوای جدیدی که برای دشمن کمک رسیده به پست‌های نظامیان در کوه مدبه خیلی فشار آمده و از قرار اطلاعات امشب هم مجدداً به شهر حمله خواهند نمود، محض استحضار خاطر مبارک عرض می‌شود کلیه ایلات فعلاً متحد و عموماً به طرف شهر حمله ور شده‌اند و از طرف والی و خزعل نیز به آن‌ها مساعدت شده و در ادامه دادن به عملیات خودشان تأکید به عمل می‌آید. حتی ۱۲ بار فشنگ نیز جهت ایلات داده و در بین آن‌ها تقسیم نموده‌اند. با این تفصیل چنانچه در این مدت محصورى قوه استمدادی اگرچه مختصر هم بود به‌ار دو می‌رسید تصور می‌رفت دشمن از تجری خود کاسته موفق به خیالات خود نشود. متأسفانه پس از ۶ روز محصورى قوه استمدادی که سهل است ابدان نوبدی که نیز اسباب امیدواری شود نرسیده است. به کلی اسباب یأس از هر طرف هجوم آور است. تا مشیت الهی به چه علاقه گیرد. محض راپرت عرض شد. ۲۱ نور، نمره ۱۵۸۳، رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۱۳۹

نمره ۱۵۸۴، ۲۱ نور ۱۳۰۳.

سرهنگ گیگوخان فرمانده اردوی الشتر. تلگرافی به عنوان حضرت اجل امارت جلیله لشکر دامت شوکته که لفاً ارسال می‌شود لازم است تلگراف مزبور را به اسرع وقت به‌نهادند ارسال دارید که هر چه زودتر مخابره نمایند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۱۴۰

نمره ۲۴۴۲، ۱۹ نور ۱۳۰۳.

خرم‌آباد، حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت

شوکت، وصول ۲۱ نور ۱۳۰۳. [در] جواب مرقومه نمره ۱۵۴۴<sup>۱</sup> خاطر عالی را مستحضر می‌دارد البته نظامیان فوج دفاع که مأمورین این اردو مشارالیه را تا گردنه ایواندر بدرقه نموده‌اند اتفاقی که برای آن‌ها در کنار جاده شده به عرض رسانده‌اند و نیز ۴ از ظهر ۱۸ برج جاری یک‌عده از بیرانوندها طایفه جوانمرد<sup>۲</sup> را غارت نموده، فوراً یک‌عده مأمور نمودم احشام غارت‌شده را از آن‌ها پس گرفته و به صاحبانش مسترد داشته‌اند، پس با مراجعه به این وضعیات تصدیق خواهند فرمود که ارسال توپ به هیچ وجه صلاح نیست، علاوه بر اینکه در گردنه حاجی‌لر حاملین توپ را خواهند گرفت. انعکاسات خوبی هم ندارد. ضمناً چند نمره تقاضا کرده‌ام که کمک اعزام دارند که یک‌عده در الشتر گذاشته خودم با عده‌ای به خرم آباد بیایم زیرا نباید گذاشت زحمات این مدت به هدر برود. مجدداً در اعزام عده و صدور اجازه حرکت اینجانب به خرم آباد را تقاضا نموده‌ام که تسریع نمایند. فرمانده اردوی الشتر، گیگو.

## ۱۴۱

نمره ۱۵۸۵، ۲۱ نور ۱۳۰۳.

فرمانده قوای الشتر. راپرت نمره ۲۲۴۲ رسید. فوق‌العاده مایه حیرت شد من تصور می‌کردم که تاکنون از وضعیات این چندروزه مطلعید. الساعه شش روز است اردو در خرم آباد محصور است. روابط با تنگ زاهدشیر و رنگرزان به کلی مقطوع، قلعه ماسور را نظر به تهاجم دشمن تخلیه کردم. چندین برج را دشمن در نتیجه عملیات متهورانه خود تصرف گردیده‌اند. توپ در موقع تیراندازی شکسته از هر حیث عرصه به افراد تنگ. چهار شبانه‌روز است نفرات در سنگرها بدون خواب و راحتی با دشمن سخت می‌جنگند. با این تفاسیل نظر به زیاد بودن قوه دشمن و با دادن تلفات وضعیات ساعت به ساعت وخیم‌تر می‌شود. فقط کوه‌های اطراف شهر در دست نظامیان است. چنانچه ۲۴ ساعت

بدین منوال بگذرد به کلی اطراف شهر را نیز از دست خواهیم داد. یگانه علاج در این است که به محض وصول این مشروح اردوی خود را جمع به کمک خرم آباد برسانی که تا به کلی شیرازه کار از هم پاشیده نشده و دچار پیشامدهای ناگوار غیر محدودی نگردیده ایم بلکه اردو را از خطر خلاص کنیم. موقعیت طوری است که من به موجب این نوشته به شما حکم می‌دهم، فوری اردو را [به] خرم آباد حرکت دهید. چنانچه مسئولیتی متوجه شما گردد من خودم جواب داده و مسئولیت را در عهده خواهم گرفت، و الا چنانچه بعد از رسیدن این حکم در ظرف چند ساعت خود را به خرم آباد نرسانی مسبب و مسئول متلاشی شدن اردو شخص شما خواهد بود و گذشته از آن به شما خاطر نشان می‌نمایم پس از تفرقه این اردو به هیچ وجه شما نمی‌توانید در الشتر موقعیت خود را حفظ نمایید. حالیه صلاح در این است که هر دو قوه را در یک جا تمرکز داده خودتان را از مهلکه خلاص و پس از رسیدن عده از تهران مجدداً ممکن است الشتر را اشغال کرد. در هر صورت فوری حرکت بسایید و اردو را کمک نمایید. چنانچه یک عده نظامی از طرف الشتر به این اردو ملحق شود به طور حتم در این موقع روح نظامیان تازه گردیده و دشمن را مغلوب خواهیم کرد. و الا چنانچه باز در حرکت مسامحه کنید عاقبت وخیم و خطرات خیلی سخت دچار خواهیم گردید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۴۲

خرم آباد. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دام اقباله العالی.

۱- مأمورین ارزاق کاملاً دقت نکرده پست‌ها از بی‌آبی در مضیقه هستند، چون مجبور می‌شوم افراد را برای آوردن آب به حکم اجبار مرخصی داده لهذا مستدعی است مقرر شود چند رأس قاطر برای آب‌کشی اضافه شود.

۲- پست‌ها فشنگ به اندازه کفاف ندارند.

۳- پس از اینکه با اخذ دستور از حضور مبارک مرخص شدم یاور میکائیل خان کاملاً تفتیش کرده از برای ارتباط پست‌ها ۲۵ نفر نظامی لازم است، امر شود بفرستند.

۴- الواری که شفاهاً عرض کردم در دره مقابل پل بودند، چندین تیر [به] برج اول سر راه شوسه<sup>۱</sup> انداخته و پست هم به آن‌ها تیراندازی کرده متفرق شدند و در همان دره‌های مقابل پل هنوز هستند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۱۴۳

۲۱ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت بندگان ریاست محترم تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام خاطر عالی را مستحضر می‌دارد الان دو ساعت نیم بعد از ظهر است، الوار برج را گرفته نظامیان را اسیر کردند و نمی‌توانیم دیگر آنی در اینجا استقامت نماییم. مجبور به عقب‌نشینی هستیم. فشنگ پنج‌تیر روسی و انگلیسی و سه‌تیر فوری ارسال شود. مسلسل با عده زیاد کمک لازم است. متمنی است مقرر فرمایید که فوری فوری فشنگ و کمک فرستاده شود که خود ما هم محاصره هستیم. دشمن بی‌اندازه زیاد و به‌طور [ی] به حملات خود شدت می‌دهند که ممکن نیست امشب در اینجا استقامت نمود. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۱۴۴

نمره ۱۶۲، ۲۱ ثور ۱۳۰۳.

از رنگرزان، مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارد امر مبارک تحت نمره ۱۵۴۴، زیارت فوراً تلگرافات را فرستادم که از بروجرد مخابره شود. عاقبت در اثر

خیانت سگوندها بین آستان و تکه قطع شده. عده‌های اشرار کوه بالای آستان، جاده بین تکه و آستان و کوه سیاه مقابل آستان و ده ایمان قلی خان سگوند را اشغال نموده‌اند. سه روز آنچه کوشش کرده‌ام با تعرضات هنوز ممکن نشده که با برج آستان از تکه ارتباط پیدا کنم. بالاخره نظر به اینکه مشاهده می‌کنم تلفات زیاد می‌شود و نقاط مستحکم را اشغال نموده‌اند و از قوای دفاعیه کاسته خواهد شد صرف نظر از تعرض نمودم. الحال با روح تازه که افراد فهمیده‌اند اشرار غیر از دزدی شجاعت در وجود آنها نیست حالت دفاعی گرفتیم. برج‌ها از هر حیث محکم، آذوقه و آب و ذخیره با عده مکفی گذارده انتظار ورود اشرار را دارند. در این سه روز، که تعرض شده دو نفر نظامی فوج سپه مقتول و یک نفر از فوج آهن جزئی زخمی شده است. روز ۱۷ تور کای رمت‌ها برای دزدی به گردنه رازان آمده نظامی‌ها تعقیب و آنها از این حدود فرار کرده‌اند. حدود هرو [و] سیلاخور تاکنون اتفاقات فوق‌العاده نبوده است. وضعیات خوب است. با عبدال داخل مذاکره شده امیدوار شده‌ام او را ساکت نگاه داشته، در بیم و امید نگاه دارم. کریم‌خان و سگوندها با اینکه اظهار به مراجعت آستان نموده‌اند به خیال خود خدعه نموده‌اند؛ روز ۱۸ تور به گردنه گورکش چادرها را برده با قاید رحمت‌ها و حسینقلی پاپی متحد و مخلوط شده و مطابق اطلاعات واصله خیال هجوم به هرو را دارند، ولی هنوز اقداماتی از آنها ظاهر نگشته. های وهوی آنها را با متانت و هجومشان را با سرنیزه استقبال خواهم نمود. مژده ورود دو فوج پیاده و یک فوج سوار با آتشبار و دو طیاره را به نظامیان اطلاع داده. شخصاً به رئیس و فرمانده محترم خودم اطمینان می‌دهم چنانچه از این عده ده نفر باقی بماند با روح زنده، وظایف سربازی را انجام داده و شرافت را بر هر چیز مقدم خواهم داشت. راجع به جمع‌آوری پست‌ها چون تجری حاصل می‌نمایند هنوز مقتضی ندانسته در صورت لزوم تمرکز قوا داده می‌شود. [در] تعرضات تکه تلفات اشرار زیاد بوده است. تازه قابل عرض نیست. یاور ابراهیم ضرابی، وصول ۲۲ تور.

## ۱۴۵

نمره ۱۵۸۹، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

رنگرزان، یاور ابراهیم خان. راپرت نمره ۱۶۲ شما رسید، خیلی خوشوقت شدم البته با بودن مثل شما صاحبمنصب جدی غیر از فداکاری و فعالیت از صاحبمنصبان چیز دیگری را انتظار ندارم. دو روز قبل در تحت نمره ۱۵۶۰، به حضرت امارت جلیله تلگرافی به توسط قاصد شیرمحمدخان ایل خانی نزد شما فرستادم. معلوم نکرده اید رسیده است یا خیر لازم است هر چه زودتر مطلع نمایید. وضعیات اینجا فعلاً چندان امیدبخش نیست. قریب به ۶ روز است الوار دور شهر را گرفته مشغول جنگ و مدافعه می باشم، تقریباً سیصد نفر از الوار در این چندروزه تلفات گرفته شده فقط چیزی که هست قوای دشمن خیلی خیلی زیاد و افراد مجبورند ۲۴ ساعت از حملات آنها جلوگیری نموده و پافشاری نمایند. تاکنون الحمدالله در مقابل استقامت به عمل آمده و باز هم مقاومت خواهد شد. ولی به این حال نمی شود مداومت داد. بایستی هر چه زودتر کمک و قوه برسد و الا نتیجه خوبی ندارد. بکلی شیرازه از هم پاشیده خواهد شد. تصور می کنم تاکنون شما از وضعیات اردو مطلع شده و بروجرد را نیز مطلع داشته اید. همین قدر می نویسم باید جدیت به خرج دهید چنانچه کمک رسید هر چه زودتر به این طرف حرکت دهید که فوت وقت جایز نیست. و نیز بروجرد را مطلع نمایید. سرهنگ نصرالله خان هم فشار به همدان آورده و از محصور بودن اردو نیز مطلع سازد. وضعیات وخیم و رساندن کمک فوری را ایجاب می نماید، در هر صورت موقع این است به هر وسیله که بتوانید در رساندن عده استمدادی از طرف شما و از طرف نایب سرهنگ نصرالله خان جدیت به عمل آید و اگر اخبارات خوشی از آمدن قوا و غیره بدست آوردید فوری مطلعم دارید. وضعیات خودتان را راپرت داده استحکامات و موقعیت خودتان را کاملاً محافظت کنید و باید هر



طور است همه روزه قاصد شما به خرم آباد بیاید. البته به هر نحوی که می دانید به وسیله تلگراف در فرستادن قوای استمدادی عجله کنید، و به حضرت امیر راپرت دهید که فوری اقدام نماید. چنانچه از پست های آستان خبری به شما رسیده مطلعم دارید و ارتباط با آستان را به هر طور است باز کنید. چنانچه به وسیله رعایا و غیره از وضعیات آن ها اطلاع به هم رسانید. تلگراف جوف را که به حضرت امارت مخابره شده به اسرع وقت بروجرد ارسال که مخابره نمایند. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۱۴۶

نمره ۱۷۰، لیل ۲۲ ثور.

خرم آباد، مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکت. راپرتاً عرض می شود بالاخره موفق نشده ام بین برج تکه و آستان را باز و ارتباط پیدا کنم. برج تکه تمام شده. یک صاحب منصب با عده گذارده ام. پست های میراحمدی و غیره را که دایر نمودن ارتباط مشکل بود جمع نموده مشغول مدافعه هستم. تلگرافات را خود به سرهنگ نصرالله خان مخابره کردم تأکید شد فوراً مخابره شود. اوضاع هرو آن قدرها بد نیست. عبدال و بیرانوندها در دهات هرو آمده اند. عده بیرانوندها به معیت سگوندهای کریم خان بین برج هرو و زاغه را گرفته مانع از ارتباط شدند. اشرار هرو انتظار خاتمه مصادمه خرم آباد را دارند که بدون تأمل به هرو حمله نمایند. به حضرت امارت جلیله حسب الامر راپرت عرض جواب داده اند ۲۲ ثور دوشنبه قوه مکفی حرکت و خودم پنجشنبه حرکت می کنم، از ورود قوا به شهر بروجرد راپرت عرض می نمایم. چادرهای سگوند کریم خان مقابل هرو زده شده است. یاور ابراهیم ضرابی.

۱۴۷

نمره ۱۵۹۱، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکت. خیلی فوری. محترماً

به عرض مبارک می‌رساند به‌طوری که دیروز تحت نمره ۱۵۸۳<sup>۱</sup> از خط الشتر راپرت عرض شد چنانچه موفق به رساندن نباشد مجدداً حالیه نیز به‌وسیله قاصد از خط رنگرزان این راپرت را عرض می‌نمایم. الحمدلله از حملات سخت دیشب دشمن به شهر با هزاران زحمت جلوگیری شد که موفق به ورود به شهر نگردیدند. حالیه در صبح ۲۲ ثور است. سخت در اطراف شهر جنگ مداومت دارد. همین قدر عرض می‌نمایم بدون فوت وقت عده به کمک برسانید اگرچه دو گردان هم باشد، قبلاً اعزام بفرمایید که اقلاً بتوان موقعیت را نگاه داشت تا پس از آن عده مکفی برسد و الا نزدیک است شیرازه کار از هم گسیخته گردد و اگر ۴۸ ساعت دیگر به این حال باقی و بدین منوال بگذرد تصور می‌رود این آخرین راپرتی است که فدوی موفق به عرض آن گردیده و خاطر مبارک را از وضعیات خودم مستحضر می‌دارم. در آتیه نزدیکی گمان می‌کنم به عرض راپرت نیز موفق نگردم این است از دور دست مبارک را فشار داده و خداحافظی ابدی می‌کنم. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۴۸

نمره ۱۶۰۸، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده قوای الشتر، فوری است. در تعقیب نمره ۱۵۸۵<sup>۲</sup> جهت اطلاع شما می‌نویسد امروز سه بعد از ظهر الوار سخت هجوم آور شده کوه‌های جناح راست خرم آباد را که در دست نظامیان بوده و برج استحکامات ساخته بودند آن‌ها را متصرف گردیدند. الساعه که ۶ بعد از ظهر ۲۲ ثور است شهر محصور و مشغول زدو خورد هستیم. چنانچه خود را فوری نرسانی به کلی اردو متلاشی و عاقبت خیلی بدی پیدا خواهیم نمود. فوری خود را بدون فوت وقت به کمک اردو برسان که عرصه خیلی تنگ شده است. چنانچه شما با یک عده وارد شوید ممکن است باز جلوگیری شود و الا اردو متفرق و

متلاشی خواهد شد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۱۴۹

۲۲ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. خرّم آباد. محترماً راپرت عرض می شود قریب پانصد چادر در زیر تپه ای که ما در او هستیم زده شده. اگر امر حضرت عالی باشد یک عراده توپ بزرگ روانه فرمایید اول طلوع آفتاب به دو گلوله ممکن است مقدار زیادی از الوار تلفات گرفت. راپرتاً عرض شد. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی

## ۱۵۰

نمره ۱۵۸۷، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

نایب سرهنگ حسین خان<sup>۱</sup>. راپرت شما را ملاحظه کردم<sup>۲</sup> از خدمات و زحمات شما کمال رضایت را دارم. از طرف من به عموم صاحبمنصبان ابلاغ رضایت کرده و از فرداً افراد احوال پرسی نمایند. ۲- راجع به توپ نوشته اید اولاً باید این را بدانید مقصود از تیراندازی چیست؟ موقعی تیراندازی با توپ می شود که نفرات حمله به دشمن نمایند. فعلاً که موقعیت ما اجازه حمله را نمی دهد. حالت دفاعیه داریم و گذشته از آن چنانچه افراد جلو بروند نمی توانند فعلاً موقعیت های اشغال شده را در دست نگاه دارند، باز از آن ها خواهند گرفت. در این صورت چه ثمری خواهد بخشید و دیگری اینکه از آنجا باید غیر مرئی تیراندازی شود آن هم به حال ما مفید نخواهد بود. لازم است استحکامات را محکم کرده مواقع فعلی را از دست نداد. برای اطلاع شما می نویسم حکم دادم بین سه برجی که در عقب شما است سنگر

۱. احتمالاً سرهنگ حسین خان اشتباه است. زیرا بر اساس گزارش پیشین این سلطان سید حسن رضوی است که تقاضای ارسال توپ نموده است.

کنده و در آنجا با یک ترتیبات صحیح استحکامات محکمی تهیه نمایند، چنانچه از طرف دشمن فوق العاده فشار آمد برای اینکه قوای ما جمع باشد و بتوانیم کوه‌های مشرف به شهر را همیشه در دست داشته باشیم. آن وقت در صورت لزوم قوای خودتان را به استحکامات مزبور عقب کشیده و کاملاً آخرین پوزسیون را اشغال و با کمال جدیت نگاهداری نماییم، و آن هم البته در موقعی است که مضطر شده و از طرف دشمن کاملاً فشار آمده باشد. باید شب قبلاً یک عده از قوای خودتان را عقب کشیده سنگرها را اشغال پس از آن با متانت هر چه تمامتر بقیه عده را عقب بکشید. در هر صورت عجالتاً در نگاهداری استحکامات پافشاری کرده، چنانچه از طرف دشمن تعرضاتی به عمل آید، سخت سرکوبی کرده و آن‌ها را عقب بنشانید. از وضعیات خودتان راپرت دهید. رییس تیپ و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۵۱

۲۲ ثور. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. راپرتاً عرض می‌شود دشمن به حال خود باقی، دیشب تا الحال وضعیات در کمال نظم است. قرار بر این بود که امروز توپ را بیاورند، جناب سرهنگ حسین خان تا حال نرسیده من بعد هم ثمری ندارد. زیرا الوار تا دو ساعت از آفتاب برآمده عده خود را می‌آورند به عقب برج چهارم که در دست آن‌ها است و کلیه قوای خود را در آنجا تمرکز می‌دهند و یکی غروب آفتاب که آن‌ها را می‌توان بمبارد مان کرد و قوایشان را متلاشی نمود. مستدعی است مقرر فرمایید توپ را بیاورند نزد خود بنده ملتزم می‌شوم به سلامتی به خرم آباد مراجعت دهم. امر امر مبارک است. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۱۵۲

نمره ۱۵۶۸، ۲۲ ثور.

سلطان سید حسن فرمانده گروهان ۴. راپرت صبح شما ملاحظه شد.

به طوری که تقاضا شده بود ۱۰۰ تیر فشنگ سه تیر برای خود شما ارسال و نیز حکم دادم آب، آذوقه [و] فشنگ هم بفرستند. الساعه سرهنگ علی محمدخان را با توپ به آن سمت اعزام داشتم. با اینکه اظهار می کنید افراد خسته و من هم تصدیق می کنم ولی امیدوارم به آتش توپخانه طوری پیشرفت به عملیات بدهید که به کلی قلع ماده شود. رییس تیپ پیاده فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۱۵۳

نمره -، ۲۲ نور ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً معروض می دارد جناب سرهنگ علی محمدخان توپ را آوردند [و] وضعیات دشمن را ملاحظه فرمودند. فوری بدون مراجعه به فدوی توپ را به شهر عودت دادند. بنده هم تصور کردم مبدا اسباب زحمتی شود در مقابل فرمایشات ایشان اظهار نکرده. ترتیبات را سلطان نصرت الله خان حضوراً عرض خواهند کرد. به واسطه آوردن توپ و مراجعت فوری اسباب یأس و ناامیدی نظامیان فراهم گردیده. شفاهاً امر فرمودند برج چهارم هم تخلیه شود. اگر بایستی برج را تخلیه نمایم امر فرمایید تا در صورت امکان به طوری که آسیبی نرسد تخلیه نمایم. ولی اگر برج تخلیه شود و به تصرف دشمن درآید، ماندن ما در این نقطه بی ثمر و خیلی سخت می شود، و اگر محل های مرتفعی که عَجالتاً در دست ما است آن ها اشغال نمایند رابطه بین بروجرد الی خرّم آباد به کلی قطع خواهد شد. این زحمات و خدماتی که بنده متقبل شده ام، به واسطه وجود حضرت اجل است و در صورتی که صاحب منصبان ارشد در خرّم آباد زیاد هستند، فرونت به این مهمی را به چاکر واگذار فرمودید، در صورتی که درجه و شغل بنده اجازه نمی دهد. برج ۴ هم سخت در محاصره اگر تا امشب نان و آب نرسانیم به طور قطع برج مزبور تصرف دشمن خواهد شد. منتظر امر مبارک است. سید حسن رضوی، گروهان ۴.

## ۱۵۴

نمره ۱۶۰۷، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

نایب سرهنگ حسین خان. از قرار معلوم برج ۳ را نظامیان تخلیه مجدداً الوار متصرف شده‌اند، به شما می‌نویسم باید به هر قیمت است آن برج را به تصرف درآورده راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۵۵

۲۲ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً در جواب مرقومه نمره ۱۵۸۷ و نمره ۱۶۰۷. به عرض می‌رسانم از تشکرات به آن ریاست پناهی عاجز. ضمناً قوای الوار باز جمع شده است پشت برج و تپه جهت حمله. هر چه فکر می‌کنم دریغ اعزام توپ را نمی‌فهمم، شاید بی‌کفایتی اینجانب می‌باشد که دو ساعت نتوانم توپ را نگاه دارم. اگر تا یک ساعت دیگر برسد خیلی به موقع است. در هر صورت تا جان دارم کوشش می‌کنم تا خدا چه خواهد. حسین امیرعلایی.

## ۱۵۶

۲۲ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، اولاً خدا ترس به بنده نداده است. شاهد حال بنده سرهنگ حسین خان است [که] وضعیات را ملاحظه نموده‌اند، حضوراً عرض خواهند کرد. وظیفه چاکر دادن راپرت است. به شرافت نظام قسم است در موقع گرفتن برج تقریباً صد نفر از الوار تلفات گرفته شده است. نظامیان این جسارت را که از الوار مشاهده نمودند کلیه سنگرها را تخلیه نمودند. به ضرب تفنگ آن‌ها را مجدداً به سنگر مراجعت دادم و در مقابل تقریباً دوهزار دشمن استقامت کردم. مفتخراً عرض

می‌کنم تزلزل در وجود چاکر نیست ولی اگر فرونت را به چاکر واگذار کرده‌اید عرایضاتم را قبول بفرمایید. سرهنگ حسین خان آمدن نشان لزومی ندارد. بنده راضی بودم امر به اعدام فرمایید و نسبت تزلزل به چاکر داده نشود. همین قدر عرض می‌کنم نگه داشتن این فرونت بی‌اهمیت نیست. از رشادت و خدمات نایب ۲ آقاسی خان و عده اسکورت کمال رضایت را دارم مستدعی است بذل مرحمت را درباره صاحب‌منصب مذکور و نفراش دریغ نفرمایید. سید حسن، فرمانده گروهان ۴.

## ۱۵۷

۲۲ ثور. مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. فشنگ‌های ارسالی خراب. سزاوار نیست در این مواقع این قسم فشنگ ارسال دارند. مستدعی است مقرر فرمایید که عوض ارسال دارند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۱۵۸

نمره ۱۵۷۸، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده گروه امنیه خرم‌آباد. راپرت شما واصل گردید، راجع به فشنگ نوشته بودید، عوضی فرستاده بودند (از فشنگ‌های آب‌افتاده بود) حکم دادم عوض نموده و ۲۰۰ فشنگ خوب جهت شما ارسال دارند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۱۵۹

نمره ۱۵۹، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده فوج گارد سپه. به‌بروجرد. تصور می‌کنم تاکنون از وضعیات اردو

مستحضر شده‌اید؛ شش روز است شهر خرم آباد به وسیله قوای الوار که از هر طرف هجوم آور گردیده‌اند محصور. در ۲۴ ساعت مشغول جنگ می‌باشم. ارتباط از هر سمت مقطوع گردیده. جز توسل به‌مراحم ایزدی متکی به‌احدی نیستم، و اگر دو روز دیگر منوال بگذرد، عرصه به‌اردو خیلی تنگ گردیده، به‌پاره‌ای پیش آمده‌ای ناگوار تصادف خواهم نمود. تاکنون قریب به چهارصد نفر از دشمن تلفات گرفته شده. با این تفصیل در تهاجم خودشان پافشاری می‌نمایند. لازم است شما جدیت به‌خرج داده، فشار به‌حضرت امیر بیاورید، قوه استمدادی را فوری برساند، و الا این اردوی محصور بیش از چهل و هشت ساعت نمی‌تواند مقاومت نموده و استقامت نماید. چنانچه، قوای استمدادی به‌بروجرد رسیده باشد، اگرچه دو گردان هم باشد، قبلاً اعزام داشته فوراً خرم آباد برسانید که موقعیت را حفظ نمایم و پس از آن قوای کافی تدریجاً ممکن است اعزام دارید. در هر صورت موقع خیلی باریک است. اقدامات جدی نموده حضرت امیر در هر کجا هست فشار بیاورید قوه برساند. در خاتمه می‌نویسد رساندن قوه پس از چند روز دیگر مقرر خواهد بود، نوش دارو پس از مرگ به‌سهراب دادن است. باید هر طوری که شده در ظرف ۴۸ ساعت عده برسانید. و الا فایده نخواهد بخشید. از وضعیات خود و رسیدن قوا، قبلاً مطلع داشته فوری راپرت دهید. فعلاً که این کاغذ را می‌نویسم شهر از هر سمت محصور جنگ فوق‌العاده مداومت دارد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۶۰

۲۲ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکت. محترماً به‌عرض می‌رساند در موقع حمله سخت الوار به‌شهر سنگرهای طرف راست بدون حکم خالی نموده در یک موقع برج و غیره را هم خالی کردند. حتی در موقعی که برج خط دوم در



سمت راست [را] خالی کردند، کلیه عده با حالت متوحش سرازیر شده، فدوی به هیچ وجه نتوانست جلوگیری از عقب نشینی آنها بنماید. تا اینکه در خط دوم جلوگیری نموده و حمله متقابلۀ سخت به الوار نمود. مجدداً برج سمت راست خط دوم که متعلق به یاور میکائیل بود و خالی کرده بودند، به وسیله چند نفر نظامی و صاحب منصب به تصرف درآورد. ولی به نفراتی که در این خط جهت مستحفظی گذاشته [اند] نمی شود اطمینان کرد. اگر چنانچه ممکن است قسمت را از شهر عوض نمایند و صاحب منصبی که امشب مسئول است به فوریت تعیین فرماید که از شهر بیاید. تا ترتیب پست ها داده شود. برج های بین راه تنگ زاهد را هم الوار محاصره و دستگیر کرده اند. نایب سرهنگ حسین امیر علایی.

## ۱۶۱

۲۲ ثور، مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. مقارن ظهر قریب ۱۵ نفر پیاده تفنگچی از خط کنارۀ کوه مقابل رودخانه به طرف کوه شمال غربی شهر حرکت کرده اند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۱۶۲

۲۲ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم بندگان حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می دارد به فضل خدا و اقبال ریاست محترم قلب دشمن را درهم خواهد شکست. خدا شاهد است دو روز قبل هم اغلب صاحب منصبان و افراد بی مصرف سنگرها را تخلیه و شکست دادند. اگر نه غیر ممکن بود که دشمن یک قدم بتواند جلو بیاید. به مرحمت حضرت ریاست قلب من محکم، عده ای هم که الساعه نزد بنده هستند محکم و فرار نخواهند کرد، مگر نعش آنها در سنگر بماند. از

طرف بنده خیالتان راحت باشد. سایرین را در پافشاری دستور مرقوم دارید. مستدعی است مقرر فرمایید فشنگ و آب با مشگ برسانند. سید حسن رضوی، فرمانده گروهان ۴.

## ۱۶۳

۲۲ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست محترم تیپ پیاده لشکر غرب و فرمانده اردوی لرستان دام اقباله. الساعة قریب ۴۰ نفر سوار الوار از دره مقابل پل آمدند. تیراندازی شده، عجالتاً توی رودخانه هستند و قریب ۲۰ نفر هم زیر پل هستند. الساعة هم راپرت عرض می شود. پست های اطراف سلطان سید حسن خان تخلیه کردند. الساعة قریب ۲۰۰ نفر دیگر از مقابل رودخانه سوار و تفنگچی آمدند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۱۶۴

خرم آباد. مقام منیع حضرت اجل اکرم افخم اعظم ریاست اردوی لرستان دامت شوکته. به عرض می رساند سه روز است که راپرت توسط سوار عرب زاده نام به حضور مبارک عرض و بعد از دادن راپرت به خوانین ظهره و حیدرخانی رفتم. پسر کدخدا حسین خان دیرک وند هم که برای اتحاد آمده بود، با حسین قلی پایی پیش از ورود بنده آمده بودند. با حضور بنده لچک به سر خوانین ظهره و حیدرخان و حسین قلی خان انداخت که ماها، دیرک وندها، قلاوند و میروجودکی به قول خزعل و والی این اتحاد بیعت را کرده برای دعوای این اردو. خوانین حیدرخانی و ظهره به کلی جواب کردند که ما دعوا نمی کنیم، و از ایلخانی گذشتمان نمی شود. همراه بنده سوار شده به بنده خانه آمدند، همه طور مقابله شده ولی حسین قلی خان گفت که من دعوا می کنم و از دیرک وند بیرانوند گذشتم نمی شود و قرار بر این است که همراهش برود. امروز باید حرکت کرده باشند. در پایی که به عون الله تعالی

قوه ندارد و جمعیتی ندارد. خیالش این است که با کای رَمَت و گراوندها همدست شده از طرف هرّو دعوا بکند. حضرات گراوند امروز خبر داده‌اند، چنانچه شما اطمینان بدهید ما هم برای خدمت حاضریم. و به حسین قلی خان همدست نخواهیم شد. بنده برای اینکه در امروز قوه مردمان پدرسوخته را کم کنم نوشته‌ام که اگر بیایید از طرف حضرت به آن‌ها [اطمینان] بدهم، تا به امید خدا کار یک طرف شود. کریم خان هنوز کوچ نکرده و حرف‌هایی می‌زند. به‌یاور ابراهیم خان دستور فرمایید که کاغذهای خوب برایش بنویسد. من هم از این طرف، شاید گیر بیاید. اسامی خوانین حیدرخانی ظهره: حاجی علی خان، محمد حسین خان، کاظم خان، محمد علی خان. اگر هم ایلخانی نمی‌آید به‌بنده دستور فرمایید چنانچه صلاح است به آبستان کوچ کنم. اسدالله سگوند.

۱۶۵

نمره ۱۵۸۸، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

معمدالسلطان اسدالله خان سگوند. راپرت شما ملاحظه شد از خدمات شما بی‌نهایت خرسندم. از اینکه تزلزل خاطر به خود راه دادید می‌نویسم و به شما اطمینان می‌دهم که دولت ابداً به این قبیل اشخاص دزد غارتگر اهمیت نمی‌دهد و عن‌قرباً قوای مکفی خواهد رسید، کلیه آن‌ها را قلع و قمع خواهیم نمود. از هر حیث آسوده خاطر باشید. راجع به اشخاصی که نوشته‌اید برای خدمتگذاری حاضر شده‌اند آن‌ها را به‌مراحم دولت امیدوار نمایم. البته مرحمت و عطوفت دولت همه قسم شامل حال آن‌ها خواهد بود و به‌هیچ‌وجه خدمات آنان از طرف دولت بی‌نتیجه نخواهد بود. خود شما هم چنانچه بتوانید به آبستان حرکت کنید بهتر است. زیرا خدمتی که به شما رجوع شده انجام می‌دهید و هم برای خود و ایل بهتر خواهد بود و گذشته از وضعیات پست‌های آنجا مستحضر می‌شود، البته به هر وسیله که ممکن است به آبستان حرکت نمایم. و نیز از حرکت کریم خان ایل‌پیگی اطلاع دهید که

به آبستان آمده است یا خیر؟ لازم است به وسایل ممکنه همه روزه از ترتیبات آن حدود و اتفاقاتی که رخ می دهد کاملاً راپرت داده و اینجانب را مطلع سازید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۶۶

۲۰ ثور ۱۳۰۳. از تنگ زاهد. حضور مبارک ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می رساند یک عده سوار و پیاده الوار از کوه های تنگ بره به سمت برج های عرض راه خرم آباد آمدند و عجالتاً هم در نزدیکی برج دوم سر جاده هستند. فشنگ نیست، سه روز هم هست که آذوقه نرسیده. امر شود ارسال دارند. یاور ایوان.

## ۱۶۷

نمره ۱۵۷۱، عصر ۲۰ ثور ۱۳۰۳.

به تنگ زاهد. یاور ایوان خان. راپرت شما ملاحظه شد. به طوری که تقاضا کرده بودید امر دادم اشیاء لازمه را برای شما بفرستند. آذوقه احتیاط نیز که کاملاً دارا هستید، اینکه در این دوروزه از شما بی اطلاع هستم برای این بود که در اطراف شهر با الوار مشغول جنگ بوده و با پیشرفت کاملی که نصیب ما شده است حالت روحیه نظامیان رشید خیلی خوب است. در ثانی از کلیه افراد از طرف من احوال پرسی نموده و ابلاغ کنید در همین دوروزه حضرت امارت جلیله دامت شوکته با اردوی مکملی از سوار و پیاده و آتشبار به علاوه دو طیاره تشریف فرمای خرم آباد خواهند شد. لازم است در صورتی که الوار تعرضی نمودند از تعرضشان جلوگیری و در حفاظت استحکامات جدیدت به عمل آورده و همه روزه از وضعیات خودتان به وسیله قاصد راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۶۸

۲۲ ثور ۱۳۰۳. از تنگ زاهد. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی دامت شوکته. امروز پنج روز است که آذوقه از شهر نرسیده و هر چه احتیاط بود خورده شده و برج آبستان و گردنه بابامحمود هم دو روز است آذوقه ندارند. مستدعی است امر فرمایید که آذوقه جهت ما بفرستند، دیروز سه ساعت به ظهر مانده یک عده از الوار به سمت رودخانه مقابل تنگ آمدند و چند نفر از آنها به سمت برج دوم از شهر رفتند. از قرار اظهار کمالوندها یک نفر از الوار در مصادمه با برج دوم زخمی شده است. چون کمالوندها بدون وجه، علف جهت سوار نمی آورند امر شود فرمانده فوج دفاع وجه بفرستد. دیروز یک پاکت از یاور ابراهیم خان رسیده ارسال شد. یک اسب و یک کره قاطر از کمالوندها برای خوردن آب لب رودخانه آمده پیاده الوار تعقیب کرده، نظامیان آتش کردند، اسب تیرخورده سقط شده است، در کوه دومی تنگ بره باز الوار دیده می شوند. (ایوان یاور).

## ۱۶۹

نمره ۱۵۹۵، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

خرم آباد به تنگ زاهد، یاور ایوان خان. راپرت شما ملاحظه شد. من تعجب می کنم در این مدت چطور به وسیله رعایای کمالوند با یاور ابراهیم خان ارتباط پیدا نکرده و از سایر پست ها اطلاع پیدا نکرده اید. به فرمانده فوج دفاع قدغن کردم به وسایل لازمه وجه ارسال دارد. راجع به آذوقه هم دستور دادم بفرستند. و با معین السلطنه هم مذاکره شده به رعایای خود نوشته است تا پنجاه تومان شما هر چه بخواهید وجه و آذوقه بدهند. باید کاملاً مواظبت کرده و چنانچه کاغذی برای من رسید فوری ارسال و از آمدن اردو و غیره چنانچه اطلاع پیدا کردید فوری بنویسد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۷۰

نمره ۲۰۴، ۲۳ ثور ۱۳۰۳.

مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. به عرض محترم می‌رسانم، امروز دو نفر از اهالی صید میرزا و علی اکبر نامان قبل از ظهر جهت سرکشی به زراعت تریاک خود به اراضی شمالی در زمین‌های موسوم به خلد برین رفته عده اشرازی که از طایفه مراد در آن حوالی هستند آن‌ها را دستگیر و یا کشته‌اند، زیرا هنوز به شهر مراجعت نکرده و این قضیه را یک نفر از اهالی که در آن نزدیکی بوده دیده و راپرت داده است. حکومت نظامی، نایب سرهنگ محمود پولادین.

## ۱۷۱

۲۳ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. الساعة مشغولم کلیه قسمت‌های اینجا را جمع‌آوری کرده و با ترتیب صحیحی تشکیل فرونت داده و پست‌بندی در دو کوهی که دارای دو برج است و در دست ما است بنمایم، به ریاست سلطان اسدالله خان و سلطان محمدخان مابقی را به شهر اعزام خواهم داشت. چون [از] کوه‌های روبروی ما دشمن تیراندازی می‌نماید، امر شود چند تیر توپ شلیک نمایند. بیشتر توپخانه کوهی که پشت برج اول محمدرضاخان نایب است باید تیراندازی و طرف توجه قرار دهد. حسین امیرعلایی نایب سرهنگ.

## ۱۷۲

نمره ۱۶۱۵، ۲۲ ثور.

نایب سرهنگ حسین خان. به طوری که قبلاً دستور داده شده است استحکامات را محکم نگاه داشته و صاحب‌منصبان را مسئول قرار دهید. از قلعه نیز تیراندازی توپ می‌شود. و خود اینجانب هم جهت دیدن وضعیات و

سرکشی به پست‌ها و دادن دستورات به کوه خواهم آمد. البته آنچه لازمه جدیت است در حفاظت استحکامات خودتان به عمل بیاورید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

### ۱۷۳

نمره ۱۶۱۶، ۲۳ نور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله‌خان، فرمانده گردان ۲ فوج آهن. ۱- از این ساعت ریاست کلیه فرونت جلو با شما خواهد بود. لازم است دستورات لازمه در حفاظت موقعیت خود به صاحبمنصبان و نفرات داده، هر یک از صاحبمنصبان را مسئول حفظ ناحیه خود نمایند. ۲- پنجاه تیر را در برج ۱ چون ثمری ندارد، حکم دهید مابین خط زنجیر قرار داده که بتوانند در موقع به جلو و عقب برده استفاده نمایند. ۳- عده رزرو در کاروانسرای محسن آباد تهیه شده در موقع لزوم اعزام می‌شود، باید با آن فعالیت و جدیتی که در شما سراغ دارم و کاملاً بایستی موقعیت و استحکامات خود را حفظ کرده و در هر ساعت از وضعیات خودتان راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

### ۱۷۴

نمره ۱، ۲۳ نور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته. دشمن توجه دارد که از راه رودخانه جناح چپ را تهدید نماید و نیز از طرف برج سوم به جناح راست تیراندازی نموده و این دو موقع را به تصرف درآورد. لازم است تیراندازی توپ بشود. دستور فرمایید دو ورس جلوتر از دو برجی که در دست ما است تیراندازی نمایند که مؤثر واقع شود. سلطان اسدالله‌خان خلعتبری.

## ۱۷۵

نمره ۱۶۱۷، ۲۳ ثور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان. تیراندازی توپ خواهد شد. باید خیلی جدیت به خرج داده و استقامت نمایید، که الساعه قاصد از طرف الشتر رسیده سرهنگ گیگوخان نوشته حرکت کردم، اول غروب می رسد. حکم دادم مشارالیه از طرف تنگ زاهدشیر بیاید، و پشت سر الوار را بگیرد. از این طرف هم باید قسمت ما حمله و بمباردمان نماید و کلیه قوای الوار را درهم شکست. رسیدن اردو را به افراد اعلام نموده به کلیه آنها بفهمانید که برادران نظامی جهت کمک شما می رسند. باید این ساعت استقامت کرده و فداکاری به خرج دهند. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۷۶

نمره ۵، ۲۳ ثور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته الوار قلعه زاهدشیر را متصرف شده و از اینجا معلوم است که مشغول خراب کردن قلعه هستند. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۱۷۷

صبح ۲۴ ثور. مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می رساند الوار دو مرتبه دیشب به استحکامات ما حمله شدیدی کرده هر دو مرتبه به حمدالله شکست داده فراری شدند. آتش توپخانه خیلی خوب و مؤثر بوده الساعه هم موقع بمباردمان چادرهای الوار است. که کلیه در یک محل جمع می باشند. وضعیات تیراندازی را عرض می کنم که به خوبی نتیجه گرفته شود. امر فرماید از طرف چپ برجی که روز اول الوار تصرف کردند — تقریباً دویست



قدم پشت کوه — توپخانه آتش مفصل نماید و مقرر فرماید که مشک هم بفرستند که جهت آب خیلی احتیاج است. سید حسن، فرمانده گروهان ۴.

## ۱۷۸

نمره ۱۶۲۰، صبح ۲۴ ثور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ فوج گارد سپه. راپرت شما ملاحظه شد از خدمات شما رضایت دارم. مشک هم امر دادم ارسال دارند. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۷۹

لیله ۲۴ ثور. مقام محترم ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. مقارن غروب تقریباً متجاوز از پنجاه نفر الوار از دره پشت برج خرابه تخلیه شده آمدند که برج تخلیه شده را اشغال نمایند. به وسیله جدیت و فعالیت و آتش نظامیان فراری و موفق به مقصود خود نگردیدند. سلطان امنیه، سید حسن ناظری.

## ۱۸۰

نمره ۱۶۲۱، صبح ۲۴ ثور ۱۳۰۳.

خرم آباد. سلطان سید حسن خان فرمانده امنیه خرم آباد. راپرت شما رسید، ملاحظه شد از طرز خدمات شما نهایت راضی و خشنودم. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردو، محمد.

## ۱۸۱

۲۴ ثور ۱۳۰۳، حضور مبارک ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته. از راه دره زاهد شیر الوار خود را یکی و دوتا به طرف دامنه کوه شمالی

خرم آباد حرکت می دهند. از قلعه هم با دوربین معلوم خواهد بود. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۱۸۲

نمره ۱۶۲۵، ۲۴ نور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان. راپرت شما رسید به هیچ وجه معلوم نمی شود که آیا دشمن در کدام نقطه اجتماع نموده و یا چه خیالاتی دارند. از اینجا هیچ معلوم نیست و دشمن دیده نمی شود. لازم است به طور صریح راپرت دهید دشمن در پشت کوه و یا جای دیگری است تا اینکه اقدامات لازمه به عمل آید. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۸۳

نمره ۱۶۲۳، ۲۴ نور ۱۳۰۳.

فرمانده قوای الشتر. لازم است در رسیدن به تنگ رباط از وضعیات راه مطلع شده چنانچه دشمن در بین راه باشد، و با اردوی شما مصادف شود باید رشته کوه دست چپ راه الشتر را در دست گرفته از آن سلسله کوه حرکت نمایید که به راه درّه سر آبستان کشیده می شود. در این صورت ممکن است از طرف شهر نیز با توپ کمکی به اردو شده و چنانچه دشمن در کوه دیده شود بمباردمان نمود. برای اطلاع شما می نویسد از قرار راپرت واصله گویا قلعه تنگ زاهد شیر به دست دشمن افتاده و هنوز صحت سقم آن معلوم نیست. الساعه که این کاغذ را می نویسم وضعیات اردو خیلی وخیم، هرچند ساعت زودتر برسید. بهتر و اگر دیر شود ممکن است شیرازه به کلی از هم پاشیده شود. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۸۴

خرم آباد. نمره ۱۶۲۶، ۲۴ نور. فرمانده اردوی الشتر. گرچه صبح شرحی

نوشته‌ام باز در تعقیب آن می‌نویسم از قرار اطلاعات واصله تنگ زاهدشیر را بدون مصادمه ایوان خان خالی کرده و عده‌اش را همراه خود معلوم نیست به کدام سمت برده است. الساعه وضعیات اردو فوق‌العاده خطرناک چنانچه اردوی شما برسد، افراد مجدداً روح پیدا کرده ممکن است در مقابل دشمن استقامت نمایند. چنانچه خود را زودتر برسانید بهتر است زیرا که فعلاً زیادی قوای خود را به طرف تنگ کشیده و رفته‌اند. باید از موقع استفاده نمود تا مراجعت نکرده‌اند فوری خودتان را به شهر برسانید و همین طوری که در کاغذ قبل خود نوشته‌ام جناح چپ خود را موقع آمدن کاملاً محفوظ دارید فوری هم خود را برسانید. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۸۵

نمره ۱۶۳۲، ليله ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

سلطان غلامحسین خان فرمانده بهادران ۲ دفاع (کوه سفید چگینی کش) چون فردا صبح زود قصد دارم که به دشمن حمله برم لازم است نایب اول محمد علی خان را با ۲۵ نفر در قلعه کوه پست گذارده و دستورات کاملی در نگاهداری پست مزبور داده خودتان با بقیه عده شبانه به شهر بیایید که برای صبح زود با عده‌ای که تجهیزات داده شده و در قلعه حاضر است حمله به دشمن بیاوریم. نیز لازم است در آوردن عده به پایین دقت نمایید که مرتب وارد شوند. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۸۶

نمره ۱۶۳۱، ليله ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان، سلطان سید حسن خان فرمانده گردان ۴. لازم است به افراد گوشزد نموده و امشب را کاملاً پافشاری در جلو دشمن به خرج داده استحکامات را نگهداری کرده که فردا صبح زود با عده‌ای که در قلعه

تجهیزات شده یک مرتبه به دشمن حمله خواهیم آورد و انشاء الله به خواست خدا دشمن را محو و نابود نماییم. مقصود این است که امشب را باید جدیت کاملی به خرج داده و جلو دشمن را نگاه دارید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان.

## ۱۸۷

نمره ۱۶۳۶، ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده اردوی الشتر. در تعقیب شرحی که دیروز نوشته‌ام<sup>۱</sup> مجدداً می‌نویسد الساعه که ۸ صبح ۲۵ ثور است نفرات با یک فداکاری موقعیت کوه‌های جناحین شهر را در دست داشته و به امید رسیدن اردوی شما جدیت به خرج می‌دهند و آنچه لازمه پافشاری است در این چندروزه در نگاهداری شهر به عمل آید و اهالی شهر نیز با مساعدت به نفرات قشونی و در ضدیت با الوار هم قسم شده و حاضر [به] همه گونه کمک و مساعدت می‌باشند. همین قدر که اردوی شما وارد شود، الوار مرعوب، بالعکس نفرات نظامی تجری حاصل نموده امیدوارم فاتحیت نصیب ما گردد، و امروز روز چهارم است که قول داده‌اید خاتمه می‌یابد. به هر وسیله شده از حملات دشمن خودداری گردیده حالیه لازم است بدون فوت وقت خود را به شهر برسانید بلکه بتوان یک اندازه جلوگیری نمود.

همین قدر می‌نویسم رسیدن اردوی شما روح نفرات را تازه خواهد کرد. به طور حتم استقامت دشمن را از بین خواهند برد. لازم است فوراً خود را برسانید. تکرار در حرکت را زائد می‌دانم و الا متلاشی خواهد شد. چون احتمال می‌رفت که بوسیله قاصد نرسد، این بود کپیه‌اش را مجدداً بوسیله نظامی حامل ارسال می‌دارد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۸۸

نمره -، ۲۴ ثور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان. لازم است هر چه می‌توانید عده را در روز راحتی داده فقط چند نفر دیده بان بگذارید که از حال دشمن مستحضر باشد. عده در روز کاملاً راحت نماید که شب برای عملیات در مقابل دشمن حاضر باشد. سوار هم برای شما اعزام شد. لازم است به طوری که نوشته‌ام نصف عده را راحت و نصف دیگر [را] مواظب اعمال دشمن نمایید. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۸۹

۲۴ [جوزا] اتفاقی نبوده و راپرتی نرسیده است.

## ۱۹۰

نمره ۱۶۳۴، لیل ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان - سلطان سید حسن خان. دیشب گذشته نظامیان در سنگرها مثل الوار گاله<sup>۱</sup> می‌زدند. در صورتی که این مسئله بد [و] برخلاف قواعد جاری [است]. نظامی را نمی‌توان از دشمن (لُر) تشخیص داد. لازم است به سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ هم ابلاغ کنید که به افراد گوشزد کرده و قدغن نمایند که در سنگرها ساکت بوده و نهایت مراقب دشمن باشند. زیرا از گاله و کشیدن هورای بی‌موقع ممکن است دشمن استفاده کرده و محل اقامت و تعداد نظامیان را به خوبی بدست بیاورد. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۹۱

نمره ۱۶۳۳، لیل ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

یاور ابراهیم خان، فرمانده رنگرزان. از قرار راپرت واصله یاور ایوان خان

۱. نوعی هلله. [فریادی که با تکان دادن دست در جلو دهان همراه است برای ارعاب]

قلعه تنگ زاهدشیر را بدون اینکه از طرف دشمن فشاری ببیند تخلیه نموده و نفرات را برداشته معلوم نیست به کدام سمت رفته است. چنانچه به عده شما ملحق گردیده آنها را نیز در تحت فرماندهی خود گرفته و عده خودتان را حاضر نمایید که به محض ورود اردو حرکت به خرم آباد کنید و دیگر چنانچه اردو به بروجرد رسیده است تأکید نمایید که هر چه زودتر حرکت نمایند و چنانچه تلگرافی از حضرت امیر رسیده است و فوق العاده اطلاع صحیح از ورود اردو دارید راپرت نمایید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۹۲

از بروجرد [به] خرم آباد. حضور حضرت ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً عین تلگراف ارکان حرب لشکر را ذیلاً به عرض می‌رساند:

عین دستخط حضرت امارت جلیله لشکر از طهران برای اطلاع رؤسای قسمت‌ها ذیلاً درج، لازم است مفاد آن را کاملاً به موقع اجرا بگذارید. لازم است کلیه لیدرهای جمهوری طلبان را احضار و به آنها اطلاع و قدغن نمایید در ظرف ۲۴ ساعت بایستی صدای کلیه جمهوری در غرب خاموش شده، ادارات پست و تلگراف باز باشد. زیرا که این نام را مسکوت عنه بگذارید بدون اینکه یک تلگراف مخیره شود. چنانچه برخلاف حکم رفتار نمایند شدیداً مجازات می‌شوند. امیر لشکر غرب، احمد. ۱۱ ثور، نمره ۱۶۶۹.

## ۱۹۳

نمره ۱۶۳۹، ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

حضور ایالت جلیله بروجرد لرستان دامت شوکته. سواد تلگراف حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته را برای مزید استحضار خاطر عالی لفاً ارسال می‌دارد و مقتضی است چنانچه از این قبیل اشخاص در شهر باشند

به وسایل ممکنه مفاد تلگراف مزبور را به آنها گوشزد نموده و خاطر نشان فرمایید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۹۴

نمره ۱۶۴۵، ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

یاور میکائیل خان امشب را مسئولیت خط جناح راست به عهده شما واگذار، فردا قسمت پیاده فوج گارد سپه آمده شما را عوض خواهد کرد. لازم است در نگاهداری استحکامات خودتان کاملاً جدیت نموده به افراد گوشزد کنید هر که سنگر خود را تخلیه کند بدون محاکمه اعدام خواهم نمود. رزرو شما نیز عده فوج گارد سپه است که در موقع لزوم فوری به شما کمک خواهد داد. به افراد گوشزد کنید که تیراندازی بیهوده را اکیداً قدغن می‌کنم. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۹۵

نمره ۱۶۳۳، ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان، یاور میکائیل خان را با سی نفر سوار فرستادم. لازم است جناح راست را به مشارالیه واگذار و مسئول حفاظت آنجا نمایید و هر چند نفر سوار هم که دیروز نزد شما فرستاده شده آنها را نیز در تحت اختیار یاور مذکور گذاشته تا عصر عده پیاده که رفع خستگی نموده و راحت کرده‌اید به سنگر اعزام که کلیه سوار را عوض نمایند. باید فوق‌العاده در حفظ موقعیت خودتان جدیت به خرج دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۹۶

نمره ۱۶۵۳، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

نایب ۳ حسین خان، تنگ رباط. الواری که قبلاً برای جلوگیری از اردو

به طرف تنگ رباط آمده بودند امروز صبح قریب پنجاه نفر سوار از آنها مراجعت کردند. لازم است به سرهنگ گیگوخان اطلاع داده و خودتان نیز از وضعیات دشمن هر چه اطلاعاتی دارید راپرت دهید و این قاصد را فرستادم که هر چه در بین راه دیده باشد به شما خبر بدهد که در رسیدن اردو سرهنگ گیگوخان را از وضعیات مطلع سازید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۱۹۷

۲۶ ثور. مقام محترم ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته. الساعة قریب ۵۰ نفر سوار از طرف زاهد پایین آمده و به طرف برج نمره ۲ می آیند و تقریباً ۴۰ نفر هم از طرف الوار آمده به کوهی که سابقاً برج [بر آن] بوده و تخلیه شده می روند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۱۹۸

نمره ۱۲، ۲۶ ثور.

حضور ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته. الوار از طرف تنگ رباط خود را به طرف زاهدشیر می کشند. به طوری که معلوم است مواقع خود را اشغال می نمایند. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۱۹۹

نمره ۱۶۵۴ [و] نمره ۱۶۵۵، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان — سلطان سید حسن خان. راپرت شما ملاحظه شد. الواری که دیده می شوند از تنگ رباط برگشته و از جلوی اردو عقب کشیده اند. چون اردوی سرهنگ گیگوخان امروز وارد می شود. الوار مقاومت ننموده آمده اند اینجا استحکامات خود را محکم نمایند. لازم است شما



جدیت و مراقبت نمایید و استحکامات خود را از دست نداده که اردو هم امروز خواهد رسید چنانچه از این طرف هم تعرض نمودند به افراد گوشزد کرده و بفهمانید که اردو می‌رسد، کاملاً فداکاری نموده و از حملات آنها جلوگیری نمایند و در مقابل تعرضات الوار پافشاری نمایند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۰۰

۲۶ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. پنجاه تیری که اعزام شده چه امر می‌فرمایید؟ در کدام یک از سنگرها گذارده شود و نیز مستدعی است بمب‌انداز هم برای این جبهه مقرر فرمایید اعزام دارند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۰۱

نمره ۱۶۵۶، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان رییس امنیه خرّم آباد. پنجاه تیر را هر جا مقتضی می‌دانید بگذارید. مقصود استفاده از پنجاه تیر و موقعیت آنجا است. بمب‌انداز هم امر کردم جهت شما اعزام دارند. البته به طوری که لازم است در حفظ موقعیت و استحکامات خود کوشش نمایید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۰۲

نمره ۱۳، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته. خرّم آباد. لیل ۲۶ ثور برج جاری الوار چند تیر به طرف سنگرها آتش کرده و نیز با صدای بلند بعضی حرف‌های مزخرف می‌زدند ولی گاله و تیراندازی زیاد در بین

نبود. عده‌ای متجاوز از صد نفر حالیه به پشت کوه سفید شمال شهر نزدیک برج اول راه الشتر مجتمع، گویا خیال حمله به آن برج دارند، زیرا خود را به عده آن برج برای مرعوب کردن نفرات نشان می‌دهند. عده فوج سپه که به عوض سواران آمده ۳۰ نفر کمتر. در صورتی که در این مورد باید زیاده‌تر باشند. گمان دارم که در موقع فشار سخت استقامت نورزند زیرا محل زیاد [و] الوار هم تمام توجه خود را امروز به طرف این جبهه انداخته‌اند خوب است امر بفرمایید. عده‌ای به قدر کافی با یک نفر صاحب‌منصب مسئول جدی اعزام دارند. سلطان اسدالله خان خلعتبری.

## ۲۰۳

نمره ۱۴، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان. امروز الوار چند مرتبه از جلو جبهه خود را بدون تیراندازی از دور به سنگرهای ما نشان داده و دوباره مخفی شدند و سنگرهای خود را دارا هستند و عده‌ای نیز به طرف تنگ روانه شدند. دیشب در تنگ تا صبح چراغ می‌سوخت. قلعه زاهد را هنوز خراب ننموده‌اند. چنانچه امر فرموده‌اید نظامیان مواقع خود را محکم کرده و برای استقامت و جلوگیری از حمله دشمن محکم و حاضر نموده‌اند. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۰۴

نمره ۱۶۵۶، ۲۶ ثور

سلطان اسدالله خان. راپرت شما ملاحظه شد. علاوه بر آن عده، ده نفر از فوج گارد سپه و ۲۰ نفر هم از فوج آهن مجدداً به کمک فرستاده شد. لازم است ۱۵ نفر نزد سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ فرستاده و ۱۵ نفر دیگر را در محل‌های لازمه بگذارید، لازم است با این عده جدیت و مراقبت

کامل در نگاهداری استحکامات به عمل بیاورید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۰۵

نمره ۱۶۶۰، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت اسدالله خان. راپرت شما را ملاحظه نموده<sup>۱</sup> از مطالب آن مستحضر شده، این است که از خدمات شما اظهار رضایت نموده و کاملاً از خدمات و جدیتی که در ابراز فداکاری نسبت به دولت دارید نهایت خرسند می باشم. البته به طوری که می دانید خدمات شما نتیجه مستحسنی را دارد. به طوری خدمات و زحمات شما را مد نظر دارم که قریباً شیرینی مراحم دولت را چشیده و کاملاً نتیجه خوبی خواهید دید. نیز همیشه انتظار دارم کمافی السابق در خدمت محکم بوده و جدیت داشته باشید، و لازم است که از طرف من به خوانین ظهرة پایی که در چند روز قبل به شهر آمده و مورد مراحم دولت واقع شده اند احوال پرسی نموده با نزدیک بودن به شما کاملاً اطمینان دارم که به قرارداد خود باقی می باشند. در خاتمه تذکر می دهم که شیرمحمدخان ایل خانی را برای انجام بعضی امورات نزد خود نگاه داشته و در این مدت رضایت اینجانب را فراهم داشته است. لازم است از وضعیات خودتان و آن حدود اینجانب را مطلع نموده نهایت مراقبت کنید کاغذهایی که به عنوان من می رسد، فوری برسانید و چند نفر محبوسین که مسبوق می باشید و قبلاً تقاضای استخلاص آنها شده بود، بنا بر تقاضای ایل خانی امر دادم مرخص کردند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۰۶

نمره ۲۵۰۱، ۲۲ ثور ۱۳۰۳.

از الشتر. حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی

لرستان دامت شوکته. وصول ۲۵ ثور ۱۳۰۳. جواب مرقومه نمرة<sup>۱</sup> - ۱۵ محترم خاطر عالی را مستحضر می دارد. با وجودی که موقعیت الشتر اجازه نمی دهد که اردو را حرکت دهم. ولی به مناسبت حفظ حیثیات قشون و علاقه مفرطی که فرد فرد صاحبمنصبان و نفرات این اردو و عموماً و فدوی خصوصاً به برادران نظامی خود دارم حرکت نموده به خرم آباد خواهم آمد و اردو را از مهلکه نجات خواهم داد. لهذا الساعة شروع به دستگیری خوانین الشتر نموده، ۱۲ نصف شب ۲۲ [ثور] کلیه آنها را با یک عده به نهاوند خواهم فرستاد، در مراجعت آن عده یعنی پس از سه روز یک عده ساخلو در قلعه مظفر گذارده، بقیه را زبده بدون ااثیه و چادر در معیت خود حرکت خواهم داد. فقط مهمات و آذوقه همراه خود به خرم آباد خواهم آورد. متمنی است به عموم نفرات تسلی داده تا چهار روز دیگر با اردو به کمک آنها خواهم آمد. ۲- تلگراف رمز نمرة ۱۵۸۳ شما را به نهاوند فرستاده مخبره نمایند. - فرمانده اردوی الشتر، گیگو.

## ۲۰۷

نمرة ۱۶۵۹، ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

فرمانده فوج گارد سپه. تا امروز که عصر ۲۶ برج جاری است نظامیان فداکار در مقابل حملات دشمن پافشاری نموده ولی چون در این چندروزه محصورى دشمن از هر طرف به طور سخت حمله نموده افراد به کلی خسته و عده ای هم نیست که بتوان افراد را عوض کرده حتی چند ساعتی استراحت نمایند. به این لحاظ وضعیات خیلی خطرناک و علاجی هم جز توسل به مراحم خداوندی نیست. از طرفی هم آخرین تکیه اردو به مونسین<sup>۲</sup> بوده که آن هم تمام و جز فشنگی که در قطار افراد است فشنگی دیگر نیست و از آنجایی که وضعیات امروز طوری است که نمی توان به حضرت امارت جلیله

۱. دو شماره آخر ناخوانا. با توجه به اشاره سرهنگ گیگو به تلگراف رمز شماره ۱۵۸۳ (سند ۱۳۸) باید پاسخ به مراسله شماره ۱۵۸۴ (سند ۱۳۹) باشد.

۲. Munition: مهمات.

دامت شوکته راپرت عرض نمود لازم است شما آنچه ممکن است در اعزام عده استمدادی تأکید نموده که هر چه زودتر برسند، بلکه تا رمقی باقی است علاجی بشود و نیز مقدار ۱۰۰۰۰۰ فشنگ پنج تیر انگلیسی و ۷۰۰۰۰ پنج تیر روسی و آنچه نیز ممکن است فشنگ توپ با اولین قسمت که به خرم آباد اعزام می شود ارسال دارید، دیگر در تأکید اعزام قوا و ارسال فشنگ تکرار نکرده و به خود شما واگذار می کنم که الحال آخرین تکیه همان توسل به مراحم یزدانی است و بس. در خاتمه گوشزد می کنم که وضعیات نه به طوری سخت است که بتوان برای استقامت اردو در مقابل دشمن و رسانیدن قوا برای کمک، تعیین وقت یا ساعت نمایم. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۰۸

نمره ۲۵۵۳، ۲۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

از الشتر. حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دام اقباله. وصول ۲۵ ثور. محترماً خاطر عالی را مستحضر می دارد دوازده نصف شب ۲۵ برج جاری کلیه محبوسین را به نهادند اعزام داشتم و پست ها را جمع آوری کرده ۲۶ برج جاری به طرف خرم آباد این اردو حرکت خواهد نمود. متمنی است چنانچه در معروضه نمره ۱۲۵۰۱ به عرض رساند امر بفرمایید مأمورین تا سه روز دیگر در سنگرها خودداری کرده که این اردو به کمک آنها خواهد آمد. ضمناً به عرض می رساند صد نفر از سواران صید هاشم خان حسنوند را همراه خواهم آورد. متمنی است به مأمورین آن اردو که در نزدیک رباط هستند اطلاع دهید و از آمدن این اردو مستحضرشان فرمایید. فرمانده اردوی الشتر. گیگو.

## ۲۰۹

نمره ۱۶۵۰، ليله ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

نایب سوم حسین خان رییس پست تنگ رباط. قدغن شد جهت شما فشنگ و آذوقه ارسال دارند. فردا اردوی سرهنگ گیگوخان از طرف الشتر به خرم آباد خواهند آمد و یک صد نفر سوار غیرنظامی نیز همراه اردو است. باید شما ملتفت باشید که مبادا بطرف اردو تیراندازی نمایید و در حفاظت پست‌های خودتان جدیت کامل به عمل بیاورید. سواران چریک که همراه اردو می‌باشند نظامی همراه آنها است مقصود این است که سواران مذکور را با سواران الوار فرق گذاشته و اشتباه نکنید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۱۰

نمره ۱۶۵۱، ليله ۲۶ ثور ۱۳۰۳.

خرم آباد، فرمانده اردوی الشتر، وصول ۲۷ ثور. مراسله نمره ۱۲۵۵۳ رسید بی نهایت خوشوقت شدم انتظار ورود را دارم. لزوماً مستحضر می‌دارد عباس خان و غلامرضا خان که از خوانین خدمتگذار حسنونند بوده و در تنگ رباط سکنی دارند، به آنها حکم داده‌ام، از وضعیات راه شما را مطلع و به وسیله تفنگچی‌های خودشان راه عبور اردو را پاک نمایند. از قرار راپرت واصله یک قسمت کوچک یک صد و پنجاه نفری مرکب از سوار و پیاده الوار جهت تعرض به اردو در این طرف تنگ اقامت دارند. لازم است قبلاً به وسیله غلامرضا خان و عباس خان و سوارهای چریک راه را پاک نموده و نیز یک عده سوار نظامی در این طرف تنگ نزدیک خرم آباد جلو اردو خواهم فرستاد. چنانچه در بین راه از دشمن خبری باشد در موقع از طرف سواران نیز به آنها حمله شود. در هر صورت موقع حرکت، جناح و قلب اردو را باید

کاملاً محافظت نمایید، که مبادا دشمن موقع به دست آورده تعرضی به اردو نماید. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۱۱

۲۷ نور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. دیشب این جبهه آرامش داشته به فضل الهی در استحکامات خیلی دقت شده. فقط از طرف دشمن یک تیر انداخته شد و نیز در خارج جبهه طرف جاده در اول شب صدای چند تیر بلند شد. از نظامیان پست مخفی سؤال شده اظهار می کنند که خود الوار با خود نزاع کرده اند در سر تریاک های مردم. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۱۲

۲۷ برج نور ۱۳۰۳. بعدالعنوان محترماً معروض می دارد دیشب تقریباً ساعت دو بعد از نصف شب عده زیادی از الوار به اطراف پست های امامزاده خضر حمله کرده با صدای بلند مطالبه گاو و الاغ دیروز را که به قلعه بیگی تحویل شده می نمودند. از طرف نظامیان جوابی داده نشده به یک مرتبه شش تیر خالی نمودند به طرف نظامیان. نظامیان هم چند تیر جواب داد در نتیجه یک نفر از الوار کشته شد ولی نظامیان به نگهداری نعش موفق نشده الوار حمله کردند نعش را بردند ولی خون زیادی ریخته و ضمناً صدا بلند شد که مردم. لهذا مستدعی است و مقرر فرمایید که جستجو نموده صاحب گاو و الاغ را کشف نمایند که حتماً با الوار دست دارند، تنبیه و مجازات سخت نمایند تا عبرت دیگران بشود.

دیگر اینکه از دیشب تا به حال عده زیادی از الوار در زیر پل خرابه قدیمی نزدیک به شهر جمع و متفرق نشده اند محض اطلاع عرض شد. نایب ۲ امانقلی خان، فرمانده گروهان فوج آهن.

## ۲۱۳

نمره ۱۵، صبح ۲۷ ثور ۱۳۰۳.

خرم آباد. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته.

۱- ليله ۲۷ برج جاری در اوایل شب نزدیک پُل، سه تیر از طرف دشمن خالی شده از طرف سنگرها جواب ندادند، برای اینکه نزدیک بیایند. بالاخره پس از رفتن مهتاب چند نفر از الوار خود را به پست نزدیک می نمایند، ایضاً تیراندازی مختصری نموده پست هم چند تیر جواب داده موفقیتی حاصل نمی نمایند.

۲- الوار سواره و پیاده به طرف تنگ زاهدشیر از جاده معلوم است حرکت می نمایند. نیز قریب یک صد و پنجاه نفر هم به دستجات کوچک از پهلوی برج نیمه تمام حرکت کرده و چند تیر با نظامیان برج رد و بدل کرده و به طرف تنگ زاهد می روند. گویا اردو در آن حدود یا جلوتر پیش آمده باشد. کفیل گردان سوم فوج آهن، سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۱۴

نمره ۲۶۰۱، ۲۵ ثور ۱۳۰۳.

از الشتر. حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دام اقباله. وصول ۲۷ برج ثور. جواب مرقومه نمره ۱۶۲۶ خاطر عالی را مستحضر می دارد با اینکه ليله گذشته مفصلاً وضعیات این اردو را به عرض رساندم و از حال روحیه افراد آن ریاست محترم را مستحضر نمایم این است مجدداً عرض می نمایم وضعیات این اردو همچنان تعریفی ندارد و امروز مخصوصاً از حضرت بندگان اجل چندین فقره تلگراف داشتم، دایر به اینکه عده ای با سوار در این دوروزه از همدان حرکت خواهد نمود. با این حال پس



از رسیدن عده سوار از همدان حرکت خواهم نمود زیرا چنانچه به عرض رساندم باید این اردو خط رجعت خود را تأمین نماید، که هر گاه حرکت کنیم مطمئن بوده که دو قسمت در وسط [نیافتاده که]<sup>۱</sup> راه خلاصی نخواهیم داشت، متمنی است چندروزی تأمل فرموده پس از رسیدن سوار و تأمین خط رجعت حرکت خواهم نمود. هر گاه قبل از رسیدن عده مجبور به عقب نشینی شوید متمنی است قبلاً اطلاع دهید که گردنه آیودر<sup>۲</sup> را به وسیله مأمورین اردو تأمین نمایند. فرمانده اردوی الشتر، گیگو.

## ۲۱۵

نمره ۱۶۶۱، ۲۷ نور ۱۳۰۳.

از خرم آباد به الشتر. فرمانده اردوی الشتر. نمره ۲۶۰۱ ملاحظه خیلی متعجبم با اینکه قانون حکم می دهد در صورتی که قوایی نزدیکتر از قوای شما به این اردو نیست، حتی با عده [محدود] هم باشد باید کمک نمایید و در صورتی که من شخصاً مسئولیت شما را عهده دار و به شما تذکر دادم که خود جواب خواهم داد. باز نمی دانم علت تعطیل چیست؟ من نمی دانم که حضرت اجل اجازه داده اند یا خیر ولی به شما گوشزد می کنم که آنچه تلفات و ضایعات و بالاخره لطمه به این اردو وارد آید باعث شما خواهید بود و بس. دیگر اینکه با وضعیات خطرناکی که الساعه اردو دچار است چگونه می تواند عقب نشینی کند، زیرا با این حال یک نفر از افراد سلامت نخواهد ماند. از طرفی هم آخرین تکیه اردو به مونسین بوده که آن هم تمام شده است. پس باز برای آخرین مرتبه می نویسم. چون قلب این افراد خسته را حتی با یک قسمت کوچکی هم که باشد به همراه خودتان می توانید، تأمین و قوت داده چند روز دیگری تا رسیدن اردوی مرکز از دشمن جلوگیری به عمل آورد. لهذا خود شما با یک عراده توپ و مقداری فشنگ انگلیسی و روسی با

۱. در اصل «افتاده و» که نامفهوم به نظر می آید.

۲. اصل: ایواندر [AYVONDAR]

سواران چریک حرکت کرده در ظرف ۱۲ ساعت خود را برسانید که غیر از این علاجی تصور نمی‌رود و این آخرین مرتبه است می‌نویسم. پس هر چه زودتر دعوت مرا به استمداد قبول کرده که عدم قبولش مسئولیتی را در برابر دولت متوجه خواهد بود. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۱۶

نمره ۲۵۴۲، ۲۳ ثور ۱۳۰۳.

از الشتر، حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت اقباله. وصول ۲۷ ثور ۱۳۰۳. جواب مرقومه نمره ۱۶۰۸. محترماً خاطر عالی را مستحضر می‌دارد شب و روز جاهد هستم که هر چه زودتر حرکت نمایم ولی چنانچه در معروضه نمره ۲۵۰۱<sup>۲</sup> به عرض رساند مشغول دستگیری خوانین و کدخدایان حسنونند هستم که بلکه بتوانم الشتر را پاک نموده که هر گاه قلعه را تخلیه نمودیم و این اردو به خرم آباد آمد عقب او باز باشد ولی تنها چیزی که از بعد از ظهر امروز مرا به فکر انداخته همان بسته بودن گردنه آیودر است. زیرا امروز بر طبق راپرت صید هاشم خان یک عده از بیرانوندها گردنه مزبور را گرفته و نقاط مرتفع آن حدود را متصرف شده‌اند و تقریباً چند شب است که پی در پی دهات اطراف را الوار غارت می‌نمایند. حالیه اگر بخواهیم اردو را حرکت دهیم مجبورم دو گروهان پیاده برای مستحفظی قلعه بگذارم پس از آن با یک گروهان و یک قسمت کم سوار چه عملیات با این گردنه صعب‌العبور آیودر می‌توانم بنمایم جز اینکه یک عده زیادی تلفات داده و بالاخره مجبورم از نیمه‌راه مراجعت نمایم و تقاضا نمودم که امر فرمایند در اعزام عده کمکی تسریع نمایند تا اینکه بتوانم با یک عده حرکت نموده اقلأً اگر در بین راه تلفات می‌دهم، با یک قسمتی به مقصد برسیم. با مراجعه به عرایض فوق آن ریاست محترم تصدیق خواهند فرمود که

من یک صاحبمنصب بی حقیقتی نیستم که موقع زیارت مرقومه جات محترم در خیال نباشم فقط تنها چیزی که مایه تأمل من شد همان مسدود بودن راه و دادن تلفات زیاد است. با این حال جاهد هستم بلکه بتوانم زودتر حرکت نمایم. رییس اردوی اعزامی الشتر، گیگو.

## ۲۱۷

۲۷ ثور ۱۳۰۳. خرّم آباد. مقام محترم حضرت ریاست محترم اردوی لرستان دام اقباله. در یک ساعت قبل عده‌ای از الوار از اطراف آمده بودند و وضعیات سنگرهای ما را ملاحظه می‌کردند با دوربین و مراجعت می‌کردند احتمال کلی می‌دهم که امشب حمله نمایند. راپرتاً به عرض رسید. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۱۸

نمره ۱۶۶۵، ۲۷ ثور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان رییس امنیه خرّم آباد. راپرت شما ملاحظه شد. باید کاملاً جدیت کنید از قرار راپرت‌های واصله این‌ها چندان عده‌ای ندارند و گذشته از آن از آمدن اردوی رنگرزان مطلع شده فوق‌العاده مرعوب هستند. باید کاملاً جدیت نشان بدهید که مبادا پس از این همه زحمت دشمن اندک موفقیتی حاصل نماید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۱۹

۲۸ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ پیاده دامت شوکته. دشمن از صبح تا دو ساعت قبل ابداً رؤیت نمی‌شد، ولی از این ساعت به بعد عده‌ای پای برج خط راه شوسه بودند و عده‌ای هم آمده‌اند روی تپه مقابل برج نمره ۳ که مخروبه است و چند نفر هم آمده‌اند توی برج خرابه تاکنون

جمعاً قریب یک صد نفر می شوند و احتمال می رود حمله کنند. تک تک هم به جلو آمده و تیراندازی هم به طرف ما می کنند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۲۰

نمره ۱۶، ۲۸ نور ۱۳۰۳.

جناح چپ. حضور مبارک ریاست محترم اردوی لرستان دام اقباله. الوار تا ساعت ۴ بعد از ظهر در سنگرهای خود ساکن بوده ولی از آن ساعت به بعد تک تک تیراندازی کرده از راه رودخانه جلو آمده، خود را نشان می دهند برای حمله به مواقع شب هم ما را اغفال کرده چند نفری به طرف تنگ زاهد ایاب و ذهاب می نمایند. در هر حال برای شب تیراندازی توپ لازم است. ولی مقرر فرمایید که خیلی دور آتش نکنند. تیراندازی دیشب دور بود. باید یا در جلو برج ها و یا تپه های مشرف به برج ها تیراندازی شود. حالا که هوا روشن است ممکن می شود که تعیین مسافت نموده، شب تیراندازی کرد. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۲۱

نمره ۲۸، ۲۸ برج نور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان. خرم آباد. از غروب ۲۸ برج الوار از اوایل شب به طرف سنگرهای این جبهه تعرض و قصد داشتند پس از بلند نمودن نظامیان از سنگر به وسیله سوار جناح چپ زنجیر را از توی رودخانه تصرف و نگذارند کسی سواره از وسط حمله را پیش گرفته ولی الحمدلله با استقامت و آتش تند نظامیان رشید با کشیدن هورا به مرحمت حضرت ریاست، دشمن طرد و فراری شدند و حالیه در سنگرهای دیروز خودشان جمع شده اند. سلطان اسدالله خان خلعتبری.

## ۲۲۲

۲۸ برج ثور ۱۳۰۳. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً معروض می‌دارد الساعه مابین ما و برج آخری را قریب پانصد نفر سوار و پیاده الوار گرفته و ارتباط ما را با ایشان قطع نموده است و قریب پانصد سوار هم نیز به علاوه دور برج را گرفته به طوری نزدیک است که می‌شود گفت برج تسلیم شده است. مابین ما و برج هم یک درّه است که عبورش خیلی مشکل و با این عده به هیچ وجه نمی‌شود عبور کرده، راپرتاً عرض شد. فرمانده گردان اول سوار فوج دفاع، نایب سرهنگ ولی آقا.

## ۲۲۳

نمره -، ۲۸ ثور ۱۳۰۳.

خرّم آباد. فرونت شرق. مقام محترم حضرت ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته.

۱- دیشب با اینکه الوار به خیال خودشان حمله شدید کردند با جدیت دفاع شده بحمدالله نظامیان رشید استقامت به خرج داده. گرچه دشمن ناقابل است ولی این حمله هم خالی از اهمیت نبوده و در شلیک اولیه به طور حتم چند زخمی و مقتول داشته‌اند چون بعد از شلیک صدای چند ناله بلند بود و حمله آنها به فاتحیت ما و شکست الوار خاتمه یافت.

۲- مستدعی است توسط بنده اظهار قدردانی از سلطان محمدخان فرمانده گروهان ۲ فوج آهن بفرمایید و نیز مستدعی است نظامیان را هم تشویق بفرمایید.

۳- از یک ساعت بعد از نصف شب الی کنون از الوار اثری نبوده گمان می‌کنم این حمله هم از ترس آنها بوده است.

۴- با اینکه وضعیات فشنگ را می‌دانم و صرفه جویی کامل هم در تیراندازی شده ولی برای امشب باید فکر فشنگ بشود.

۵- امروز به هر وسیله شده است برج را بایستی خاتمه داد. دیشب دستور داده و وسیله هم اتخاذ شده که آسیبی به بناها نرسد، اعم از اینکه از طرف دشمن تیراندازی بشود یا نشود، باید ختم کرد. امر بفرمایید که فوراً بنا و عمله اعزام دارند که وقت از دست نرود. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۲۴

۲۸ برج جوزا [?] ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دام اقباله العالی. بر طبق راپرت محمد آقا بمب انداز یک عدد از چهار بمب برج نمره ۱ کپسولش خراب و برای آن پست چهار عدد بمب کم است. مستدعی است مقرر فرمایید که فرمانده گروهان بمب انداز هم چند عدد بمب ارسال دارد و هم کپسول بمب خراب را عوض کند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۲۵

نمره ۲۵۵۳، ۲۴ نور ۱۳۰۳.

از الشتر [به] خرم آباد. حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دام اقباله. محترماً خاطر عالی را مستحضر می دارد ۱۲ نصف شب لیل ۲۵ برج جاری کلیه محبوسین را به نهاوند اعزام داشتیم و پست ها را جمع آوری نموده صبح ۲۶ برج جاری به طرف خرم آباد این اردو حرکت خواهد نمود. متمنی است چنانچه در معروضه نمره ۱۲۵۰۱ به عرض رسانده امر فرمایید مأمورین تا سه روز دیگر در سنگرهای خود خودداری کرده این اردو به کمک آن ها خواهد رسید. ضمناً به عرض می رساند صد نفر از سواران صید هاشم خان را همراه خود خواهم آورد. متمنی است به مأمورین آن اردو که در تنگ رباط هستند اطلاع دهند و از آمدن این اردو مستحضرشان

فرمایید. فرمانده اردوی الشتر، گیگو.

تاریخ وصول ۲۸ برج جوزا ۱۳۰۳.

## ۲۲۶

۳۰ برج ثور ۱۳۰۳، از تنگ رباط که ۱۲ روز محاصره بوده، صاحب راپرت نایب ۳ حسین خان افغان. به عنوان نایب سرهنگ حسین خان. به مقام محترم ریاست اردو دامت شوکته. محترماً عرض می شود بسیار ممنون مراحم و الطاف حضرت اجل می باشم. عموماً نظامیان باقی مانده و بنده عرض سلام بندگی به حضور مبارک داریم. ضمناً راپرت معروض می شود که ده روز و ده شب بود [که] دشمن اطراف برج بنده را مثل نگین انگشتر از هر طرف گرفته بودند و به هیچ وسیله راه راپرت دادن نداشتیم و بنده به امید زمان خان بودم که راپرت می دهد، معلوم می شود او هم به همین حال گرفتار بوده. از پست وکیل صادق هیچ علامتی معلوم نیست که تسلیم شده اند یا خیر. امان از فریب زدن آنها که به چیزهایی ماها را وعده می دهند که از برج پایین بیاوریم. کاغذهایی می نویسند، پیغام هایی می دهند ولی کلیه، بنده به جز گلوله جواب دیگری نداده ام. تمام نظامی ها جواب می دادند که رئیس این پست نایب است. اگر تمام لرستان از بین برود ممکن نیست ما این پست را از دست بدهیم. در هر صورت دشمن که دور ما هست برای مطیع کردن ما خیلی محبت می کند که شاید از برج پایین آمده و ما را بگیرند. ما هم به فضل خدا و مرحمت حضرت رئیس به حرف ها آنها گوش نداده مایوس می شدند و مشغول تیراندازی به برج بودند. پی در پی اظهار می کردند که خرّم آباد را گرفتیم شما هم اسلحه بدهید بروید. حضرات الوار بیشتر حسنوند بودند که پیغام و پلتیک می زدند که ما را گرفتار کنند. دیروز چهار بعد از ظهر خیال خوبی کرده بودم که به هر ترتیبی است از برج پایین آمده و به آنها حمله کنم، اتفاقاً شبانه الوار فرار کردند. به کوه ها رفتند. چاکر هم فوراً چهار نفر نظامی به پست زمان خان

فرستاده که آذوقه و فشنگ بیاورند، جواب داده که ما هم در بساط هیچ نداریم. امروز فارغ شده و دشمن فراری شده آدم به شهر فرستاده‌ایم که آذوقه بیاورند. مستدعی است که مقرر فرمایید که آذوقه بسیار و به‌زودی برسانند که تا راه باز است برسد که از بین نرویم و به‌آسودگی مشغول دعاگویی باشیم. برج وکیل صادق هم خالی است معلوم نیست که الوار گرفته‌اند توی برج هستند یا خیر؟ مقداری از نمونه آذوقه این چند روز به‌حضور مبارک ارسال شد. آب به‌طوری تمام بود که فقط چند استکان آب کثیف در ته پیت بود که ته استکان را به‌لب همدیگر گذاشته رفع عطش می‌نمودیم. با وجود این‌ها شکر خدا را به‌جا آورده و با دشمن جنگیدیم. زیاده سلامتی و بقای وجود مبارک حضرت اجل را از خداوند مسئلت می‌نماییم. حسین نایب افغان.

## ۲۲۷

۱ برج جوزا ۱۳۰۳. مقام محترم حضرت ریاست تیپ و اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. ۱- دیشب بعون‌الله تعالی در این جبهه اتفاقی رخ نداده و از دشمن بیش از ۱۲ نفر تقریباً طرح صبح دیده نشد. صبح ۶ نفر نظامی برای اکتشاف فرستاده شده، ۱۰-۱۲ نفر تفنگچی در برج خرابه دیده‌اند که اول از طرف الوار به‌نظامیان شلیک شده، نظامیان هم چند تیر شلیک کرده بدون آسیبی مراجعت کرده‌اند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۲۸

از تپه جناح راست. مقام محترم ریاست دامت شوکته. الوار از کوه‌های طرف چپ تنگ به طرف کوه‌های راست تنگ می‌آیند. زنجیر پیاده به کوه‌های طرف راست تنگ نزدیک شده. امر فرمایید عده‌ای پیاده به کمک سردارخان بیاید که او محاصره است. پنجاه تیر فشنگ ندارد فوراً بفرستند. یاور ایوان‌خان هم با سوار در آنجا است پیاده فوراً اعزام دارند که سردارخان محاصره است. ارشدالسلطنه.



## ۲۲۹

نمره ۲۹، ۲ جوزا، جناح چپ خرّم آباد، حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. عرض می شود عده الواری که از طرف تنگ آمده بودند به طرف دیرک و ندها عاوم شدند. میرزا علی نام ۱۳ ساله از راه زاهد شیر آمده اظهار می دارد در تنگ زاهد با دو نفر دیگر برای تریاک دو روز قبل رفته و من برای آوردن اغذیه به شهر مراجعت می کنم زیرا آنچه داشتم لُر از ما گرفته است و نیز اظهار می کند پیرانوندها قاصد شیر محمد خان ایل خانی را گرفته کاغذهای او را پاره و خودش را برده اند. قلعه را تخلیه و رفته اند به طرف خانه های خودشان. میرزا علی نام را شخصاً برای تحقیقات به حضور مبارک اعزام داشتم. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۳۰

نمره ۲۷۰۹، ۶ و ۳۰ دقیقه از ظهر ۲۸ ثور ۱۳۰۳، از اردوی الشتر، تاریخ وصول ۳۰ ثور ۱۳۰۳. حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دام اقباله. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می دارد یک ورقه تلگراف از طرف ریاست محترم ارکان حرب لشکر رسیده که عین آن را جهت اطلاع خاطر عالی ذیلاً به عرض می رساند:

بعدالعنوان. حضرت اجل دامت شوکته<sup>۱</sup> امروز به بروجرد حرکت فرمودند. دو فوج سوار و پیاده با اتومبیل های جنگی از مرکز حرکت کرده است. با قوت قلب و اطمینان کامل به افراد تذکر دهید باید افتخارات ابدی در صفحه لرستان به نام اردوهای لشکر غرب در صفحه تاریخ ثبت گردد و دیگر هیچ علت و جهتی موجب نیست که یک مشت قوای بدون دیسیپلین هر قدر هم زیاد و رشید باشند در مقابل این همه عده نظامی و این ادوات جنگی، قابل ملاحظه شده و حملاتشان روحیه افراد را دچار تزلزل نماید. طیاره های

۱. منظور احمد آقاخان امیراحمدی است.

جنگی هم بعد از دو روز وارد همدان شده و بعد از اینکه حملات از طرف بندگان حضرت اجل شروع شود تمام مواقع کوهستانی که در دست دشمن است بمبارده خواهند نمود. تمام این مطالبی که حسب الامر مبارک ابلاغ شده قدغن نمایید به هر وسیله که هست به اطلاع ریاست محترم تیپ پیاده برسانید که با نهایت رشادت و قوت قلب هر قسم شده استقامت به خرج دهند که این دوروزه حملات شدید با ادوات جدیدی که از اروپا وارد شده با قوای کافی در آن نواحی شروع و تمام این مضیقه و مشکلات بغتاً مرتفع خواهد شد. البته مطالب را به اطلاع صاحبمنصبان و افراد خواهید رسانید. ۲۶ ثور، نمره ۱۲۹۲، رییس ارکان حرب لشکر غرب، فرج الله.

ضمناً به عرض می‌رساند قاطرهای اردو که به‌نهادند رفته‌اند در این دوروزه مراجعت خواهد نمود. کلیه بارهای اضافه نفرات و صاحبمنصبان را به‌نهادند فرستاده موقع مراجعت آن‌ها فوراً حرکت خواهیم نمود. یک اردوی مختلط تحت فرماندهی سرهنگ محمودخان فرمانده فوج توپخانه<sup>۱</sup> ۲۵ ثور از همدان حرکت نموده در این دوروزه خواهد رسید. خاتماً متمنی است امر فرمایید از وضعیات و ترتیبات و محل دشمن کاملاً اینجانب را مستحضر نمایند. فرمانده اردوی الشتر. گیگو.

## ۲۳۱

۳ برج جوزا ۱۳۰۳. خرم آباد. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند در کوهی که سابقاً برج بوده و چگنی‌ها تصرف کرده‌اند متجاوز از دویست نفر تفنگچی سوار و پیاده در آن نواحی پراکنده و پیاده آن‌ها به طرف کوه عازم‌اند. از وضعیات و حرکات آن‌ها می‌توان حدس<sup>۲</sup> زد که خیال حمله دارند. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد محل مزبور که عده دشمن فعلاً اشغال نموده آتش غیر مرئی توپخانه مؤثر خواهد بود. یاور میکائیل.

۱. نایب سرهنگ محمودخان ندیمی، فرمانده توپخانه لشکر غرب.

۲. در اصل: حدس.

## ۲۳۲

نمره ۱۶۷۳، ۲۹ ثور ۱۳۰۳.

از خرّم آباد، یاور ابراهیم خان فرمانده قوای رنگرزان. ۳ کپیّه توسط سه قاصد از سه راه مختلف ارسال شده است. محصوریت اردوی خرّم آباد کمافی السابق باقی. دشمن در استقامت و حمله به شهر پافشاری می نماید. از هر حیث عرصه [را] به نظامیان تنگ نموده اند. فقط تفضل الّهی شامل بوده تاکنون با کثرت دشمن مقاومت به خرج رفته. با اینکه دشمن ساعت به ساعت به حملات خود افزوده [و] آن به آن منتظر رسیدن بدبختی های غیر قابل تحمل می باشم، باز در نگاهداری موقعیت خود و از دست ندادن شهر بی نهایت تلاش و جدیت نشان داده می شود. امیدواریم از هر طرف قطع و جز به تفضل الّهی متکّی به هیچ چیز نمی باشم. در صورتی که شما می دانید رسیدن اطلاعات از طرف شما با این حال گرفتاری اردو چقدر مفید بوده و به حالت روحیه صاحب منصبان و نفرات تا چه اندازه کمک می دهد، در این صورت باید شما این مسئله را در نظر گرفته همه روزه به هر وسیله که می دانید از وضعیات خودتان با اطلاعاتی که از طرف بندگان حضرت امارت جلیله لشکر غرب تحصیل می نمایید و از تشریف فرمایی حضرت معظم له و رسیدن اردوی استمدادی کاملاً ما را مستحضر نموده و بی اطلاع نگذارید و هر طوری که هست در اعزام قوا به طرف خرّم آباد عجله نمایید زیرا بیشتر از این نمی شود در محصوریت باقی مانده و در مقابل دشمن مقاومت نمود. والاّ نزدیک است شیرازه کار از هم گسیخته گردد و برای اطلاع شما می نویسد الواری که در طرف زاهدشیر و رنگرزان برای جلوگیری از اردو تجمع دارند قابل اهمیت و اعتنا نیستند چنانچه اردو به طرف خرّم آباد حرکت نماید جمعیت آنها به کلی متفرق و ابداً نمی توانند در مقابل قوای مهاجم خودداری به خرج دهند. عدّه آنها عبارت از یک قسمت کوچک بیرانوند و یک قسمت از دیرک و ندها می باشند. لازم است به عرض حضرت امارت جلیله رساننده هر چه زودتر

قوایی به طرف خرم آباد حرکت دهید تا قبل از اینکه این عده از بین بروند موفق شده خودشان را برسانند که پس از ملحق شدن به این قسمت به اردوی استمدادی ممکن است همه گونه عملیات نموده و به کلی دشمن را مغلوب نمود. الوار در تنگ زاهد استحکاماتی ندارند چنانچه از طرف رنگرزان شروع به تعرض شود فوری تنگ را خالی خواهند نمود. البته هر چه زودتر از وضعیات خودتان و ورود اردو و حضرت امارت جلیله اینجانب را مستحضر نمایید. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۲۳۳

نمره ۴، جوزا ۱۳۰۳.

از الشتر. حضور ریاست محترم تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دام اقباله. سرهنگ گیگوخان با اردوی خود ۳ جوزا حسب الامر به بروجرد حرکت کرده و بنده با اردوی جدیدی وارد در قلعه الشتر می باشم تصور می رود تا امروز کلیه قوایی که از طهران آمده وارد بروجرد شده اند. زیرا که دو یست اتومبیل همه روزه حامل قشون است. امید است تا حال راه بروجرد به خرم آباد مفتوح شده چنانچه میل مبارک است از وضعیات خرم آباد مسبق فرمایید تا بدین وسیله حضور حضرت امارت جلیله دامت شوکته عرض شود. رییس اردوی اعزامی الشتر، نایب سرهنگ محمود.

### ۲۳۴

نمره ۱۷۵۳، ۶ جوزا ۱۳۰۳.

فرمانده اردوی اعزامی الشتر.

۱- از مفاد راپرت شما مستحضر گردیده و از ورود اردویی که در تحت فرماندهی مثل شما صاحب منصب مجرب است خوشوقت شدم. لازم است از طرف اینجانب صاحب منصبان و نفرات را احوال پرسی نمایید.

۲- مصادمات با الوار در اطراف خرّم آباد اغلب شبانه روز مداومت دارد، قوای دشمن زیاد ولی استقامتشان کم است. گرچه در این مدت ۲۲ روز محصوریت یگانه آمال و تلاش آنها در این بوده شهر را متصرف و قوای خرّم آباد را متلاشی نمایند ولی در مقابل اراده آهنین و رشادت جبلی و تهور ذاتی نظامیان گذشته از اینکه تاکنون نتوانسته اند به مقصود خود نایل شوند، سهل است در تمام حملات خود با دادن تلفات سنگین و جا گذاشتن چندین نفر مقتول و مجروح طرد و قوای خود را عقب کشیده مجبوراً به محل اولیه خود رجعت نموده اند. امیدوارم بعون الله تا رسیدن قوای استمدادی و تشریف فرمایی حضرت امارت جلیله دامت شوکته به نام قدرت و عظمت قشون با برق سرنیزه های نظامیان رشید جواب حملات دشمن را داده جز یأس و ناامیدی با گرفتن قربانی های متعدد به خیالات آنها نتیجه نداده قلوبشان را متزلزل معنی فداکاری و استقامت سربازی را در منطقه لرستان به کلیه الوار ترجمه نمایم.

۳- قریباً نیز حضرت امارت جلیله دامت شوکته با اردوی مکملی به استقامت خرّم آباد از رنگرزان حرکت خواهند فرمود.

۴- جهت اطلاع شما می نویسد یک قسمت از طایفه حسنوند که در بین راه الشتر و خرّم آباد سکنی داشته و خود را همیشه به خدمتگزاری معرفی می نمودند از این پیش آمد اخیر و تهاجم الوار مجدداً تغییر مسلک و خیال داده گویا نظریات و عملیات فجیعانه سابق خود را تعقیب نموده و به پاره ای اقدامات بر ضد قشون مبادرت نموده اند. لازم است به وسایل ممکنه از عملیات و خیالات آنها مطلع گردیده و به پاره ای اقدامات آنها میدان ندهید و نیز از وضعیات آن حدود اینجانب را مستحضر داشته همیشه مطلع و مسبقم دارید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۲۳۵

نمره ۲۰۶۱، ۲۴ ثور ۱۳۰۳.

از بروجرد. مقام محترم بندگان حضرت ریاست تیپ پیاده و فرمانده

اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند کریم‌خان سگوند به معیت پایی‌ها به قوای رنگرزان در ۲۳ تور حمله، رابطه بین رنگرزان و رازان را قطع ولی موفقیتی از حملات خود ندیده جز تلفات سنگین. مخصوصاً به برج گردنه رازان که حمله نمودند چندین نعش از آن‌ها باقی مانده. از امروز صبح رابطه تلفونی رازان و چالانچولان و بروجرد را قطع کردند. غلام<sup>۱</sup> و سوار برای مرمت و تحصیل اخبار فرستادم. قبل از قطع رابطه با یاور ابراهیم‌خان دستورات کامل داده‌ام. خاطر مبارک حضرت اجل مطمئن باشد که نظامیان عرض راه که در استحکامات هستند به هیچ وجه محل خود را ترک نخواهند کرد. و کاملاً به آن‌ها امیدواری داده‌ام امیدوارم که تا آخرین قطره خون خودشان استقامت نمایند. از رسیدن قوای امدادیه به آن‌ها اخبار داده شده و حالت روحیه آن‌ها را تقویت کرده‌ام. الوار مرتباً به صفحه سیلاخور و پست‌های دراندره حمله می‌نمایند. مخصوصاً در حمله‌ای که به کولیدر و فیال نمودند در اثر رشادت نظامیان شدیداً طرد شدند. سی نفر نظامی از قوای ساخلویی به چالانچولان فرستادم که مراقب موقعیت رازان باشند. قوای امدادیه عن‌قریب خواهد رسید. اهالی فوق‌العاده از این وضعیت مشوش هستند. این راپرت به وسیله آدم اسکندرخان رازانی که معروف حضور مبارک می‌باشد تقدیم و اعزام این شخص با تبادل فکر امیر امنع و اجازه حضرت اجل امارت جلیله دامت شوکته بوده است، امیدوارم از نظر مبارک بگذرد. تهیه مکان برای ورود آیرُپلان و طیاره‌های جنگی در محلی که سابق میدان مشق بود نمودم. کاروانسراها و منازل زیاد برای ورود قوا تخلیه کردم. راپرتاً معروض می‌دارد. متصدی تیپ پیاده نایب سرهنگ نصرالله خلعتبری. وصول اول جوزا در خرم آباد.

۲۳۶

به رییس قوای نهاوند رسانید، رییس اردوی الشتر حکم داده‌ام اردوهای

۱. منظور غلام پستخانه.

مرکز ستون اولیه خود را به وسیله کامیون و اتومبیل های جنگی حرکت دهند که پس از چند ساعت به بروجرد برسند. اردوی همدان هم ۲۵ [جوزا] حرکت خواهد نمود. من هم عصر ۲۶ [جوزا] بروجرد خواهم بود. مطمئن بوده و قطع داشته باشید به محض ورود وضعیات گذشته را با محو نمودن نام لُر از آن حدود ترمیم و آشیانه دستجاتی [را] که از حدود خود تجاوز کرده اند در هم خواهد کوفت. ۲۴ ثور، نمره ۱۱۸۵، امیر لشکر غرب، احمد.

### ۲۳۷

رییس قوای نهاوند برسانید. رییس اردوی الشتر این دوروزه هواپیمای جنگی در فضای آسمان شروع به عملیات نظامی خواهد نمود. به افراد حالی نمایند که طیاره های مزبور متعلق به دولت ایران و برای تقویت عملیات نظامی آن حدود است، سوء تفاهمی نشود. ۲۴ ثور، نمره ۱۱۸۱، امیر لشکر غرب، احمد.

دو تلگراف فوق سوادى است که فرمانده اردوی الشتر ارسال داشته و در ۳۰ برج ثور رسیده است.

### ۲۳۸

یاور ابراهیم خان راپرت نمره ۱۷۹ ملاحظه شد. به کدخدا عبدال اطمینان داده او را نزد خودتان آورده از او نگاهداری کنید. لازم است به نظامیان دستور بدهید استقامت نمایند، خودم بعد از ۲۴ ساعت دیگر نزد شما بوده آن عملیات شما و خستگی نظامیان را رفع خواهم نمود. نمره ۱۲۹۵، امیر لشکر غرب، وصول به خرّم آباد ۳۰ ثور.

### ۲۳۹

خرّم آباد، ۲۵ ثور ۱۳۰۳. توسط کفیل تیپ پیاده، به هر وسیله که ممکن

است به یاور ابراهیم خان برسانید. یاور ابراهیم خان حکم دادم سرهنگ گیگوخان به فوریت عقب اردو عزیمت و وضعیت شما را تقویت نماید. پست‌های کوچک را جمع‌آوری یا در قلعه رنجران یا در زاغه تمرکز داده با نهایت اینکه از فشنگ صرفه‌جویی بشود تا قورخانه برسد، بجنگید و نگذارید نفرات به الوار تسلیم شوند. من بعد از ۴۸ ساعت با قوای کامل نزد شما خواهم بود. به هر قیمت ممکن است موقعیت خود را حفظ نمایید. تا رسیدن من و به هر وسیله که ممکن می‌شود، تلگراف مرا به رییس اردوی خرم آباد برسانید، نمره ۱۲۷۲، امیر لشکر غرب، احمد. وصول ۳۰ ثور ۱۳۰۳.

## ۲۴۰

از رنجران. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام سواد دو فقره جوابی که از طرف بندگان حضرت اجل امیر لشکر غرب دامت عظمت در جواب راپرتی که از وضعیات داده‌ام رسیده است جهت استحضار خاطر مبارک تقدیم می‌دارد<sup>۱</sup>. وضعیات بنده خوب و محکم، پست‌های هر و را در رنجران تمرکز داده. یک گروهان پیاده مسلح با دو قبضه پنجاه‌تیر که عده گروهان ۱۱۰ نفر است از زاهدشیر به رنجران رسیده هشت روز است که دشمن با عده‌های زیاد - کریم خان سگوند، پابی، کای رمت و بیرانوندها - از اطراف رنجران را محاصره و هر چه تعرض و حمله نموده‌اند با تلفات فوق‌العاده از الوار رفع شده و امروز تا درجه‌ای با این قوه مأیوس [که] از طرف رنجران فاصله گرفته انتظار قوای دیگری را ممکن است داشته باشند. قلعه زاهد به واسطه عدم لیاقت صاحب‌منصبان تخلیه و زاغه را با اینکه عده برج آبستان و تکه در آنجا متمرکز و عده مکفی داشته تسلیم نموده‌اند. راپرتاً معروض داشت. ۲۵ ثور، یاور ابراهیم ضرابی. ۳۰ ثور رسیده است.



۲۴۱

نمره ۱۹۳، ۲۷ ثور ۱۳۰۳.

رییس تیپ پیاده، خود من الساعه وارد بروجرده شدم. ستون اول فوج بهادر با اتومبیل رسیده فردا به طرف رنگرزان اعزام می شوند. یاور ابراهیم خان در رنگرزان به خوبی استقامت ورزیده ولی صاحبمنصبان و نفراتی که بین رنگرزان و تنگ زاهدشیر بوده اند بدون استقامت و زدو خورد تسلیم شده اند. شما لازم است با نهایت جدیت خرم آباد را محکم در دست نگاه دارید، چنانچه وضعیات خیلی سخت باشد کلیه پست های اطراف را جمع نموده و در قلعه سپه قوای خود را تمرکز داده، پایداری و استقامت نمایید. آذوقه هر قدر خرم آباد هست عنفاً بگیرید. ستون اول و دوم در تعاقب یکدیگر به طرف رنگرزان اعزام می شوند و خود من هم با بقیه اردوی مرکز و اردویی که از همدان حرکت داده ام به طرف تنگ زاهدشیر حمله نموده و معامله سابق را با الوار تجدید، وضعیات گذشته شما را عودت خواهم داد. به صاحبمنصبان از طرف من ابلاغ کنید علاوه بر اینکه درجاتی که سابق برای آن ها درخواست شده بود کلیه تصویب شده درجات و امتیازاتی که برای این استقامت به آن ها داده خواهد شد باعث افتخار عمده در بین سایر قسمت های قشون خواهد بود. اردوی الشتر در محل خود مستقر می باشد فقط سعی کنید رابطه با اردو یا لشکر داشته باشید، در هر روز دو مرتبه راپرت های خود را از طریق الشتر بفرستید که من با اطلاع کامل از اوضاع خرم آباد شروع به عملیات کنم. دو فروند آئرپلان تا دو روز دیگر برای اکتشاف و عملیات به خرم آباد پرواز کرده و مراجعت می نماید، سپس در آمدن خود من با اردو خواهد بود. در خاتمه تذکر می دهم در نگاهداری خرم آباد به هر قیمت شده جدیت نمایید و راپرت های خود را از طریق مختلفه ارسال دارید. امیر لشکر غرب، احمد. ۳۰ ثور رسیده است.

۲۴۲

نمره ۱۶۸۲، عصر روز ۳۰ ثور ۱۳۰۳.

(خرم آباد) مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته.

محترماً به عرض مبارک می‌رساند، گرچه تصور نمی‌کردم پس از یک مدت گرفتاری و بدبختی‌های سرشار که از شرح آن عاجزم مجدداً بخت مساعدت کرده دومرتبه مرقومه حضرت اجل را زیارت نمایم ولی خوشبختانه امروز صبح دستخط مبارک زیارت مایه امید و [افتخار فدوی]<sup>۱</sup> و عموم صاحبمنصبان و نظامیان گردید. محترماً به عرض می‌رسانم هنوز خون سربازی در عروق ما منجمد نگردیده و به نام حفظ شرافت نظام تا آخرین قطره خون خود کوشش نموده و خواهیم نمود. وضعیات کمافی السابق جریان دارد اردو در حال محصورى باقى و دشمن در تعرضات خود پافشارى می‌نماید. قوای دشمن از خط تنگ زاهدشیر و قسمتی در خط رباط تمرکز دارند. روزها و اغلب در شب‌ها به پست‌های نظامیان حمله نموده خیال تصرف شهر را در نظر گرفته‌اند. ولی تاکنون از تفضلات الهی و با فداکاری نظامیان رشید موفق به رسیدن مقصود خود نگردیده‌اند و تاکنون به‌طور حتم قریب به چهارصد نفر تلفات از دشمن گرفته شده است. فقط کوه مدبه که در سمت مشرق و کوه سفید که در مغرب شهر واقع است در تصرف نظامیان می‌باشد. تلاش دشمن بر این است که این مواقع را نیز از تصرف نظامیان خارج و به شهر تعرض نمایند. غالب اوقات به این دو محل هجوم آورده و موفق نگردیده‌اند. پست‌های بین خرم آباد تا تنگ رباط دایر است با اینکه همه‌روزه برای خراب کردن به برج‌ها حمله می‌نمایند ولی نتوانسته‌اند تاکنون به تصرف درآورند. چیزی که هست ارتباط در روزها با آنها مقطوع است مگر اینکه در پاره‌ای مواقع که دشمن اغفال می‌شود می‌توان شب از آنها کسب اطلاع نمایم. عجالتاً نظر به داشتن آذوقه نظامیان پست‌ها مقاومت می‌نمایند و در شب‌ها نیز به آنها آذوقه می‌رسانم. امیدوارم بتوانند تا ورود حضرت اجل خود را نگاهداری نمایند و به موجب اطلاعات واصله قوای دشمن در طرف تنگ زاهد و خط رنگرزان چندان مهم نیست. از جمعیت آنها که در روزهای اول حمله به خرم آباد و پست‌ها نموده بودند، کاسته شده؛ جمعی مقتول

۱. کلمات درون [ ] با مداد خط خورده است.

و برخی نیز به خانه‌های خود عودت نموده‌اند، و بیشتر آن‌ها فعلاً متوجه خرم‌آباد و خیال تصرف شهر را دارند. چنانچه امر فرماید اردوی استمدادی به طرف خرم‌آباد حرکت نماید، قطع می‌دانم دشمن نمی‌تواند در مقابل مقاومت به عمل بیاورد؛ فوری تنگ زاهدشیر و راه عبور اردو را باز خواهند نمود و رسیدن اردو به خرم‌آباد نیز هر چه زودتر باشد بهتر است زیرا یک قسمتی که پانزده روز است محصور می‌باشد نمی‌تواند بیشتر از این مقاومت نماید و گذشته از آن فشنگ و گلوله توپ قریب به اتمام است. باید فوری مونیون برسد، و الا می‌ترسم شیرازۀ کار از هم گسیخته شود. هر چه ممکن است زودتر در رساندن قوا به خرم‌آباد تسریع فرمایید که فوت وقت به هیچ وجه مورد ندارد و تاکنون به هر وسیله که شده، در نگاهداری شهر جدیت به عمل آمده است. از تفضل الهی و مرحمت حضرت اجل حال و روحیه نظامیان بد نیست، در مقاومت و فداکاری ثبات قدم به خرج می‌دهند، ولی چیزی که هست روح آن‌ها با تشریف‌فرمایی حضرت اجل زنده خواهد شد. علاج فوری فرموده اردو را امر به حرکت دهید. در خاتمه خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد دیر حرکت کردن حضرت اجل و اردو به این طرف اسباب تجری دشمن خواهد شد. فعلاً خبر آمدن اردو منتشر گردیده یک اندازه قلب دشمن را خالی کرده است. چنانچه در حرکت تأخیر فرماید اثرات بدی را تولید خواهد نمود، و گذشته از آن نفرات نظامی را نیز مأیوس عاقبت و خیمی را پیش خواهد آورد و برای اینکه از رسیدن احکامات حضرت اجل به خرم‌آباد کاملاً اطمینان حاصل شود قدغن فرماید احکام را چندین کپی کرده و به وسیله چندین قاصد مختلف ارسال دارند که چنانچه یکی از آن‌ها به دست دشمن گرفتار شد، دیگری از آن‌ها به رساندن موفق گردد. راپرتاً عرض شد. رییس تیپ پیاده لشکر غرب، محمد.

۲۴۳

نمره ۲۷۴، ۲۹ نور ۱۳۰۳.

رییس تیپ پیاده. چند روز است که از چندین طریق مختلفه جهت شما

احکام فرستاده شده و به هیچ وجه جوابی از شما نرسیده است. در صورتی که ممکن بود توسط شیرمحمدخان یا معین السلطنه<sup>۱</sup> و غیره به هر وسیله وضعیات خودتان را به من اطلاع می دادید. در صورتی که می توانید چند روز در شهر مقاومت نمایید من با کلیه قوا با نقشه صحیحی که قوای الوار را به کلی نابود و متلاشی نماید حرکت می کنم. اگر چنانچه به هیچ وجه نمی توانید خودداری نمایید، به فوریت اطلاع دهید تا امر کنم یکی از اردوها از راه الشتر برای نگاهداری خرم آباد بیاید. سقوط خرم آباد به کلی زحمات و مشقات که در این مدت متحمل شده ایم از بین خواهد برد. زودتر از وضعیات خودتان مرا مستحضر نمایید. امیر لشکر غرب. وصول ۲ جوزا ۱۳۰۳.

## ۲۴۴

نمره ۱۶۸۹، ۱ جوزا ۱۳۰۳.

خرم آباد، مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً در جواب نمره ۲۷۴ به عرض مبارک می رساند تاکنون به وسیله چندین نفر قاصد همه روزه راپرت وضعیات و استقامت اردو را در مقابل حملات شدید الوار توسط سرهنگ گیگوخان و یاور ابراهیم خان (الشتر-رنگرزان) به عرض رسانیده در صورتی که نرسیده باشد در راه به دست الوار افتاده ولی چون رمز است استفاده نخواهند نمود. به طوری که در تحت نمره ۱۶۸۲، ۳۰ ثور راپرت عرض شده خبر عزیمت اردو در بین الوار رعب و توحشی تولید نموده و اثرات خوبی بخشیده است ولی در صورتی که ورود اردو به خرم آباد حتی اگر قسمت کوچکی هم باشد هر چه به تأخیر بیافتد نتیجه به عکس و اثرات بدی بخشیده و خیالات دشمن قوت گرفته و نیز روز به روز جمعیتشان زیاد و بر حملات خود شدت می دهند. اما راجع به تخلیه و مقاومت در خرم آباد به طوری که مرقوم فرموده اید فدوی نیز

۱. میرزا رحیم خان معین السلطنه از کارگزاران سستی دولت در لرستان.

زحمات و مشقات این مدت را در نظر گرفته با جدیت کامل جانبازی نموده و با ترتیباتی اردو را به پافشاری تشویق و به نگهداری ترغیب کرده‌ام که پس از تشریف‌فرمایی به‌طور اکمل مشاهده خواهید فرمود، و تصدیق می‌شود که چه زحماتی را متحمل شده‌ایم. در هر صورت نظر به عرایض فوق و فقدان مهمات و خستگی صاحب‌منصبان و افراد در این مدت محصورى حالیه نمی‌توانم خیال حضرت اجل را حتی به چند روز هم تأمین کرده و معین کنم که نگهداری شهر و استقامت اردو ممکن و یا غیرمقدور است. ضمناً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد لطیف که با عده‌ای به‌راه آمده و در صدد جلوگیری از اردو بوده مراجعت کرده و چون در راه دیگر کسی نیست و اگر هم باشد ناقابل و به واسطه بودن قوا در خرم‌آباد دیگر تاب مقاومت ندارند، و کلیه قوای خود را در اطراف شهر جمع کرده نیز مقدار زیادی چادرهای دیرک‌وندها در دامنه کوه شاهنشاه آمده همه‌روزه متوجه حمله به شهر می‌باشند. مستدعی است قسمتی از اردو را با مقدار کافی مهمات امر فرمایید سریعاً اعزام دارند که با این افراد خسته و نبودن مهمات نمی‌توان اعتماد نموده و عقیده فدوی حتی این است که هر چه اردو زودتر و هر چقدر جنابعالی زودتر برسید صرفه با دولت خواهد بود. محمد.

۲۴۵

نمره ۱۷۲۷، ۴ جوزا ۱۳۰۳.

خرم‌آباد. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً در تعقیب نمره ۱۶۸۹ به عرض مبارک می‌رساند محصوریت کمافی السابق ادامه دارد، تغییراتی در پوزیسیون‌های<sup>۱</sup> محل نشده، الوار همه‌شب برای تصرف شهر حملات شدید نشان می‌دهند. یگانه مقصود آنها تصرف شهر است که اردو را متلاشی نمایند. تاکنون فداکاری و استقامت‌های محیرالعقول از نفرات

دیده شده و در مقابل پافشاری نظامیان تا حال که این راپرت عرض می شود دشمن موفق به انجام مقصود خود نگردیده، ولی عیوبات دیگری که در کار پیدا شده این است، اولاً فشنگ و گلوله توپ نزدیک است خاتمه پیدا نماید و به همین لحاظ به نفرات تأکید می شود در تیراندازی کاملاً خودداری نمایند. ضمناً احتیاط مصرف فشنگ دشمن را جری و هم قلوب نفرات را متوحش نموده و به علاوه آن قریب ۲۰ روز است این قسمت در محاصره بود و همه امید این داشتند که حضرت اجل با اعزام قوای استمدادی فوری آن ها را نجات داده و کمک خواهید فرمود و به این امید روح نفرات زنده و فداکاری به خرج می دادند و به این دلیل تقریباً دوازده روز است که نفرات را به مزده ورود امروز [و] فردای حضرت اجل کمک روحی داده و آن ها را به پافشاری ترغیب و تشجیع نموده ام. متأسفانه چند روز است که از این مسئله هم مأیوس گردیده حتی تصور می نمایند احکام حضرت اجل را که راجع به تشریف فرمایی به آن ها خوانده می شد، بی اساس و خود فدوی برای دلخوشی آن ها جعل می نمایم و تأخیر در رسانیدن قوای استمدادی نیز خیال آن ها را مؤید می شود و به کلی یأس کلیه نفرات را احاطه نموده و بالعکس دشمن نیز جری شده و ورود اردو را بی اساس فرض کرده کاملاً در روز [و] شب به استحکامات نظامیان فشار آورده و در تصرف شهر جدیت دارند. با این تفصیل تأکید در اعزام قوا را زاید دانسته همین قدر عرض می کنم تا شیرازه کار از هم گسیخته نشده و عجالتاً که دارای یک عده نفرات نظامی در خرم آباد هستید برای استمداد و کمک آن ها اردو را حرکت دهید و الا چند روز دیگر اگر بدین منوال بگذرد تصور می رود جز یک تأسف فوق العاده و به غیر از شنیدن پیش آمدهای فجیع که شنیدن آن هر شنونده را متحیر می نماید از قسمت این اردو چیزی دیگر در خرم آباد ملاحظه نخواهید فرمود.

اطلاعاتی که از قوای دشمن در دست است جهت اطلاع خاطر مبارک به عرض می رساند: در طرف سفیدکوه که به سمت چگنی واقع است چگنی ها

مجتمع و با نظامیان مصادمه می نمایند و در سمت کوه مُدبه قوای دیرک وند و بیرانوند می باشند که یک قسمت کوچک از آن ها به اتفاق خود غلامعلی خان در نزدیکی تنگ زاهدشیر چادر زده اند و قسمتی مختصرتر نیز برای قطع ارتباط به طرف رباط فرستاده اند ولی این استقامت اردو الوار را از عملیات خودشان یک اندازه ناامید داشته و از حرارت اولیه انداخته و طیران آثرپلان نیز با انتشار آمدن اردو آن ها را متزلزل نموده است، در این صورت چنانچه یک ستون از رنگرزان به طرف خرّم آباد حرکت نماید کلیه فراری و متواری شده به هیچ وجه نمی توانند در جلو اردو استقامت به خرج دهند. به علاوه آن اردوی خرّم آباد نیز ممکن است در موقع کمکی به قوای استمدادی بدهد. چنانچه صدای توپ های قسمت استمدادی به گوش نفرات اینجا برسد به طور حتم قلوب آن ها محکم شده و می توان با یک قسمتی از طرف خرّم آباد به تنگ زاهد حمله نموده دشمن را متزلزل و متلاشی نمود. در هر صورت چنانچه اندک اقدامی در حرکت اردو بشود الوار به کلی مغلوب و ابداً تاب مقاومت را نخواهند داشت. در خاتمه به عرض مبارک می رساند امریه مبارک تحت نمره ۱۴۸۷ زیارت راجع به صرفه جویی در فشنگ تا ممکن شده است و جلوگیری شده ولی استحضاراً عرض می کنم که فقدان فشنگ به طوری است که اغلب افراد دارای فشنگ نیستند. رییس تیپ پیاده، محمد. سه نمره توسط قاصد از سه راه مختلف ارسال شده است.

۲۴۶

نمره ۱۷۳۶، ۵ جوزا ۱۳۰۳.

خرّم آباد فیلی. حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکت. در تعقیب نمره ۱۷۲۷ محترماً به عرض می رساند، در ساعت ۱۰ لیل ۵ جوزا دشمن از چهار سمت شهر شروع به تعرض نموده مخصوصاً با یک قوای ششصدنفری

به سفیدکوه سمت چگنی ها به استحکامات نظامیان حمله سخت کرده خیال داشتند با جدیت تمام سفیدکوه را به تصرف درآورند. پس از دو ساعت و نیم مصادمه سخت از تفضل الهی دشمن موفق به انجام مقصود نگردیده قوای مهاجم خود را عقب کشیده و حملات آنها نیز با آتش سریع نظامیان برطرف شد. حالی که صبح ۵ جوزاست جهت استحضار خاطر مبارک معروض و توجه حضرت اجل را به این نکته جلب می‌نمایم به طوری که در راپرت قبل عرض شده، مونسین به کلی تمام و اغلب تفنگ‌ها بی‌فشنگ حکم چوب دستی را پیدا کرده است. با اینکه صرفه جویی کامل در فشنگ شده در مصادمه دیشب قسمت اعظم از فشنگ‌های موجودی به مصرف رسیده. همین قدر عرض می‌نمایم چنانچه علاج فوری نشود در ارسال فشنگ و مصادمه کوچکی اتفاق افتد نظامیان با نداشتن فشنگ پریشان و بالاخره به تسلیم دشمن مجبور خواهند شد. اتمام مونسین کار را معیوب و به یک درد بی‌درمانی اردو را دچار نموده که جز به رساندن فشنگ نمی‌شود علاج نمود. عطف توجه حضرت اجل را به این قضیه مهلک خواستار، نگذارید پس از ۲۰ روز فداکاری استحکامات خود را در مقابل حملات شدید به دشمن واگذار، با یک ذلت و خواری مجبوراً تسلیم شوند. رییس تیپ پیاده، محمد.

۲۴۷

نمره ۱۷۳۸، ۵ جوزا ۱۳۰۳.

حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. در تعقیب نمره ۱۷۳۶، محترماً به عرض مبارک می‌رساند قریب به سه هزار خانوار از بیرانوندهایی که مابین بروجرد و خرم آباد در تنگ‌ها و غیره سکنی داشته و چادر زده بودند از دیروز تا به حال کوچ کرده از نزدیکی‌های خرم آباد به طوری که از اردو دیده می‌شود عبور کرده به کوه شاهنشاه می‌روند و این مسئله برای عبور



اردویی که به طرف خرّم آباد خواهد آمد فوق العاده مساعد و به عکس از نقطه نظر اینکه پس از راحت نمودن خانواده خودشان در کوه شاهنشاه تفنگچی آن‌ها به الواری که دور خرّم آباد هستند ملحق شده و به قوای الوار متهاجم اضافه خواهند شد اسباب زحمت را فراهم آورده و فشار به اردوی خرّم آباد خواهند آورد و در این صورت تصدیق خواهند فرمود وضعیات این قسمت نسبت به گذشته سخت تر و عاقبت کار وخیم تر خواهد بود. لهذا مستدعی است امر فوری فرمایید یک قسمتی جهت استمداد بدون فوت وقت با فشنگ هر چه زودتر حرکت کرده خود را به خرّم آباد برسانند و الا به مشکلات دچار خواهیم گردید. محض راپرت عرض شد. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۲۴۸

نمره ۱۷۵۱، ۶ جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. در تعقیب نمره ۱۷۳۸ محترماً به عرض مبارک می‌رساند وضعیات کما فی السابق و مصادمه با دشمن دوام دارد. لیل گذشته تعرضی از طرف دشمن به مواقع و استحکامات نظامیان به عمل نیامده. شب در سرتاسر فرونت سکونت و آرامش حکمفرما بود. امروز قبل از ظهر به طوری که با دوربین مشاهده می‌شد یک عده قریب [به] سیصد نفر سوار از طرف کوه شاهنشاه که چادرهای آن‌ها در دامنه کوه مزبور خورده است حرکت نموده به استقامت تنگ زاهد شیر آمدند. ممکن است این عده همان الواری باشند که دیروز در راپرت خود عرض نمودم که از ورود اردو متوحش شده خانه و زندگی خودشان را کوچانیده دو روز قبل از طرف تنگ زاهد شیر عبور نموده به کوه شاهنشاه ورود نمودند. حالیه تفنگچی زبده آن‌ها پس از رساندن عیالات خود مجدداً برای جلوگیری از اردو به سمت رنگرزان عودت می‌نمودند. جهت اطلاع خاطر

مبارک معروض می‌دارد کلیه الوار از تشریف‌فرمایی حضرت اجل با اردو فوق‌العاده متوحش و مرعوب هستند چنانچه اردو شروع به عملیات نماید به هیچ وجه نمی‌توانند مقاومت نموده و یا در صدد جلوگیری برآیند. جزئی فشار قوای آنها را منهدم و متلاشی خواهد نمود. مستدعی است در رساندن قوای استمدادی با فشنگ و حرکت اردو به طرف خرم آباد امر فرمایید تسریع و تعجیل نمایند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۲۴۹

نمره ۲۰۸، ۷ جوزا ۱۳۰۳.

از رنگرزان. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارد راپرت‌های نمره ۱۷۳۶ [و] نمره ۱۷۳۸، را فوراً از رنگرزان با تلفون به بروجرد مخابره نمودم<sup>۱</sup>. وضعیت هژو خوب است. دو روز بود سیم تلفن را متصل نمودم، روز ۵ جوزا پای‌ها، کای رمت‌ها، سگوند [ها] به گردنه رازان آمده با عده مستحفظ گردنه مصادمه در نتیجه اشرار کوه گردنه را که به طرف اُکت<sup>۲</sup> می‌رود اشغال و تصرف، سیم را قطع و ارتباط را با جاده قطع نمودند. هنوز تصرف دارند. در کوه کلاه‌فرنگی برج بنا نموده‌ام قریب به اتمام است. ارتباط پست پرنده با رازان از کلاه‌فرنگی دایر است. ستون اول سوار فوج مرگ با ستون دوم فوج بهادر پیاده به بروجرد وارد و با بقیه ستون اول پیاده حرکت نموده‌اند. توپ‌های بزرگ شنیدر با آتشبار مکفی با این عده حرکت می‌دهند. حضرت اجل معتقد هستند که با قوایی پیشرفت بشود که هیچ چیز نتواند ممانعت نماید. غلامعلی خان و لطیف با بیرانوندها در دهات بین زاغه و میراحمدی رنگرزان، جمع اغلب تصادفات جزئی می‌شود ولی قابل نیستند و تا درجه‌ای مرعوب شده‌اند. حالت روحیه افراد خوب، وضع آذوقه و غیره مرتب. در هر و قابل عرض نیست پس از

تحصیل اجازه فدوی خودم داوطلب خواهم بود به جلو حرکت کنم. راپرتاً معروض داشت. یاور ابراهیم ضربابی.

## ۲۵۰

۲۹ نور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد زیاده‌تر از افراد به کلی مریض شده مستدعی است مقرر فرمایید عوض نمایند که بعد هم بتوانند از عهده وظیفه بر آیند. الوار هم جزئی در کوه و تعرضاتشان فوق العاده کم شده است. روز ابداً خود را نشان نمی‌دهند. دیشب هر چه انتظار کشیدم از کوه پایین نیامدند. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۲۵۱

نمره ۱۸، ۲۹ نور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی. الوار به واسطه کمی برد تفنگ نظامیان استفاده کرده خود نزدیک و آشکارا تیراندازی می‌نمایند. اسباب ناراحتی فراهم می‌آورند. مستدعی است اجازه فرمایید، سه چهار قبضه تفنگ سه تیر<sup>۱</sup> فرستاده شود که دشمن را تحدید نماییم. کفیل گردان ۳ فوج آهن، سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۵۲

نمره ۱۶۶۹، ۲۹ نور ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان. راپرت شما ملاحظه شد. راجع به ارسال تفنگ سه تیر نوشته بودید که الوار به واسطه کمی برد تفنگ نظامیان استفاده نموده و از دور

۱. منظور تفنگ کالبر ۸ میلیمتر لیل Lebel ساخت فرانسه است.

تیراندازی می نمایند. اولاً می دانید که در قسمت های اردو سه تیر نیست. گذشته [از این] چندان اهمیتی ندارد که نظامیان از دور تیراندازی نمایند، بگذارید دشمن جلوتر بیاید تا شما هم از تیراندازی خودتان استفاده نمایید. و دیگر اینکه برجی را که به سلطان سید حسن خان رییس امنیه خرم آباد سپرده شده است به سلطان احمد خان واگذار نموده مشارالیه را برای راحت کردن امشب به شهر بفرستید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۵۳

نمره ۷۸، ۲۹ نور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان. لیل ۲۹ برج جاری از سنگرهای دشمن تیراندازی نشد. از قرار معلوم توجه الوار به عقب خود می باشد. تردد زیادی به طرف تنگ می نمایند. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۵۴

نمره ۱۸، ۲۹ نور ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته.

۱- یک پست مخفی [که] امروز صبح به طرف پل روانه که مواظب حرکات دشمن باشد این طور مشاهده نموده اند: قریب هفتاد نفر سوار و پیاده در تپه های مشرف مخفی و بدو یک نفر را به سمت برج روانه می دارند. او مکان را مشاهده نموده دیگران را به جای خود می خواند. در این ضمن پست مخفی آتش می نماید. آنها هم تیراندازی به پست می نمایند. نظامیان هم از بالا مستحضر شده تیراندازی، الوار عقب کشیده فرار می کنند.

۲- عده گروهان ۳ که گروهان ۲ را عوض نموده است ۱۵ نفر کمتر آمده اند. در صورتی که [در] پست های تشکیل شده چنانچه عده کمتر باشد صلاح نیست. برای پای برج جدید مستدعی است امر فرمایید ده نفر به آن قسمت فرستاده شود. کفیل گردان ۳ فوج آهن، سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۵۵

۲۹ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند تقریباً چهل نفر سوار از طرف امامزاده شاهنشاه به قلعه ماسور آمده‌اند، و یک پست هفت الی هشت نفر هم به زیر کوهی که بالای او برج بوده و روز اول گرفته‌اند فرستاده. یک عده شش نفر هم از کوه نزدیک به شهر بیرون آمده به عده زیر کوه ملحق شدند. دشمن در قلعه ماسور ۳ قسمت شده؛ عده‌ای طرف شاهنشاه، عده‌ای طرف کوه چگنی و قسمتی در قلعه باقی هستند. یاور میکائیل، رئیس بهادران اسکورت.

## ۲۵۶

نمره ۱۶۷۲، ۲۹ ثور ۱۳۰۳.

یاور میکائیل خان و سلطان اسدالله خان. حسب الامر لزوماً ابلاغ می‌دارد تصور این می‌رود چون تیراندازی کمتر از طرف دشمن دیده می‌شود. ممکن است نفرات در انجام وظیفه خود سستی به خرج دهند. به طوری که لازم است در حفظ استحکامات جدید خود جدیت نموده که خدای نکرده غفلتاً اگر از طرف دشمن تعرضاتی بشود دچار مخاطراتی نشوند و نیز گوشزد کنید که تیراندازی بیخود ننمایند. خود شما نیز از وضعیات دشمن هر چه اطلاعاتی دارید بدهید. کفیل ارکان حرب اردو، امجدالسلطان.

## ۲۵۷

نمره ۱۶۷۳، لیله ۳۰ ثور ۱۳۰۳.

یاور میکائیل خان و سلطان اسدالله خان. ممکن است از طرف الوار غفلتاً به سنگرها حمله شود. لازم است امشب را کاملاً مواظبت نموده و به افراد گوشزد نمایید که در نگاهداری سنگرهای خود باید جدیت نموده چنانچه از طرف دشمن تعرضی شد سرکوبی سختی بنمایند. رئیس تیپ و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۵۸

۳۰ ثور ۱۳۰۳. مقام محترم بندگان حضرت ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد، تعرضات دشمن خیلی جزئی، روز ابداً خود را نشان نمی‌دهند. دیشب هم به کلی از کوه چهارتیر زیاده‌تر تیراندازی نکردند. دیشب را هم هر چه انتظار کشیدم از کوه پایین بیایند خبری نشد. عده دشمن زیاده‌تر از ده نفر الی پانزده نفر زیاده‌تر در کوه نمی‌باشند. نفرات بنده به کلی از شدت بی‌خوابی و سرمای شب نصف آن‌ها مریض شده‌اند. مستدعی است امر و مقرر فرمایید قسمتی در عوض بفرستند که این‌ها بیایند شهر اقلأً ۲۴ ساعت راحت نمایند. سید حسن رضوی، فرمانده گروهان ۴.

## ۲۵۹

نمره ۱۶۸۲، ليله ۳۱ ثور ۱۳۰۳.

نایب سرهنگ حسین خان. لازم است فردا صبح با عده‌ای مرکب از سوار و پیاده حرکت کرده بروید به هر وسیله که ممکن است به پست‌های رباط آذوقه برسانید. مقصود به هر قیمت که تمام می‌شود باید آذوقه به پست‌های مزبور رسانده شود و قبل از حرکت هم آمده اینجانب را ملاقات نموده با اخذ تعلیمات لازمه حرکت نمایید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۶۰

مقام محترم حضرت اجل ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رسانم آذوقه و فشنگ زیاد و قند و چایی به دو برج رسانید. به قدری که ده روز بتوانند استقامت نمایند. از طرف حضرت اجل وعده درجه و انعام به نظامیان داده مشغول می‌باشم، به دو برج تنگ هم هر

قسم شده بفرستم، بعد مراجعت نمایم و عده الوار هم چند نفری در کوه‌ها بودند از دور چند تیر انداخته ولی قابل نیستند و دیروز هم آن قسم که راپرت عرض شده بود، صحت نداشت فقط چند نفر سوار [و] پیاده بودند اگر جلو می‌رفتند همان دیروز می‌شد آذوقه برسانند. حسین امیرعلایی، نایب سرهنگ.

## ۲۶۱

نمرة ۱۶۸۴، ۳۱ ثور ۱۳۰۳.

نایب سرهنگ حسین خان. از راپرت شما خوشوقت شدم. لازم است به هر وسیله که باشد به سایر پست‌ها نیز آذوقه برسانید. از طرف من از افراد احوالپرسی کنید. چنانچه از نفرات پست‌ها مرعوب باشند، ممکن است بعضی از آن‌ها را با نفراتی که همراه دارید عوض نمایید. پس از رسیدن آذوقه به پست‌ها به شهر مراجعت نمایید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۶۲

۳ جوزا. مقام محترم بندگان حضرت اجل ریاست محترم تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً معروض می‌دارد از عده‌ای که در کوه با یاور میکائیل خان و سلطان غلامحسین خان سوار بودند تقریباً با صاحب‌منصب یک صد نفر متجاوز بوده سنگر زیاد درست شده اغلب از سنگرها خالی است. استاد و عمله هم جهت نداشتن آب بی‌کارند. امر فرمایید زودتر آب برسانند. الوار هم گاهی به محل ساختمان تیراندازی می‌کنند. مستدعی است مقرر فرمایید امجدالسلطان یک دوربین برای بنده بفرستند که خیلی لازم است. سید حسن رضوی، فرمانده گروهان ۴.

## ۲۶۳

نمره ۱۶۸۷، ۳۱ ثور ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ فوج سپه. راپرت شمارا ملاحظه کردم. شب کمک جهت شما اعزام می شود و به رییس ساختمان حکم دادم آب فوری برساند، که عمله و بنا به عجله مشغول کار شوند، دوربین هم دستور داده شد، ارسال دارند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

## ۲۶۴

نمره ۲۲، ۳۱ ثور ۱۳۰۳.

خرم آباد. ۷ صبح. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان.  
۱- به عرض می رساند تیراندازی لیل ۳۱ برج جاری بدو از طرف الوار که خود را نزدیک مواقع نموده سپس چند سنگر ترتیب داده شروع به تیراندازی نمودند. قریب دوسه ساعت تیر زیادی ریخته نظر به اینکه موقعیت آنها را به واسطه آتش تفنگ معلوم و برعکس به واسطه چند تیر آتش از طرف ما صدای آنها خاموش می گردد. به علاوه دیگر در این چند شب آخر دشمن از ترس دست از گاله و سرو صدا برداشته است در شب. روزها هم به واسطه اکتشاف و غیره خود را دور و عقب می کشد.

۲- مستدعی است اجازه فرمایید جهت استحمام به شهر بیایم زیرا بحمدالله وضعیات آرام و به علاوه ۲۰ روز است در کثافت باقی و از قلعه ماسور که مراجعت کردم نتوانستم چکمه خودم را خارج نمایم. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۶۵

نمره ۱۸۹، ۲۹ ثور ۱۳۰۳

مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان. با کمال



احترام معروض می‌دارد بندگان حضرت اجل با ستون اول به بروجرد تشریف دارند. گروهان اول ستون را با قورخانه به رنجران اعزام فرموده و مرقوم فرموده‌اند سه روز دیگر حرکت به رنجران خواهند فرمود، وضعیات هُرو خیلی خوب است. پایی‌ها و کای رَمَت‌ها با سگوند به طوری مرعوب شده‌اند که از طرفیت خودشان غیر از ضایعات هیچ نتیجه نمی‌گیرند. بیرانوندها که با لطیف پسر شیخ علی‌خان بیشتر جسارت و اغلب گردنه رازان را مسدود می‌نمودند امروز که ۲۹ برج ثور است از رنجران به آن‌ها حمله شد. نظامی‌ها فوق‌العاده رشادت کرده و بنده کمتر دیده بودم که لرها این طور شکست بخورند. قریب ۴۵ مرده آن‌ها در سنگر ماند. نظامی‌ها آن‌ها را با شجاعت مخصوصی تعقیب و به کلی فراری شدند. در این مصادمه از نفرات گروهان پنجم فوج آهن پنج نفر زخمی و مجروح شد که جراحت آن‌ها هم اهمیت ندارد. تازه قابل عرض نیست. یاور سوار ابراهیم ضربابی. وصول به دفتر اردو ۱ جوزا.

## ۲۶۶

از رنجران. مقام محترم ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام معروض می‌دارد به طوری که در راپرت‌های سابق هم عرض نمودم حضرت اجل امیر لشکر غرب دامت عظمت سه روز است وارد بروجرد شده ستون اول که از فوج بهادر است و با اتومبیل وارد بروجرد شد، به رنجران آمده پس از ورود بقیه عده، حضرت امیر لشکر هم حرکت خواهند نمود و وضعیات هُرو خوب است. عده بیرانوندها امروز که اول جوزا است افزوده شده. ولی عده رنجران خیلی خوب و انتظار صدور حکم تعرض را دارم که فرموده‌اند پس از ورود حمله شود. تازه قابل عرض نیست. ۳۰ ثور، نمره ۱۹۳، یاور ابراهیم ضربابی. وصول اول جوزا ۱۳۰۳.

نمره ۱۶۹۰، ۱ جوزا ۱۳۰۳.

از خرم آباد به رنجران. یاور ابراهیم خان راپرت نمره ۱۹۳ ملاحظه شد رضایت قلبی خودم را بدو از شما و بعد به کلیه صاحبمنصبان و نفرات رشید تحت فرماندهی شما که در این جنگ شرکت داشتند اظهار می دارم. ضمناً برای اطلاع شما می نویسد لطیف پسر شیخه با قسمتی سوار روز ۳۰ ثور از رنجران مراجعت به طرف خرم آباد نموده است. در اطراف خرم آباد با غلامعلی خان و کدخدایان مختلف ایلات متوقف می باشند. اردوی خرم آباد نیز با یک قوت قلبی حملات دشمن را دفع و هر ساعت منتظر ورود اردو می باشد. لازم است خود شما داوطلبانه با اردوی هرو و قسمتی از نظامیان تازه ورود از حضرت اجل کسب اجازه نموده و به فوریت برای خرم آباد حرکت نمایید و نیز تأکید کنید که هر چه زودتر اردو وارد خرم آباد شود و مونسین نیز برسانند. تأخیر در حرکت اردو به طرف خرم آباد فوق العاده لطمه وارد خواهد ساخت. در خاتمه نمره ۱۸۹ رسیده، از طرف من از نظامیانی که ابراز شجاعت کرده اند اظهار رضایت کرده نتیجه خوبی را وعده دهید. رئیس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

(از اطراف آبستان). مقام منیع بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم افخم رئیس اردوی اعزامی لرستان دامت عظمته. به عرض می رساند حسین قلی خان پایی چهار روز پیش به همدستی غلامعلی خان بیرانوند خانه بنده را با هر چه طایفه از سگوند در محل گریته<sup>۲</sup> بود غارت کردند. پنج نفر از طرف آنان، چهار نفر از طرف بنده کشته شد، در این چندروزه با هر چه سوار و اسیری که داریم در کوه هستم و به توسط قاصد همه روزه هم راپرت به آقای

یاور ابراهیم خان می دهم. تا دیروز شفاهاً شنیده‌ام که حضرت اشرف امارت جلیله لشکر دامت عظمته بروجرد وارد عریضه عرض کرده‌ام که هر نقطه بفرمایید با سوار حاضر شوم. چون جمعیت نزدیک رنگرزان و همه‌روزه دعوا است ممکن نمی‌شود خدمت یاور شرفیاب شوم فردا هر طور باشد شرفیاب می‌شوم. همین قدر عرض می‌کنم هر چه تنگی و زحمت بکشیم در راه دولت و نتیجه خوبی دارد. اسدالله سگوند.

## ۲۶۹

نمره ۱۶۹۲، ۱ جوزا ۱۳۰۳.

(از خرم آباد). معتمدالسلطان اسدالله خان شرحی که راپرت داده بودید رسید از خدمت شما خرسند هستم. البته این جانفشانی‌های شما بی‌نتیجه نمانده و خسارتی که متوجه گردیده است جبران خواهد شد. لازم است نزد یاور ابراهیم خان رفته و با اطلاعاتی که از محل دارید به‌مشار‌الیه کمک فکری نمایید و از وضعیات خودتان نیز همیشه اینجانب را مطلع سازید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۷۰

نمره ۲۵، ۱ جوزا ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکت. راپرتاً عرض می‌شود طلایع‌های اکتشافی که به‌جلو رفته بودند الوار را پیش از هفت‌هشت نفر ندید، بقیه خود را عقب کشیده‌اند در جلو برج خرابه پشت کوه مرتفع که سرکوب برج است آنجا می‌باشند. برای احتیاط حکم شد نظامیان جلوتر نرفته به‌جای سابق خود مراجعت نمایند. به‌قراری که از بعضی سنگرها راپرت رسیده دیروز یک ساعت به‌غروب قریب دویست نفر سوار و

پیاده از طرف تنگ زاهد عقب کشیده از وسط جلگه زاهد شیر به طرف تنگ بره<sup>۱</sup> و آن حدود رفته‌اند. کفیل گردان ۳ فوج آهن، سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۷۱

نمره ۱۷۰۲، ۲ جوزا ۱۳۰۳.

خرم آباد. نایب سوم حسین خان. تنگ رباط. از خدمات و جدیتی که به خرج داده‌اید اظهار رضایت می‌نمایم. لازم است از طرف من از نظامیان احوالپرسی و به آن‌ها یادآور شوید زحمات آن‌ها بی‌نتیجه نخواهد ماند و برای اطلاع شما می‌نویسم چند روز است حضرت امارت جلیله دامت شوکته وارد بروجرد شده و اردوهای مکملی به رنجران رسیده امروز فردا وارد خرم آباد می‌شوند. الوار در طرف رنجران شکست فاحشی خورده فراری شده‌اند و همچنین یک اردوی دیگر از همدان به‌الشر آمده و از خط رباط به خرم آباد خواهند آمد. لازم است شما نیز در نگاهداری موقعیت خودتان جدیت کامل به خرج داده و نهایت در حفاظت موقعیت کوشش نمایید و نیز به وسایل مقتضیه هم‌روزه از وضعیات خودتان راپرت داده مرا مستحضر نمایید. به وسیله قاصد شبانه ارسال شد. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۷۲

نمره ۱۶۹۶، لیل ۲ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴. از قرار راپرت واصله گویا الوار می‌خواهند چنانچه موفق شوند به پست‌ها تعرض نمایند. لازم است احتیاط خود را داشته کاملاً در نگاهداری و حفظ استحکامات خودتان جدیت نمایید. باید در مقابل دشمن استقامت جدی نموده و چنانچه تعرضی

کردند بایستی تلفات سنگینی به آن‌ها وارد نمود. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۷۳

نمره ۳۳، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

از جناح چپ خرّم آباد. الوار قریب ۳۰۰ نفر در اطراف امامزاده زاهد شیر، دور تپه و داخل دره مجتمع شده‌اند. از طرف تنگ زاهد پیدا شده توجه آن‌ها به طرف جبهه می‌باشد، تدریجاً از عقب هم به آن‌ها ملحق می‌شوند. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۷۴

نمره ۱۷۰۶، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان راپرت نمره ۳۳ ملاحظه. لازم است کاملاً حرکات آن‌ها [را] در نظر گرفته و در صورتی که طرف شما روآور شوند فوراً راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۷۵

۳ برج جوزا ۱۳۰۳. مقام محترم بندگان حضرت ریاست محترم تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می‌دارد دیشب به کلی دشمن در کوه و اطراف بنده بود ولی امروز رفته‌اند، فقط چند نفر تفنگچی باقی است که به عملیات تیراندازی می‌کنند. [برای] پوش سوم برج که سنگر بالا باشد تیرهای بلند لازم است که مَزَقَل‌های ریشه‌زن ساخته بتوان استفاده نمود. ساختمان برج طول خواهد کشید، چرا که سخت به عملیات تیراندازی می‌کنند. ولی مشغول کار هستیم. به تفنگچی‌ها دو نفر دو نفر اضافه شده و در بالای کوه خود را نمایان می‌کنند.

خیالشان نامعلوم است. سید حسن رضوی، فرمانده گروهان ۴ فوج گارد سپه خرم آباد.

## ۲۷۶

نمره ۱۷۰۹، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

از قلعه سپه خرم آباد. سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴. به طوری که معلوم است یک عده از الوار از تنگ زاهد مراجعت کرده گویا در راه شکست خورده اند. ممکن است در رجعت به سنگرهای شما حمله کنند. چون این جان آخر و کوشش آخر الوار است به افراد حالی کنید و خود شما نیز جدیت کرده تلفات سنگین به دشمن وارد کنید و قسمتی با یاور میکائیل خان برای کمک به آن جبهه اعزام شده لازم است مسئولیت آن حوزه<sup>۱</sup> را دو قسمت کرده قسمتی را شما و قسمتی را یاور مذکور عهده دار شده که کاملاً در حفاظت استحکامات جدیت بشود و اگر چنانچه نمی توانید برج را تماماً بسازند جدیت کنید مزل های طرف دشمن به خوبی ساخته شود که بتوانید به خوبی تیراندازی نمایید. از تیراندازی بیهوده افراد نیز جلوگیری نمایید.

## ۲۷۷

۳ جوزا ۱۳۰۳. مقام محترم بندگان حضرت اجل ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً خاطر مبارک را مستحضر می دارد دستخط نمره ۱۷۰۹ زیارت. نفرات بدون جهت ممکن نیست تیراندازی نمایند. امروز هم چندین نفر تفنگچی آمده ولی بیش از نیم ساعت استقامت نکردند. گمان هم نمی کنم حمله نمایند. تیراندازی امروز هم فقط از سنگرهای بنده تقریباً ۲۰ فشنگ خود چاکر انداخته انشاء الله اگر الوار حمله کردند استقامت می شود. قوت قلب نفرات زیاد و ترس آنها به کلی رفع شده.

یاور میکائیل با ۱۵ نفر سوار به سنگر وارد شد. فرمانده گروهان ۴، سید حسن رضوی.

## ۲۷۸

رییس اردوی الشتر تلگراف را عیناً از راه مطمئن به رییس تیپ پیاده برسانید. رییس تیپ پیاده لازم است با نهایت جدیت در خرم آباد استقامت کنید من دو روز دیگر با اردو حرکت می‌کنم. قسمت یاور ابراهیم خان در نهایت خوبی استقامت ورزیده کلیه قوای الوار را متلاشی کرده است. یک اردو از همدان به الشتر فرستاده. آمدن سرهنگ گیگوخان از راه الشتر محتاج به توضیح نیست. با نقشه صحیحی که الوار به کلی محصور شوند خود من با کلیه قوا حرکت می‌کنم. شما فقط در شهر استقامت نمایید تا آمدن من. لیلۀ ۲۹ نور، امیر لشکر غرب، احمد. تاریخ وصول به خرم آباد ۳ جوزا ۱۳۰۳.

## ۲۷۹

نمره ۳۴، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

حضور مبارک ریاست محترم اردوی لرستان دامت شوکته. راپرتاً عرض می‌شود الواری که در اطراف زاهد شیر بودند پس از مدتی توقف عده‌ای دیگر سوار از طرف جنوب محل دیرک و ندها به آن‌ها ملحق شده، دوباره به طرف تنگ زاهد حرکت نمودند. یک عده پیاده از دامنه کوه شمالی از بین تپه‌ها به طرف رودخانه و جاده خرم آباد عازم هستند. از طرف تنگ رباط هم صدای تیر شنیده می‌شود. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۸۰

نمره ۱۷۰۷، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان. راپرت نمره ۳۴ ملاحظه، حکم دادم قسمتی به کمک

شما حرکت نماید. لازم است به افراد حالی کنید این آخرین کوشش الوار است. باید جدیت کنید که تلفات سنگین وارد نموده که تاکنون چنین شکستی ندیده باشند. نیز حکم دادم سید حسن خان امنیه را نزد شما بفرستند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۸۱

نمره ۳۶، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

از جناح چپ. حضور مبارک ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. راپرتاً عرض می شود، مجدداً عده ای قریب دویست نفر سوار و پیاده از الوار از طرف جنوب سمت دیرک و ندها به طرف تنگ زاهدشیر حمله نمودند. به طوری که استنباط می شود الوار در اطراف تنگ و جلوتر موقعیت می گیرند و یا اینکه در جلوتر زدو خوردی شروع شده زیرا که به عجله حرکت می نمایند. قسمتی در کوه مدبه مشاهده می شود که از روی کوه خود را نشان می دهند، و توجه آنها به جبهه ما می باشد. سلطان اسدالله خلعتبری.

## ۲۸۲

نمره ۱۷۱۲، ۳ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان فرمانده گردان پیاده فوج آهن. جواب نمره ۳۶. البته باید بدانید که همیشه اردو انتظار این را داشته و دارد که الوار کلیه قوای خود را به طرف تنگ زاهد جمع آوری که در موقع زدو خورد با اردوی اعزامی از طرف رنگرزان از اینجا نیز در عقب آنها عملیاتی بشود و اینکه راپرت داده اید، عده ای در کوه مدبه متوجه به شما و خود را نشان می دهند، تعداد تقریبی آنها را تعیین و راپرت دهید که آیا قابل اینکه یک فروتنی را معطل و شما را متوجه به خود کرده اند [هستند یا خیر؟] لازم است با دقت کامل از وضعیات دشمن راپرت مشروحی داده تا اینکه عملیاتی بشود. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.



## ۲۸۳

نمره ۱۷۱۹، ۴ جوزا ۱۳۰۳.

فرمانده فوج دفاع سوار. لازم است عده‌ای از سوار را فرستاده در تحت فرماندهی یاور میکائیل خان بروند. سلطان سید حسن خان فرمانده گروهان ۴ را با قسمت فوج گارد سپه که چند شب است در کوه هستند آن‌ها را عوض نموده مسئولیت حفاظت استحکامات را تحویل بگیرید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۸۴

نمره ۱۷۲۱، ۴ جوزا ۱۳۰۳.

متحدالمال. به صاحبمنصبان مأمور خطوط جلو به موجب این حکم قدغن می‌دارم.

۱- به نفرات زیر دست خودشان کاملاً قدغن نمایند که از تیراندازی بی‌مورد احتراز نموده بی‌ربط به اتلاف فشنگ میدان نداده و ضرری به دولت متوجه ننمایند. و گذشته از آن دشمن را به وسیله تیراندازی از موقعیت خودشان مستحضر نداشته که دشمن از تیراندازی بی‌مورد استفاده خواهد نمود.

۲- از هورا کشیدن در مواقع لازمه باید استفاده نمود و در محل خود هر چیزهایی را که نظام با یک نظریاتی مخصوص وضع نموده استعمال کرده و نتیجه برده شود. فقط هورا کشیدن در موقعی است که نسبت به دشمن شروع به حمله شود و آن یک رعب مخصوصی را تولید خواهد نمود و به علاوه قوت روحی در نظامیان مهاجم خواهد داد. آهنگ کشیدن هورا در حال آرامش و مواقع بی‌مورد دشمن از صدای نفرات استفاده نموده پی به عده نفرات برده و می‌تواند در اثر صدای آن‌ها به استحکامات نفرات تیراندازی نماید. لهذا قدغن می‌نمایم که صاحبمنصبان به کلیه افراد قدغن کرده و گوشزد نمایند که من بعد

در شب و غیره، غیر از مواقع حمله به دشمن ابداً هورا نکشیده و این مسئله را به کلی متروک و موقوف دارند. و الا مرتکبین مورد مؤاخذه سخت خواهند بود. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۸۵

۴ برج جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان ۱ — ۱۵ نفر از قسمت اینجا صبح به شهر احضار شدند مستدعی است مقرر فرمایید که مجدداً اعزام دارند. ۲ — دشمن قریب یک صد نفر پیاده بالای تپه ها، ممکن است که بیش از این هم باشند ولی فقط همین قدر رؤیت می شود. سلطان سید حسن ناظری، امنیه.

## ۲۸۶

نمره ۱۷۲۳، ۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان امنیه خرم آباد. راپرت شما ملاحظه شد. حکم شد قسمت کمکی دیشب را اعزام دارند. راجع به بودن صد نفر پیاده یا بیشتر قابل اهمیت نیستند. البته خوب در نظر دارید چند روز قبل متجاوز از دوسه هزار نفر بوده اند. لازم است نهایت جدیت را داشته چنانچه تعرضی نسبت به شما کردند کاملاً جلوگیری و تلفات سنگین وارد آورید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۸۷

۶ برج جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. قریب یک صد نفر سوار در اطراف تنگ زاهدشیر گاهی در حرکت، گاهی به حال توقف بوده و حالیه به تنگ زاهد داخل شدند. به اضافه قریب یک صد ویست نفر سوار دیگر به آنها ملحق شد، به تنگ رفتند. مقداری گاو و حشم از تنگ خارج توسط تفنگچی پیاده به طرف ایلات رفتند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۸۸

۶ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. محترماً به عرض می‌رساند در ساعت ۴ بعد از ظهر امروز قریب ۱۵۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر سوار [و] پیاده از تنگ زاهد مراجعت، به طرف چادرهایی که طرف کوه شاهنشاه است عزیمت نمودند. متجاوز از ۷۰ الی ۸۰ نفر پیاده به محل دیشب، امروز عصر حرکت و دو نفر سوار از عده فوق به طرف عده‌ای که مراجعت می‌نمودند رفته، این طور معلوم بود که دو نفر سوار برای طلب استمداد نزد آنها می‌رفتند. میکائیل.

## ۲۸۹

نمره ۱۷۴۰، ۶ جوزا ۱۳۰۳.

یاور میکائیل. راپرت شما ملاحظه فرمودند این الوار از جلوی اردوی اعزامی فراری هستند. خود حضرت ریاست هم دیدند. لازم است به افراد هم گوشزد نمایند و نیز چنانچه فراری‌های مزبور نسبت به شما تیراندازی نمودند کاملاً جدیت به خرج داده با نهایت متانت حمله آنها را رد نمایند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۹۰

۶ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. محترماً به عرض می‌رساند. قریب ۷۰۰ الی ۸۰۰ نفر که پیاده هم جزو آنها می‌بود از طرف امامزاده شاهنشاه و کوه‌های دیرک‌وند حرکت و به طریق تنگ زاهد رفته فعلاً از نظر غیرمرئی<sup>۱</sup> و معلوم نیست که در کوه‌ها متوقف و یا به تنگ عزیمت نمودند و چندین گله مشاهده می‌شود که از طرف تنگ زاهد به طرف کوه‌های دیرک‌وند می‌روند. یاور میکائیل.

## ۲۹۱

نمره ۱۷۴۱، ۶ جوزا ۱۳۰۳.

یاور میکائیل خان. راپرت شما ملاحظه شد. خیلی تعجب به کنم اینکه راپرت داده اید قریب هفتصد نفر الی هشتصد نفر الوار دیده شده. خود من با دوربین مشاهده بیش از ۷۰ یا ۸۰ نفر نبوده اند. لازم است دقت کنید که تعداد تقریبی دشمن را نزدیک به تحقیق تعیین و راپرت دهید. دیگر اینکه در این چندروزه به خوبی دیده شده از عده الوار نهایت کاسته شده و عده قلیلی ایاب و ذهاب می کنند و حالیه عده الوار از سابق به طور یقین کمتر و استقامت در مقابل آنها نهایت سهلتر خواهد بود. در هر حال لازم است در نگهداری استحکامات جدیت نموده تعیین کنید عده الوار حالیه به کجا رفته و با تطبیق نظر خیالات آنها را کشف کرده راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۹۲

نمره ۴۸۷، ۲ جوزا ۱۳۰۳.

رییس تیپ پیاده. از بروجرد، راپرت نمره ۱۶۸۲ شما ملاحظه شد. از استقامت و پایداری شما و نظامیان رشید خوشوقت شدم، من به انتظار ورود ستون ها هستم. ستون اول سوار نظام امروز وارد. ستون دوم و سوم پیاده با توپخانه سنگین و ستون دوم سوار نظام نیز بین قم و بروجرد هستند به رسیدن آنها من حرکت خواهم نمود. طیاره نیز پس از پرواز خرم آباد و الشتر و کشف محل های دشمن به بروجرد مراجعت. دو طیاره دیگر نیز بایستی امروز برسد. اطمینان داشته باشید که این مرتبه به طوری قوای الوار را در هم خواهم شکست که بعدها قدرت جزئی حرکت ننمایند. امر کردم مونسین کامل جهت شما حاضر نمایند که در معیت خودم بیاورم. لازم است به افراد حالی

نمایید که در تیراندازی خیلی صرفه‌جویی نموده و تا اطمینان کامل از اصابت فشنگ‌های خود به‌هدف نداشته باشند تیراندازی ننمایند. وضعیات هرو رضایت‌بخش و یاور ابراهیم‌خان با نظامیان رشید خود و یک‌گردان از فوج بهادر که جدیداً اعزام شده با نهایت خوبی الوار را در هم شکسته و در یک حمله مقابل چهل نفر تلفات گرفته‌اند. در فشنگ صرفه‌جویی نمایید. من هم همین دوروزه حرکت می‌کنم. امیر لشکر غرب، احمد. وصول ۷ برج جوزا.

۲۹۳

نمره ۱۷۶۳، ۸ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن‌خان. راپرت‌های شما ملاحظه شد. از وضعیات دشمن مطلع شدم. راجع به‌نورافکن حکم دادم ارسال دارند و نیز دستور دادم تلفون به‌پست شما کشیده شود ولی تا اتمام سیم حکم کردم چهار نفر سوار (پست پرنده) در پای کوه برقرار و راپرت‌های شما را به‌اسرع وقت برسانند. در خاتمه برای اطلاع شما می‌نویسد به‌طوری که راپرت رسیده قریب سه روز است الواری که با خانه از آن طرف تنگ زاهد کوچ کرده و ملحق به‌ایل دیرک‌وند شده‌اند نظر به‌اینکه آذوقه زیادی در اطراف هرو دارند شبانه‌روز برای حمل آن به‌طرف تنگ زاهد در ایاب و ذهاب می‌باشند، اغلب در بین عده جمعی آن‌ها سیاهی بار و مال باری است که با دوربین سوار و یا پیاده به‌نظر می‌نماید. در هر حال از حرکات و وضعیات آن‌ها مطلع شده شاید از اردو در جلو شکست خورده و در تنگ برای جلوگیری از اردو استحکامات و مواقع می‌گیرند. در هر صورت تصور نمی‌کنم بتوانند در جلو اردو مقاومت و ایستادگی نمایند. حرکات و تعداد تقریبی آنان را برای غروب راپرت دهید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۲۹۴

۵ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. قریب چهل نفر سوار از الوار از طرف ایلات

روبروی تنگ به سرعت تمام به طرف تنگ زاهد شیر رفتند و امروز یک حال انقلابی از الوار مشاهده می شود. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۹۵

۸ برج جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. الساعه که نیم ساعت بعد از ظهر است از طرف تنگ زاهد شیر قریب یک صد نفر سوار [و] پیاده از الوار به زیر تنگ زاهد آمده و قریب یک صد نفر سوار هم از طرف ایلات آمده اند با یکدیگر تلاقی نموده و در پشت تپه امامزاده زیر جاده متوقف هستند و نیز از طرف شاهنشاه قریب چهل نفر سوار [و] پیاده به طرف تنگ زاهد می روند. دیگر وقایع قابل عرض نیست. وضعیات این جبهه: حضرات صاحبمنصبان و نظامیان با یک حال خوش و روح تازه انتظار هر گونه حوادث را دارند. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۹۶

نمره ۱۷۶۴، ۸ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله خان فرمانده گردان ۲ فوج آهن. ۱- به طوری که مشاهده می کنم ساختمان برج جدید به کلی مخالف با بروج دیگر است یعنی گل کمتر و آجر سنگ بیشتر کار می شود و ممکن نخواهد بود روی هم استقامت کند و نیز ته برج جمع و سر برج رفته رفته بزرگ می شود در صورتی که باید بالعکس ساخته شود. لهذا لازم است دقت کنید که مثل برجی که یاور میکائیل خان ساخته به اتمام برسد و همان بنایی که برج مذکور را ساخته برای ساختن این برج بگمارید و دستور دهید که مزل های ریشه زن را در طبقه اول و دوم پایین برج نسازند و کلیتاً مزل های ته زن در طبقه اول از سر و آخر از ته برج قرار داده که در موقع بتوان استفاده نمود. حکم دادم یک پست ۴ نفری سوار بین شما و قلعه سپه مستقر که راپرت های شما را سریعاً به من برسانند. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

## ۲۹۷

لیله ۱۰ جوزا. بعدالعنوان. از طرف حضرات چگنی اظهاراتی شده است که ما مردمان رعیت فقیری هستیم. از آنجایی که بدبختی به ما رو آورده است، به کار بزرگی دست زده‌ایم، آنچه می‌خواهیم نفس خود را فریب دهیم و واهمه [و] ترس را از خود دور کنیم، اطمینان قلب جهت ما پیدا نمی‌شود با این وصف تقاضا می‌کنم که فلان کس یک نفر از کسان خودش را بفرماید در بیرون ما را ملاقات کند. شاید اطمینان قبلی جهت ما حاصل شود و دیگر اینکه چند نفر از ما که رفته است به غلامعلی خان ملاقات کرده‌اند و کسب تکلیف از او نموده‌اند، وعده گذاشته که فردا در سر آب یاس ملاقاتی شود. لطیف با جمعیتی در دولیسگان بوده عده نظامی غفلتاً به آن‌ها حمله نموده، سیزده نفر از الوار مقتول شده، پیام برای غلامعلی خان داده که کمک برایش بفرستند. امضاء معین السلطنه.

## ۲۹۸

نمره -، ۱۰ برج جوزا ۱۳۰۳.

بعدالعنوان. دیشب در این جبهه بحمدالله سکونت و آرامش برقرار بود. ۲-صبح در ساعت پنج قریب یک صدویست نفر سوار و پیاده از تنگ زاهدشیر آمدند به طرف ایلات رفتند. ۳-حالیه قریب ۲۰ نفر سوار از ایل آمدند و رفتند کوه جناح راست تنگ زاهدشیر. سلطان سید حسن ناظری.

## ۲۹۹

۱۰ برج جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. الساعه قریب یک هزار گاو و گوسفند و بار و قریب یک صدوپنجاه نفر سوار و پیاده همراه آن‌ها از تنگ زاهدشیر آمدند، و به طرف ایلات می‌روند. سلطان سید حسن ناظری.

نمره ۳۲۹۴، ۷ جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم... \* ریاست تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکته. محترماً به عرض می‌رساند فوج بهادر به ریاست سرهنگ کریم آقا<sup>۱</sup> و فوج مرگ به ریاست سرهنگ عبدالعلی خان و سرهنگ گیگو خان با اردوی ترکیبیه لشکر غرب در بروجرد و دو روز دیگر ستون اول به ریاست گیگو خان و ستون دوم با خود حضرت اجل امارت جلیله دامت شوکته به طرف خرم آباد حرکت خواهند نمود و سه طیاره هم مأمور می‌باشند که با ستون حرکت نمایند تا به حال قریب نود نفر از افراد فوج آهن و دفاع که الوار آنها را خلع سلاح و لخت نموده بودند وارد و به آنها لباس و اسلحه داده شده و در مرکز تیپ می‌باشند. از صاحبمنصبان آنها مرآت‌الملک نایب ۳ و رضاخان نایب سه پنجاه تیر لخت شده آمده عموماً افراد و صاحبمنصب در تحت استنطاق می‌باشند. یاور ایوان خان و سلطان محمدعلی خان فرمانده گردان ۲ فوج آهن هم که تنگ زاهد را تخلیه نموده و از راه دره دراز به رنجران آمده بودند فعلاً در بروجرد و تحت محاکمه‌اند. پست رباط نمک که از عده گروهان ۴ بودند پس از اینکه آذوقه و فشنگ آنها تمام می‌شود، الوار به میان پست ریخته، افراد بدون اسلحه فرار می‌کنند. در بین راه سایر الوار آنها را لخت می‌نمایند. وکیل صادق رییس پست رباط و یک نفر دیگر عبدالله نام در مرکز تیپ آمده‌اند. از گروهان ۲ گارد سپه ۵ نفر که با یدالله خان معین نایب در زاغه بوده‌اند در نتیجه بی‌لیاقتی صاحبمنصب مأمور آنها خلع سلاح و الوار آنها را لخت می‌نمایند. قوای رنجران را به هر قسمی بود با رسانیدن قورخانه و مهمات و عده از مرکز تیپ و استمداد فکری با یاور ابراهیم خان مانع از عقب‌نشینی شدم، تا به حال آنچه الوار به پست‌های دراندره حمله نموده‌اند موفقیتی احراز ننموده و با تلفات عقب نشسته‌اند. کدخدا محمد جعفر اخیراً سه نفر نظامی را خلع سلاح و با کلیه طایفه خود به کوه

\* در اصل نقطه چین.

۱. سرهنگ کریم آقاخان بوذرجمهری فرمانده فوج بهادر لشکر مرکز.



فرار نمود و در مصادمات اخیر رنگرزان دو گلوله به مشارالیه اصابت نموده، الوار تخت قاپو شده که اخیراً از تاریکی شب استفاده می نمودند، حسب الامر بندگان حضرت اجل امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته کلیه مردهای آنها دستگیر و اخیراً آنها به ضمانت مالکین و منصورخان و جمشیدخان مرخص شدند. حضرت امارت جلیله خیال دارند که منصورخان و جمشیدخان را با یک صد نفر مسلح و در رکاب خودشان حرکت داده و به آنها اطمینان بدهند که به سایر الوار اطمینان داده شود. متصدی تیپ پیاده لشکر غرب. نایب سرهنگ نصرالله خلعتبری. وصول صبح ۱۱ جوزا:

### ۳۰۱

از پروچرد. رییس تیپ پیاده. نمره ۱۷۳۶ و نمره ۱۷۳۸ شما را ملاحظه کردم نظر به اینکه راه به کلی مسدود است به هیچ وجه نمی توان فشنگ رسانید. من روز نهم با کلیه اردو حرکت می کنم و عده معتناهی از الوار که در هرو می باشند به کلی نابود کرده، در نهایت سرعت خودم را به خرم آباد خواهم رسانید. شما در نگاهداری شهر نهایت جدیت را نموده و در مصرف فشنگ خیلی صرفه جویی نمایید زیرا رسانیدن فشنگ جز به وسیله اردو غیر ممکن است. ۷ جوزا، نمره ۷۱۱. امیر لشکر غرب، احمد. وصول صبح ۱۱ جوزا کشف مطابق با رمز است. نظام الدین صدر.

### ۳۰۲

نمره ۱۷۹۰، غروب ۱۱ جوزا ۱۳۰۳.

حضرت امارت جلیله...<sup>۲</sup> دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می رساند مرقومه نمره ۷۱۱، ۷ جوزا در ۱۱ برج زیارت اسباب امیدواری عموم صاحب منصبان و نفرات اردو را فراهم داشت. گرچه در ظرف این

۲. نقطه چین در اصل.

۱. اسناد ۲۴۶ و ۲۴۷.

چندروزه اخیر الوار چند مرتبه در شب به استحکامات خط دفاعیه نظامیان از اطراف شهر و غیره حمله نموده‌اند، ولی جواب آن‌ها را با استقامت و اراده آهنین نظامیان فداکار داده جز به دادن تلفات سنگین نتیجه‌ای نگرفته‌اند. امیدوارم با تفضل الهی و متکی بودن به شانس حضرت اجل، با تشریف‌فرمایی به خرم آباد به هر قیمت شده بتوانم شهر را در مقابل هجوم دشمن نگاهداری نموده با یک جبهه باز و افتخارات سربازی به زیارت امیر محبوب موفق گردیده و منتهی آمال خود نایل گردم و در خاتمه معروض می‌دارد که عده سیصد نفری از بیرانوندها که در گرمسیر مانده و امسال خیال ییلاق نداشته‌اند در اثر تحریکات غلامعلی خان برای کمک از گرمسیر حرکت کرده در ده جوزا به معیت صید محمد رحیم خان وارد و خیال دارند در همین شب‌ها متفقاً به استحکامات نظامیان حمله نمایند. امیدوارم به آمال خودشان نایل نگردیده به لطف الهی که شامل حال ما است، جواب مهاجمات آن‌ها را با سرنیزه نظامیان رشید داده، با گرفتن تلفات سنگین آن‌ها را طرد و از هم متلاشی نماییم. محض راپرت عرض شد. رئیس تیپ پیاده لشکر غرب، محمد.

### ۳۰۳

۱۲ برج جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. دو ساعت قبل قریب بیست و پنج نفر سوار و پیاده از تنگ زاهد شیر آمده و به طرف ایلات رفتند. سلطان سید حسن ناظری.

### ۳۰۴

نمره ۱۷۸۳، ۱۱ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن فرمانده امنیه. راپرت شما را ملاحظه کردم. برای اطلاع شما می‌نویسم امروز صبح قاصدی رسیده پاکتی از امارت جلیله داشتم که روز ۸ [یا] ۹ برج جوزا، اردوها از بروجرد حرکت کرده و دیروز نیز یک‌عده

نظامی وارد زاغه شده و تلفات سنگینی به الوار وارد آورده‌اند. تصور می‌کنم اردو فردا وارد شود. از قرار راپرت واصله یک‌عده از پیاده‌الوار دیروز از شاهنشاه به طرف پشت دماغه سر آب یاس آمدند. معلوم نیست به طرف تنگ زاهد یا در پشت کوه متوقف می‌باشند. لازم است از وضعیات آن‌ها مرا مستحضر و نیز اگر صدای شلیک توپ در تنگ زاهد شنیدید راپرت نمایید. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۰۵

۱۲ برج جوزا. بعدالعنوان. ۱- صبح یک فروند طیاره نمودار گردید. ۲- الحال قریب چهارصد نفر از پشت دماغه بیرون آمده به سرعت به تنگ زاهد شیر رفتند. ۳- صدایی مثل صدای توپ [را] تمام افراد شنیدند ولی معلوم نیست توپ بود یا طیاره عملیاتی کرده است. ۴- سوارانی که به طرف تنگ رفتند چند تیر تفنگ هم انداختند. سلطان سید حسن ناظری.

### ۳۰۶

نمره -، ۱۲ جوزا ۱۳۰۳.

بعدالعنوان.

۱- سوارهایی که در راپرت قبل عرض شده بود که به طرف شمال خرّم آباد آمدند قریب یک ساعت توقف، مراجعت نمودند به جای اولیه (محل کمالوندها).

۲- وضعیات: کلیه آن‌ها در درّه‌های اطراف تنگ زاهد هستند حال شب بمانند یا بروند چه عرض کنم. و آنچه راجع به خیالات آن‌ها حدس می‌زنم این است؛ اولاً نگاهداری تنگ باشد که مبادا اردوی خرّم آباد بخواهد تنگ را تصرف نمایند. ثانیاً احتمال می‌دهم جهت اینکه مبادا از طرف اردو به آن‌ها تعرض شود آن‌ها نیز به سنگرهای ما متعرض شوند.

۳- عجالتاً در سه نقطه تمرکز دارند؛ پشت تپه جلو امامزاده، مقابل تنگ، محل کمالوندها و دیگر جناح راست تنگ. سید حسن ناظری، سلطان.

### ۳۰۷

۱۲ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. محترماً به عرض می‌رساند صبح با ۳۵ سوار و ده نفر پیاده با آذوقه حرکت نموده جهت برج‌ها. پیاده‌الوار تپه‌های طرف چپ را گرفته و متجاوز از دویست نفر تیراندازی به‌ما می‌نمایند، عده‌ای از اطراف فرستاده پس از یک ساعت زدوخورد کوه‌های اطراف چپ را از تصرف دشمن درآورده و از جاده مشغول پیشرفت می‌باشم. در این مصادمه یک اسب‌سوار تیر خورده. جدیت می‌شود بلکه الوار را دستگیر نمایم. امروز هر قسم شده آذوقه مکفی به‌پست‌ها خواهم رسانید. رییس تیپ پیاده، نایب سرهنگ حسین امیرعلایی.

### ۳۰۸

نمره ۱۷۹۹، ۱۲ جوزا ۱۳۰۳.

سلطان اسدالله‌خان فرمانده گردان. [۱-] به‌طوری که دیده می‌شود در پایین کوهی که استحکامات نظامیان است اهل شهر گله و حشم خود را در آن نقطه می‌چرانند در صورتی که قانون نظام اجازه نمی‌دهد در محلی که تشکیل فرونت داده شده بگذارند کسی خارجی تردد نمایند، چه که گله و حشم جهت چرا راه بدهند. لازم است قدغن کنید از این‌گونه اتفاقات جلوگیری نمایند. ۲- نفرات تیراندازی بی‌مورد حالیه یک‌یک دوام دارد. لازم است [کسانی را که] تیراندازی نموده‌اند راپرت داده و احشام را نیز از آن حوالی دور نمایند. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۰۹

بعدالعنوان.

- ۱- از یک ساعت قبل از ظهر الی کنون قریب پانصد سوار [و] پیاده و قریب یک هزار گاو و گوسفند و بار از تنگ زاهد شیر آمدند و پشت دماغه رفتند.
- ۲- قریب ۲۰۰ نفر سوار از پشت دماغه آمدند و یک قسمت آن‌ها در دره مقابل برج نزدیک جاده، جای سابق کمالوندها رفتند.
- ۳- به تدریج هم سوار و پیاده به طرف تنگ زاهد می‌روند.
- ۴- قریب ۵۰ نفر سوار [و] پیاده آمدند دره جناح چپ که محاذی است با برج خرابه بالای این برج.
- ۵- چند نفر تفنگچی آمدند توی گله‌ها و یک گاو از حشم‌ها ربودند، و هر چه هم به او تیراندازی شد رها نکرده عاقبت گاو را بردند. سید حسن ناظری.

### ۳۱۰

۱۲ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. قریب دویست نفر از سواران که در اطراف تنگ بودند حرکت کرده از دامنه کوه شمال شرقی خرّم آباد به سمت جناح چپ می‌آیند هر گاه صلاح است به آن‌ها تیراندازی توپ بشود بد نیست. سلطان سید حسن ناظری.

### ۳۱۱

نمره ۱۸۰۰، ۱۲ برج جوزا ۱۳۰۳.

سلطان سید حسن خان فرمانده امنیه خرّم آباد. راپرت شما ملاحظه شد. سوارهایی که شما نوشته‌اید از اینجا به هیچ وجه معلوم نیست و دیده نمی‌شوند که برای آن‌ها تیراندازی شود لازم است حرکات و خط سیر آن‌ها را در نظر گرفته راپرت دهید. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۱۲

۱۲ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان.

۱- ملاقات دیروز الوار در خانه‌های کدخدا شیرمحمد دیرک‌وند و صید محمد بوده چگنی و بیرانوند و دیرک‌وندها با هم نهار خورده مذاکراتشان تجدید اتحاد و نقشه جنگ بوده است.

۲- امروز صبح عبدالحسین خان مشهور به صید محمد رحیم‌خان از سر آب یاس کوچ کرده به طرف غلامعلی‌خان رفته است.

۳- آنچه مال التجاره در طوایف کردعلی‌وند و مرادعلی‌وند بوده است حمل به شهر نمودند. تاکنون ۲۰۰ بار ورود کرده است.

۴- امروز که آئرپلان بالای سر طایفه دیرک‌وند رفته از چادرهای کدخدا صید محمد دیرک‌وند چند تیر به طرف او خالی کرده‌اند در تلافی یک دانه بمب به جلو چادرهای آنها انداخته یک قطعه زمین را آتش زده به طوری وحشت پیدا کرده‌اند که مصمم کوچ هستند. معین السلطنه.

### ۳۱۳

نمره ۱۸۰۱، ۱۱۲ برج جوزا ۱۳۰۳.

حضرت امارت جلیله... در تعقیب نمره ۱۷۹۰<sup>۱</sup> محترماً معروض می‌دارد لیل گذشته از طرف دشمن تعرضاتی به استحکامات نظامیان به عمل نیامده از قرار اطلاعات واصله طیاره‌ای که صبح به طرف خرم‌آباد آمده بود به چادرهای دیرک‌وندها یک بمب انداخته بود در پانصد قدمی جلوی خانه آنها منفجر گردیده فوق‌العاده اسباب وحشت الوار را فراهم داشته است. مستدعی است قدغن فرمایید موقعی که آئرپلان طیران می‌نماید در بالای سر دشمن پرواز خود را یک اندازه ادامه داده و آنها را مرعوب نماید. زیرا طیران آئرپلان هر چه زیادتر باشد توحش الوار را بیشتر خواهد نمود، چنانچه چند

عدد بمب نیز بتواند در میان چادرهای آنها بیاندازد بی نهایت مورد استفاده است و فوق العاده دشمن را متوحش و پریشان خواهد نمود و امروز صبح یک عده ای که دیروز<sup>۱</sup> راپرت عرض شده و تقریباً بالغ بر سیصد نفر می باشند به اطراف تنگ زاهد آمده و برای خود موقعیت اتخاذ می کنند. در خاتمه معروض می دارد نظریات فدوی بر این است که در صورت امکان هر چه اردو زودتر وارد خرّم آباد بشود بیشتر از تجری الوار کاسته بلکه بالعکس خود را عقب کشیده در صدد چاره بدبختی خود برخواهند آمد. به طول انجامیدن ورود اردو صلاح نیست. محض استحضار خاطر مبارک راپرت عرض شد، بسته به رأی مبارک است. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۳۱۴

نمره ۱۸۱۳، لیل ۱۴ جوزا ۱۳۰۳.

ریاست تلگرافخانه خرّم آباد لازم است فردا صبح زود غلام تلگرافخانه را با سیم و لوازمات سیم کشی فرستاده که سیم را تا تنگ زاهد شیر دائر نمایند. حکم دادم تلفون نیز فردا به تنگ بفرستند که تا قبل از ظهر مشغول مخابره شوند. رییس تیپ پیاده، محمد.

## ۳۱۵

لیل ۱۴ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. از قرار راپرت واصله که الساعة از بلوک خرّم آباد رسیده طایفه دیرک وند مشغول بار شده و به طرف کوه عزیمت می نمایند. محض استحضار خاطر مبارک عرض شد. فدوی معین السلطنه.

## ۳۱۶

صبح ۱۳ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. [۱] - امروز از صبح تاکنون از

سوارهایی که دیروز اطراف تنگ بودند جز یک عده که در جناح راست تنگ می‌باشند از دیگران اثری نیست. ولی به‌طور حتم در اطراف تنگ موقعیت گرفته و مخفی می‌باشند. ۲- یک عده هم قریب چهل نفر با کوچ از تنگ آمده و در زیر تنگ در سبزه‌ها عجالاً توقف دارند. سلطان امنیه، سید حسن ناظری.

### ۳۱۷

صبح ۱۳ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. قریب پانصد نفر سوار از تنگ زاهد به سرعت آمدند به تپه روبروی تنگ در آنجا توقف نمودند و به تدریج هم از تنگ می‌آیند و به همان تپه می‌روند. سلطان امنیه، سید حسن ناظری.

### ۳۱۸

نمره ۱۸۰۵، ۱۳ جوزا ۱۳۰۳.

رییس اردوی الشتر. از ورود شما به تنگ زاهد خرسند شدم. سلطان غلامحسین خان را با یک بهادران نزد شما فرستادم از وضعیات اطراف شما را مستحضر خواهد ساخت، البته باید قدغن دارید طرف ده پیر و تنگ بره را قسمت‌های مستحفظی اردوی شما کاملاً مواظبت نمایند زیرا چادرهای الوار در جلگه پشت تنگ بره زده شده است. وضعیات این اردو خوب است. لازم است ورود خودتان را اطلاع دهید. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۱۹

نمره —، ۱۳ جوزا ۱۳۰۳.

بعدالعنوان. آنچه از این محل مشاهده می‌شود تقریباً پنجاه باب چادر سفید در تپه شمالی امامزاده تنگ زاهدشیر زده شده و مقداری هم سواره و پیاده در آن اطراف دیده می‌شوند. گرچه مسلم است این عده اردوی نظامی خواهد



بود، لیکن نظر به اینکه دوربین‌های ما به‌طور کامل نمی‌تواند تشخیص بدهد به‌طور حتم نمی‌توانم عرض کنم اردوی نظامی است. به‌هرحال آنچه معلوم است این عده شب را در تنگ زاهدشیر توقف دارند و به‌طرفین خود روی کوه‌ها طلّیعه و مستحفظ فرستاده‌اند و چهار نفر که هر دو به‌فاصلهٔ پانصد قدم به‌طرف خرم‌آباد اعزام گردیده‌اند که در راه هستند. یک نفر قاصد از عمل‌های برج فرستاده شد که تحقیقات نموده در صورتی که اردوی نظامی باشد با کاغذهایی که به‌مشارالیه داده شده خود را معرفی و کسب اطلاعات لازمه نموده، مراجعت نماید. یک نفر دیگر و پنج نفر سوار هم از بهادران اعزامی حکم دادم که برای اکتشاف به‌جلو حرکت نماید و تا تنگ زاهد بروند و بقیه متوقف باشند. طلّیعه مزبور هنوز نرسیده و در هزارمتری متوقف است. سرهنگ علی محمد بهزادی.

## ۳۲۰

۱۳ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان. حسب‌الامر مبارک از پل گذشته نزدیک برج اول از طرف جناب سرهنگ علی محمدخان امر داده شد که یک نفر معین نایب با شش نفر نظامی برای اکتشاف به‌جلو فرستاده و ضمناً سه نفر پیاده که از بالای برج در جلگه دیده شده‌اند چنانچه دشمن هستند دستگیر و بقیهٔ قسمت در آنجا بماند. معین نایب مزبور راپرت می‌دهد که اردو به‌تنگ آمده و اینجانب با بقیهٔ قسمت به‌طرف تنگ حرکت نمودم و نیز راپرت معین نایب را به‌جناب سرهنگ علی محمدخان عرض شد. فرماندهٔ بهادران ۲ فوج دفاع، سلطان غلامحسین قویمی.

## ۳۲۱

۱۳ جوزا ۱۳۰۳. حضور ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دام اقباله. به‌طوری که از این نقطه دیده می‌شود یک عده سوار یا پیاده از جلگهٔ جناح چپ قلعهٔ ماسور به‌استقامت تنگ بزه عازم هستند و چون هوا تاریک و

ممکن نیست تشخیص داد تعیین تعداد آنها غیر ممکن است، مع هذا بیش از یک صد پنجاه نفر نخواهند بود. به هر حال به واسطه تاریکی تشخیص اینکه سوار و یا پیاده و یا حشم است نمی شود داد. سرهنگ علی محمد بهزادی. نمره ۱۸۲۵. ۶ و ۳۰ بعد از ظهر ۱۳ جوزا رسیده است.

### ۳۲۲

۱۴ جوزا ۱۳۰۳. بعدالعنوان.

۱- محترماً به عرض می رساند دیشب بحمدالله در این جبهه سکونت برقرار بود.

۲- صبح از تمام چادرهای الوار فقط دو قسمت کوچک پشت دماغه سمت چگنی هستند و سه قسمت هم در کوه جنوب غربی و بقیه فرار نموده اند.

۳- از اردو هم تاکنون خبری نرسیده فقط طلّیعه اردو آمده است به این تپه. فرمانده امنیه خرم آباد، سید حسن خان ناظری، سلطان نمره ۶۰۶۲.

### ۳۲۳

غروب دوشنبه ۱۴ برج جوزا. مقام محترم بندگان اجل امجد افخم عالی ریاست تیپ پیاده لشکر غرب دامت شوکته العالی. از حضور مبارک که مرخص شدم به فدوی راپرتی رسید که غلامعلی خان جمعیتی در سر آستان فراهم نموده و حضرات دیرک وند، جودکی [و] چگنی هم در تهیه جمعیتی بوده که امشب از هر دو طرف به اردوی تنگ زاهد حمله نمایند چنانچه به اردوی سرهنگ گیگوخان اطلاعی داده شود که غافل نباشند ضرری ندارد. موقوف به میل مبارک است. معین السلطنه.

### ۳۲۴

نمره ۱۸۳۴، غروب ۱۴ جوزا ۱۳۰۳.

سرهنگ گیگوخان فرمانده اردوی سیار به موجب راپرت های واصله

غلامعلی خان معروف در سر آستان جمعیتی فراهم نموده و حضرات دیرک‌وند، جودکی [و] چگنی هم در تهیه جمعیتی بوده‌اند که امشب از هرو به تنگ زاهدشیر آمده چنانچه توانستند به اردوی شما حمله نمایند. لازم است از قضیه مطلع گردیده احتیاط را از دست نداده و در حفاظت استحکامات خودتان دستورات کافی به صاحب‌منصب و نفرات اردو صادر نمایید که مراقبت کامل به عمل بیاورند. رییس تیپ پیاده، محمد. ۲ کپیه، رمز ارسال، کشف فرمودند لازم نیست.

## ۳۲۵

نمره ۱۸۴۰، لیل ۲۰ جوزا ۱۳۰۳.

بعدالعنوان. از قرار راپرت واصله عباس خان جودکی و جمعیت طایفه کردعلی‌وند که تقریباً سیصد نفر سوار و پیاده بوده‌اند قبل از غروب به طرف تنگ بره حرکت کرده‌اند و تصمیم دارند امشب به اردوی تنگ زاهد حمله نمایند. چگنی و رومیانی هم تصمیم داشته‌اند که امشب به کوه چگنی کش و بروج سمت غربی حمله نمایند، محض استحضار خاطر مبارک عرض شد. فدوی معین السلطنه.

## ۳۲۶

نمره ۱۸۴۰، لیل ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

سرهنگ گیگوخان فرمانده اردوی سیار. در تعقیب نمره ۱۸۳۴ جهت اطلاع شما می‌نویسد راپرت‌های واصله حاکی است عباس خان جودکی با یک قسمت سیصد نفری پیاده و سوار کردعلی‌وند غروب آفتاب به طرف تنگ بره که ممتد به تنگ زاهدشیر می‌شود حرکت نموده و خیال دارد امشب چنانچه بتواند به اردوی شما تعرض نماید و همچنین غلامعلی خان در سر آستان با جمعیت خودش تصمیم گرفته از آن سمت به طرف تنگ زاهد بیاید. لازم است

کاملاً در حفاظت خود جدیت نموده و مواظب عملیات آنها باشید. رییس تیپ و فرمانده اردو، محمد.

### ۳۲۷

نمره ۱۸۲۹، ۱۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

فرمانده قوای الشتر. جهت اطلاع شما می نویسم در ۱۳ جوزا مقدمه اردوی اعزامی بندگان حضرت امارت جلیله لشکر دامت شوکته در تحت فرماندهی سرهنگ گیگوخان به تنگ زاهد شیر موصلت نمود، در ظرف این دوروزه الوار آنچه لازمه پافشاری بود نموده و در حملات خودشان به خرم آباد و استحکامات نظامیان اقدامات مجدّانه به عمل می آوردند. ولی در اثر جان فشانی و فداکاری نظامیان رشید از گرفتن نتیجه مأیوس گردیده با یک ناامیدی هر چه تمام تر قوای خود را مجبوراً عقب کشیده، به کلی چادر و اموال حشم شان را در دو شب قبل حرکت داده از جلگه خرم آباد فراری و مستواری گردیدند. لازم است مغلوبیت الوار را با ورود مقدمه اردو به کلیه صاحبمنصبان و نفرات اردو اعلان نموده و از قضیه آنها را مطلع نمایید و نیز از وضعیات آن ناحیه مستحضر دارید. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

### ۳۲۸

نمره ۱۸۳۰، ۱۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

مقرب الحضرت کدخدا حسین خان دیرکوند. با صدور احکامات لازمه از طرف ایالت جلیله دامت شوکته و خود اینجانب که از هر حیث وسایل راحتی خیال شما را تأمین و اطمینان قلبی را جهت شما تثبیت بشود تصور می رفت بدون فوت وقت متوسل به همان قول های محکم و مراحم بی آلایش نمایندگان دولت معظم متبوعه خود گردیده فوری به شهر آمده و خود را در دامن مهر و عطوفت ایالت جلیله و اینجانب انداخته و با ابراز خدمات

صادقانه مورد مراحم اولیای دولت و بندگان حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته واقع گردیده و از هر جهت مرفه الحال مشغول ادامه خدمات خود باشید. بالعکس از آن روز تاکنون در آمدن به شهر و استقبال نمودن خوش بختی و سعادت خود کوتاهی نموده همه را به طفره و مسامحه گذرانیدید. گرچه از شخص شما از آن موقع تاکنون خیانتی ظاهر نگردیده و چیزی که اسباب خیانت و عهدشکنی شما را نشان بدهد دیده نشده است، کامل صحبت قول خود را نشان داده و به سلامتی نفس خود را معرفی نمودید ولی از آنجایی که میل دارم این مدت خدمات شما را نتیجه داده و به سایرین نیز معلوم دارم که اشخاص خدمتگذار همه گونه مورد مراحم دولت واقع گردیده و ثمره حسن اعمال خودشان را چیده با تأمین آسایش و راحتی خیال آن ها دولت خدمات سلفشان را جبران خواهد نمود. لهذا می نویسم از این تاریخ الی ۴۸ ساعت دیگر لازم است با قوت قلب و اطمینان کامل حرکت نموده به شهر بیایید قول می دهم در هیچ گونه مساعدت در حق شما مضایقه نکرده و با مراحم دولت شما را انگشت نمای کلیه طوایف لرستان گردانم، و الا چنانچه باز در خیالات خود پافشاری نموده و در آمدن به شهر تردید پیدا نمایید به وسیله همین حکم گوشزد می نمایم که آن سوگند به کلام الله مجید و هر معاهداتی که در بین است به کلی ملغی و از درجه اعتبار ساقط خواهد بود، دیگر تقصیر متوجه خودتان بوده و ابدأ نباید در آتیه تصور نمایید که بدو از طرف اینجانب نسبت به شما کم مرحمتی دیده شده و یا برخلاف قول هایی که به شما داده ام رفتاری نموده ام. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی لرستان، محمد.

۳۲۹

نمره ۴۱۰، ۱۵ برج جوزا

مقام بندگان حضرت اجل ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت

شوخته. محترماً به عرض می‌رساند پس از پنج تیر توپ قسمت پیاده موفق به رفتن بالای کوه روبرو شد و مشغول پیشرفت می‌باشند، مطابق شده‌اند از بالای کوه با برج زمان‌خان. دو قله مانده که در دست دشمن است که مشغول جنگ. پیاده پیشرفت می‌کند و چون توپ نمی‌رسد یک رج جلوتر رفتیم که بتوانیم عملیات نماییم و سوار را هم پیاده کرده از جلگه برج زمان‌خان پیش می‌روند. هنوز دو قله در دست الوار می‌باشد. اگر سر برج کوه چند نفر سوار بفرستند خوب است که ارتباط با ما داشته باشد، چون عده ما مکفی نیست که عقب بگذاریم. فرمانده قوای اعزامی از تیپ، نایب سرهنگ حسین امیرعلایی.

۳۳۰

نمره ۱۸۵۳، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

فرمانده فوج دفاع. حسب الامر لازم است به فوریت سه نفر سوار معین نمایید بروند در برجی که بالای سر تپه سفید واقع شده پست باشند جهت ارتباط با قسمت نایب سرهنگ حسین‌خان که به تنگ رباط رفته‌اند. کفیل ارکان حرب، امجدالسلطان.

۳۳۱

نمره ۱۸۵۵، ۱ ظهر ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

نایب سرهنگ حسین‌خان. راپرت نمره ۴۱۰ ملاحظه. لازم است عملیات خودتان را در هر ساعت راپرت دهید البته جناح راست را باید کاملاً در نظر بگیرید که آسیبی به نظامیان وارد نیاید و نیز حکم دادم سه نفر سوار به برج روی کوه برای ارتباط از فوج دفاع اعزام دارند. حضرت امارت جلیله دامت شوکت هم امروز ساعت ۵ بعد از ظهر وارد می‌شود. رییس تیپ پیاده و فرمانده اردوی اعزامی لرستان، محمد.

### ۳۳۲

نمره ۱۵، جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت اجل ریاست تیپ و فرمانده اردوی لرستان دامت شوکتہ. محترماً به عرض می‌رساند، عده‌ای از اطراف رفته و برج را از محاصره درآورده الساعه که راپرت عرض می‌شود در تنگ رباط بحمدالله تمام سلامت ولی بمب‌انداز مقتول شده و نفرات برج فوق‌العاده مرعوب شده‌اند، اقلان نصف نفرات را باید عوض کرد و کوه‌های اطراف این قسمت کافی نیست و صلاح نمی‌باشد که افراد بمانند، چون کوه و جنگل‌های روبروی برج صادق که تخلیه شده دست دشمن و عده آن‌ها متجاوز از یک صد نفر می‌باشد و اگر اجازه فرماید، حسین خان هم عوض می‌شود چون خیلی کسل شده، اجازه می‌فرمایید خان‌بابا خان را بگذاریم و به او عده بدیم بعد عوض شوند. منتظر دستور مبارک می‌باشم. نایب سرهنگ حسین امیرعلایی.

### ۳۳۳

نمره ۱۸۵۹، ۱۵ ثور ۱۳۰۳.

[۱-] فرمانده قسمت اعزامی از تیپ پیاده راپرت شما ملاحظه. بدو از خدمات شما اظهار رضایت نموده و نیز لازم است رضایت مرا به صاحب‌منصب و نفرات برج‌های محصور ابلاغ داشته و احوالپرسی نمایید.

۲- خان‌بابا خان با معین نایب ستارخان را با چند نفر عده داوطلب در آنجا گذاشته، حسین خان را با نفراتی که صلاح می‌دانید به شهر بیاورید و به آن‌ها بگویید اردو وارد شد من بعد همه روزه قسمت ارتباط تا آنجا آمده و از حال نفرات تنگ مطلع خواهد شد.

۳- وقت مراجعت کردن نیز احتیاط را از دست نداده در موقع بازگشت به مواقع لازمه عده فرستاده پس از مطمئن شدن عبور نمایید. رییس تیپ پیاده لشکر غرب، محمد.

## ۳۳۴

نمره ۹۰۹، ۱۱ جوزا ۱۳۰۳.

رییس تیپ پیاده. خود من با کلیه اردوها فردا از شهر حرکت می‌نمایم. یک اردو در تحت ریاست سرهنگ گیگوخان فردا از رنگرزان به طرف زاغه تعرض خواهد نمود، خود من با نهایت عجله به طرف خرم آباد عازم خواهم بود. فعلاً نمی‌توانم مُعین کنم چه روز در تنگ زاهد می‌رسم. چنانچه قوای الوار در عرض راه قابل نباشد قطعی است زودتر خواهم رسید، و الا دوسه روز برای عملیات و محاصره آنها معطل خواهم بود، پس از آنکه قوای من به آبستان رسید البته چون توپ‌های سنگین با اردو است، صدای تیراندازی را شما خواهید شنید. چنانچه بتوانید قسمت کافی در خرم آباد ساخلو گذاشته خود شما با یک عده قوای زبده از شهر به خارج طرف مخمل‌کوه آمده از راه آسان<sup>۱</sup> جلو الواری را که از تعرض اردو متلاشی می‌شوند، سد نموده قسمتی [را] دستگیر نمایید، ۳ فروند طیاره در موقع عملیات اردو شرکت خواهند جست. امیر لشکر غرب، احمد.

## ۳۳۵

نمره ۱۸۲۸، ۱۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می‌رساند:

[۱-] در نتیجه آخرین شالوده‌ای که الوار برای تصرف شهر ریخته بودند، دیروز قبل از ظهر یک عده پیاده از پشت قلعه ماسور در جلگه افتاده از جوی و علف‌های بلند استفاده نموده به باغات و پُست‌های نظامیان اطراف عصر نزدیک غفلتاً شروع به حمله می‌نمایند. در همین حال عده سوار آنها یک قسمت به کوه سفید و عده زیادی نیز از طرف میل به تعرضات خود ادامه

۱. [آسان یا سر آسان یک معبر کوهستانی در مخمل‌کوه است بر سر راه شهر به ده پیر و ریمله].



دادند، ولی از مرحمت ایزدی و توجهات حضرت اجل در اثر آتش سریع نظامیان فداکار قوای مهاجم دشمن با دادن تلفات به حال مغلوبیت طرد و دفع گردیدند.

۲- متعاقب آن با کمال یأس کلیه چادرهای خود را که در دامنه کوه شاهنشاه و پشت قلعه ماسور زده بودند خوابانده با عجله اموال و احشام خود را جمع و عقب بردند.

۳- اردوی تحت فرمانده سرهنگ گیگوخان دیروز ۱ بعد از ظهر وارد تنگ زاهد گردیده.

۴- ارتباط با مشارالیه دایر و دستورات لازمه در تحکیم مواضع مهم به مشارالیه داده شد.

۵- دیروز پس از ورود عده به تنگ یک عده ۲۰۰ نفری برای جلوگیری از اردو از سمت کوه شاهنشاه حرکت کرده شب را در اطراف کوه مدبه و بین راه تنگ زاهد شیر و کوه شاهنشاه بودند ولی صبح امروز آن‌ها نیز عودت نموده به طرف طایفه خود رفتند. فعلاً از دشمن در جلگه و اطراف خرّم آباد کسی دیده نمی‌شود.

۶- چند روز بود که از طرف الوار برج‌های بین تنگ رباط محصور و فشار فوق‌العاده به پست‌ها وارد می‌آوردند. امروز یک عده مرکب از سوار [و] پیاده با آذوقه مکفی فرستادم که دشمن را متلاشی و آذوقه به آن‌ها رسانده و راحتی خیال آن‌ها را تأمین نمایند. رییس تیپ پیاده لشکر غرب، محمد.

۳۳۶

نمره ۱۸۴۹، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً در تعقیب نمره ۱۸۲۸، به عرض مبارک می‌رساند:

۱- دیروز یک عده مرکب از سوار و پیاده در تحت ریاست نایب

سرهنگ حسین خان به طرف تنگ رباط جهت رسانیدن آذوقه به برج‌های بین راه اعزام داشته در نزدیک تنگ با الوار مصادف پس از یک ساعت زدو خورد نظر به کثرت دشمن موفق به جلو رفتن نشدم مراجعت نمودم یک نفر از نظامیان گ ۴ [گروهان ۴] مقتول شد. امروز یک عده مکفی پیاده سوار با یک عراده توپ به تنگ اعزام که به هر وسیله است دشمن را متلاشی و به برج‌ها آذوقه برسانند. این شرارت فقط با حسنوندها و بیرانوندها بوده است که در اطراف تنگ رباط و سر آستان بوده اسباب زحمت پست‌ها را فراهم داشته‌اند.

۲— غلامعلی خان تا دو روز قبل با سیصد نفر در اطراف تنگ رباط بود، و با عده‌اش به طرف قلعه جوق حرکت کرده و کلیه چادرهایی که در اطراف خرم آباد بوده‌اند از سه روز قبل تا به حال چادرهای خود را به طرف کوه بالای شاهنشاه برده‌اند. به طوری که اطلاع حاصل کرده‌ام الوار در صدد جمع‌آوری جمعیت می‌باشند که مجدداً شرارت را تعقیب کنند. در خاتمه متمنی است قدغن فرماید ساعت ورود حضرت اجل را اطلاع دهند.

۳— قسمتی که برای تنگ رباط اعزام شده با الوار تصادف پس از چند تیر شلیک توپ الوار مغلوب و فراری شده. نظامیان آذوقه به برج‌ها رسانیدند. رییس تیپ پیاده غرب، محمد.

### ۳۳۷

نمره ۱۵،۱۰۴۳ برج جوزا ۱۳۰۳.

رییس تیپ پیاده. نمره ۱۸۲۸ ملاحظه شد. من امروز در ساعت ۵ بعد از ظهر وارد شهر خواهم شد به طوری که حکم کرده‌ام لازم است یک عده مکفی در تحت فرماندهی سرهنگ علی محمد خان برای محافظت شهر گذاشته خود شما با بقیه قوا تا پل کرگانه استقبال نمایید. امیر لشکر غرب، احمد.

### ۳۳۸

نمره ۱۸۶۴، لیل ۱۶ جوزا ۱۳۰۳.

سرهنگ گیگوخان فرمانده اردوی سیار. از قرار راپرت‌های واصله یک‌عده چهارصد نفری از الوار مرکب از سوار و پیاده امروز عصر به طرف کوه مدبه و تنگ بره عبور کرده‌اند. لازم است دستورات کافی به پست‌ها و مستحفظین اردوی خودتان بدهید که کاملاً در شب مواظبت نمایند که مبادا سوء حادثه رخ بدهد. رئیس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۳۹

نمره ۱۰۵۲، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

رئیس تیپ پیاده. لازم است برای ساعت ۹ صبح فردا ۱۶ جاری کلیه قوای جدیدالورود و آنچه که ممکن می‌شود از قوای ساخلوی سابق خرم‌آباد برای سان در تحت ریاست خودتان در محسن‌آباد حاضر نمایید. امیر لشکر غرب، احمد.

### ۳۴۰

نمره ۱۸۶۸، لیل ۱۶ جوزا ۱۳۰۳.

متحدالمال. لازم است فردا در ساعت ۸ و ۳۰ صبح کلیه عده جدیدالورود و آنچه که ممکن است از قوای ساخلوی سابق جهت سان ندگان حضرت امارت جلیله دامت شوکته، در جنب کاروانسرای محسن‌آباد که بیرون شهر است حاضر شوند، در حالت ستون رسد جبهه به طرف شهر سرستون از جلو محسن‌آباد شروع و به طرف کوه مدبه امتداد خواهد داشت و ترتیب ایستادن قسمت‌ها به طریق ذیل خواهد بود: موزیک، فوج آهن، فوج بهادر، فوج گارد سپه، کلیه توپخانه صحرائی و کوهستانی بسته و بار کرده، فوج دفاع، فوج مرگ به ترتیب ارشدیت خواهند ایستاد. فرماندهی کل به عهده

خود اینجانب خواهد بود. لازم است فرماندهان قسمت‌ها در نظافت لباس و غیره نقرات دقت کامل به عمل بیاورند. رئیس تیپ پیاده، سر تیپ محمد.

|           |                         |                     |
|-----------|-------------------------|---------------------|
| محل امضاء | فرمانده فوج             | فرمانده فوج توپخانه |
|           | فرمانده فوج مرگ         | فرمانده فوج دفاع    |
|           | فرمانده قسمت اعزامی تیپ | فرمانده فوج بهادر   |

### ۳۴۱

نمره ۱۸۷۳، ۱۶ جوزا ۱۳۰۳.

فرمانده قسمت اعزامی از تیپ پیاده. پانزده نفر سوار از بهادران ۲ فوج مظفر در معیت یک نفر وکیل کافی جهت ارتباط به تنگ رباط اعزام که تا تنگ رفته از وضعیات آنجا مستحضر و مراجعت نمایند. نیز دستور دهید موقع مراجعت در صورت امکان از کوه‌های جناح چپ تنگ بیایند که از حال دشمن در سر آسان نیز مستحضر شوند. رئیس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۴۲

رئیس تیپ پیاده. با وجود تأکیداتی که در خصوص کریم خان سگوند کرده‌ام، هنوز اقدامی راجع به او ننموده‌اید. لازم است راپرت دهید که اکنون در کجا و مشغول چه کار است. ۲۱ ثور، نمره ۱۸۷۳. ۱. امیر لشکر غرب، احمد. چون خرم آباد محصور بود در ۱۶ برج جوزا ۱۳۰۳ سیده است.

### ۳۴۳

نمره ۱۸۳۳، ۱۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

ریاست محترم تلگرافخانه خرم آباد. لازم است هر چه زودتر در ظرف ۲۴ ساعت سیم تا تنگ زاهدشیر دایر گردیده مخابرات تلفونی شروع شود این است لزوماً تأکید می‌کنم به اسرع وقت آنچه تیر و غیره لازم است با سیم به وسیله

غلام‌های تلگرافخانه ارسال داشته و قدغن دارید فوری شروع کرده سیم را دایر و اتصال دهند تا بین اردوها ارتباط پیدا شده. مجدداً بنویسید باید جدیت وافر در انجام این کار به خرج داده فوری سیم را دایر نمایند و نیز هر چه احتیاج از سیم و غیره دارید از ریاست تلگرافخانه بروجرد کتباً درخواست نمایید که جهت دایر نمودن سیم فوری بفرستند، و تقاضای پستی خودتان را بفرستید به دفتر ارکان حرب اردو که به وسیله پست نظامی ارسال گردد. رییس تیپ پیاده، محمد.

۳۴۴

نمره ۱۸۴۵، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

سرهنگ گیگوخان فرمانده اردوی سیار. شرحی حضور مبارک حضرت اجل امارت جلیله لشکر دامت شوکته عرض شده مقتضی است به وسایل ممکنه ارسال دارید، رییس تیپ پیاده، محمد.

۳۴۵

نمره ۱۴، ۱۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

حضور ریاست محترم اردوی اعزامی لرستان دام اقباله. در جواب مرقومه محترمه نمره ۱۸۱۳، حسب‌الحکم امروز صبح دو نفر غلام با دستورات لازمه برای اصلاح و دایر نمودن سیم تا تنگ زاهدشیر اعزام شدند. چهار ساعت بعد از ظهر مراجعت و اظهار می‌دارند که از پست محسن آباد الی تنگ زاهدشیر سیم و تیر به کلی از بین رفته و ابداً یک دانه تیر و یک ذرع سیم باقی نمانده است و نیز مطابق اظهارات اردویی که به تنگ زاهدشیر وارد شده و مراسله سلطان مدیر نظام از زاغه الی تنگ زاهدشیر هم خط تلگراف از بین رفته، سیم و تیر به کلی برچیده شده است. از زاغه به رنگرزان هم سیم و تیری باقی نمانده. با این ترتیب از رنگرزان و زاغه به خرم آباد باید سیم کشی جدید شود و در خرم آباد هم

سیم حتی به مسافتی تا نیمه راه تنگ نیست. همچنین تیر [و] مصالح باید تهیه شود. لهذا یا به تهران و بروجرد مراجعه که به اندازه کفاف سیم [و] سایر مصالح به اسرع وقت یا وجه ارسال دارند که به زودی تهیه تیر شده و شروع به سیم کشی شود. کفیل تلگرافخانه، محمد کاظم.

### ۳۴۶

نمره ۱۶، شب ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

بعدالعنوان. در جواب مراسله محترمه نمره ۱۸۳۳<sup>۱</sup> وضعیات سیم و جگونگی اصلاح و دایر نمودن آن را به شرحی تحت نمره ۱۴ عرض شده تصدیق می فرمایید که با دست تهی و عدم مصالح از قبیل سیم و غیره نمی توان به این تعجیل سیم را دایر نمود. لهذا تلگراف و مکتوب کامل لازم به تهران و بروجرد نوشته که توسط پست پرنده نظامی به بروجرد ارسال گردد و برای ملاحظه ریاست محترم سر پاکت را باز گذاشته ام. بنده کما فی السابقی جدیت در دایر نمودن سیم داشته و خواهم داشت امیدوارم که وسایل اصلاح آن زودتر فراهم شود چنانچه از طرف حضرت امارت جلیله لشکر هم تلگراف در تأیید تلگراف بنده به وزارت جلیله پست و تلگراف مخابره شود، فوق العاده به موقع و نتیجه مطلوبه را زودتر خواهد بخشید. کفیل تلگرافخانه، محمد کاظم.

### ۳۴۷

نمره ۱۸۴۶، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم حضرت امارت جلیله لشکر غرب دامت شوکته. محترماً به عرض مبارک می رساند در این مدت محصوریت الوار هر چه توانسته اند سیم تلگراف را جمع و تیرهای آن را از بین برده اند، پس از ورود مقدمه اردو به تنگ زاهد شیر به کفیل تلگرافخانه خرم آباد سخت گرفته، حکم دادم به فوریت سیم

بین خرّم آباد و تنگ زاهدشیر را دایر نمایند که بتوان با تلفون صحبت کرد. شرحی از طرف محمد کاظم میرزا کفیل تلگرافخانه خرّم آباد رسیده که جهت استحضار خاطر مبارک سواد آن را لفاً تقدیم و خود مشارالیه نیز تلگرافی به رییس تلگرافخانه کل و رییس تلگرافخانه بروجرد نوشته و تقاضای سیم و غیره نموده است. آن ها نیز فرستاده شد. پس از آنکه از نظر مبارک گذشت قدغن فرماید با پست پرنده ارسال شوند و مستدعی است چنانچه مقتضی باشد از طرف حضرت اجل نیز در ارسال سیم تأکید شود که هر چه زودتر سیم خرّم آباد تا بروجرد دایر گردد. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۴۸

نمره ۱۰۴۲، ۱۵ جوزا ۱۳۰۳.

رییس تیپ پیاده، لازم است دو نفر بنا و پنجاه نفر عمله با سیم و سیمکش فوراً به تنگ زاهدشیر اعزام دارید. توضیحاً تذکر می‌دهم که در اعزام بنا و عمله و همچنین فرستادن سیم و سیمکش عجله نمایید. امیر لشکر غرب، احمد.

### ۳۴۹

نمره ۳۰۵۹، ۱۴ برج جوزا ۱۳۰۳.

حضور ریاست محترم تیپ پیاده و معاونت قوای لرستان و خوزستان دام اقباله. محترماً خاطر عالی را مستحضر می‌دارد برج‌های اطراف تنگ زاهدشیر تا اندازه‌ای خراب و سقف آن‌ها به کلی سوخته است. متمنی است امر فرماید تیر و ادوات بنایی با بنا برای تعمیر برج‌ها فوراً اعزام و ارسال دارند. خاتماً متمنی است قدغن فرماید در کشیدن سیم تلفون زاهدشیر تسریع نمایند. فرمانده اردوی سیار غرب، گیگو.

### ۳۵۰

نمره ۱۸۶۵، لیلہ ۱۶ جوزا ۱۳۰۳.

فرمانده گروهان مهندس. لازم است فردا صبح زود پنجاه نفر عمله با ۳ نفر

بنا بفرستید بروج بین راه خرم آباد تا تنگ زاهد شیر را که خراب شده است فوری تعمیر نمایند که پست نظامی برقرار شود. رییس تیپ پیاده، محمد.

### ۳۵۱

نمره -، ۱۶ برج جوزا ۱۳۰۳.

مقام محترم بندگان ریاست اردوی اعزامی لرستان دامت شوکته. با کمال احترام به عرض مبارک می‌رساند امروز صبح معین نایب اول اسمعیل میرزا با شصت نفر عملجات برای تنگ و بروج با چند نفر سوار مأمور ساختمان اعزام داشته در بین دو برج اول و دوم چند نفر از الوار از داخل علف و سنگ‌ها به سمت آن‌ها تیراندازی می‌نمایند سوارهایی که جلو بوده‌اند و عملجات عقب آن‌ها بود به تاخت به سمت تنگ زاهد می‌روند. نظامی‌های پست به خیال اینکه از الوار هستند آن‌ها هم تیراندازی می‌نمایند. عملجات رو به عقب فرار کرده. معین نایب و نظامی‌ها به سمت جلو به سمت تنگ عقب سوارها می‌روند و از آن‌ها اطلاعی نرسیده است. فرمانده گروهان مهندس، محمدرضا نایب اول.

### ۳۵۲

نمره ۱۰۶۵، ۱۶ برج جوزا ۱۳۰۳.

خدمت ریاست محترم تیپ پیاده دام اقباله. حسب الامر مبارک لازم است به فوریت دو نفر نویسنده ماهر و خوش خط با دو دستگاه میز و صندلی و لوازم التحریر برای خدمت در دفتر ارکان حرب قوا اعزام فرمایید. متصدی [ی] ارکان حرب قوا، عباس قلی نایب سرهنگ.

### ۳۵۳

نمره ۱۸۸۳، ۱۶ برج جوزا ۱۳۰۳.

متصدی محترم ارکان حرب قوا. در جواب نمره ۱۰۶۵ اشعار می‌دارد



نویسنده که اعزام شود نیست. میز و صندلی هم باید به وسیله حکومت نظامی تهیه نموده، لوازم تحریر را نیز از بروجرده بخواهید در این دفتر فعلاً وجود ندارد. رییس تیپ پیاده، محمد.

۳۵۴

نمره ۱۸۸۱، ۱۶ برج جوزا

فرمانده قسمت اعزامی از تیپ. لازم است چهار نفر نظامی چیز فهم زرنگ تعیین نموده به دفتر ارکان حرب قوا نزد نایب سرهنگ عباس قلی خان اعزام دارید که به شغل امربری گماشته می شوند. رییس تیپ پیاده، محمد.

# لشکرکشی به طرهان

## مقدمه

در اواخر سال ۱۳۰۳ پس از فروکش کردن بحران ناشی از محاصره خرم آباد، امیراحمدی به مرکز احضار گردید و فرماندهی لشکر غرب به سرتیپ خزاعی محول شد. پس از ورود وی به خرم آباد در سال ۱۳۰۴، شاه‌بختی نیز به تهران بازگشت.<sup>۱</sup> دوران امارت لشکر خزاعی چندان به درازا نکشید، ولی در همین دوران کوتاه نیز برخی از اقدامات او چون فریب و اعدام ناحق چهارده تن از سران طوایف خدمتگزار لر، باعث بروز یک رشته شورش‌ها و ناآرامی‌های جدید شد و در نتیجه در دی ۱۳۰۵ شاه‌بختی از نو به ریاست لشکر غرب منصوب گردید.<sup>۲</sup>

از اوایل تابستان دامنۀ این ناآرامی‌ها چنان بالا گرفت که حتی جراید مرکز که در آن ایام برخلاف سال‌های پیش به ندرت از امکان انعکاس تحولات واقعی کشور برخوردار می‌شدند نیز شمه‌ای بیان داشتند؛ از بروجرد به وزارت داخله و از آن وزارتخانه نیز به جراید گزارش شد که «... اخیراً عده [ای] قلیل از اسوار و اشرار لرستان در آن حدود شروع به پاره‌ای عملیات شرارت‌آمیز نموده، برای سرکوبی و مطیع نمودن آن‌ها عده قوای نظامی به تعقیب آنان اعزام گردیده، آن‌ها را متواری و سرکوبی نموده‌اند».<sup>۳</sup> ولی میزان درگیری‌ها به مراتب بیش از این صحبت‌ها بود و سرکوب اشرار نیز نه به این سهولت. در واقع از اواسط تیرماه، با استقرار دسته‌های شورشی بیرانوند در اطراف دره‌دراز و تنگ زاهدشیر، ارتباط خرم آباد-بروجرد عملاً

۱. حاجعلی رزم‌آرا، جغرافیای نظامی ایران، لرستان، تهران، ۱۳۲۰، ص ۱۵.

۲. پیشین، ص ۱۶؛ احمد امیراحمدی، خاطرات نخستین سپهبد ایران، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ۲۶۰-۲۶۲.

۳. روزنامه ستاره ایران، ۱۲ تیرماه ۱۳۰۶.

قطع شده بود. علاوه بر این، تلاش مقامات دولتی برای احداث و تسطیح جاده خرم‌آباد به دزفول نیز با پاره‌ای مقاومت‌های محلی روبرو گردید. لهذا وزارت فوائد عامه از وزارت جنگ خواست که برای حفاظت از عملیات راهسازی، قوای نظامی مستقر در خرم‌آباد را افزایش دهد.<sup>۱</sup>

با این حال، مشکل اصلی محور ارتباطی خرم‌آباد-بروجرد بود که به گزارش حاکم خرم‌آباد بیرانوندها با «...جمعیتی از قرار معلوم تقریباً هزار نفر...» که قریب به نصف یا بیشتر تفنگ دارند» و با «بیرق سهرنگ ملی با طبل» در پیشاپیش قوای خود، بر آن مسلط بودند.<sup>۲</sup>

در اواخر تیرماه قوایی مرکب از واحدهای نظامی و سوارهای چریک بختیاری که به تازگی وارد خرم‌آباد شده بودند تحت فرماندهی نایب سرهنگ ولی آقاخان امیراحمدی برای گشودن راه به سمت هرو اعزام شدند. در برخوردی که در ۲۷ تیر در گردنه پینه رخ داد، قوای دولتی با برجای گذاشتن تلفات سنگینی، (از جمله سلطان رحمن خان فتحی، فرمانده گردان دوم هنگ مختلط گارد سپه و تقی خان بیرانوند که در کنار نظامی‌ها بود)، وادار به عقب‌نشینی شدند.<sup>۳</sup>

در پی این تحولات، شاه‌بختی مجبور شد قوایی را که در اوایل همان ماه به فرماندهی سرهنگ محمدعلی خان بلوچ برای مذاکره با علی‌محمدخان طرهانی به چگنی اعزام داشته بود به خرم‌آباد فراخواند. چنین اعلام شد که یک قوای امدادی نیز از تهران اعزام شده است.<sup>۴</sup> قوایی نیز به سرپرستی یاور ابراهیم خان ارفع از کرمانشاه راهی خرم‌آباد شد و دو روز پس از ورود او به شهر قوای امدادی تهران نیز فرارسید.<sup>۵</sup>

در واقع تحول عمده‌ای که در این میان صورت گرفته بود، و مواردی چون تجری شورشیان بیرانوند و دستبردهای آنان بر راه بروجرد-خرم‌آباد جز تبعات آن چیز

۱. پیشین، ۲۸ تیرماه ۱۳۰۶.

۲. گزارش حکومت خرم‌آباد، ۲۴ تیرماه ۱۳۰۶ (اسناد ضمیمه، شماره ۱).

۳. رزم‌آرا، همان، ص ۱۷؛ گزارش حکومت خرم‌آباد، ۲۹ تیرماه (اسناد ضمیمه، شماره ۲)؛ وزارت جنگ، تاریخ جاوید، تهران، چاپخانه ارتش، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴. گزارش حکومت خرم‌آباد، ۲۹ تیرماه (اسناد ضمیمه، شماره ۲).

5. General Hassan Arfa, *Under Five Shahs*, William Morrow and Co., N.Y. 1965, pp. 209-11.

دیگری محسوب نمی‌شد، سرپیچی علی‌محمدخان طرهانی (امیراعظم) از فرمان حکومت بود. علی‌محمدخان، فرزند ارشد نظرعلی‌خان امیراشرف که در بسیاری از مراحل پیشین اردوکشی‌های دولتی در لرستان از نیروهای طرفدار دولت محسوب می‌شد و عاملی مهم در حفظ نظم، اینک راه و روال دیگری در پیش گرفت. امیراحمدی علت تمرد و نافرمانی او را حاصل سوء سیاست ایلی شاه‌بختی می‌داند، که از روی رقابت و همچشمی با او سعی داشت علی‌محمدخان را که مورد اعتماد امیراحمدی بود کنار زده، و امان‌الله‌خان غضنفری را به‌جای او برپا دارد.<sup>۱</sup> در پاره‌ای از منابع برای این حرکت ابعادی به مراتب بیش از یک نارضایی مقطعی ترسیم گردیده و از آن به‌عنوان بخشی از توطئه سرهنگ محمودخان پولادین و تنی چند از دیگر سران عشایر غرب بر ضد رضاشاه یاد شده و همچنین به‌صبغه اسلامی آن اشاره شده است.<sup>۲</sup> اگرچه بررسی ارتباط شورش علی‌محمدخان با ماجرای محمودخان پولادین محتاج دسترسی به اسناد و مدارک بیشتری است، ولی رنگ و روی اسلامی آن و اینکه «علی‌محمدخان غضنفری قیام خود را 'حرکت قشون اسلامی' و خویشان را فرمانده قوای اسلامی و دستیار خود، میرمیرزا محمدخان تیمورپور از سران طایفه میر ایل درکوند لرستان را رئیس ارکان حرب قشون اسلامی می‌خواند» و در اسنادی که میان خود آنها و نیروهای دولتی ردوبدل شده نیز از این عناوین استفاده می‌شد.<sup>۳</sup> امری است که در اسناد این مجموعه نیز به تأیید رسیده و شایسته بررسی بیشتر می‌باشد.<sup>۴</sup> به هر حال در ادامه این ناآرامی‌ها پس از گشایش و تأمین راه بروجرد-خرم‌آباد و یک‌رشته درگیری‌های پراکنده که به نتیجه‌ای قطعی منجر نشد،<sup>۵</sup> شاه‌بختی برخلاف نظر امیر انتصار حکمران بروجرد و لرستان، دست به یک لشکرکشی گسترده زد. چنین به نظر می‌آید که در آغاز شاه نیز بیشتر به «اقدامات مدبرانه سیاسی» تمایل

۱. امیراحمدی، خاطرات، ص ۳۱۷.

۲. به‌نوشته آقای اردشیر کشاورز: «...قیام علی‌محمدخان که ریشه در همکاری عمیق با عوامل نظامی درون ارتش رضاخان و افراد عشایری گسترده داشت در پی لو رفتن و کشف توطئه ترور رضاخان توسط سرهنگ محمودخان پولادین و دیگر نظامیان همکار و از طرفی عدم مساعدت و همکاری لازم از ناحیه غلامرضاخان امیر جنگ آخرین والی پشتکوه... با وساطت امیر اشرف که با سپهد امیراحمدی دوستی و مودت داشت» پایان پذیرفت. (بنگرید به اردشیر کشاورز، نقدی بر کتاب ایلات و طوایف کرمانشاهان، شماره ۲۹، روزنامه باختر، کرمانشاه، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۳، ص ۹).

۳. کشاورز، پیشین.

۴. ص ۲۹۰ همین بررسی.

۵. رزم‌آرا، همان، ص ۱۷.

داشته و سردار انتصار هم در همین زمینه اقداماتی را آغاز کرده بود که به علت لشکرکشی شاه‌بختی به نتیجه نمی‌رسد.<sup>۱</sup>

قوای شاه‌بختی پس از ترک خرّم‌آباد در ۱۲ آبان ۱۳۰۶، از طریق مسیر چم‌قرق-کاگیان-دوآب کشکان-چنار برد آغل و پل مادیان رود، بدون برخوردی با شورشیان لُر در ۱۷ آبان در منطقه سرخ‌دُم مستقر می‌شود. در این مرحله هدف اصلی او سرکوب نیروهای بیرانوند و قره‌لیوند و کوشکی است که در زیویار و کوشکی و چول‌حول مستقر بود. و چنانچه اشاره شد حتی در این امر از علی‌محمدخان نیز تقاضای همکاری دارد. ولی هنوز یک روز از استقرار نیروهای دولتی در سرخ‌دُم نگذشته بود که از هر سو مورد حمله قرار گرفته و محاصره می‌شوند.

در حالی که جنگ و جدل در اطراف اردوی دولتی ادامه داشت، شاه‌بختی از سرهنگ مهدیقلی‌خان تاجبخش که در رأس قوایی از کرمانشاه به پشتکوه آمده بود، خواست که برای سرکوب لُر‌ها به هلیلان بیاید. علاوه بر این از سرهنگ محمدعلی‌خان بلوچ نیز خواست که با نیروهایش بر چول‌حول هجوم آورد تا از فشار موجود بر اردوی سرخ‌دُم کاسته شود. ولی پس از گذشت یک هفته نه تنها از فرارسیدن ستون‌های تحت فرمان سرهنگ بلوچ و سرهنگ تاجبخش خبری نشد، بلکه قوای سرهنگ حسن‌آقا نیز که دستور داشت از دوآب کشکان حلقه محاصره را شکافته و به اردو آذوقه و مهمات برساند، در این امر شکست خورد. سرهنگ حسن‌آقا با گردآوری افراد باقیمانده از افواج نادری و گارد پیاده پهلوی در خرّم‌آباد، عصر روز ۲۵ آبان شهر را ترک کرده بود، آنگاه پس از گردآوری پست‌های راه در دوآب کشکان مستقر می‌شود. ولی پیش از آنکه بتواند برای رساندن تدارکات به سرخ‌دُم اقدام کند، تحت محاصره لُر‌ها قرار گرفته و تنها پس از دو روز مقاومت و با فرارسیدن قوای یاور ابراهیم‌خان از فوج سوار پهلوی است ده می‌تواند از حلقه محاصره نجات یافته و به خرّم‌آباد عقب‌نشینی کند.<sup>۲</sup>

از این مرحله به بعد، یا به دلیل قدرت نیروهای تحت فرمان شاه‌بختی و یا در پی

۱. گزارش حکومت بروجرد و لرستان، ۱ آذر ۱۳۰۶ (اسناد ضمیمه، سند شماره ۶).

۲. گزارش حکومت خرّم‌آباد، ۳ آذر ۱۳۰۶ (اسناد ضمیمه، سند شماره ۷). با آنکه تیمسار ارفع در خاطرات خود (بنگريد به ياورقي شماره ۸) به این موضوع اشاره‌ای ندارد، ولی یاور ابراهیم‌خان، از فوج سوار پهلوی که در گزارش فوق ذکر شده، احتمالاً یاور ابراهیم‌خان ارفع است.

تدابیر سیاسی دیگر مقامات حکومتی و چهره‌های سرشناس محلی از وخامت اوضاع کاسته شد. امیراحمدی در خاطرات خود می‌نویسد سردار انتصار به کمک امیر لشکر طهماسبی که در آن وقت وزارت فوائد عامه را بر عهده داشت «... با چند نفر از علماء و ریش سفیدان خرّم آباد به طرهان رفتند و پس از اطمینان به علی محمدخان او را راضی کردند که از محاصره شاه‌بختی دست بردارد...»<sup>۱</sup> هرچند در دیگر اسناد و نوشته‌های موجود به‌ویژه گزارش‌های شاه‌بختی نشانی دال بر تأیید این مدعا مشاهده نمی‌شود، مع‌هذا در همین مرحله است که نظر علی‌خان غضنفری، پدر علی محمدخان به اردوی شاه‌بختی ملحق شده و برای جلب نظر مساعد ایلات و عشایر منطقه فعالیت می‌کند و عباس‌خان قبادیان (امیر مخصوص) نیز که ظاهراً راه ترمرد در پیش گرفته بود، از در تسلیم می‌آید.<sup>۲</sup> و این دگرگونی خود مبین نوعی تغییر و تحول سیاسی است. به هر تقدیر، پس از ده دوازده روز محاصره، قوای تحت فرمان سرهنگ بلوچ - ظاهراً پس از ناکامی در پیشروی به سوی چول‌حول و بازگشت به خرّم آباد - همراه با بقایای ستون سرهنگ حسن‌آقا از مسیر چمشک - چم‌قرق به دوآب کشگان آمده بود، در اوایل آذر با استقرار در کوه‌وراز به اردوی سرخ‌دُم ملحق می‌شود. در پی تخلیه قلعه کوه‌دشت نیز ستون تحت فرمان سرهنگ تاجبخش از طریق هلیلان پیشروی کرده و در قلعه مزبور مستقر شد.

نیروهای شاه‌بختی از محاصره، و خطر انهدام کامل رستند ولی به حل و فصل

۱. امیراحمدی، خاطرات، صص ۱۸-۳۱۷.

۲. در گزارش عملیات طرهان، جز یکی دو اشاره گذرا به امیر مخصوص قبادیان، اشاره‌ای به ترمرد آشکار او مشاهده نمی‌شود. حتی در نامه‌ای که پیش از تسلیم به اردوی شاه‌بختی فرستاد، نوشته است: «... نظر به اینکه من به طرف باوندپور برای سرکشی به امورات خود رفته مورد مخالفت حکومت آنجا واقع گردیدم برای شرفیابی به کوه‌دشت آمدم...» که می‌شنود وقایع مزبور پیش آمده (بنگرید به وقایع یوم ۲ آذرماه ۱۳۰۶). احتمالاً او نیز همانند علی محمدخان غضنفری از ابراز ترمرد آشکار احتراز داشته است. عباس‌خان قبادیان از بدو تشکیل لشکر غرب در اکثر لشکرکشی‌های آن سامان با نظامیان همراه بود ولی در سال‌های آخر یعنی ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ بنا به دلایلی که روشن نیست از دولت روی گردان شد. در یکی از منابع، علت ترمرد وی به تحریکات دولت انگلیس نسبت داده شده است «... و چون بوی فنا به مشامش رسید در فکر رابطه با مامورین انگلیس در نوار مرزی افتاد، به میان ایل کلهر بازگشت اما چندان مورد استقبال واقع نگردید...» و بالاخره پس از الحاق به شورش علی محمدخان غضنفری و ناکامی این حرکت، تسلیم شد. محمدعلی سلطانی، ایلات و طوایف کرمانشاهان، ج ۲، ج ۲، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۰۶ آقای کشاورز در سلسله مقالاتی که به تقد کتاب گرانقدر آقای سلطانی اختصاص داده‌اند، این نکته را نیز مورد بحث و پرسش قرار داده‌اند. اردشیر کشاورز، پیشین، باختر، ۶ و ۱۳ و ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۳.

مشکل اصلی که سرکوب علی محمدخان بود نزدیک نشدند. تازه اول کار بود. علی محمدخان با گروه جمع و جوری از نیروهای تابع، همچون هر نیروی چریک متعارف، به راحتی از محلی به محل دیگر رفته در عین تشجیع دیگر نیروهای مخالف به مقاومت، آن‌هایی را نیز که از در تسلیم آمده بودند به دست چپاول می‌داد. تلاش نیروهای دولتی برای غافلگیر ساختن او، مانند ماجرایی توه خشکه در اواسط آذر، به نتیجه نرسید. بخش عمده قوای شاه‌بختی از سرخ‌دم به سمت کُمیر، سپس به سوی قلعه آسو (آسان) پیش رفتند و جز شرایط نامساعد جوی در برخی اوقات، مانع عمده‌ای در پیش روی نیافتند. در واقع در این مرحله چنین به نظر می‌آید که بار اصلی زد و خورد با گروه‌های شورشی را یکی دو هواپیمای اردو بر عهده داشتند که گهگاه «محل تجمع اشرار» را بمباران می‌کردند. در مواردی چند نیز که ستون‌های سبک نظامی دست به کار می‌شدند، احشام و مایملک لُر‌ها بود که هدف حمله و غارت نیروهای دولتی قرار می‌گرفت و نه گروه‌های رزمی آنها<sup>۱</sup>

بالاخره قوای شاه‌بختی در اوایل بهمن به سمت خرّم‌آباد بازگشتند. به نوشته رزم‌آرا که خود از افسران حاضر در صحنه بود «نتیجه حرکت ستون‌ها خلع سلاح قسمت عمده از الوار خدمتگذار بوده و لاکن غائله اشرار خاتمه نیافت»<sup>۲</sup>. در واقع با توجه به تحولات بعدی منطقه، چنین به نظر می‌آید که اصولاً «غائله» ای در کار نبود و کل عملیات طرهان «سوء تفاهمی» پیش نبوده است. در اواسط فروردین ۱۳۰۷ امیر لشکر امیراحمدی که از اسفند گذشته تحت عنوان رسیدگی به امور امنیه ولی عملاً برای بررسی علل ناآرامی‌های لرستان در بروجرد بود، همراه با رضاشاه وارد لرستان شد. به نوشته امیراحمدی فردای آن روز به محض آنکه شاه «... چشمش به شاه‌بختی افتاد متغیّر شد و گفت: این کثافت کاری‌ها چه بود که کردی؟ چرا اردو به این طرف و آن طرف بردی که این رسوایی‌ها را بار بیاوری؟» و دستور داد وی را خلع درجه کنند<sup>۳</sup>.

در نتیجه امیراحمدی از نو به امارت لشکر غرب منصوب شد. وی در اولین حکم عملیاتی خود که در ۲۳ فروردین منتشر کرد «... نظر به تکدّری که خاطر خطیر

۱. بنگرید به وقایع ۳ و ۴ دی ماه ۱۳۰۶.

۲. رزم‌آرا، پیشین، ص ۱۸. در این گزارش‌ها از او به عنوان یاور حاجی علی خان یاد شده است.

۳. امیراحمدی، خاطرات، ص ۳۲۶.

ملوکانه ارواحنا فداه از طرز عملیات صاحبمنصبان و افراد لشکر و نظامیان مأمور این صفحه فرموده‌اند...» خاطرنشان ساخت «... قسمتی که به هیچ وجه قابل عفو اغماض نخواهد بود، آلائشات مادی صاحبمنصبان و افراد، اعم از قسمت‌های داخلی قوای این صفحه و یا مأموریت‌های خارجی که مورد تماس با اهالی است، که به طور عموم باید بدانند با آنکه از عملیات گذشته احدی صرف نظر نمی‌شود، متخلفین با شدیدترین وضعی مورد قهر و غضب ملوکانه واقع شده و سیاست خواهند گشت. در آتیه نیز مرتکبین کوچکترین آلائشات مادی به بزرگترین و شدیدترین مجازات‌ها تنبیه خواهند گردید»<sup>۱</sup>.

در طول اقامت رضاشاه در لرستان بسیاری از رؤسای لر مانند علی محمدخان غضنفری، منصورخان بیرانوند و پسرش عزیزخان که در نتیجه «سوء تفاهات» پیشین یاغی شده بودند، تأمین یافته و به خدمت نیروهای دولت درآمدند. رؤسای چگنی نیز به حضور شاه «... عارض شدند که در زمان اردوگشی تعدیاتی نسبت به آن‌ها شده است و بی جهت اموالی از آن‌ها برده‌اند. فوراً امر فرمودند کمیسیونی تشکیل، کلیه اموال حضرات چگنی را از مرتکبین مسترد داشته و از روی صورت و سیاهه تا دینار آخر به صاحبانش برسانند و این اقدام بدون درنگ به عمل آمد و حقیقه در تاریخ لرستان بی نظیر است. به طوری این عدالت نوشیروانی در قلوب لرستانی‌ها اثر کرد که متوحش‌ترین سرکردگان و طوایف آن به هیچ قول و قراری اطمینان حاصل نمی نمودند بلافاصله در خرم آباد حاضر شدند و اسلحه خود را تسلیم کردند»<sup>۲</sup>. اگرچه جز برخی از سران شاکی لر یا آن‌هایی که از قبل تأمین داشتند، کسی در خرم آباد حاضر نشد و این «عدالت نوشیروانی» هم مانند نمونه اصلیش اساس و دوامی نداشت، ولی همین مختصر ایام فترت و وقفه در این جنگ‌های مستمر شش سال اخیر، ده چهارپنج سال دیگر نیز به طول انجامید) لا اقل از لحاظ انعکاس گسترده‌تر جوانبی چند از این لشکرکشی‌ها که معمولاً ناگفته می ماند مؤثر شد.

در تهران روزنامه شفق سرخ در گزارش تحولات لرستان ضمن اشاره به آزادی کسانی چون حسین خان پاپی که ظاهراً بی جهت زندانی شده بودند، نوشت که سرتیپ محمدخان شاه‌بختی به جرم ارتشاء در ایام تصدی لشکر غرب تحت‌الحفظ به تهران

۱. امیراحمدی، اسناد نخستین سپهد ایران، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۷.  
۲. روزنامه شفق سرخ، ۲۷ تیر ۱۳۰۷.



اعزام شد<sup>۱</sup> و جریده حبل المتین که در کلکته چاپ می‌شد و به اندازه جراید داخل کشور پروای سانسور نداشت، با صراحت بیشتری نوشت: «... در حدود لرستان به واسطه طمع‌ورزی فرمانده [لشکر] غرب هنوز تغییری در آن حادث نشده و همه‌ساله به اسم فرونت لرستان از خون دل این ملت ضعیف باید مبلغ‌ها مصرف شده و جوان‌های رشید نظامی همه‌ساله باید عده کثیری قربانی حرص و طمع رؤساء گردد. مخصوصاً از وقتی که سرتیپ محمدخان شاه‌بختی به ریاست و فرماندهی لشکر غرب منصوب آمد. این مرد طماع رشوه‌خور به قسمی الوار را از دولت ترساند که خیلی باید زحمت کشید تا مجدداً اعتماد به دولت نمایند...» و پس از اشاراتی چند به شیوه‌های مختلف نظامیان در اخاذی از لرها و فساد حکمفرما بر قشون، به طعنه از شاه‌بختی نوشت که «... خودش اظهار داشته بود که الوار، ایرانی پاک‌نژاد هستند و ما میل نداریم آن‌ها را بکشیم (ولی مال آن‌ها جهت مصارف شخصی مباح است)»<sup>۲</sup>.

مع‌هذا این دوران فترت نیز به‌درازا نکشید و با آمادگی مجدد نیروهای نظامی جنگ و گریز سابق، با تغییراتی چند از سر گرفته شد. با عزل شاه‌بختی و انتصاب امیراحمدی به ریاست لشکر غرب، در اصل موضوع که لشکرکشی به اطراف و اکناف لرستان بود تغییری حاصل نشد؛ جنگ و جدل تا سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۱۱ به همان صورت بالنسبه مستمر ادامه یافت و در سال‌های بعد نیز شورش‌ها و یاغیگری‌های پراکنده. عملیات طرهان در فاصله آذر تا بهمن ۱۳۰۶ که گزارش آن در بخش بعدی ارائه شده است، خود فصلی است از این حکایت طولانی.

۱. پیشین، ۹ اردیبهشت ۱۳۰۷.

۲. روزنامه حبل المتین، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۷.

## اسناد

### شرح عملیات یوم ۱۲ آبان ۱۳۰۶

یوم دوازدهم آبان ستون اول و دوم از خرّم آباد حرکت نمودند. ستون اول شب را در چم قرق<sup>۱</sup> متوقف گردید. بعد از ظهر یوم مزبور به شدت بارندگی شد. از خرّم آباد به چم قرق از خط شوسه پانزده کیلومتر است. وضعیت نظامی خطّ مزبور به قرار ذیل است: از خرّم آباد الی دوراه پشت ماسور (خط شاهنشاه و خط شوسه) طرفین جاده جلگه، پس از دوراه جناح چپ، کوه شاهنشاه و تپّه و ماهورهای چم قرق، جناح راست رود خرّم آباد عوارضات جغرافیایی خیلی زیاد. مستحفظی جناحین در عرض راه خالی از زحمت نیست.

### شرح عملیات مورخه ۱۳ آبان ۱۳۰۶

یوم سیزدهم اردو در گاکیان<sup>۲</sup> متوقف گردید باز هم بارندگی شده و به واسطه فقدان چادر اسباب زحمت نفرات را فراهم نموده، وضعیّات نظامی جغرافیایی فاصله بین چم قرق و گاکیان دوازده کیلومتر. جناح راست جاده رود خرّم آباد و در آن طرف رود دنباله های کوه گچ عوارض جغرافیایی در سمت راست خیلی زیاد و مستحفظی ستون شکل، جناح چپ امتداد کوه شاهنشاه و تنگ شوراب باز هم عوارض بسیار، لیکن مستحفظی آن سهل تر از جناح راست است.

### شرح عملیات مورخه ۱۴ آبان ماه ۱۳۰۶

دوآب کشگان. یوم چهارده اردو در ساعت ۱۰ صبح به طرف دوآب کشگان

حرکت و شب در آن طرف آب کشگان توقف نمود. وضعیت جغرافیای عرض راه: جناح راست رود خرم آباد عوارضات جغرافیایی بسیار. آن طرف رود باز هم دنباله کوه گچ که رشته از کوه یافته است دارای جنگل است. درّه ها و دنباله های متعدد جناح چپ دنباله کوه هشتادپهلوی تنگ تیر دارای جنگل و عوارضات است. مستحفظی جناحین خالی از زحمت نیست.

آب کشگان در این فصل قابل عبور است لیکن به واسطه سرعت سیر رودخانه نمی شود از همه جای آن عبور نمود. باید از گذارهای مخصوص که بهترین آن در ابتدای دو آب است عبور کرد. وضعیت جغرافیایی دو آب برای اردوگاه از هر حیث خوب و قابل توجه است.

#### شرح عملیات مورخه ۱۵ آبان ماه ۱۳۰۶

دو آب کشگان. یوم ۱۵ آبان اردو در دو آب راحت باش نموده. در صدد کسب اطلاع از وضعیت اشرار برآمد. طایفه شاه کرم که از سایرین نزدیکتر هستند و چند روز قبل هم که خبر حرکت اردو را شنیده بودند به شهر آمده و تأمین خواسته بودند، به اردو احضار شدند.

اطلاعات راجع به محل توقف اشرار: کمافی السابق خوانین زینب<sup>۱</sup> و یک عده از پیرانوندها در زیویار. بختیار و چغندر و اتباع آنها در محل کوشکی نزدیک گرشوراب کدخدابو در چول حول جودکی متوقف و از حرکت اردو مستحضر نشده اند. شرحی به علی محمدخان نوشته شد که در این موقع در سرکوبی اشرار اقدام نماید.

#### شرح عملیات مورخه ۱۶ آبان ماه ۱۳۰۶

چنار بردآغل. یوم ۱۶ آبان اردو در ساعت هشت صبح از طریق درّه دراز کوچک و گردنه خاک دانه به چنار بردآغل حرکت نمود. راه نسبتاً بد نیست لیکن به واسطه عوارضات متعدد مستحفظی جاده خیلی سخت است. در تمام امتداد جاده جنگل بسیار هست ولی آب اصلاً وجود ندارد، مگر در آب تاف که در سمت جنوبی گردنه خاک دانه واقع است و مختصر آبی از آن جاری است. چنار بردآغل خیلی کم آب است

۱. [یکی از طوایف پیرانوندها].

اردو از این حیث در مضیقه بود. به واسطهٔ مشجر بودن و تنگی محل مستحفظی مشکل است. جناح راستِ چنار بردآغل، کوه معروف وراز<sup>۱</sup> است که دنباله‌های کوچک آن به طرف جنوب مُمتد در صورتی که بدنهٔ مهم کوه مذکور از شرق به مغرب مُمتد است. هوای آنجا در این فصل مطلوب است. لیل ۱۷ اردو در چنار بردآغل توقف نمود. وضعیت اشرار مثل روز قبل است. اطلاع تازه تاکنون از وضعیت اشرار نرسیده. جواسیسی که اعزام شده‌اند تاکنون مراجعت ننموده‌اند.

### شرح عملیات مورخهٔ ۱۷ آبان ماه ۱۳۰۶

سرخ‌دُم. یوم ۱۷ آبان اردو به استقامتِ پُلِ مادیان‌رود<sup>۲</sup> حرکت نمود. پس از حرکت جاسوسی که به طرهان نزد علی محمدخان اعزام شده بود مراجعت نمود اطلاع داد نایب ۱ سید علی اکبرخان روز قبل با نظامیان از خط گردنه وراز، حرکت نموده که به اردو ملحق شود. خود علی محمدخان ظاهراً اظهار خدمتگذاری نموده لیکن به عموم بیرانوندی و طوایف شرور طرهان دستوراتِ اکید صادر نموده [که] از ورود اردو به طرهان جلوگیری نمایند. پس از حصولِ این اطلاع تصمیم اتخاذ گردید که اردو تا مادیان‌رود برود و در سرخ‌دُم<sup>۳</sup> که به فاصلهٔ یک فرسنگ و نیمِ چنار بردآغل و وضعیت نظامی آن به واسطهٔ کوه کرشوراب<sup>۴</sup> خیلی خوب است توقف نماید. قبلاً یک بهادران سوار جهت اکتشاف به سرخ‌دُم اعزام گردید. فرماندهی محترم لشکر در تپه‌ای که به فاصلهٔ هزار متری سرخ‌دُم است و جلگهٔ کوه‌دشت و وضعیات محل از آنجا کاملاً مشهود است توقف فرموده پس از حصول اطمینان از وضعیات امر فرمودند اردو در سرخ‌دُم توقف کند.

طوایف خوشناموند و آب‌باریک و قره‌لیوند از ورود اردو متوحش شده کوچ نموده بودند. به وسیلهٔ سوارهای امان‌الله‌خان و چند نفر سوار نظامی و بالاوند به وسیلهٔ دو نفر صاحب‌منصب به آن‌ها تأمین داده شد و مراجعت نمودند. تحت نمرهٔ ۳۳۸۶ اعلانی به عموم طوایف طرهانی مبنی بر اظهارِ ملاطفت و تأمین صادر و منتشر گردید. جاسوسی که در تاریخ ۱۵ آبان از دو آب به زیویار<sup>۵</sup> و کوشکی اعزام گردیده بود

۲. [MAYONRU]  
۴. [KORSUROW]

۱. اصل: گراز [VERAZ]  
۳. [SÖRDÖM]  
۵. اصل: زیودار [ZIVYÂR]

راپرت می‌دهد که اشرار بیرانوند از زیویار به‌طرف جنوب، قریب دو فرسنگ دور شده به‌کیش<sup>۱</sup> رفته‌اند. بختیار و چغندر اتباع آن‌ها در جنوبِ راهِ کُرشوراب هستند. و حتی امروز قریب یک‌صد نفر از اشرار بیرانوند و قره‌لیوند و کوشکی جهت جلوگیری از اردو به‌کوه جناح چپ اردو که دنبالهٔ کُرشوراب است آمده بودند. مستحفظین جناح چپ آن‌ها را دیده بودند لیکن به‌واسطهٔ بُعدِ مسافت تیراندازی نشده بود.

وضعیت جغرافیاییِ راه: از چنار بردآغل تا سرخ‌دُم تمام جنگل [و] جاده خوب است. لیکن در پستی واقع شده، جناحین دارای عوارضات زیاد. در عرض راه به‌هیچ‌وجه آب یافت نمی‌شود، در سرخ‌دُم چشمهٔ خیلی مختصری هست لیکن در سه‌ربع فرسنگی سرخ‌دُم به‌طرف مادیان‌رود سر آبی هست که به‌طرف مادیان‌رود جاری و دواب اردو از آن مشروب می‌شدند. اوضاع نظامی سرخ‌دُم خوب است. هوای آن در این فصل مطلوب است.

در ساعت هفت و نیم کدخدایانِ ذیل برای تقدیم تبریک و عرضِ خدمتگذاری به‌اردو آمدند؛ از کدخدایان آب‌باریک سوری؛ عبدالله و؛ از کدخدایان خوشناموند؛ حسن، طغراییک، شکرعلی، نظرعلی، محمدولی، بابامراد؛ از قره‌لیوند؛ کدخدا علیشاه؛ از کُتوله<sup>۲</sup>، پنجه.

اطلاعات: چنانچه با دوربین دیده شد عملهٔ علی محمدخان که در یک فرسنگی جنوب قلعه بودند کوچ کرده به‌طرف سمتِ جنوب غربی قلعه رفتند.

### وقایع یوم ۱۸ آبان ۱۳۰۶

در سرخ‌دُم. ستونِ اوّل در سرخ‌دُم لُری که سمتِ [جنوب] شرقی جلگهٔ کوه‌دشت واقع است توقف نمود.

در ساعت چهار بعد از نصف [شب] عدهٔ بختیار با قریب شصت نفر تفنگچی و عده‌ای از طوایف قره‌لیوند و کوشکی به‌پست‌های شرقی اردو که در قُللِ کوه کُرشوراب بودند حمله کرده، بلافاصله احکام شفاهی جهتِ جلوگیری از تهاجم آن‌ها صادر گردید. جنگ از ساعتِ ۴ و ۳۰ صبح الی یازده ادامه داشت. به‌قرار اطلاعِ واصله کُلیّهٔ بیرانوندها که سابقاً در زیویار و کنار رود کشگان در چول‌حول تمرکز داشته‌اند

۱. [کیش نام معبر و گردنهٔ کوهستانی است پس از خِلف و بادِ مسون].

۲. اصل: کُتوله.

آمده به قوای بختیار و طایفه قره لیوند و کوشکی برای حمله به اردو ملحق شده بودند. به موجب راپرت فرمانده ستون اول تعداد سوار و پیاده آنها که اتصالاً در تزايد بوده است بالغ بر هفتصد و پنجاه نفر می گردیده و هر دفعه با نهایت شدت با قوای دویست الی سیصد نفری به قله مهم کوه گرشوراب حمله می نمودند. بالاخره در مقابل قوای نظام تاب نیاورده [اند]. الوار در ساعت یازده متفرق و متلاشی شدند. چنانچه از وضعیات مشهود بود و از اثراتی که از آنها باقی مانده معلوم می گردید تلفات آنها سنگین بوده است. یکی از جاسوسین راپرت داد که تلفات آنها مرکب از چهار نفر مقتول و سه نفر مجروح بوده است. یک قبضه تفنگ پنج تیر از اشرار به غنیمت گرفته [شد]. از طرف اردو یک نفر نایب سوم و شش نفر مقتول، پنج نفر نظامی دیگر مجروح گردیدند.

تا ساعت ده صبح جنگ خیلی سخت ادامه داشت. در همان ساعت عده زیادی سوار لر که تخمیناً دویست نفر بودند از جناح راست آمده و به طرف جناح چپ برای کمک رسانیدن به اشرار کوه گرشوراب روانه شدند. طولی نکشید قوای دشمن در هم شکسته و از قلل مرتفعی که در دست داشتند شکست خورده فرار نمودند.

قوای بختیار و چغندر سوارهای امان الله خان و کدخدا ابو و علی رضاخان پسر علی مردان خان بیرانوند در خانه کریم نام قره لیوند در یک فرسنگ و نیمی جناح چپ اردو متوقف هستند. در کوه های جناح چپ اثری از اشرار نیست. به قرار راپرت یک نفر جاسوس از اشرار دو نفر زخم دار مشاهده نموده بوده است. کلیه عده اشرار که در خانه کریم قره لیوند بوده اند بالغ به قریب یک صد نفر سوار و پیاده بوده است. در سایر نقاط نیز عده ای قره لیوند و کوشکی و غیره هستند. تعداد آنها تاکنون معلوم نشده است.

علی محمدخان غضنفری<sup>۱</sup> که مسبب و محرک عملیات اشرار است و مراسلاتی به آنها نوشته و آنها را دعوت به جنگ با اردو نموده بوده است شرحی در جواب مراسله ای که دیروز از طرف فرماندهی محترم قوای اعزامی دامت عظمت به مشارالیه نوشته شده بود نوشته و ظاهراً اظهار خدمتگذاری می کند. در ساعت سه و نیم بعد از ظهر سلطان غلامحسین خان فرمانده بهادران فوج گارد سوار پهلوی با سه نفر سوار نزد مشارالیه اعزام و شرحی هم به رسم اتمام حجت به او نوشته شد که می بایست حتماً

۱. اصل: غضنفری.

سیاست خود را در ظرف امروز و فردا با اردو روشن نماید.  
بر طبق اطلاعات واصله اشرار در نظر دارند با کمک علی محمدخان غضنفری  
امشب مجدداً به اردو حمله نمایند.

### وقایع یوم ۱۹ آبان ۱۳۰۶

در سرخ دُم. اردو در سرخ دُم متوقف. در تمام مدت شب از اشرار خبری نشد. در  
ساعت ۷ و ۳۰ دقیقه صبح شروع به تیراندازی نموده با تمام قوا و جدیت کامل  
به تقاطعی که روز قبل مورد حمله آن ها نبود، حمله و رسیدند. از اطراف اتصالاً به اشرار  
کمک می رسید. تا ساعت شش بعد از ظهر لاینقطع جنگ با آن ها ادامه داشت. لیکن در  
مقابل نظامیان تاب نیاورده بالاخره متفرق گردید. در ساعت ۸ و ۱۰ مجدداً به اولین  
پست نظامی سمت جنوب حمله ور شده چند دقیقه بعد متفرق گردیدند. بر طبق  
اطلاعات حاصله تلفات اشرار امروز سنگین بوده است. به طور تحقیق چهارده نفر  
مقتول و هشت نفر مجروح داشته اند. از طرف علی محمدخان یک نفر نماینده اعزام  
گردیده و شرحی نوشته بود که من برای هر گونه خدمتگذاری حاضریم لیکن طبق  
اطلاعات حاصله کلیه دستورات راجع به حمله به اردو به بیرانوندها و طوایف قره لیوند  
و کوشکی از طرف مشارالیه صادر می شود. سلطان غلامحسین خان قویمی که برای  
تأمین دادن و آوردن او به اردو رفته بود نیز شرحی نوشته و عقاید او را ابلاغ کرده بود  
لیکن خودش هنوز مراجعت ننموده است.

به سرهنگ مهدیقلی خان امر شد اردوی خود را به عجله به هلیلان آورده راپرت  
نماید و نیز به سرهنگ محمدعلی خان بلوچ امر شد ستون دوم را هر چه زودتر  
به چول حول آورده از آنجا به اشرار این ناحیه حمله نمایند. در صورت لزوم به ستون  
چهارم کمک بدهد که عملیات ناحیه کرکی را فرمانده ستون ۴ خاتمه دهد. در صورتی  
که عملیات آنجا خاتمه یافته باشد یا آنکه تصور برود ستون ۴ نمی تواند به غائله آنجا  
خاتمه دهد می بایست ستون ۴ مجدداً به قلعه زره رفته و منتظر دستور ثانوی بشود تا  
پس از خاتمه غائله زیویار و قره لیوند یک مرتبه با تمام قوا به مابقی اشرار حمله شود  
و قضایا خاتمه یابد.

### وقایع یوم ۲۰ آبان ۱۳۰۶

در سرخ دُم. لیل به بیستم اشرار از ساعت ۷ و ۱۰ عصر قبل از طلوع ماه از تاریکی

شب استفاده نموده از دو طرف جلگه و از طرف کوه کرشوراب حمله فوق‌العاده شدیدی نمودند. تیرها داخل اردو می‌شد، لیکن با مقاومت پُست‌ها جرأت جلو آمدن را ننمودند. در تمام مدت تاریکی به‌طور غیرمنظم از اطراف اردو ادامه داشت. به محض طلوع ماه اشرار پراکنده شدند. در مدت روز از طرف اشرار حملات متناوب و به جهات مختلفه مخصوصاً به ناحیه کوه کرشوراب ادامه داشت و همچنین عده سوار آن‌ها اجتماعات و تیراندازی در جلگه کوه دشت و تپه‌های کوچک مقابل اردو می‌نمودند که بالاخره از طرف اردو به دو نقطه مهم از نقاط اجتماع کثیر آنان ۳ تیر گرناد و ۱۰ تیر شرابنل<sup>۱</sup> تیراندازی و در نتیجه مطابق تحقیقات جواسیس و مشهودات دیده‌بان‌های اردو جمعی از اشرار و چند رأس از اسب‌های آنان مقتول و مجروح گردید.

اشرار متواتراً به قلعه کوه دشت رفته و خارج می‌شوند. چنانچه مشهور است روابط آن‌ها با علی محمدخان غضنفری برقرار و از مشارالیه دستورات لازمه دریافت می‌نمایند.

### وقایع لیل و یوم ۲۱ آبان ماه ۱۳۰۶

در سرخ‌دم. به موجب راپرت نمرة ۱۱۴۵ فرمانده فعلی گارد نادری، اشرار مجدداً از تاریکی شب استفاده و با تشکیلات قوی‌تر و با منت‌های شدت در ساعت ۸ عصر ۲۰ جاری از اطراف و مخصوصاً از جلگه بدو<sup>۱</sup> یک‌مرتبه و بعداً به‌مرور تا طلوع ماهتاب مشغول تیراندازی می‌بودند و گاه‌گاه عملیاتی شبیه مقدمات تعرض و تهاجم در تاریکی معمول می‌داشتند، لکن هیچیک از پست‌های تأمینیه اردو ابدأ تیراندازی ننموده و با خونسردی کاملی عملیات فوق‌الذکر را می‌نگریستند تا اینکه در طلوع ماهتاب اشرار پراکنده و ناپدید شدند. در ساعت ۲ و ۱ و ۳ بعد از نصف شب مجدداً تیراندازی‌هایی از گردنه گردنه وراز و جنگل‌های عقب اردو (راه کشگان)<sup>۲</sup> معمول و پس از مدت خیلی باز خاتمه یافت. در تمام مدت شبانه‌روز در منتهی‌الیه کوه کرشوراب تیراندازی اشرار و مخصوصاً مواقع تیراندازی، اشرار متفرقه در جلگه تیراندازی و هیاهوی اشرار مجتمعه در سلسله کوه کرشوراب به‌منظور توحش و

۱. منظور گلوله محترق و گلوله افشان است.

۲. [KASGO]



اختلال قوای روحی و اشغال آن منطقه رو به تزايد و بالاخره با عدم موفقیت تا مدتی تیراندازی قطع می‌شد. نظر به اینکه ارتباط با شهر و سایر ستون‌ها مقطوع گردیده و گردنه وراز در دست اشرار است حضور سایر قسمت‌ها یعنی قوای سرهنگ مهدیقلی‌خان و ستون ۲ فوق‌العاده لازم گردیده است. لذا مجدداً به سرهنگ مهدیقلی‌خان به وسیله قاصد مخصوص امر شد هر چه زودتر اردوی خود را از راه اولادقباد<sup>۱</sup> به تنگ دوی‌رش<sup>۲</sup> که در نیم‌فرسخی غربی گردنه وراز واقع است بیاورد. به سرهنگ محمدعلی‌خان بلوچ مجدداً امر شد در اعزام ستون ۲ به چول‌حول عجله نماید.

### وقایع لبله و یوم ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۰۶

در سرخ‌دُم، به موجب راپرت نمره ۱۱۴۶ فرمانده فعلی گارد نادری الوار به قرار هر روز در پایان مانورهای سواره خود تاریکی شب را مغتنم شمرده و در بریدگی‌های موازی با جبهه اردو مخفی و شروع به تیراندازی نمودند، ولی نظر به اینکه از این رهگذر اقدامات خود را بی‌ثمر دیدند نسبت به لیالی قبل تیراندازی‌ها تخفیف و نیز زودتر ترک نمودند. در ساعت ۳ بعد از نصف شب مجدداً به جبهه مقابل سلسله وراز تیراندازی و باز مقطوع داشتند.

ساعت ۱۰ صبح قریب ۲۰۰ سوار از جلگه کوه‌دشت و یک‌فرسنگی مقابل اردوها و اطراف آن به دستجات حرکت و در مقابل اشرار بیرانوند و قره‌لیوند [و] شاه‌کرمی در جلگه مجتمع و تا غروب بدون اینکه مقصدشان معلوم شود باقی و سپس سوارهای قلعه به محل خود و مابقی به جنگل‌های واقع در دامنه قسمت جنوبی گرشوراب مراجعت نمودند. مطابق اطلاعات واصله از دیده‌بان‌های اردو و به‌قراین اوضاع گویا علی‌محمدخان غضنفری برای طرح عملیات و تحکیم اتحاد با طوایف مزبور به نزد اشرار رفته و سوارهای مشهودی در معیت او می‌بودند. از ساعت اجتماع اشرار به بعد تیراندازی به مرور تخفیف یافته و بالاخره به کُلّی متروک گردید.

ارتباط با شهر مقطوع. از سایر ستون‌ها خبری نرسیده. جاسوسین اطلاع می‌دهند کلیه راه‌ها را اشرار اشغال نموده‌اند لیکن احکام به وسیله قاصدهای مخصوص ارسال می‌شود.

برای تهیه آذوقه تصمیم گرفته شد یک بهادران سوار و یک گروهان پیاده به گردنه وراز اعزام گردند و قاطرهای بنه را جهت حمل آذوقه به کشگان اعزام دارند. بدو نایب ۲ عزت الله خان با ۲۰ نفر سوار اعزام گردیدند. بلافاصله اشرار حمله آور شده ممکن نشد قاطر و بقیه قسمت اعزام گردد. ساعت ۱۰ نایب مزبور راپرت داد که وارد محمدخان طولانی شده و اشرار در گردنه بوده اند ولی تصادف ننموده اند. به نایب مزبور امر شد هر چه قاطر یا گاو یا الاغ ممکن است از محل طولابی به دو آب جهت حمل آذوقه اعزام و آذوقه را فوراً برسانند.

### وقایع ليله و يوم ۲۳ آبان ماه ۱۳۰۶

در سرخ دُم. به موجب راپرت نمره ۱۱۴۷ فرمانده فعلی گارد نادری شب در تمام جهات اردو ابدأ صدای تیر یا وقایع دیگری نبود، مگر در منطقه گردان سوّم که گاه گاه از طرف اشرار تیراندازی هایی تک تک می شد. در روز دستجات ۲۵ و ۲۰ نفری از جنگل های مسکونی طایفه قره لیوند که با اشرار بیرانوند همدست می باشند به طرف جلگه کوه دشت (مرکز علی محمدخان) رهسپار و با اضافه شدن جمعیت های پیاده و سوار به تپه های واقعه در ۲۰۰۰ متری اردو مجتمع و اغلب به جبهه اردو نزدیک و تیراندازی می نمودند.

امروز حرکات و عملیات اشرار با قوای علی محمدخان توأم و ضمناً رفت و آمدهایی فی مابین آنان در کار بود. نظر به اجتماع و تیراندازی های پیاده الوار در جلگه و نزدیکی اردو دو تیر توپ به طرف آنان شلیک گردید که در نتیجه فراری و متفرق گردیدند. به منتهی الیه کوه کُرشوراب در روز چند نوبت حملات سخت متوجه و در هیچ یک از دفعات موفقیتی نصیب اشرار نگردید. همه دفعه از جلوی آتش متواری و بیشتر جرأت نزدیکی نداشتند و بالاخره در حین این عملیات سرجوخه عباس ولد رسول به اصابت یک تیر در نزدیکی ناف (کُلُن دساندان<sup>۱</sup>) مجروح و فعلاً در مریضخانه ستون تحت معالجه است. در ساعت ۴ بعد از نصف شب مقداری آرد به وسیله بیست و هشت نفر از رعیت های طولابی جهت اردو با کیسه آوردند. نظر به اینکه گردنه وراز کاملاً مسدود است ممکن نشده است نایب ۲ عزت الله خان به وسیله

۱. Colon descendant. بخش تحتانی روده.

قاطر آذوقه حمل نماید لیکن به وسیله گاو و الاغ مقداری آذوقه از دو آب کشگان به خانه محمدخان طولابی حمل شده است. منتظر هستند وسیله جهت باز نمودن راه فراهم شود. به سرهنگ حسن آقا امر شد کلیه قوای موجوده فوج نادری و گارد پیاده پهلوی را با یک بهادران فوج گارد سپه و عده ای [از] مأمورین راه شوسه و پُست های فرعی راه را جمع آوری نموده تشکیل یک ستون دهد و هر قدر قاطر و دواب فراهم شود به همراه خود به دو آب کشگان آورده آذوقه حمل نماید و تا صبح ۲۵ حتماً آذوقه را به اردو برساند.

### وقایع ليله و يوم ۲۴ آبان ماه ۱۳۰۶

در سرخ دُم. ستون اوّل در سرخ دُم لُری که سمت شرقی جلگه کوه دشت واقع است توقف نمود و اردو از حیث آذوقه سخت در مضیقه [است]. به موجب راپرت نمره ۱۱۴۸ فرمانده فوج نگارد نادری در ظلمت شب از اطراف مخصوصاً از طرف گردنه وراز منتهی الیه کوه کرشوراب و جنگل فی مابین تیراندازی متوالی مداوم می بود. بیشتر جمعیت اشرار در نقاط مزبور متمرکز و قسمت عمده آنان در راه های رجعت اردو و همچنین تعداد کثیری از جناحین و روبرو به طرف منطقه گردان سوّم نزدیک شده و از نزدیک غروب تا مدتی از شب به اصرار تمام در صدد تهاجم به منطقه مزبور می بودند و اغلب شلیک شدید دوام داشت. از الوار مطابق آنچه به نظامیان مفهوم و مشهود شده چند نفری مجروح و مقتول گردیدند.

در مدت روز از هیچ طرفی تیراندازی نشده و در تمام جلگه کوه دشت بیش از چهل پیاده و سوار متفرق دیده نمی شد لیکن از تنگ وراز — منتهی الیه کرشوراب — جنگل فی مابین آن دو سلسله متراکم می بودند.

تاکنون آذوقه به اردو نرسیده و ستون از این حیث در مضیقه می باشد، از نایب سرهنگ حسن آقا نیز تا این ساعت خبری نرسیده است. اقدامات لازمه مجدداً برای رسانیدن آذوقه به عمل آمد، مخصوصاً شرحی به نایب ۲ عزت الله خان و رستم خان بهادر طولابی نوشته شد که در حمل آذوقه فوق العاده جدّیت نمایند. در صورت امکان دویست رأس گوسفند هم خریداری نموده به همراه بیاورند.

علی محمدخان به طور وضوح با اشرار مراوده مستقیم دارد و به آن ها دستورات می دهد. قوای خود مشارالیه نیز در حمله به طرف اردو شرکت دارند.

## وقایع لیلہ و یوم ۲۵ آبان ماه ۱۳۰۶

در سرخ دُم. ستون اول در سرخ دُم متوقف و از حیث آذوقه فوق العاده در مضیقہ می باشد.

بهموجب راپرت نمره ۱۱۴۹ فرمانده فوج گارد نادری در شب عده ای از سوار و پیاده الوار در تنگ و راز مجتمع و ساعت ۸ و ۱ و ۹ و ۱ بعد از ظهر متناوباً در نزدیکی پست های آن منطقه شروع به تیراندازی و پیشروی تا فاصله ۵۰۰ و ۱۵۰ قدمی نموده و باز متوقف و چند نوبه به طرف اردو تیراندازی می نمودند. لکن در آخر به واسطه تیراندازی نظامیان فراری و ناپدید شدند. در منتهی الیه گرشوراب نیز اغلب تیراندازی می بود و دیده بان های اشرار کاملاً مواظب و به محض جزئی حرکات از نظامیان شروع به آتش می نمودند. در روز فقط در منتهی الیه گرشوراب گاه گاه تیراندازی می شد و در جلگه و سایر مناطق خبری نبود.

## اطلاعات دیده بان ها

در روز قسمت های کوچک سوار که جمعاً قریب ۵۰ الی ۷۰ نفر می بودند از قلعه کوه دشت به طرف گردنه و راز حرکت و در آنجا به معیت پیاده های خود مشغول حفر سنگر شدند. در جلگه کوه دشت به قدرت دستجات ۲ و ۳ نفری پیاده و سوار دیده می شد. نزدیک غروب سوارهای گردنه و راز به طرف جناح چپ اردو حرکت و در تاریکی از نظر محو شدند. به طور کلی تمرکز و توجه اشرار اخیراً به تنگ و راز، منتهی الیه گرشوراب و جنگل فی مابین آن دو رشته هست. طبق راپرت واصله نایب سرهنگ حسن آقا یوم ۲۵ آبان با یازده نفر سوار فوج گارد سوار پهلوی، یک بهادران از فوج گارد سپه و بقیه گروهان ۵ که ۳۱ نفر می باشد در ساعت ۳ بعد از ظهر برای حمل آذوقه حرکت نموده است. لیکن قاطرهای افواج از میشوند مراجعت ننموده اند لذا دستور داده است به محض مراجعت، آن ها را نیز آذوقه حمل نموده به اردو اعزام دارند. (راپرت نمره ۵ نایب سرهنگ حسن آقا).

وضعیت اردو به همان حال باقی و از حیث آذوقه ستون سخت در مضیقہ است.

## وقایع لیلہ و یوم ۲۶ آبان ماه ۱۳۰۶

در سرخ دُم. ستون اول در سرخ دُم لری که سمت شرقی جلگه کوه دشت واقع است

متوقف و از حیث آذوقه در مضیقه می‌باشند. به موجب راپرت نمره ۱۱۵۱ مورخه ۲۶ آبان فرمانده فعلی گارد نادری در ساعت ۶ عصر لیلَه گذشته عده‌ای سوار و پیاده اشرار مقابل محلّ دیده‌بانی جناح چپ اردو آمده، بدواً به‌تصور اینکه در تپه‌های محلّ مذکور در شب هم پست هست قریب ۲۰ تیر تیراندازی و به‌مرور تا ساعت ۹ از جلو به‌طرف تپه‌ها پیش آمده و بالاخره پس از اطمینان از نبودن پست به‌رأس تپه رسیده شروع به‌تیراندازی به‌سمت اردو نمود؛ و ضمناً در نشیب جنوب‌غربی آنجا آتش زیادی روشن و با تمرکز عده‌ای در تپه شروع به‌پیشروی به‌جناحین و به‌طرف اردو نمودند و به‌همین ترتیب مقداری نزدیک شدند که از طرف پست‌ها به‌آنان تیر شلیک و یک بمب انداخته شده لذا از آن طرف مایوس و به‌طرف پست جناح چپ جلگه که در رأس تپه منفردی است منحرف و شروع به‌شلیک نمودند و چون از طرف پست تیراندازی نشده بود تجری یافته جلوتر می‌روند. در این موقع چند تیری از پست مزبور به‌آنان شلیک و به‌قرار ناله مسموعه گویا یکی دوفرشان مجروح و بالاخره در ساعت ۳ و ۱ صبح مایوسانه مراجعت نمودند.

در منطقه کوه کُرشوراب نیز در مدّت تاریکی با شدت و ضعف تیراندازی می‌شد و تعرض نبوده است. مطابق راپرت واصله در موقع تاریکی یک پست مخفی از نظامیان آن منطقه قدری جلو در محل پنهانی فرستاده شده بود که از تخطی اشرار جلوگیری شود. در ساعت ۱۱ چند نفر از الوار به‌طرف منطقه مزبور پیش می‌روند و چون از وجود پست بی‌اطلاع می‌بودند خیلی نزدیک و دوفرشان به‌اصابت تیرهای نظامیان پست مزبور مقتول می‌گردند.

### اطلاعات دیده‌بان‌ها

چند نفر از تیراندازان اشرار در شب دارای تفنگ دودی می‌بوده‌اند. در روز از طرف قلعه کوه‌دشت به‌طرف جنگلِ واقع در جنوب کوه کُرشوراب (محلّ اشرار بیرانوند، قره‌لیوند، شاه‌کرمی) آذوقه حمل می‌شده و در ساعت ۹ و ۱ عده‌ای پیاده و سوار تعداد زیادی حشم از منتهی‌الیه رشته کوه وراز حرکت داده و از مقابل قلعه گذشته در شُخم‌ها و عوارض نزدیک تنگِ مادیان‌رود ناپدید شدند.

سرهنگ مهدیقلی خان تحت نمره ۱ راپرت می‌دهد که ظهر ۲۲ جاری قوای فوج منصور به‌طرف مقصد هلیلان حرکت نموده است.

از ستون دوم تا کنون خبری نرسیده است.

طبق راپرت نمره ۱۵ فرمانده ستون ۲ یوم ۱۵ آبان ستون بدون هیچ تصادفی وارد میشوند شده، اشرار به قرار اطلاع واصله هنوز در کرکی باقی هستند. در نظر دارد حسب الامر ستون را به سراب گل برده پس از استقرار ارتباط با ستون ۴ برای عملیات به طرف کرکی حرکت نماید. (راپرت فوق مورخه ۱۶ و یوم ۲۶ واصل گردید).

### وقایع ليله و یوم ۲۷ آبان ماه ۱۳۰۶

قرارگاه سرخ دم. تمام مدت شب اشرار از تاریکی استفاده و مبادرت به تیراندازی به اطراف اردو می نمودند لیکن موفق به پیشرفتی نشدند. در ساعت هشت صبح دو ستون به فاصله دویست الی سیصد متر<sup>۱</sup> از دامنه کوه نعل شکن و پایه کوه چنگری<sup>۲</sup> به استقامت شمال غربی قلعه کوه دشت حرکت نمود، معلوم نبود ستون های مزبور عده جنگی بود یا ایلی. در هر حال تا ابتدای خاک اولاد قباد که جنگل شروع می شود ستون های مزبور حرکت نمودند. سپس در جنگل ها مفقود گردیدند و پس از مدتی در ساعت دو [و] نیم همان عده مراجعت نمودند و به نقطه اولیه برگشتند. در موقعی که در حرکت بودند در ساعت ده و سه ربع صبح یک دستگاه طیاره (۲۵) در فضای طرهان پرواز نموده یک بمب میان ستون های فوق الذکر انداخت. ستون ها متفرق گشته دو بمب دیگر نزدیک قلعه و یک نقطه دیگر که الوار اجتماع داشته پرتاب نمود ولی اثرات آن معلوم نشد. در ساعت ۴ بعد از ظهر مجدداً طیاره آمده یک کیسه مرسله در داخله اردو پرتاب و چند بمب هم به طرف اشرار انداخت.

نظر به اینکه ستون از حیث نرسیدن آذوقه فوق العاده در مضیقه است، بندگان حضرت اجل فرماندهی معظم لشکر دامت عظمت امر فرمودند کلیه صاحبمنصبان و نظامیان را جمع نموده بیانیۀ غرایبی در مقابل آن ها قرائت فرموده سپس فرمودند برای خدمت و مددکاری نسبت به پادشاه مقتدر خود و پافشاری در مقابل ایفای وظیفه از امروز تا وصول آذوقه امر می دهم صاحبمنصبان و نفرات از گوشت دواب امتحان نمایند. نفرات و صاحبمنصبان با صورت بشاش این پیش آمد را استقبال نموده و صدای زنده باد اعلیحضرت پهلوی در فضای کوه دشت طنین [انداز] بود.

به موجب راپرت نمرة ۴۱، ۲۱ آبان فرمانده ستون ۲ اقدامات جهت جلب منصورخان شده است.

### وقایع ليله و يوم ۲۸ آبان ماه ۱۳۰۶

اشرار در ساعت ۱<sup>۱</sup> خیلی سخت از طرف جنوب به اردو حمله ور شده تیراندازی تا ساعت — ادامه داشت ولی موفقیتی حاصل نکردند.

طبق راپرت نمرة ۹۹ فرمانده گروهان پنجم فوج گارد سپه مأمورین کله هر<sup>۲</sup> [و] یازده نفر نظامی و یک نفر سرجوخه از آن گروهان که جهت حفاظت آذوقه و لوازمات گروهان در پشت تنگ تیر موقعیت گرفته بودند در يوم ۲۴ آبان ۲ ساعت به غروب مانده مورد حمله اشرار [واقع] شده. وکیل مجروح و نظامیان عموماً خلع سلاح شده اند. نظامیان مزبور در پشت کشگان می باشند، وکیل مجروح با اسلحه خود برای معالجه به شهر رفته است.

و نیز بر طبق راپرت نمرة ۱۰۰ فرمانده گروهان پنجم ليله ۲۶ آبان اشرار مستحضر شده بودند که عده ای برای حمل آذوقه به محل طولایی آمده برای ممانعت از حمل آذوقه با قوایی که قریب سیصد و پنجاه الی چهارصد نفر سوار و پیاده بوده اند به تپه مله کبود که مرکز قوای پیاده گروهان پنجم بوده حمله ور شده مدت شانزده ساعت زد و خورد نموده در نتیجه یک رأس از اسب های نایب ۲ عزت الله خان از فوج گارد سوار پهلوی مقتول، یک رأس دیگر به دست اشرار افتاده. دو نفر نظامی پیاده از گروهان پنجم مجروح. یک نفر سوار نیز از فوج گارد سوار پهلوی مجروح، از قاطرهای کرایه یک رأس مجروح و سقط و دو رأس مفقود گردیده است. به قرار اطلاع واصله اشرار فوق الذکر از اطراف اردو فقط برای قطع نمودن ارتباط ستون اول با شهر و ممانعت از حمل آذوقه برای اردو به گردنه و راز رفته و در آنجا مستحضر شده بودند که از محل طولایی برای اردو می خواهند آذوقه حمل نمایند، برای لطمه زدن به عده آنها حرکت نموده بودند. [تحت نمرة ۳۴۹۳ به فرمانده ستون ۲ امر شد از دو آب

۱. در نقاط بسیاری از این گزارش فاصله ای برای ثبت ساعت یا شماره گزارش و دیگر موارد مشابه خالی گذاشته شده است که هیچ گاه کامل نشده اند. محل این گونه نقاط با خط تیره (—) مشخص شده است.

۲. [کله هر KELAHÖR یا کلهر نام دهی و پلی در نزدیکی معمولان و پس از تنگ تیر است].

کشگان آذوقه حمل نموده ستون ۲ را فوراً از گردنه وراز به ستون ۶ ملحق نماید<sup>۱</sup>.  
 لیل ۲۷ اشرار مقداری از آرد و آذوقه که در کنار کشگان در منزل بهادر و محمدخان طولابی جمع‌آوری شده بود برده جعبه لوازم التحریر را که معین نایب اسدالله‌خان همراه آورده بوده است نیز باز کرده و مقداری از لوازم التحریر را برده‌اند.  
 در ساعت دو و نیم صبح مجدداً طیاره نمره ۲۵ در فضای کوه‌دشت پرواز نموده سه بمب به طرف قلعه پرتاب نموده یکی از آن‌ها در میان درخت‌های جنب قلعه اصابت نمود.

یک بمب هم در یک نقطه دیگر که اشرار مجتمع بودند پرتاب نمود.  
 سرهنگ مهدیقلی‌خان تحت نمره ۱۶ راپرت می‌دهد عصر ۲۵ وارد قلعه ظهیرالملک، به واسطه نبودن قاطر در زحمت می‌باشد، بالاخره شتر استخدام نموده و برای ۱۵ روز آذوقه حمل کرده است.

در ساعت ۷ بعد از ظهر ۲۷ تحت نمره ۳۴۹۳ نایب سرهنگ محمدعلی‌خان بلوچ (که بر طبق اطلاعات حاصله به شهر خرم‌آباد رفته و اردوی ستون ۲ را از خط چمشک به طرف چم‌قرق حرکت داده) امر شد به فوریت با قوای خود به دو آب کشگان رفته و قدر ممکن است از آذوقه ستون ۱ که در آنجا انبار شده حمل نموده از خط گردنه وراز به ستون اول ملحق شود. به موجب راپرت نمره ۱۱۵۷، ۲۸ آبان فرمانده ستون ۱ از ساعت ۱۵ عصر یوم قبل الی ساعت ۴ صبح امروز اشرار با دستجات ۵۰ الی ۳ و ۲ نفری متوالیاً به تمام مناطق تأمینیه اردو به استثنای منطقه جنگلی فی‌مابین دو سلسله گرشوراب و وراز حملات و تیراندازی‌های مختلف الاستعداد و قوه می‌نمودند. بیشتر فشار و شلیک آن‌ها به طرف جبهه و جناح چپ اردو می‌بود، به طوری که اغلب به مسافت ۱۰۰ قدمی پست‌ها رسیده و بالاخره در اثر آتش آنان فراری می‌شوند، به قرار مفهوم و ناله‌های مسموعه از جلگه چند نفری از اشرار مجروح و مقتول شده‌اند. ایستادگی و تیراندازی الوار در لیل قبل خیلی شدید و به طوری بوده است که خاکریز خندق‌های پست‌های جبهه اردو متلاشی و به کلاه یک نفر از نظامیان یک تیر اصابت نموده ولی به هیچ وجه آسیبی به افراد نرسیده و در مقابل استقامت و مواظبت پست‌ها حملات اشرار دفع و بالاخره متواری گردیدند.

۱. مطالب درون [ ] خط خورده است.



## وقایع لیل و یوم ۲۹ آبان

اردو در مقر سرخ دُم لُری متوقف، شب اشرار نسبتاً کمتر تیراندازی نمودند. در ساعت ده [و] نیم صبح دو دستگاه طیاره در فضای کوه دشت پرواز، قلعه و نقاطی را که در دست اشرار بوده بمبارده کردند. چند کیسه نان و یک بسته مکاتیب و تلگرافات نیز پرتاب نمودند. ستون از حیث آذوقه سخت در مضیقه می باشد.

طبق راپرت نمره ۵۲ فرمانده ستون دوم نظر به عدم شناسایی راه و دور بودن آذوقه ستون ۲ را هنوز (تا تاریخ ۲۴ آبان) حرکت نداده و منتظر دستور ثانوی است. مجدداً تحت نمره ۳۵۴۶ به فرمانده ستون ۲ امر شد در اجرای امریه نمره ۳۴۹۳ جدیت نماید. پس از رسیدن به کوه و راز علامت نشان بدهد. اگر لازم شد از این طرف هم قسمت به جلو مشارالیه اعزام گردد و نیز در صورتی که مقتضی باشد قبل از گرفتن گردنه و راز یک عده از سوارهای طولابی را بدو برای تفتیش اعزام دارد، پس از اطمینان کامل آن وقت یک گردان پیاده از راه چنار برد آغل کوه و راز بفرستند که از قُلل مرتفع به آن رو چپ نموده گردنه را اشغال نمایند که اگر با اشرار تصادف شد مواقع مرتفع در دست قوای ستون ۲ باشد.

به موجب راپرت نمره ۱۰۶۲۵ آجودان تیپ گارد سپه، ساعت ۷ صبح ۲۸ راپرتی از نایب سرهنگ حسن آقا رسیده است که ۲۴ ساعت است با الوار جنگ شدید جریان دارد و فشنگ نفرات تمام شده تقاضای فشنگ و اعزام عده نموده بوده است، لذا در ساعت ۹ صبح یک عده ۲۰ نفری با مقداری فشنگ به معیت نایب ۲ علیخان حقیقی به وسیله اتوموبیل به کشگان حرکت داده و در ساعت ۳ بعد از ظهر کلیه اتوموبیل های حامل چادر از طهران با آذوقه به ستون ۲ (چم قرق) حرکت داده و دستور داده شد در صورت لزوم عده ای از ستون ۲ با اتوموبیل های مزبور جهت مساعدت به کشگان اعزام دارند. بر طبق راپرت مزبور اتوموبیل اولی که در ساعت ۷ مراجعت نموده بود عده ای از ستون ۲ [را] به طرف کشگان حرکت داده بودند. صدای تفنگ تا نیم فرسخی کشگان شنیده می شده بدین جهت نفرات پیاده رفته اند.

آنچه قاطر در شهر موجود بوده است آذوقه حمل کرده و به طرف کشگان اعزام شدند که به ستون ۲ ملحق گردند.

طبق راپرت نمره ۵۲ مورخه ۲۴ آبان فرمانده ستون ۲ کدخدا فاضل قلاوند و خوانین و کدخدایان میر و بهاروند وارد اردو شده منصورخان نیز تسلیم گردیده و

به اردو آمده قرار شده است مشارالیه رفته عزیزالله خان پسرش را تأمین داده به اردو بیاورد، به او تأمین داده شد.

### وقایع لبله و یوم ۳۰ آبان ماه ۱۳۰۶

۱- طبق راپرت نمره ۱۱۶۲ فرمانده ستون اول، شب در چند نوبت از ساعت ۱۱ به بعد از طرف اشرار تیراندازی هایی به طور شلیک و تک تک و بیشتر در جناح چپ و جبهه اردو معمول بالاخره بدون اخذ نتیجه متروک داشتند. در روز اقدامی از طرف اشرار نشد.

### اطلاعات دیده بان ها

ساعت ده صبح طیاره نمره ۲۵ و نیم ساعت بعد طیاره نمره ۲۱، اولی از جنوب شرقی و دومی از جنوب غربی ظاهر و پس از بمباردمان کامل محل سکونت طوایف قره لیوند به طرف افق کوه دشت متوجه و چند نقطه آنجا را نیز بمبارده و سپس مراجعت نمودند. در جلگه عده<sup>۱</sup> اشرار خیلی کم و بیشتر به طرف تنگ وراز و اطراف آن رهسپار شده اند، در موقع طیران هواپیما اشرار تیراندازی زیاد بر علیه آن می نمودند به طوری که از صدای تیرها مفهوم می شد تقریباً در تمام دامنه های داخلی کوه وراز متراکم می باشند.

طبق راپرت واصله لبله ۲۷ جاری عده ای از اشرار در مله کبود که محل موقتی طولابی ها و در کنار رود کشگان به فاصله دوفرسخی شمال غربی دو آب کشگان واقع است به نایب فضل الله خان و چهل نفر نظامی فوج گارد سپه و نایب ۲ عزت الله خان و بیست نفر از سواران فوج گارد سوار پهلوی که عموماً مأمور حمل آذوقه بودند حمله نموده پس از ۱۶ ساعت زدو خورد بالاخره اشرار متواری، در نتیجه یکی از خوانین بیرانوند موسوم به صادق خان (عموزاده صید<sup>۲</sup> محمد رحیم خان) مجروح و چند نفر دیگر مقتول و مجروح می شوند. از طرف قوای نظامی ۳ نفر مجروح یک اسب سقط یک اسب مجروح یک رأس قاطر کایه سقط و دو رأس مفقود گردیده اند.

ایضاً طبق راپرت واصله نایب سرهنگ حسن آقا مأمور حمل آذوقه از دو آب

کشگان در تاریخ ۲۸ جاری مورد حمله الوار [واقع] گردیده از اشرار متهاجم بیست نفر به طور حتم مقتول که نعش آن‌ها را نظامیان مشاهده نموده بودند. قریب پنجاه نفر دیگر بر حسب تحقیقاتی که شده است مجروح و مقتول داشته‌اند. تلفات قوای نظامی به قرار ذیل بوده: ۴ نفر سوار و پیاده مقتول، یک نفر صاحب منصب (نایب فضل الله خان جهانشاهی) و هفت نفر سوار و پیاده مجروح، یک رأس اسب نایب سرهنگ حسن آقا و سی و سه رأس دوآب دولتی سقط گردیده‌اند.

به موجب راپرت ارکان حرب لشکر صبح ۲۶ جاری موقعی که اردوی پشتکوه تحت فرماندهی سرهنگ مهدیقلی خان وارد جلگه هلیلان شده است مورد حمله اشرار که تحت سرپرستی شاه مرادخان رئیس طایفه گراوند عباس خانی از طرف علی محمدخان غضنفری مأمور جلوگیری از اردو بوده‌اند واقع [و] پس از پنج ساعت منازعه اشرار از هر طرف پراکنده و متواری می‌شوند. شاه مرادخان فوق‌الذکر مجروح و غلامعلی خان نوکر علی محمدخان و عادل نام مقتول و چند نفر دیگر که اسامی آن‌ها تاکنون معلوم نشده نیز مقتول شده‌اند. از طرف قوای نظامی یک نفر مجروح و یک نفر مقتول شده است.

### وقایع یوم اول آذرماه ۱۳۰۶

در ساعت ۷ و ۱ صبح چند نفر در قسمت شرقی گردنه وراز دیده شدند که به طرف راه چنار بردآغل از قتل کوه وراز در حرکت بودند، چند دقیقه بعد راپرت رسید که قریب بیست نفر سوار و پیاده از پایین تنگ وراز از میان دره سمت جنوبی کوه وراز به استقامت چنار بردآغل در حرکت هستند. ساعت ۸ صدای چند تیر از همان سمت شنیده شد. در همان موقع عده‌ای در قسمت غربی گردنه چنار دیده معلوم در ساعت هشت و ربع صدای تیر تفنگ زیاد شده و نیز صدای پنجاه تیر مسموع گردید، نظر به اینکه امر شده بود یک گردان از ستون ۲ قبل از ورود ستون به ناحیه گردنه قبلاً کوه مزبور را اشغال نماید یقین حاصل گردید که پیشقراولان ستون ۲ هستند فوراً یک بهادران سوار و یک قبضه پنجاه تیر<sup>۱</sup> تحت فرماندهی سلطان غلامحسین خان قویمی برای استقرار ارتباط بین پیشقراولان ستون ۲ و عده ستون ۱ اعزام گردید.

۱. منظور مسلسل سبک لویس Lewis، انگلیسی است که خشاب ۴۸ تیر داشت.

در ساعت یازده صبح سلطان غلامحسین خان راپرت داد که ارتباط با قوای مزبور حاصل است، فوراً حکمی تحت نمره ۱ — به فرمانده ستون ۲ صادر گردید که قبلاً مواقع مهم را به وسیله مستحفظین مکفی در دست بگیرد و مخصوصاً مشارالیه را متذکر ساخته که در گردنه و تنگه دوی رش که در نیم فرسخی غربی گردنه وراز است عده‌ای از اشرار دیده می‌شدند، می‌بایست نقاط مشرف به گردنه مزبور قبلاً اشغال گردد سپس ستون را در جلو تنگ روبروی جلگه کوه‌دشت در نقطه مناسبی تمرکز دهد. در ساعت چهار بعد از ظهر ستون وارد تنگ وراز و در آنجا در محلی که تعیین شده بود تمرکز یافت. مدرک راپرت نمره ۷۸ فرمانده ستون ۲.

راپرت‌های واصله:

در ساعت ۹ و ۱۰ سلطان محمدعلی خان راپرت می‌دهد که از پُست‌های شمال شرقی سرخ‌دُم لُری قریب سیصد نفر سوار و پیاده دیده شده است که به طرف چنار بردآغل در حرکت بوده‌اند.

فرمانده ستون ۱ راپرت می‌دهد اشخاصی که در قلعه کوه در حرکت هستند به طور حتم نظامی هستند. اگر عده لازم است اعزام گردد برای کمک آن‌ها می‌بایست زودتر حرکت کند.

در تعقیب راپرت فوق امر شد یک گردان از ستون اول در سر راه گردنه وراز در سرخ‌دُم لُری تمرکز یافته در صورت لزوم به ستون ۲ کمک رساند.

در این ضمن دو نفر پیاده از اشرار دیده شد که با یک رأس قاطر به طرف تنگ وراز حرکت می‌نمودند. فوراً نایب امیرخان فرمانده مسلسل گردان ۱ فوج گارد نادری و دو نفر نظامی پیاده داوطلب برای دستگیری آن‌ها اعزام گردیدند. یک ساعت بعد اشرار نظامیان را دیده فرار نمودند لیکن قاطر با بار غنیمت نظامیان گردید. بار آن آرد بود.

در ساعت ۱ و ۱۰ بعد از [ظهر؟] تحت نمره ۷۲۶ فرمانده ستون ۲ راپرت می‌دهد که خودش در این ساعت وارد تنگ گردیده سلطان عباس خان نیک طبع فرمانده گروهان ۲ و دو قبضه پنجاه تیر داخل تنگ شده. گروهان‌های چهارم و پنجم و ششم ارتفاعات تنگ را در دست دارند. بقیه عده از روی قلعه کوه وراز مشغول پیشروی هستند. در ساعت ۳ و ۱۰ بعد از ظهر عده سوار که جهت استقرار ارتباط اعزام گردیده بود با چهار نفر لُری تصادف نموده دو نفر از آن‌ها فرار نموده و دو نفر دیگر را دستگیر و

به اردوی ستون اول آوردند. این اشخاص از طایفه شاکرم یک تخته لحاف و یک تخته قالیچه به همراه داشته می‌گفتند برای کدخدا کاظم چگنی آورده‌ایم، لیکن وقتی که کدخدا کاظم که در اردو بود آن‌ها را دید محرمانه اظهار داشت دروغ می‌گویند لذا امر شد آن‌ها را سخت حبس نموده و در اردو تحت نظر بگیرند تا قضیه کشف شود. به قرار معلوم این اشخاص برای اشرار لحاف و فرش می‌آورده همین که دستگیر می‌شوند برای رفع سوء ظن از خود اظهار نموده‌اند که لحاف و فرش برای کدخدا کاظم است.

### وقایع یوم ۲ آذرماه ۱۳۰۶

در تمام مدت لیلہ ۲ آذر سکونت در اطراف اردوی ستون اول برقرار لیکن در جناح راست ستون ۱ در نزدیکی ستون دوم صدای چند تیر شنیده شد. در ساعت ۹ صبح بندگان حضرت اجل برای بازدید قوای ستون ۲ به تنگ و راز تشریف فرما شدند. در مدت شب اتفاق مهمی رخ نداده بود. وضعیت اردو چون خیلی پراکنده و نامناسب بود امر فرمودند قسمت‌ها را جمع‌تر در یک نقطه تمرکز دهند و نیز راجع به حفاظت کوه و راز و لزوم در دست داشتن مرتفعات جناح راست تنگ دستورات لازمه صادر فرمودند.

در ساعت ۱۲ قاصدی از قلعه کوه‌دشت آمده یک مراسله از طرف عباس‌خان قبادی آورد. خلاصه آن این بود: نظر به اینکه من به طرف باوندپور برای سرکشی به‌امورات خود رفته مورد مخالفت حکومت آنجا واقع گردیدم برای شرفیابی به کوه‌دشت آمدم که از خانه علی‌محمدخان تشرف حاصل نمایم. آنجا شنیدم وضعیات فعلی پیش آمده است لذا از راه خدمتگذاری مستدعی هستم یک نفر صاحب‌منصب به سمت نمایندگی اعزام فرمایند که خود من شرفیابی حاصل نموده و راجع به علی‌محمدخان نیز مطالب او را به عرض رسانم.

تحت نمره ۳۶۰۵ به مشارالیه جواب داده شد که دولت نظر محبت خود را از شما دریغ نخواهد داشت و شما را مثل یک نفر صاحب‌منصب فرض می‌نماید. لازم است به فوریت به اردو بیاوید. راجع به علی‌محمدخان نیز حکم داده بودم فردا عملیات بر علیه او شروع شود نظر به اینکه مراسله شما رسید دستور دادم عملیات را به تعویق اندازند. لذا منتظر هستم هر چه زودتر امشب جواب دهید، خودتان به اردو بیاوید.

شرحی نیز تحت نمره ۳۶۰۰ به رؤسای طوایف ذیل چگنی نوشته شده و به آن‌ها

اتمام حجت گردید که اگر تا روز سوّم جمادی‌الثانی یعنی ششم آذر در اردو حاضر نشوند؛ عملیات نظامی بر علیه آنها شروع خواهد شد.

- ۱- شمس‌الله و رحیم داراب و تیفور [؟] از طایفه شرف.
- ۲- علی اکبر و سبزعلی از طایفه رحیم.
- ۳- حسن خان و اکبر حسین از طایفه فتح‌الله.
- ۴- احمدبیگ، گل محمد و جافریبگ از طایفه میرزاوند.
- ۵- رضا و حاتم و مهدی و مرشدخان و موسی از طایفه حاجی.
- ۶- موسی رضا و حسین و هادی و بایی از طایفه سبزوار.
- ۷- فتح‌علی و خداداد و اصلان از طایفه هسیوند<sup>۱</sup> درویش.
- ۸- ملک‌مراد، قاسم‌علی و حسین از طایفه امیر.
- ۹- جهانگیر و کاظم و علی‌خانی از طایفه رُکُرک<sup>۲</sup>.
- ۱۰- نامدار و سیدحاجی و عینعلی و چهارسه از طایفه ویس‌کرم.
- ۱۱- یوسف و میرزا از طایفه شاکرم (میرکوم).
- ۱۲- گُر قاسی و نجفعلی و علی‌خان از طایفه آئینه شاه‌کرم.
- ۱۳- علی‌پناه و علی‌شاه و فیض‌الله از طایفه ملک شاه‌کرمی.
- ۱۴- رحمت‌الله و برفی و علی‌حسین از طایفه محمد زمان شاه‌کرمی.
- ۱۵- مهدی و آزادخان و اماقلی از طایفه صید حسن شاه‌کرمی.
- ۱۶- توشمال ابراهیم‌خان از طایفه شیراوند.
- ۱۷- میران و میرزامراد از طایفه بdaq.

مراسله فوق به‌طور متحدالمال تحت چهار نسخه توسط محمدخان طولابی ارسال گردید.

اعلانی تحت نمره ۳۶۰۴ به‌عموم اهالی طرهان نوشته شده و اتمام حجت گردید که تا روز هشتم آذر از اطراف علی‌محمدخان دور شده و الا مورد مؤاخذه واقع خواهند شد. در خاتمه به‌آنها تذکر داده شد که علی‌محمدخان غضنفری از روزی که تمرد نموده از حکومت طرهان خلع گردیده است. تحت نمره ۳۶۰۲ به‌یاور ناصرقلی‌خان امر شد اعلان مزبور [را] ژلاتین نموده به‌وسیله طیارات در فضای

طرهاں برای عموم طوایف پرتاب نماید.

تحت نمره ۳۶۰۱ دستور عملیات هوایی در صورت حمله به قلعه داده شد. وضعیت اشرار: به طوری که مشاهده می شود اشرار پراکنده و از خیالات واهی خود صرف نظر نموده اند. فقط یک عده در پشت تپه جنوب غربی اردوگاه و یک عده در کوه گرشوراب دیده می شوند. طبق راپرت سلطان حبیب الله خان سعدی قریب ۷۰ نفر سوار و پیاده در قسمت جنوب شرقی دیده شده است. چادرهای قره لیوندها به جای خود باقی.

طبق اطلاعات حاصله بمباردمان به وسیله طیاره اثرات بسیار خوب بخشیده، ۳ نفر از عملة علی محمدخان و عده زیادی که تعداد آنها هنوز معلوم نیست از قره لیوندها مقتول گردیده اند.

خوانین طرهاںی از اطراف علی محمدخان دور شده، فقط بستگان سامخان گراوند و الله یارخان و امام قلی خان نزد او باقی مانده. فعلاً علی محمدخان، بیش از چهل الی پنجاه نفر سوار ندارد. خوانین طرهاںی که به معیت شاه مرادخان برای جلوگیری از اردوی سرهنگ مهدی قلی خان رفته بودند با دادن دو نفر مقتول و یک نفر مجروح مراجعت نموده اند. خود شاه مرادخان مجروح شده است. علی محمدخان خانواده و اثاثیه خود و خوانین طرهاںی را که با او همراه هستند به سر طرهاں فرستاده [و] نصرت الله خان برادر مشارالیه نیز رفته است به سر طرهاں.

### وقایع یوم ۳ آذرماه ۱۳۰۶

لیله یوم آذر شرحی از طرف عباس خان قبادیان رسید که امر مبارک [را] اطاعت نموده و شرفیاب خواهم شد. ساعت ۹ صبح عبادالله با سه نفر سوار به سیمت نمایندگی از طرف مشارالیه آمده و تقاضای تأمین نمود. از طرف بندگان حضرت اجل دامت عظمت شرحی تحت نمره — صادر و به مشارالیه تأمین مرحمت گردید. در این بین که عبادالله خان می خواست مراجعت نماید طیارات در فضای کوه دشت ظاهر گردیده و به طرف هلیلان و کوه های اطراف برای تفتیش رهسپار شدند. در مراجعت در ساعت یازده و نیم صبح که عبادالله خان حرکت کرده بود چندین بمب به طرف قلعه کوه دشت پرتاب نمودند و نیز عبادالله خان و سوارهای مشارالیه را از دور پیدا کرده مشغول تیراندازی به طرف آنها شدند. یکی از طیاره ها خیلی پایین آمده و تیراندازی می نمود عبادالله خان و سوارانش مستأصل شده به اردو مراجعت کردند.

در ساعت شش بعد از ظهر عباس خان قبادی با قریب چهل نفر سوارانش تسلیم گردید. به هشت نفر از اقوام و بستگانش نیز تأمین داده شد که از اردو به طرف باوندپور مراجعت نماید.

شرحی نظر علی خان نوشته و درخواست نموده بود شرفیابی حاصل نموده تقاضای عفو برای رعایای طرهان بنمایند. جواب تحت نمرة ۴۶۷۹، روز ۴ آذر منتظر شما هستیم.

از اشرار فعلاً خبری نیست. در انتهای جلگه کوه دشت گاهی چند نفری مشاهده می‌شوند ولی در سمت جنوب کوه کُرشوراب هستند.

### وقایع یوم ۴ آذرماه ۱۳۰۶

صبح ۴ آذر نظر علی خان امرایی در ساعت ده به اردو آمده تسلیم گردید و تقاضای عفو برای طوایف طرهانی نمود. تحت نمرة ۳۷۱۷ و شرایط ذیل به وسیله مشارالیه به آن‌ها تأمین داده شد.

۱. دوری کردن از بیرانوند و دستگیر نمودن بیرانوندهایی که در خاک طرهان می‌باشند و تسلیم نمودن آن‌ها به اردوی من.

۲. مراجعت نمودن رعایا به محل‌های زراعی خود.

۳. مخالفت نمودن با کلیه خیالات باطل علی محمد خان.

۴. در صورتی که طوایف طرهان دوست و پنجاه نفر سوار و تفنگچی با اسلحه خود حاضر نمایند [و] در جلو اردوهای دولتی بر علیه اشرار عملیات نمایند، اجازه داده می‌شود تا مدت دو ماه یعنی تا خاتمه خلع سلاح اسلحه در دست طرهانی باقی باشد. در اخطار ثانی فوری می‌بایست اسلحه را تحویل نمایند و در صورت لزوم مقداری اسلحه برای حفظ طوایف به حکومت وقت داده خواهد شد.

هر گاه تمام طوایف طرهانی شرایط فوق را قبول نکنند دور شدن از متعردین که در ضمن عملیات نظامی به اشخاص خدمتگذار صدمه وارد نیاید.

به نظر علی خان امر شد فوراً اطلاع دهد که طوایف شرایط فوق را قبول دارند یا خیر تا اردوها به وظایف خود عمل نمایند و نیز به مشارالیه اجازه داده شد به طوایفی که قبول شرایط فوق را می‌نمایند از طرف بندگان حضرت اجل دامت عظمته تأمین داده شود.

از اشرار در نزدیکی اردوگاه خبری نیست.



## وقایع روز پنجم آذرماه ۱۳۰۶

صبح ۵ آذر در ساعت ۹ صبح نظرعلی خان غضنفری برای تأمین دادن به طوایف به طرف قلعه کوه دشت رهسپار گردید.

در ساعت ۱۲ امریه نمره ۳۷۵۰ به فرماندهان ستون‌های اول و دوم صادر گردید. در ساعت ۶ بعد از ظهر نظرعلی خان مراجعت نمود و اظهار داشت عموم کدخدایان و خوانین و رعایا شرایط بندگان حضرت اجل را که اساس آن اطاعت کامل امر دولت و تسلیم اسلحه و غیره بود قبول نموده در صورتی که به آن‌ها دستخط صادر گردد فردا و پس فردا عموماً در اردو حاضر خواهند شد. عریضه هم از طرف عموم خوانین و کدخدایان و رعایا رسیده بود. در جواب عریضه مرسوله تحت نمره ۳۶۰۴ جوابی مبنی بر اینکه دولت مقصود و منظوری جز رفاهیت اهالی ندارد و به اشخاصی که مفاد اعلان و شرایطی را که به وسیله جناب آقای نظرعلی خان ابلاغ شده به موقع اجرا گذارند در امان خواهند بود. خود نظرعلی خان هم پس از حصول اطمینان شرحی نوشته، توسط یک نفر گماشته خود نزد آن‌ها ارسال داشت.

به قرار راپرت حاصله علی محمدخان با پسر علی مردان خان و چند نفر از اتباع خود و اشرار بیرانوند در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر قلعه را تخلیه نموده به طرف بالاگریوه متواری شدند. شاه‌مرادخان که به طرف اردوی هلیلان رفته بود مراجعت نموده کلیه اشرار بیرانوند در صدد فرار هستند.

در ساعت ۱۰ بعد از ظهر فرماندهان افواج به حضور بندگان حضرت اجل احضار و در موضوع اظهارات نظرعلی خان تبادل افکار و مشورت فرموده سپس تصمیم اتخاذ [نمودند] که حکم نمره ۳۷۵۰ فعلاً تا صدور امریه ثانوی به موقع اجرا گذارده شود.

## وقایع لیل و یوم ششم آذرماه ۱۳۰۶

لیله ۶ قاصدی که در تاریخ لیل ۳ آذر به هلیلان اعزام شده بود در ساعت چهار بعد از نصف شب مراجعت نموده و راپرتی تحت نمره — از سرهنگ مهدیقلی خان مبنی بر اینکه به غیر از یک امریه که تأکید شده بود در هلیلان توقف نمایند به مشارالیه نرسیده پس از رسیدن امریه نمره — فوراً دستور داده شد اردوی پشتکوه صبح ۵ آذر به طرف کوه دشت حرکت نماید: اشرار از اطراف اردو پراکنده و به غیر از مصادفه ۲۶ آبان

دیگر تصادفی با آنها نشده است.

به قرار اطلاع واصله لیلۀ گذشته علی محمدخان غضنفری برای صرفِ شام به خانۀ نجف‌قلی‌خان زریونی<sup>۱</sup> رفته و از آنجا به اتفاق پسر علی مردان‌خان بیرانوند و چند نفر سوار متواری شده است. خوانین و کدخدایان از او کناره‌جویی نموده‌اند.

صبح ششم قاصدی از طرف عبدالله‌خان مُنشی علی محمدخان و الله‌یارخان و محمد قاسم‌بیگ و چند نفر دیگر از خوانین و کدخدایان گراوند زریونی و آینه‌وند<sup>۲</sup> مبنی بر اظهار خدمتگذاری و علاقه‌مندی به تسلیم شدن رسید. به وسیلۀ امان‌الله‌خان غضنفری و تحت نمرۀ — [به] آنها تأمین داده شد که مفاد اعلان ۳۶۰۴ را به موقع اجرا گذارند در امان خواهند بود.

در ساعت ده صبح ده نفر سوار تحت فرماندهی نایب احمدخان و یک‌عده از سوارهای عشایری جهت استقرار ارتباط بین اردوی پشتکوه و ستون اول اعزام و به ستون پشتکوه امر شد به قلعه کوه‌دشت برود.

به موجب راپرت بی‌نمرۀ مورخۀ ۶ آذر نایب ۱ علی‌اکبرخان هوانورد، امروز هوانوردی غیرممکن است که به طرف هلیلان رفته پاکتی را که برای سرهنگ مهدیقلی‌خان دستخط فرموده‌اید برسانم. دیگر اینکه در این قلعه و اطراف آن که اکتشاف نمودم هیچ چیز معلوم نیست. فردا چنانچه هوا خوب بود به طرف اردوی سرهنگ مهدیقلی‌خان پرواز خواهم نمود.

### وقایع یوم و لیلۀ هفتم آذرماه ۱۳۰۶

در ساعت دوازده لیلۀ هفتم صاحب‌منصبی که با عده‌ی عشایری و ده نفر سوار نظامی جهت استقرار ارتباط بین ستون اول و اردوی سرهنگ مهدیقلی‌خان به طرف محل اولادقباد صیمره رفته بود مراجعت نموده و راپرت داد موقعی که به کنار رود صیمره رسیده بود صدای تیراندازی شنیده و معلوم گردیده یک‌عده از اشرار که بالغ بر دویست الی سیصد نفر بوده‌اند در صدد ممانعت از عبور اردو از آب صیمره برآمده و مشغول زدو خورد با اردو بوده‌اند. بدین سبب صاحب‌منصب مزبور نتوانسته بود خود را

۱. اصل: زرونی. در پاره‌ای از منابع مدون و همچنین در سایر بخش‌های این گزارش‌ها ضرونی ثبت شده است [زریونی نام طایفۀ‌ای است که در جنوب دشت کوه‌دشت ساکنند].

۲. اصل: آدینه‌وند [AAYINAVAN]

به اردو برساند و مراجعت نموده بود. فوراً حکم نمره — به فرمانده ستون دوم صادر گردید که با یک گردان پیاده و یک بهادران سوار و یک عراده توپ به فوریت برای تقویت اردوی سرهنگ مهدیقلی خان حرکت نماید. امریه فوق‌الذکر در ساعت ۲ صادر و در ساعت ۴ بعد از نصف شب نایب سرهنگ محمدعلی خان بلوچ با عده حرکت نموده بود. قبل از اینکه از طرف مشارالیه راپرتی برسد یادداشتی از طرف فرمانده فوج منصور واصل گردید که طایفه اولادقباد طرهانی، توحش نموده و از عبور اردو مانع شده بود ولی در نتیجه مختصر زدوخورد قوای آنها متلاشی و خودشان متواری گردیدند. اردو از رود صیمره عبور نموده اشرار را سرکوبی و شب در محل طایفه اولادقباد توقف خواهد داشت. وضعیات اردو به قرار راپرت مزبور رضایت بخش بوده و جای نگرانی نیست. عصر یوم هفتم چند نفر از کدخدایان گراوند و سوری و امرایی و غیره که اسامی آنها در دفتر مخصوص عشایری ثبت است در اثر وصول اعلان نمره ۱۳۶۰۴ به اردو آمده تسلیم گردیدند و درخواست تأمین برای بستگان خود نمودند. صبح جاری نظرعلی خان به محل رومشکان برای آوردن کدخدایان و خوانین حرکت نمود. در ساعت یازده و نیم صبح سلطان غلامحسین قویمی فرمانده بهادران ۴ فوج گارد سوار پهلوی که جهت گرفتن قلعه کوه‌دشت با یک بهادران اعزام شده بود بدون هیچ‌گونه تصادفی وارد قلعه گردید. ۲۵ نفر سوار در قلعه گذارده با بقیه عده مراجعت نمود. از اشرار در صفحه کوه‌دشت به هیچ وجه اثری نیست. طبق اطلاعات حاصله بیرانوندها به معیت علی محمدخان غضنفری به طرف زیویار متواری شده‌اند و شاه‌مرادخان گراوند چند روز است به سرطهران مراجعت نموده است.

به فرمانده ستون دوم، تحت نمره — دستور داده شد به اردوی سرهنگ مهدیقلی خان به قلعه آمده و از آنجا به مرکز تنگه وراز مراجعت نمایند. به فرمانده قوای پشتکوه امر شد فردا حتماً وارد قلعه کوه‌دشت گردد و ستون خود را در آن تمرکز دهد.

شرحی علی‌مرادخان جودکی نوشته بود و یک مراسله به امضاء علی محمدخان غضنفری ارسال داشته بود که سه روز پس از محاصره اردو به مشارالیه نوشته بوده

است. مفاد مکتوب مزبور این بود که اردوی ظلم سه روز است وارد کوه‌دشت شده آن‌ها را محاصره نموده‌ام و قریباً تسلیم خواهند شد. خوب است شما هم با تفنگچی و سوار فوراً بیایید و در امر نابود کردن آن‌ها شرکت کنید. مشارالیه از نقطه نظر خدمتگذاری کاغذ را ارسال داشته [است]. به‌او جواب محبت‌آمیز داده شد.

### وقایع لیل و یوم ۸ آذرماه ۱۳۰۶

شب اتفاق قابل ذکری رخ نداد. صبح ۸ راپرتی از سرهنگ مهدیقلی خان تحت نمره — واصل گردید مبنی بر اینکه با مختصر مصادمه با اشرار وارد محل اولادقباد گردیده و لیل ۸ در آنجا توقف داشته و صبح ۸ به اتفاق قوای سرهنگ محمدعلی خان بلوچ طبق دستور صادره وارد قلعه کوه‌دشت خواهد گردید. نایب سرهنگ محمدعلی خان بلوچ نیز تحت نمره — راپرت داد که در محل اولادقباد به اردوی سرهنگ مهدیقلی خان ملحق گردیده و امروز مراجعت خواهد نمود.

به کدخدایان و رؤسای طوایفی که دیروز برای کسب تأمین آمده بودند تحت نمره — تأمین داده شد و نیز ملزم گردیدند پس از اخطار ثانوی اسلحه خود را تسلیم نمایند.

در ساعت ۴ بعد از ظهر با دوربین مشاهده شد که اردو وارد قلعه گردید.

### وقایع یوم ۹ آذرماه ۱۳۰۶

#### وقایع یوم دهم آذرماه ۱۳۰۶

در ساعت ۸ صبح طبق دستوری که دیروز صادر شده بود قوای ستون دوم به سرخ‌دُم لُری آمده در جناح چپ ستون اول تمرکز یافت.

در ساعت ۹ صبح بندگان حضرت اجل برای بازدید قوای اردوی پشتکوه به قلعه کوه‌دشت تشریف بردند و در ساعت پنج بعد از ظهر مراجعت فرمودند.

نظر به اینکه در نظر است اردوهای ستون اول و دوم توفان عملیات نمایند تحت نمره — در تعقیب ماده (۲) حکم عملیاتی نمره ۱۹ آمر شد بهادران‌های سوار و

پنجاه تیر فوج گارد پهلوی سوار از ستون‌ها مجزا شده و با سوارهای عشایری حاضر [در] اردو و آن‌هایی که بعداً خواهند آمد تحت فرماندهی نایب سرهنگ سیف‌الله میرزا فرمانده فوج گارد سوار پهلوی، تشکیل یک ستون سوار دهند.

از طرف بعضی از کدخدایان چندین مراسله به عنوان امان‌الله خان مبنی بر اظهار خدمتگذاری رسید. پس از اینکه به نظر مبارک رسانید اجازه فرمودند آن‌ها را به‌مراحم دولت امیدوار نموده و بنویسد هر چه زودتر به اردو حاضر شده کسب دستور راجع به خلع سلاح و اطاعت اوامر دولت بنمایند. شرحی نیز میرعلی محمدخان و میرغلامرضاخان مبنی بر خدمتگذاری نوشته بودند. تحت نمره — به آن‌ها جواب صادر شد که در دستگیر نمودن علی محمدخان غضنفری در صورتی که از خاک آن‌ها عبور نماید و راه ندادن اشرار به خاک خودشان با مرادخان جودکی کمک نمایند و نیز اعلان راجع به دستگیری علی محمدخان برای آن‌ها ارسال گردید که منتشر نمایند. به نظر علی خان تأکید شد که بیش از این اردو نمی‌تواند منتظر شود. زودتر کدخدایان و خوانین را حاضر نماید.

### وقایع بوم ۱۱ آذرماه ۱۳۰۶

اردوهای ستون اول و دوم در سرخ‌دُم لُری و اردوی پشتکوه در قلعه کوه‌دشت توقف، اتفاق قابل ذکری در صبح جاری رخ نداد غیر از اینکه شرحی به‌امضای نظرعلی خان به‌توسط قاصد رسید که علاوه بر علی محمدخان سایرین نیز به تحریک بعضی اشخاص مشغول دسیسه هستند؛ در ضمن کاغذی به‌امضاء میرعلی محمدخان و میرغلامرضاخان<sup>۱</sup> و مرادخان و علی مرادخان جودکی حاکی از اینکه آن‌ها حاضر برای خدمتگذاری نشده و نخواهند بود و نیز علی محمدخان را تحریک به‌شرارت نموده بودند ارسال داشته بود. از خط مراسله معلوم بود که علی مرادخان آن‌را نوشته و برای الغاء شبهه به‌اسم نظرعلی خان امرایی پدرش امضا نموده بود. در مراسله ضمیمه نوشته شده بود که عموم پیرانوندها و بالاگریوه تصمیم گرفته‌اند پُست‌های عرض راه

۱. پسران میرصید محمدخان اشرف‌العشایر. «میرغلامرضاخان از سال ۱۳۰۹ که بخشی از طایفه میر که عموها و بنی‌اعمام وی بودند، به تبعید رفتند در معیت قوای دولتی به اقداماتی دست زد که در ۱۳۱۱ مورد توجه و تمجید حاجعلی رزم‌آرا قرار گرفت. وی سال‌ها بعد به حکومت صیبره منصوب شد در بازگشت تبعیدی‌های زمان رضاخان... توسط یکی از بنی‌اعمام خود کشته شد (سال ۱۳۲۳)». [برگرفته از توضیحات آقای اردشیر کشاورز]

و نظامیان آن منطقه را از بین برده و به خرم آباد حمله نمایند. جواب به عنوان علی محمدخان تحت نمره — صادر گردید:

کاغذی که به امضاء نظر علی خان نوشته بودید رسید. قوای دولتی برای سرکوبی اشرار آمده و چون مقصود آسایش اهالی بوده است تاکنون به مدارا رفتار شده و عملیات شروع نگردیده است. اردوها خط سیر خودشان را که کبیرکوه است ادامه خواهند داد. اگر اشرار خیال دارند به خرم آباد بروند اردوها هم به سر خانواده و منازل آنها خواهند رفت. به علاوه به مشارالیه تأکید شد در آتیه اجازه ندارد به امضاء دیگری مقاصد و مطالب خودش را بنویسد. در صورت تخلف قاصد تیرباران خواهد شد. در ساعت شش بعد از ظهر عده ای از خوانین که اسامی آنها ذیلاً نوشته می شود برای تسلیم شدن به اردو آمدند:

- ۱ — الله یارخان گراوند، ۲ — علی خان آینه وند، ۳ — جعفرخان کونانی، ۴ — غلامرضا خان آینه وند، ۵ — ناصرخان گراوند، ۶ — کاظم خان کوشکی، ۷ — اماقلی خان کونانی، ۸ — چراغ علی خان آینه وند، ۹ — علی اکبرخان آینه وند، ۱۰ — عسکرخان آزادبخت، سیزده نفر هم نوکر با خوانین مزبور به اردو آمدند.

### وقایع یوم ۱۲ آذرماه ۱۳۰۶

طبق راپرت واصله یوم دهم جاری علی محمدخان غضنفری و محمدحسن کونانی با شش نفر نوکرهای محمدحسن و قریب ده نفر نوکر و شیخ حسین امرایی آمده اند خانه پیره لکی کدخدای قره لیوند لکی. کدخدایان قره لیوند حاضر شده بودند با سید ابراهیم به اردو بیایند، علی محمدخان مشارالیه را فحش داده و نگذارده بود آنها به اردو بیایند. عده زیادی از بیرانوندها نیز در میان طایفه قره لیوند بوده اند. لیل ۱۲ یک عده هفتاد الی هشتاد نفر سوار آنها به عزم کوه دشت حرکت نموده که در میان دره ها پنهان شده [اند تا] در صورت امکان به قاطرهای مکاری که جهت آوردن کاه خارج می شوند لطمه وارد بیاورند.

فوراً دستورات لازمه داده شد که مکاریان از منطقه دور نشده و به فرمانده ستون اول نیز امر داده شد قسمتی را که برای حمل آذوقه به شهر اعزام داشته تقویت نماید. امر مزبور تحت نمره — صادر و قوای اعزامی [که] به شرح ذیل است در ساعت — اعزام گردید.

- ۱- یک گروهان پیاده از فوج گارد نادری.
  - ۲- بیست نفر سوار از فوج گارد سوار پهلوی.
  - ۳- دو پنجاه تیر از فوج پیاده پهلوی.
- در ساعت شش و نیم بعد از ظهر اشخاص ذیل از طوایف طرهانی برای تسلیم شدن به اردو پناهنده شده و درخواست عفو و اغماض نمودند. سیزده نفر هم از بستگان و نزدیکان آنها با آنها بودند.
- ۱- الله یارخان، رئیس یک قسمت از طایفه گراوند، ۲- علی خان آینه‌وند، ۳- جعفرخان از خوانین کونانی، ۴- غلامرضاخان از خوانین آینه‌وند، ۵- باقرخان گراوند، ۶- کاظم خان کوشکی، ۷- امام‌قلی خان کونانی، ۸- چراغ‌علی خان آینه‌وند، ۹- علی اکبرخان آینه‌وند، ۱۰- عسکرخان آزادبخت.
- ورود اشخاص مزبور در اثر انتشار اعلان‌های نمره ۳۶۰۴ و نمره - بوده است که اعلان اخیرالذکر که حکم خلع علی‌محمدخان غضنفری را از حکومت طرهان به طوایف گوشزد نموده بود.<sup>۱</sup>
- اردوها کمافی‌السابق در محل‌های روز قبل متوقف، هنوز تصمیمی راجع به ادامه عملیات اتخاذ نشده است.

### وقایع یوم ۱۳ آذرماه ۱۳۰۶

ستون‌های اول و دوم در سرخ‌دُم لُری متوقف و قوای اعزامی کرمانشاه در قلعه کوه‌دشت می‌باشند. از سرخ‌دُم لُری اقدامات لازمه جهت جلب سایر خوانین و کدخدایان طرهانی و اتخاذ تصمیم راجع به خلع سلاح لرستان به عمل آمد. طبق اطلاعات حاصله علی‌محمدخان غضنفری هنوز از میان طایفه قره‌لیوند خارج نشده است، یعنی به واسطه اعلانی که راجع به دستگیری مشارالیه صادر گردیده است در یک نقطه توقف ننموده و اتصالاً در کوه‌ها در حرکت است.

عبدالله‌خان منشی علی‌محمدخان و غلامحسین برادر مشارالیه که از خوانین زریونی می‌باشند به وسیله امان‌الله درخواست عفو نموده. جواب داده شد می‌توانند مثل سایر خوانین به اردو پناهنده شوند. طبق راپرت واصله قره‌لیوندها حاضر شده

۱. اعلان خلع حکومت از علی‌محمدخان طی همان اعلان شماره ۳۶۰۴ منتشر شده است. بنگرید به «وقایع ۲ آذر».

بودند به معیت سید ابراهیم به اردو حاضر شده تسلیم گردند، لیکن غفلتاً علی محمدخان با عده‌ای از بیرانوندها به محل آن‌ها آمده و مانع از حرکت آن‌ها شده بودند.

به سرهنگ مهدیقلی خان فرمانده اردوی پشتکوه امر شد شب به حضور بندگان حضرت اجل دامت عظمته در اردوی سرخ‌دُم لُری شرفیاب شده راجع به اتخاذ تصمیم در موضوع خلع سلاح لرستان و عملیات آتیه مذاکره نمایند و دستورات لازمه اخذ نمایند.

### وقایع یوم ۱۴ آذرماه ۱۳۰۶

به خوانین گراوند و آینه‌وند و کوشکی و آزادبخت و کونانی که به اردو تسلیم شده بودند تحت نمره ۵۷ تحت شرایط ذیل تأمین داده شد:

۱- تاده روز دیگر اسلحه خود و کلیه طوایف ابوابجمعی خودشان را جمع‌آوری نموده با اطلاع صاحب‌منصب مأمور خلع سلاح طوایف طرهانی به قلعه کوه‌دشت آورده تحویل قوای نظامی بدهند.

۲- در آتیه به هیچ وجه من‌الوجوه با اشرار مراوده ننموده، هر گاه از اشرار به آن‌ها نزدیک بشوند نوراً آن‌ها را در صورت امکان دستگیر و تحویل اداره قشونی نمایند.

۳- هر گاه از این تاریخ به بعد از طرف آن‌ها یا طوایف ابوابجمعی آن‌ها خیانتی ظاهر شود فوراً از ریاست طایفه خلع و محکوم به اعدام خواهند بود و تأمین‌نامه لغو خواهد شد.

پس از امضاء یک ورقه التزام‌نامه که مفاد آن تقریباً مراتب فوق بود به آن‌ها اجازه داده شد به محل‌های [خود] مراجعت نمایند.

امان‌الله خان غضنفری که مدت‌هاست با نهایت صمیمیت مشغول خدمتگذاری نسبت به قشون و دولت بوده است و اخیراً هم در معیت ستون اول از خرم‌آباد حرکت نموده و در جلب خوانین فوق‌الذکر به اردو اقدامات جدی نموده بود نیز مأمور گردید به سیمت نمایندگی از طرف درگاه حضرت اجل دامت عظمته به داخله طوایف رفته خاطر عموم را از مقصود اصلی قشون که فراهم نمودن وسایل آسایش اهالی است مستحضر نموده ضمناً آن‌ها را زودتر به تسلیم اسلحه ترغیب نماید. و نیز به مشارالیه دستور داده شد اسامی اشخاص یا طوایفی را که حاضر برای خدمتگذاری نیستند و



نمی‌خواهند اسلحه خود را زودتر تحویل نمایند<sup>۱</sup>. تحت نمره ۷۵ به عموم کدخدایان و رؤسای طرهانی و چگنی و غیره که در این منطقه هستند و صورت اسامی آنها در کتابچه مخصوص عشایری ثبت است امر شد تا روز ۲۵ آذرماه کلیه اسلحه خود و طوایف ابوابجمعی خود را جمع‌آوری نموده در قلعه کوه‌دشت تحویل قوای نظامی بدهند. هرگاه پس از انقضاء مدت معینه یک قبضه تفنگ یا فشنگ در دست کسی دیده شود، صاحب آن بدون محاکمه تیرباران خواهد شد.

### وقایع یوم ۱۵ آذر ۱۳۰۶

تحت نمره ۸۹ به سلطان مصطفی خان فرمانده گردان ۱ فوج گارد نادری که با عده به موجب متحدالمال نمره — یوم دوازدهم جاری جهت حفاظت آذوقه به چگنی رفته بود امر شد قوای پیاده را به مرکز اردو معاودت داده یک بهادران سوار که از ستون سوار به نزد مشارالیه اعزام می‌گردد تحت اختیار خود گرفته و شروع به خلع سلاح کلیه طوایف چگنی نماید. می‌بایستی که خلع سلاح از طوایف چگنی که در نزدیک تنگ گاو شمار واقع شده‌اند شروع گردیده در نزدیکی خرّم آباد خاتمه یابد و نیز تا بیست و پنجم آذرماه بیشتر طول نکشد. رستم خان بهادر که خدماتی نموده و در موقع محاصره اردو چندین مرتبه از محل طولابی به وسیله رعایای طولابی آذوقه برای اردو حمل کرده بود و اخیراً به سیمت سوار عشایری با یازده نفر سوار استخدام گردیده بود مأمور گردید به اتفاق کدخدا کاظم، کدخدا باشی چگنی نزد سلطان مصطفی خان رفته احکام طوایف را فوراً رسانیده و اسلحه آنها را کشف و به سلطان مزبور راپرت دهد تا مشارالیه در جمع‌آوری آن اقدامات لازمه به عمل آورد.

در ساعت چهار بعد از ظهر ۹ نفر اشخاص ذیل به اردو آمده پناهنده شدند. برخی هم به امان‌الله خان و الله یار خان از پای آسان نوشته بودند که در ترغیب اشخاص مزبور به آمدن و تسلیم شدن جدیت نموده‌اند.

۱— محمد قاسم خان از طایفه امرایی، ۲— کدخدا رستم خان از طایفه امان خان امرایی، ۳— کدخدا یار حسن از تیره حاصل سوری، ۴— کدخدا سهراب از نظر علی وند امرایی، ۵— کدخدا رفیع از طایفه بازوند، ۶— کدخدا کلبعلی از طایفه

۱. پایان صفحه. در صفحه بعد ادامه این جمله نیامده است و مطلب دیگری آغاز می‌شود.

حاجی سوری، ۷- کدخدا فتح علی از طایفه رومیانی، ۸- کدخدا نوروز علی از طایفه رحمن لالوند امرایی، ۹- کدخدا حیدر علی از طایفه خدانظر سوری. برای کلیه ستون‌ها لیلہ یازدهم مقداری آذوقه آوردند که امر شد مستقیماً به قلعه ببرند. یک بهادران سوار (بهادران ۳ فوج گارد سوار پهلوی) مأمور خلع سلاح شده حرکت نمودند. اردوها در مقرهای سابق متوقف، اتفاق دیگری رخ نداد. طبق اطلاعات که از قاصدها و غیره به دست آمده علی محمدخان در طایفه قره لیوند و زریونی می باشد. پسر فتح علی خان با یک عده بیرانوند در دم چیر<sup>۱</sup> نزدیک قره لیوندها متوقف بوده اند.

تحت نمره — به فرمانده اردوی پشتکوه امر شد پنجاه نفر پیاده و پنج نفر سوار به گردنه وراز اعزام دارد، موقعیت مزبور را از قوای فوج گارد پهلوی پیاده تحویل بگیرند. پنج نفر سوار مزبور مأمور انجام وظایف ارتباط و پست پرنده خواهند بود.

#### وقایع یوم ۱۶ آذرماه ۱۳۰۶

نظر به اینکه عده ای از خوانین و کدخدایان طرهانی درخواست تأمین نموده و به آن‌ها تأمین داده شده بود به شرط خلع سلاح برای اینکه ارتباط بین آن‌ها و علی محمدخان و طوایف قره لیوند که هنوز به اردو حاضر نشده و عده ای بیرانوند که در زیویار هستند قطع گردد و برای اینکه بهتر بشود اقدام به خلع سلاح عمومی طرهان نمود اوضاع جغرافیایی و نظامی ایجاب می نمود که اردوهای ستون اول و دوم چند فرسخی به جلو رفته، در یک نقطه تمرکز یابند که مقاصد فوق الذکر حاصل گردد و پس از خلع سلاح کلیه طوایف چگنی و طرهان و کلیه طوایفی که در عقب خواهند ماند و اطمینان کامل از عقب و جناحین، آن وقت اردو جلوتر برود. لذا تحت نمره ۱۶ در ساعت ۹ بعد از ظهر ۱۵ جاری امر شد ستون های اول و دوم از سرخ دم لری در ساعت ۸ حرکت نموده به استقامت تپه کُمیر<sup>۲</sup> محل عمله علی محمدخان که در یک فرسخی جنوب غربی قلعه کوه دشت واقع است بروند. در ساعت ۸ صبح اردوها حرکت نمودند. فوج گارد پهلوی و کلیه ستون ۲ در جلو و فوج گارد نادری به فاصله هزار متر در عقب بندگان حضرت اجل و ارکان حرب قوا و ستون سوار در جلو

قسمت‌های فوق‌الذکر حرکت نمودند. در قلعه کوه‌دشت راحت‌باش داده شد، سپس ستون‌های مزبور در ساعت ۳ بعد از ظهر وارد به محل عمله شدند و شب در آنجا توقف نمودند.

اردوی پشتکوه در قلعه کوه‌دشت تا دستور ثانوی برای در دست داشتن اوضاع محل و تسریع خلع سلاح طوایف چگنی و طرهانی توقف خواهد نمود. به کدخدایان امرایی و سوری و غیره که یوم قبل به اردو پناهنده شده بودند تأمین داده شد به شرط خلع سلاح شدن و اطاعت کامل اوامر دولت اجازه گرفته به محل‌های خودشان رفتند.

### وضعیت محل از سرخ‌دُم لُری الی تپه کُمیر

جلگه کوه‌دشت در نزدیک سرخ‌دُم لُری دارای عوارضات است یعنی مجاری عمیق سیلاب دارد به‌طوری که عده زیادی می‌توانند از دره‌های مزبور عبور نمایند بدون اینکه از سرخ‌دُم لُری یا از قلعه دیده شوند.

در جناح چپ جاده به فاصله هزار و پانصد متر و در جناح راست به فاصله هزار متر دو تپه هست. قسمت شرقی قلعه کوه‌دشت فوق‌العاده مسطح است به‌طوری که بدون اصلاحاتی ممکن است طیاره در آنجا فرود آید لیکن قسمت شمالی و غربی آن نیز دارای پست و بلندی و جوه‌های سیلاب می‌باشد. سراب مادیان‌رود از دامنه کوه چنگری که در مغرب قله واقع است جای [و] از سمت مغرب و شمال قلعه جریان دارد و بالاخره داخل در تنگه مادیان‌رود می‌شود. قلعه کوه‌دشت که تماماً از آجر ساخته شده است دارای چهار برج ۳ طبقه است. درب آن در سمت جنوب، در جناحین درب ورود در داخل قلعه دو طویله که هر یک گنجایش بیست رأس اسب دارد ساخته شده است. قسمت شرقی و شمالی دارای عمارت مسکونی است. در طرف شرق دو طبقه عمارت هر یک ۲ اطاق سه‌دری، یک ایوان در وسط آن‌ها می‌باشد. قسمت شمالی نیز عمارت دارد لیکن سه طبقه بنا شده، در هر طبقه دو اطاق بزرگ و یک ایوان در وسط به‌علاوه برج که دارای اطاق هستند. کلیه قلعه متجاوز از یک گردان گنجایش دارد.

تپه کُمیر به فاصله یک فرسخی جنوب غربی قلعه کوه‌دشت واقع است. محل عمله علی‌محمدخان در دامنه کوه و گردنه نعل‌شکن است، به فاصله دو هزار متر از گردنه و وضعیت آن محل برای اردوگاه خوب است. یک تپه دایره‌شکل از شمال تا کوه

نعل شکن مُمتد است. یک تپه دیگر در سمت مشرق محل مزبور نیز تا کوه مُمتد است. منطقه وسط تقریباً حال یک قلعه‌ای را داراست. یک سراب و چند چشمه کوچک در آنجا موجود است. فقط از حیث هیزم که به فاصله نیم فرسخی یافت می‌شود ممکن است اسباب زحمت فراهم شود.

### وقایع ایام ۱۷ و ۱۸ آذرماه ۱۳۰۶

اردو در ساعت هشت و نیم صبح به استقامت فرخ آباد حرکت نمود. در جلو ستون اول، بعد ارکان حرب قوا و ستون سوار، سپس ستون ۲، بعد بُنه کلیه قسمت‌ها. خط سیر اردو از گردنه نعل شکن، تنگ پریان، دامنه جنوبی کوه زرده سوار و فرخ آباد. توقفگاه در سراب فرخ آباد تعیین گردید. در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر جاسوسین راپرت دادند که علی محمدخان غضنفری با خوانین زینب بیرانوند و عده دیگر از اشرار در محل توه خشکه<sup>۱</sup> در شمال جلگه رومشکان در چادرهای قسمتی از طایفه گراوند می‌باشند. به فوریت امر شد از ستون اول دو گروهان پیاده و دو قبضه مسلسل، از ستون دوم دو گروهان پیاده و از ستون سوار دو قبضه پنجاه تیر برای حفظ موقعیت‌های توقفگاه اردو و انتظامات داخلی در سراب فرخ آباد مانده، مابقی عده کلیه ستون‌ها به طور زبده در ساعت ۱۲ بعد از ظهر در معیت حضرت اجل فرمانده معظم لشکر غرب و قوای اعزامی لرستان دامت عظمته برای محاصره نمودن و دستگیری اشرار فوق‌الذکر حرکت نمایند. در تمام مدت غیبت فرماندهان ستون‌ها، حفظ استحکامات و موقعیت اردوگاه به عهده یاور قاسم خان خدایاری محول گردید. در ساعت ۳ بعد از نصف شب کلیه قوا به محل مأموریت خود رسیده و مواقع لازمه را اشغال نموده بودند. در ساعت پنج و نیم صبح ۱۸ شروع به حمله گردید. در بدو امر اشرار با دادن چند تن تلفات با یک حال مضطربی متواری و متفرق گردیدند. لیکن پس از دو ساعت خود را جمع‌آوری نموده به قتل کوه‌های جنگل دار قسمت شرقی و شمالی بالا کشیدند و در مقابل قوای اعزامی مقاومت نمودند. جنگ تا ساعت دو و نیم بعد از ظهر ادامه داشت. در همان آن امر به حمله گردید. فوج گارد پهلوی از جناح چپ و فوج گارد نادری از جلو و جناح راست به اشرار حمله نمود و قتل مرتفع را از دست

آنان گرفتند. اشرار ناچاراً با دادن تلفات به طرف کوه‌های سمت چول‌حول متواری گردیدند. نعلش یدالله‌خان برادر علی‌محمدخان غضنفری با مادیان و تفنگ مشارالیه به دست نظامیان افتاد.<sup>۱</sup> در بدو امر موقعی که شروع به عملیات گردید یک تیر گرنا در میان چادرهای گراوندها انداخته شد. در نتیجه اشرار که در آنجا بودند یک مرتبه بیرون آمده و جنگ‌کنان فرار می‌نمودند. از اهالی دو نفر مقتول گردید و نیز مقداری گاو و آغنام از آنها تلف شد. بر حسب تحقیقاتی که به عمل آمد اسفندیارخان رماوندی که از خوانین مهم طرهان و پیشکار محمدخان غضنفری بود، در جنگ مقتول شده است. اسامی سایر مقتولین تاکنون تعیین نگردیده است.

قوای اعزامی در ساعت پنج بعد از ظهر ۱۸ به مقر اردوگاه سراب فرخ‌آباد مراجعت [و] دستورات لازمه جهت خلع سلاح به کدخدایان گراوند که در بدو جنگ تسلیم گردیدند داده شده و صفحه توه‌خشکه به کلی به وسیله اشرار تخلیه گردید.

### وقایع نوزدهم آذرماه ۱۳۰۶

اردو در سراب فرخ‌آباد متوقف، به قرار راپرت واصله علی‌محمدخان غضنفری و سایر اشرار بیرانوند به ناحیه خرسدر رفته [و] در کوه‌ها پنهان هستند. روزها می‌آیند از طوایف بازوند و سهراب‌وند و غیره آذوقه می‌گیرند و شب مجدداً به کوه می‌روند. یاور علی‌اکبرخان سیاهپوش با ده نفر سوار مأمور خلع سلاح گردیده [و] نزد امان‌الله‌خان غضنفری اعزام گردید که هر چه زودتر به خلع سلاح طرهان خاتمه داده شود که تا یوم ۲۵ جاری دیگر اسلحه در طرهان باقی نماند و نیز به مشارالیه دستورات لازمه داده شد [که] اسامی اشخاصی را که تعلل در تسلیم اسلحه و اطاعت امر دولت دارند راپرت دهد تا اقدامات لازمه جهت سرکوبی آنان به عمل آید. یاور قاسم‌خان خدایاری فرمانده گردان ۱ فوج گارد سوار پهلوی به سمت سردژبانی اردو تعیین و مأمور گردید مواظب اشخاصی که وارد اردو می‌شوند یا از اردو خارج می‌شوند باشد. پس از تشخیص هویت آنان، مراتب را به ارکان حرب قوای اعزامی لرستان راپرت دهد. در موضوع فروش اجناس به وسیله عشایر نیز مراقبت کند

۱. «جنگ نظامیان با هواداران علی‌محمدخان... در نقطه‌ای به نام باباهادی صورت گرفت، یدالله‌خان برادر علی‌محمدخان غضنفری که جوانی ۱۴ ساله بود و بسیار شجاع و دلور، با شمشیر سوار بر اسب به توپ حمله برده و پس از کشته شدن، جسدش روی توپ افتاد.» [توضیح آقای اردشیر کشاورز]

به قیمت عادله بفروشد و قیمت اجناس کاملاً به آن‌ها تأدیه گردد.

چون بر طبق راپرت‌های نمره ۱۱۱۵۰ و نمره ۱۱۱۴۸ و نمره ۱۱۱۵۱ اشرار در حدود دره‌دراز و آسو<sup>۱</sup> و شوراب مشغول شرارت و راهزنی گردیده‌اند، از طرف دیگر مطابق راپرت نمره ۱۱۱۴۷، ۱۳ نفر از الوار حامل آذوقه ستون ۳ و پنج نفر از نظامیان پُست شاهنشاه فرار نموده‌اند، تحت نمره ۱۷۹ به سرهنگ بلوچ امر شد از راه خرّم آباد به سراب گل رفته در دستگیری فراریان اقدام و راجع به برقرار نمودن امنیت در راه بروجرود نیز جدیت کند.

### وقایع ۲۰ آذرماه ۱۳۰۶

اردو در سراب فرخ آباد متوقف، به قرار اطلاعات واصله اشرار در منطقه عالی‌گیژو<sup>۲</sup> و پل کردختر متوقف می‌باشند. کدخدایان طوایف بازوند و سهراب‌وند و رحمن لالوند شرحی نوشته و درخواست تأمین نموده بودند. چند نفر هم به نمایندگی اعزام داشته بودند. از آن‌ها التزام گرفته شد و به شرط دور شدن از اشرار، تأمین داده شد همچنین از طرف غلامحسین خان و علی‌رضاخان و سایر خوانین زریونی و طایفه مزبور شرحی مبنی بر خدمتگزاری و اطاعت واصل گردید. به آن‌ها نیز تأمین داده شد در صورت تسلیم اسلحه و آمدن به اردو در امان باشند.

در ساعت — صبح یک دستگاه طیاره به ارتفاع خیلی زیاد از طرف شمال پدیدار گردیده چند دور بالای کوه‌دشت زده سپس به فضای سراب فرخ آباد آمده چند دور هم آنجا زده و به سرعت هر چه تمامتر از خط فضای کوه‌دشت مراجعت نمود، چون طیاره مزبور نمره نداشت و هویت آن معلوم نبود به یاور ناصرقلی خان اطلاع داده شد هویت طیاره مزبور را کشف نموده در صورتی که طیاره خارجی باشد به ارکان حرب محترم کل قشون راپرت دهد.

به امان‌الله غضنفری امر شد در توقیف اموال علی‌محمدخان و اشخاصی که با مشارالیه رفته‌اند اقدامات لازمه به عمل آورد و در خاتمه دادن به امر خلع سلاح جدیت کامل نماید.

۱. اصل: آستان و گاهی مواقع آسان [ASO]

۲. اصل: آل‌کیجال ALIGIZO. دهی است د. بازوند

## وقایع یوم ۲۱ آذرماه ۱۳۰۶

به قرار راپرت واصله نایب سرهنگ محمودخان امیرطهماسب حامل عطیه ملوکانه برای فرماندهی معظم لشکر غرب و قوای اعزامی لرستان دامت عظمته امروز وارد به قلعۀ کوه دشت خواهد شد. دستورات لازمه جهت استقبال و پذیرایی به کلیۀ مأمورین عرض راه صادر گردیده بود.

به فرمانده اردوی اعزامی پشتکوه دستور داده شد خود مشارالیه با یک گردان پیاده از فوج منصور و یک بهادران سوار یوم ۲۲ جاری در ساعت هشت و نیم صبح از قلعۀ حرکت و در مشایعت عطیه همایونی به اردوگاه سراب فرخ آباد بیاید.

تحت نمره های — به قسمت های ستون ۱ و ۲ ستون سوار امر شد:

۱— قوای ستون ۲ برای ادای احترامات و مراسم استقبال به تپه شمال غربی سراب فرخ آباد که به فاصلۀ نیم فرسخی از اردوگاه واقع است رفته پس از ورود عطیه همایونی احترامات نماید.

۲— فوج نادری از هزارمتری تا جلو چادر بندگان حضرت اجل صف کشیده منتظر ورود برای احترامات باشد.

۳— صاحب منصب و رسد بمب انداز در جلو چادر احترامات نمایند.

۴— دسته آتشبار ستون ۱ موقعی که عطیه همایونی به جلو چادر می رسد یک تیر توپ شلیک نماید.

۵— خود بندگان حضرت اجل فرماندهی معظم لشکر و قوای اعزامی لرستان دامت عظمته در ساعت ۸ و نیم صبح از سراب فرخ آباد برای استقبال با کلیۀ ستون سوار حرکت خواهند فرمود. سوارهای عشایری نیز در معیت حضرت اجل حرکت خواهند کرد.

۶— روز ۲۳ تیر در ساعت ۹ دستخط جهانمطاع ملوکانه در جلو صف قرائت خواهد گردید سپس بیانیۀ بندگان حضرت اجل، بعد به سرهنگ محمودخان عطیه همایونی را تفویض نموده بعد از هورا و شادمانی دفیله<sup>۱</sup> خواهد بود.

۷— کلیۀ عشایر مهمان بندگان حضرت اجل خواهند بود. ستون ۱ مأموریت دارد به حساب حضرت معظم له به آن ها شاه بدهد و پذیرایی نماید.

طبق اطلاعات حاصله اشرار باز هم در ناحیه پل کردختر و تنگ خرسدر و پیران‌پریز<sup>۱</sup> می‌باشند. روابط آن‌ها با جودکی‌ها برقرار گردیده است. علی‌محمدخان غضنفری به مرادخان جودکی متوسل گردیده و در خانه مشارالیه رفته با چند نفر دیگر از خوانین بیرانوند هم‌عهد شده و قسم خورده‌اند بر علیه دولت اقدامات نمایند. (اطلاعات مزبور در بین عشایر گراوند که جنس برای فروش به اردو می‌آورند شایع بود).

### وقایع یوم ۲۲ آذرماه ۱۳۰۶

بر طبق پروگرام که روز قبل به قسمت‌ها متحدالمال شده بود هر قسمتی در نقطه‌ای که برای آن تعیین گردیده بود حاضر، در ساعت ۸ و ۱/۲ صبح بندگان حضرت اجل با عده ستون سوار به استقبال حرکت فرموده در تنگه دم‌روباہ منتظر شدند. در ساعت یازده و نیم حاملین عطیه همایونی وارد محل مزبور گردیده مراسم احترامات به عمل آمد. سپس به سمت اردو حرکت نمودند. در همه جا مطابق پروگرام احترام نموده بالاخره در ساعت یک و نیم بعد از ظهر عطیه همایونی را به چادر بندگان حضرت اجل آوردند. عده‌ای از خوانین گراوند و سایر خوانین طرهانی نیز وارد گردیدند.

اردو در سراب فرخ‌آباد متوقف، از اشرار در نزدیکی اردو خبری نیست. دستگاه بی‌سیم تیپ ۱ گارد مستقل مأمور ستون اول لیلہ ۲۲ وارد گردید. یک ساعت قبل از ورود عطیه ملوکانه یک فروند طیاره به محل سراب فرخ‌آباد توقفگاه اردو آمده به زمین نشسته بود.

شب ۲۲ حسب‌الامر در اردو جشن برقرار گردیده در قتل کوه‌های اطراف به فاصله دو متر آتش زیاد روشن نمودند.

### وقایع یوم ۲۳ آذرماه ۱۳۰۶

در ساعت ۹ بر طبق پروگرام کلیه قوای ستون‌های اول و دوم و سوار و گردانی که از فوج منصور به همراه عطیه همایونی آمده بود در میدانگاه سمت شمال شرقی

۱. اصل: پیران‌پری [PARÂNPARIZ]، دهی از دهستان رومشکان



اردوگاه جلو چادر بندگان حضرت اجل صف آرای نمود، بدو بندگان حضرت اجل برای بازدید کلیه قوای مزبور از سمت چپ حرکت فرموده و در سمت راست که قسمت عشایری ایستاده بودند بازدید خاتمه یافت. سپس در ساعت ۹ و نیم دستخط ملوکانه ارواحنا فدا که به افتخار حضرت معظم له شرف صدور یافته بود قرائت فرموده، پس از هورا و اظهار شادمانی بیانیه‌ای که عیناً در حکم عملیاتی نمره ۱- ماده (ب) درج شده است ایراد فرمودند سپس عطیه همایونی [۱] جناب سرهنگ محمودخان امیرطهماسب آورده تقدیم نمود. از طرف فوج گارد پیاده نادری یک نفر نظامی جلو آمده، خطاب به ایرادسپس شروع به دفیله گردید.

در ساعت یازده و نیم دفیله خاتمه یافته از صاحبمنصبان و سایر حضار عکس برداشته شده و کلیه صاحبمنصبان به نهار دعوت شدند.

گردان پیاده فوج منصور و نیم بهادران سوار اعزامی به این اردو به قلعه کوه دشت مراجعت نمودند. از طره‌ها ن چهل قبضه تفنگ که از طوایف کوشکی و کونانی و امرایی مأخوذ شده بود به اردو ارسال گردید. به امان‌الله‌خان و سایر مأمورین خلع سلاح امر اکید صادر گردید در جمع‌آوری اسلحه طوایف عجله نمایند.

نایب ۱ مصطفی‌خان صارم در ساعت یک و نیم بعد از ظهر برای بازدید محل اشرار با طیاره‌ای که در ساعت یازده وارد شده بود اعزام گردید. بر طبق راپرت مشارالیه قسمت اعظم اشرار در قسمت شرقی رومشکان پای کوه مله در نزدیکی پل کردختر جمع شده و سیاه‌چادر زده‌اند. زیریونی‌ها در کجنه و قره‌لیوندها در امتداد کوه ایران و گرشوراب در دامنه جنوبی کوه مزبور نزدیک پل کله‌هر چادر زده‌اند. یک قسمت عشایر هم در زیویار و جناحین رود کشگان و در جایدر مشاهده شده بوده است. طبق راپرت جاسوسین علی‌محمدخان در انتهای رومشکان نزدیک پل کردختر در خانه کدخدا باقر بازوند بوده است.

طیاره موقع فرود آمدن، پنج بمب به همان نقطه پرتاب نموده بوده است.

### وقایع بوم ۲۴ آذرماه ۱۳۰۶

چهل قبضه تفنگی که از طره‌های اخذ و به اردو ارسال شده بود به قلعه کوه دشت ارسال گردید و دستورات لازمه صادر گردید، در آتیه کلیه اسلحه را در همانجا تحویل نمایند و رسید تحت صورت‌های مرتب مطابق نمونه که برای آن‌ها ارسال شده

است به دفتر ارکان حرب قوا بفرستند.

عصر ۲۴، نایب سرهنگ محمودخان امیرطهماسب اجازه مرخصی خواست در معیت سرهنگ مهدیقلی خان فرمانده اردوی اعزامی پشتکوه به قلعه کوهدشت رفت که از آنجا به طرف شهر حرکت نماید.

طیاره امروز صبح نیز در فضای رومشکان و سرطرهان پرواز نموده مقداری بمب برای متمرّدین قسمت شرقی رومشکان پرتاب نمود، سپس در سراب فرخ آباد فرود آمد. این طیاره همان طیاره است که روز اول در تاریخ ۲۰ بدون نشان دادن علامتی در فضای اردو پرواز نموده بود. اتفاق تازه‌ای امروز رخ نداد.

### وقایع یوم ۲۵ آذرماه ۱۳۰۶

اردو در مقر سراب فرخ آباد متوقف، اتفاق مهمی رخ نداد. به قرار راپرت واصله علی محمدخان غضنفری در ناحیه عالی‌گیژو و پران‌پری میان طوایف بازوند و سهراب‌وند می‌باشد. خوانین بیرانوند و قسمتی دیگر از اشرار زُبدۀ نزد مشارالیه هستند. روابط آن‌ها با جودکی‌ها (مرادخان) و عباس‌خان جودکی برقرار گردیده است.

یک فروند طیاره برای بمباردمان اشرار در فضای پران‌پریز و عالی‌گیژو. ساعت پنج بعد از ظهر علی رضاخان ابوقداره شهاب‌الدوله برادر والی پشتکوه که مدتی بود از کرمانشاهان آمده و به اردو احضار گردیده بود با چهار نفر نوکرهای شخصی خود وارد اردو گردید. محمدولی‌خان و کدخدا خنجر و یک نفر دیگر از طرف خوانین و کدخدایان زریونی به اردو آمده اظهار داشتند حاضر برای تحویل نمودن اسلحه خود می‌باشند ولی تأمین می‌خواهند. به خوانین زریونی مکرر دستخط صادر شده و تأمین داده شد [ولی] تاکنون حاضر نشده‌اند. مع هذا مجدداً شرحی به آن‌ها نوشته شد که هر چه زودتر اسلحه خود و طایفه خود را جمع‌آوری نموده تحویل دهند.

### وقایع یوم ۲۶ آذرماه ۱۳۰۶

اردو در مقر سراب فرخ آباد متوقف، طبق راپرت نمره ۹۷ امان‌الله‌خان غضنفری پسر مراد محمدخان با مرادخان جودکی نزد علی محمدخان آمده، به آن‌ها ملحق

شده‌اند. آن‌ها هم شهرت داده‌اند که عزیزالله‌خان پسر منصورخان بیرانوند بعداً نزد آن‌ها خواهد آمد. در راپرت نمره ۹۵ خود امان‌الله‌خان غضنفری اظهار می‌دارد که قضیه خلع سلاح به واسطه حضور بیرانوندها در قسمت جنوب شرقی و وجود خوانین مخالف (سام‌خان و ملک احمدخان و حیاتقلی‌خان و غیره) در قسمت جنوب غربی طرهان هنوز خاتمه نیافته، اهالی از اشرار متوحش هستند و جرئت نمی‌کنند اسلحه خود را کاملاً تسلیم نمایند. شرحی که در تأمین برای سام‌خان و غیره صادر شده بود ارسال گردیده لیکن تاکنون جواب نداده‌اند. در راپرت نمره ۹۶ تقاضا می‌کند اگر اردو به قاطرچی بیاید محذورات فوق‌الذکر مرتفع خواهد شد و خلع سلاح زودتر خاتمه خواهد یافت. تحت نمره ۳۹۸ در جواب راپرت نمره ۷ یاور علی اکبرخان سیاهپوش صادر گردید که امر داده شد سرهنگ مهدیقلی‌خان کفیل گارد سپه با اردو به سرطرهان بیاید. دیگر خوانین و رعایا عذری نخواهند داشت اگر به فوریت اسلحه را تسلیم نکنند خود بندگان حضرت اجل با اردو برای قلع و قمع آنان حرکت خواهند فرمود.

طبق راپرت‌هایی که از سلطان مصطفی‌خان فرمانده گردان ۱ فوج گارد نادری می‌رسد خلع سلاح طوایف چگنی در جریان است لیکن هنوز خاتمه نیافته است. دستورات اکیداً هرروزه به مشارالیه صادر شده است هر چه زودتر به عمل خلع سلاح آنجا خاتمه دهد.

چون بر طبق راپرت واصله عده‌ای از اشرار به جلگه خرّم آباد آمده‌اند برای اینکه نتوانند از مأمورین حمل ارزاق جلوگیری نمایند امر شد یک گردان پیاده و نیم بهادران سوار از فوج منصور تحت فرماندهی فرمانده فوج مزبور به چگنی رفته و مراقبت کافی نمایند کلیه قاطرهایی که برای قسمت‌ها آذوقه حمل می‌نمایند به سلامت وارد قلعه گردند، به سلطان مصطفی‌خان نیز ورود خود را به چگنی اطلاع دهند. همچنین در این زمینه دستورات، لازمه به سلطان مصطفی‌خان داده شد.

یک فروند طیاره مطابق دستوری که بدو داده شده بود به فضای سراب فرخ آباد آمده و فرود آمد. بدو به طرف رومشکان و پران‌پری رفته مواقع اشرار را بمباردمان نموده بود. سپس از سراب فرخ آباد به طرف دم‌ریسان<sup>۱</sup> و سرطرهان رفت و تفتیشات لازمه نمود. چون راپرت مهمی نداشت مستقیماً به شهر مراجعت کرد.

طبق راپرت واصله عده‌ای از بیرانوندها با علی محمدخان خیال دارند قریباً به خوانین مطیع و امان‌الله‌خان که در دم‌ریسان هستند حمله نمایند. راپرت مزبور از ناحیه امان‌الله‌خان رسید، لیکن صدق و کذب آن معلوم نیست. در هر حال بیرانوندها و علی محمدخان به‌طور تحقیق در ناحیه پران‌پریز و تنگ خرسدر انتهای دشت رومشکان در میان چادرهای طوایف بازوند و سهراب‌وند و غیره می‌باشند. کدخدا امیدعلی سهراب‌وند مأمور پذیرایی علی محمدخان است.

### وقایع یوم ۲۷ آذرماه ۱۳۰۶

اردو در مقر سراب فرخ‌آباد متوقف، در ساعت ده صبح طیاره مجدداً به سراب فرخ‌آباد فرود آمد. امروز نیز اشرار را بمبارده نموده بود. در ساعت یازده و نیم به طرف سرطرهان برای تفتیش رفت. مقداری بیانیه برای پرتاب نمودن بین طوایف همراه بود. در بیانیه مزبور به طوایف طرهانی گوشزد شده بود که با وصف محبت‌ها و رعایتی که از طرف قشون نسبت به آن‌ها شده، نتوانسته‌اند از این وضعیت استفاده نموده و اسلحه خود را تاکنون تحویل نداده‌اند. هر گاه به‌زودی حاضر برای تحویل اسلحه نشوند، اقدامات شدید بر علیه آن‌ها خواهد شد. طبق راپرت یک نفر جاسوس که دیروز به محل طایفه زریونی اعزام گردیده بود، طایفه زریونی اکثر تفنگچی و سوارهای خود را برای کمک نزد علی محمدخان فرستاده و خودشان برای اغفال اردو نماینده اعزام داشته‌اند. به‌علاوه علی محمدخان با خوانین بیرانوند و چند نفر از خوانین جودکی و میرها کلیه در ناحیه پران‌پریز و عالی‌گیژو جمع و خیال دارند توأماً در مقابل قوای نظام مقاومت نمایند.

در ساعت دوازده امروز داراب‌خان طیموری برای محمد زکی‌خان طیموری بازوند از طرف علی محمدخان غضنفری و خوانین لرستانی به نمایندگی آمده، دو کاغذ همراه داشت. یکی از علی محمدخان [و] دیگری از خوانین لرستانی (عزیزالله‌خان منصور، یدالله‌خان پسر غلامعلی‌خان، محمدخان پسر شمس‌علی‌خان، مرادخان جودکی، عباس‌خان جودکی، میرمحمدخان صیمره، کدخدا ابو میرانوند، کدخدا حسین‌خان بهاروند) مفاد هر دو کاغذ این بود که تقاضا نموده بودند یک نفر صاحب‌منصب برای رسانیدن مطالب و عرایض آن‌ها اعزام گردد. و از کرده‌های خود اظهار ندامت نموده بودند در خاتمه تذکر داده بودند که اگر به عرایض آن‌ها رسیدگی

به عمل نیاید فرار خواهند نمود به خاک خارجه...<sup>۱</sup>

در جواب تحت نمره ۴۰۲ شرحی به علی محمدخان نوشته شد مبنی بر نصیحت و ضمناً اظهار شد که اعزام یک نفر صاحبمنصب موردی ندارد بهتر است مطالب خودشان را بدو به طور روشن بنویسند. اگر قابل قبول بود آن وقت صاحبمنصب اعزام خواهد شد و نیز ممکن است با کمال اطمینان چند نفر از خوانین یا کدخدایان خود را به اردو اعزام دارند. مطالب عموم را عرض کنند. به این اشخاص تأمین داده می شود که سالماً آمده مراجعت نمایند. تحت نمره ۴۰۳ نیز شرحی تقریباً به همان مضمون در نصیحت و اندرز به خوانین نوشته شد و آن ها را دعوت به اطاعت اوامر دولت نمودند. به علی رضاخان ابوقداره برادر والی دستور داده شد [که] مشارالیه هم شرحی محرمانه به علی محمدخان نوشته به او قدرت و عظمت قشون را کاملاً بفهماند و بگوید صلاح حال او نیست [که] بیش از این در تخریب خود و خانواده خود و یک مُشت رعیت طرهانی کوشش نماید.

### وقایع یوم ۲۸ آذرماه

اردو در مقر سراب فرخ آباد متوقف، اتفاق قابل توجهی رخ نداد. جاسوسینی که جهت کسب اطلاعات به منطقه پران پریز و عالی گیزو و کوه مله اعزام شده اند هنوز مراجعت ننموده اند. نایب سرهنگ نصرالله خان نجفداری که به اردو احضار شده بود با کریم خان حسنونند وارد اردو گردیدند. تعداد چهل و شش قبضه اسلحه سیستم مختلف [که] از طرف مأمورین خلع سلاح طرهان به وسیله محمد قاسم بیگ طرهانی ارسال گردیده بود، وارد اردو گردید.

### وقایع یوم ۲۹ آذرماه ۱۳۰۶

در ساعت ۹ صبح قاصدی از طرف علی محمدخان آمده مکتوبی آورد مبنی بر اینکه در صورتی که یک نفر صاحبمنصب اعزام گردد بهتر ممکن است مطالب آن ها را به عرض برساند. اگر ممکن نباشد تقاضا می نماید میرزا فرهادخان منشی و پیشکار

۱. نقطه چین در اصل.

شهابالدوله برادر والی اعزام گردد. از طرف خوانین بیرانوند و سایر طوایف لرستانی که در آنجا جمع هستند نیز همین تقاضا را نموده بود. تحت نمره ۴۵۵ به مشارالیه جواب داده شد که برای اثبات محبت قشون نسبت به رعیت تقاضای آن‌ها پذیرفته گردید و میرزا فرهادخان اعزام گردید. مشارالیه با یک نفر از سوارهای شهابالدوله در ساعت یازده صبح اعزام گشت. دستورات لازمه به مشارالیه داده شد [که] مطالب علی محمدخان و سایر خوانین را شنیده و آن‌ها را به مراحم دولت و قشون امیدوار سازد.

در ساعت ۹ و نیم یکی از جاسوسین مراجعت نمود راپرت داد علی محمدخان در تنگه ترک در دامنه کوه مله در خانه کدخدا الماس رومیانی بوده، قریب یک صد نفر سوار بیرانوند و غیره در اطراف مشارالیه جمع بوده‌اند. مرادخان جودکی و میرمیرزا محمدخان و پسر علی مرادخان و پسر پنج علی خان را نیز آنجا دیده بوده است. طوایف بازوند و سهرابوند و غیره قدری جلو به طرف رومشکان آمده‌اند.

در ساعت ۲ بعد از ظهر یکی دیگر از جاسوسین مراجعت و اظهار داشت علی محمدخان با قریب یک صد نفر سوار در جلگه رومشکان در نزدیکی تنگ چگنی و سراب قاطرچی دیده شده است. چند نفر از سواران بیرانوند که جاسوس را دیده و خیال نموده بودند از اهالی آنجا است گفته بودند برای جنگ نمودن با امان الله خان و اتباعش. در همین زمینه راپرتی از امان الله رسیده بود که اشرار خیال دارند به آن‌ها حمله نمایند. لذا امر شد بیست نفر سوار نظامی و هفده نفر سوار عشایری مطابق شرح ذیل: کلهر قبادیان ۵ نفر، کریم خان با دونفر، امان الله خان رشیدی، سوار شهابالدوله ۸ نفر به فوریت حرکت نموده برای کمک به امان الله خان حرکت کردند و نیز امر شد یک گردان از فوج گارد نادری با یک گروه مسلسل و ده نفر سوار از ستون سوار حاضر باشند با آذوقه چهل و هشت ساعت بار کرده و بیست و چهار ساعت نزد نفرات به محض وصول حکم ثانوی به طرف مقصد حرکت نمایند.

تحت نمره ۴۷۷ به سرهنگ مهدیقلی خان امر شد در صورتی که گردان با کفیل فوج که برای سالم آوردن آذوقه از چگینی به قلعه رفته بودند مراجعت کرده‌اند، عده گردنه و راز را جمع آوری نموده در قلعه حاضر نماید. اگر کفیل فوج با عده مزبور مراجعت نکرده دستور دهد موقع عبور از گردنه و راز عده آنجا را با خود به قلعه

بیاورد. در تعقیب نمره ۴۷۷ تحت نمره ۴۷۸ به فرمانده اردوی اعزامی پشتکوه امر شد پس از جمع شدن قوا به قلعه یک گروهان پیاده با بیست نفر سوار در قلعه بگمارد تحت سرپرستی یک نفر صاحبمنصب فهیم و مسئولیت حفظ اساس زیادی و اسلحه ضبطی و غیره را به عهده او واگذار کند و خودش با بقیه قوای فوج حرکت نموده به اردو بیاید. پس از کسب دستورات به سرطرهاان حرکت کند.

ارتباط از چگنی به وسیله قاصد مخصوص دایر باشد.

تحت نمره — در ساعت ۸ بعد از ظهر به یاور ناصرقلی خان به وسیله تلگراف بی سیم امر شد به طیاره چی ابلاغ نماید فردا صبح زود به دُم ريسان رفته در نقطه ای که سه دستگاه سیاه چادر زده شده در دنباله کوه ريسان تفتیش نماید. هر گاه در سمت مشرق آن عده ای سوار دید، دشمن است. بمب به آن ها بیندازد و بعد به اردو آمده راپرت دهد. تلگراف مزبور مخابره شد لیکن رسید آن نیامد. امر شد مجدداً مخابره نمایند اگر رسید نیاید فردا صبح در ساعت ۹ مخابره شود. تحت نمره — به سرهنگ نصرالله خان نجفدري امر شد برای خلع سلاح طایفه اولاد قباد و امان الله خان و حنایی به معیت کریم خان حرکت نماید و کریم خان هم از اردوی اعزامی پشتکوه دو قبضه اسلحه ضبطی را بگیرد و پس از رفع احتیاج و خاتمه خلع سلاح به خرّم آباد برده تحویل نماید. (قبل از حرکت کریم خان خبر رفتن علی محمدخان به طرف سرطرهاان رسید. مشارالیه نیز موقتاً مأمور گردید به کمک امان الله خان برود).

در ساعت — امریه نمره — راجع به حاضر نمودن یک گردان پیاده و یک گروهان مسلسل به فرمانده ستون اول صادر گردید که در وصول حکم ثانوی صاحبمنصب گردان حضور حضرت اجل شرفیاب با اخذ دستورات لازمه حرکت نماید. و نیز تحت نمره — به فرمانده ستون ۲ امر شد نیم گروهان پیاده تحت اختیار فرمانده ستون سوار بگذارد. با سه نفر سوار و سی و شش قبضه اسلحه ضبطی را تحویل گرفته به قلعه کوه دشت بروند. در ساعت دو بعد از نصف شب یاور علی اکبر سیاهپوش به معیت الله یارخان مراجعت و راپرت دادند اشرار به خوانین حمله کرده خوانین به قلعه آسو آمده اند و اشرار مقداری از اموال رعیت را غارت کرده اند.

در ساعت ۴ صبح متحدالآل نمره — صادر گردیده که کلیه اردوی ستون های اول و دوم و سوار فوج ذیل به استقامت قلعه کوه دشت حرکت نمایند:

۱— گردان ستون اول در ساعت شش صبح حرکت نموده به قلعه آسو وارد شود.

۲- بقیه ستون اول و کلیه قسمت‌های دیگر در ساعت شش و نیم حرکت نمایند.

۳- توقفگاه شب در قلعه آسو خواهد بود.

تحت نمره - در ساعت - صبح به سرهنگ مهدیقلی خان امر شد حکم نمره - راجع به حرکت قوای خود [را] تا صدور حکم ثانوی به موقع اجرا نگذارد و تحت نمره - به مشارالیه دستور داده شد در صورت مشاهده طیاره علامت فرود آمدن نشان بدهد. پس از اینکه طیاره فرود آمد دستور دهد به استقامت دُم‌ریسان حرکت کرده در صورتی که در آنجا اجتماعاتی مشاهده کند بمب‌اندازی نماید و مراتب را مجدداً به قلعه کوه‌دشت راپرت داده که فرمانده قوای آنجا به‌اردو برساند.

در ساعت ۵ صبح به سرهنگ مهدیقلی خان امر شد به وصول حکم یک بهادران سوار با پنج رأس قاطر به گردنه نعل‌شکن بفرستند. اسلحه ضبطی را از مأمورین حمل آن تحویل گرفته به قلعه ببرند. و به ستون سوار نیز امر شد اسلحه را به وسیله نیم گروهان پیاده که قبلاً امر شده بود و سه نفر سوار به گردنه نعل‌شکن ارسال در آنجا تحویل فرمانده بهادران اعزامی از قلعه داده خودشان به قلعه آسو آمده به‌اردو ملحق گردند.

طبق راپرت جاسوس حرکت علی‌محمدخان و اشرار به طرف دُم‌ریسان با یک عده دویست نفر تأیید گردیده بود.

### وقایع یوم ۳۰ آذرماه ۱۳۰۶

در ساعت شش صبح ستون اول حرکت نمود. در ساعت شش و نیم راپرتی از کریم‌خان حَسَنَوَند رسید که در موقع ورود به ناحیه آستان مسموع گردید. اشرار به دُم‌ریسان آمده‌اند لذا با عده‌ای سوار عشایری و سوار نظامی به قلعه آسان نزد امان‌الله‌خان رفته‌اند و منتظر دستور هستند. عده‌ای که مأمور حمل اسلحه ضبطی بودند در ساعت شش صبح نیز حرکت کردند.

بقیه اردو در ساعت هشت حرکت نمود.

در ساعت ده صبح قسمت عمده قوا وارد قلعه آسان گردید. گردان اعزامی ستون اول در ساعت هشت صبح وارد شده بود و قبلاً ارتفاعات اطراف مخصوصاً جناحین گردنه آسان را در دست داشت.



وضعیت راه: قلعه آسان در جنوب غربی میشنو<sup>۱</sup> واقع است. مسافت از سراب فرخ آباد الی قلعه قریب دو فرسنگ می باشد و قسمت نظامی در جناح چپ از سراب فرخ آباد الی نیم فرسخ کوه فرخ آباد واقع است. کوه مزبور به ارتفاع سیصد متری جاده و راهش خوب است از خاک می باشد. جناح راست جلگه میشنو دارای پست و بلندی های کوچک متعدد است. در محاذی نقطه ای که کوه فرخ آباد خاتمه پیدا می کند و به همین مناسبت آنجا را گل گل می گویند. پس از گل گل جاده داخل در خاک زالیاب می شود. زالیاب از دُمب چخماق الی گرگدره که نزدیک سر آسان است بین کوه سراب فرخ آباد و کوه کلخانی که در جنوب آن واقع است می باشد. عرض دره مزبور تقریباً پانصد الی هشتصد متر است.

در نقطه ای که جاده داخل در زالیاب می شود فاصله جاده به کوه جناح چپ زیاد است و تیررس نیست، لیکن به قدر هزار متر جلوتر تپه های جناح راست مُشرف به جاده هستند. جاده از زالیاب قریب نیم فرسنگ امتداد دارد سپس می رسد به جاده ای که از تنگ پریان از کوه دشت به طرف تنگ آسو می آید. یک گردنه مختصری هست که به واسطه یک دنباله از کوه کلخانی تشکیل و در جناح راست جاده منتهی به چند تپه می شود. از گردنه که رد شد می رسد به ناحیه گرگدره که آن هم جزء زالیاب محسوب است در سمت راست گرگدره چشمه آبی هست که به طرف تنگ پریان جریان دارد. وضعیت گرگدره از نقطه نظر نظامی خوب نیست. در جناحین کوه روبروی دره و دنباله های کوه کلخانی و کوه های جناح راست معروف به چیلاره که شعبه ای از کوه کشماخُر<sup>۲</sup> است. روبرو به فاصله یک الی دو فرسخ قلّه قلندر و کوه قلندر است. در انتهای کوه گرگدره، کوه کلخانی خاتمه یافته و جاده به طرف جنوب می رود به کوه سر آسان. کوه مزبور نسبت به اراضی سمت شمال کم ارتفاع است. تقریباً در جناح چپ گردنه، چهار صد متر و در جناح راست صد الی صد و پنجاه متر، لیکن از سمت جنوب که جلگه آسو و قلعه آسو است ارتفاع کوه مزبور نسبت به جلگه آسو سیصد متر افزوده می شود، به طوری که تفاوت ارتفاع بین گردنه آسو و جلگه آسو سیصد متر است. راه سخت و پیاده رو است بقیه راه از سراب فرخ آباد الی قلعه آسو بسیار خوب است.

وضعیت جغرافیایی و نظامی جلگه آسو: جلگه مزبور به عرض دوهزار و پانصد متر و به طول یک فرسنگ و ربع از شمال غربی به جنوب شرقی واقع، شمالش کوه آسو، شرق نیز یک رشته از کوه آسو به شکل تپه خاکی کم ارتفاع، قسمت جنوبی کوهی که بین تنگ خسروآباد و تنگ پریان است. کوه مزبور مرتفع تر از کوه آسو ولی سهل العبورتر است. سمت مغرب دنباله دیگر از کوه آسو. جلگه آسو از اطراف محصور است. آبش زیاد ولی موقعیت نظامی آن خوب نیست. به واسطه قلیل متعدد کوه های اطراف و نزدیک بودن آنها به جلگه، در جلگه نمی شود اردو توقف نماید ناچار می بایست در پای گردنه توقف کند. در آن صورت مستحفظی زیاد لازم دارد. در ساعت هفت و نیم بعد از ظهر تحت نمره ۴۹۱ به سبرهنگ مهدیقلی خان امر شد احکام نمره ۴۷۷ و نمره ۱۴۷۸ را به موقع اجرا گذارد، یک گروهان در قلعه برای حفظ آنجا باقی [و] کلیه آذوقه قسمت ها را حمل و یا خود به فوریت با کلیه بقیه قوای این اردو به قلعه آسو حرکت نماید.

عده ای که برای تحویل دادن اسلحه به گردنه نعل شکن رفته بود، ظهر امروز مراجعت و به ستون مربوطه ملحق گردید اردوهای ستون اول و دوم در پای گردنه آسو در جلگه متوقف و ستون سوار در قلعه آسو توقف نمودند.

به موجب راپرت واصله علی محمدخان غضنفری با سام خان و علی مرادخان و جان علی خان و ملک احمدخان کوشکی امروز ظهر در دُم ريسان بوده [و] فعلاً در جلگه طرهان با قریب یک صد و پنجاه نفر سوار متوقف و در منزل رعایای آینه وند می باشند. اشرار بیرانوند که با آنها حرکت کرده بودند، پس از غارت نمودن رعایا، به فوریت غنایمی را که به دست آورده به همراه خود برداشته و به طرف رومشکان رفته اند، از طرف علی محمدخان غضنفری، شاه مرادخان در تعقیب آنها اعزام شده که آنها را رجعت دهد، تاکنون مراجعت ننموده اند.

### وقایع یوم اول دی ماه ۱۳۰۶

تحت نمره ۵۰۱ به فرمانده ستون اول امر شد به فوریت یک گروهان پیاده حرکت داده در سه ربع فرسنگی اردوگاه تپه های جناحین جاده را در دست گرفته همین که

اردوی پشتکوه وارد شد با آن اردو مراجعت به قسمت مربوطه ملحق گردند.  
طبق راپرت جاسوسین، علی محمدخان غضنفری فعلاً در جلگه طرهان محاذی  
دُم ريسان به فاصله یک فرسنگ از دُم ريسان [در] خانه رعایای این ناحیه می باشد.  
قریب پانزده نفر از بیرانوندها مراجعت ننموده، نزد او هستند. اردوی پشتکوه در  
ساعت پنج و نیم بعد از ظهر وارد گردید.

در ساعت ۶ بعد از ظهر میرزا فرهادخان که به سیست نمایندگی نزد علی محمدخان  
و خوانین بیرانوند رفته بود مراجعت و اظهار داشت موقعی که به دشت رومشکان  
رسیدم اطلاع دادند علی محمدخان و خوانین به طرف تنگ ريسان رفته اند. من هم با  
یک نفر سوار و بلدی که همراه داشتم به آن طرف روانه شدم. در عرض راه مرا عده ای  
از بیرانوندها لُخت نمودند (کلیه لباس و اسلحه و دواب را گرفته بودند). سپس در جلو  
تنگ به خود علی محمدخان رسیدم. ظاهراً مدتی اظهار تأسف از این پیش آمد نمود  
ولی گفت یقیناً دولت می خواهد اول شروع به خلع سلاح ما بنماید. ما هم حاضر  
نیستیم اسلحه خود را تحویل دهیم. اگر هم فشار بیاورند به خاک خارجه پناهنده  
خواهیم شد. شرحی هم در همین زمینه خود مشارالیه و خوانین نوشته بودند.

بر طبق راپرت فرهادمیرزا، میرمیرزا محمدخان و مرادخان جودکی و خوانین  
بیرانوند و کدخدابو و ابوطالب بیرانوند و سام خان گراوند و ملک احمدخان جودکی و  
علی مرادخان گراوند و حسام قلی خان کوشکی (از بیرانوندها: یدالله خان پسر خله،  
علی رضاخان پسر مردان، محمدخان پسر شیخه، عزیزالله خان منصور، نصرالله خان،  
صید محمدخان، از جودکی ها: شیر محمدخان و اسد و پسر عباس خان جودکی) نزد  
علی محمدخان بوده اند. قوای آن ها کلیه قریب چهارصد نفر سوار و تفنگچی و پیاده  
چوب به دست بوده است. فشنگ هم هر تفنگی یک قطار کمتر نداشته اند.

لیله ۲ دی ماه بارندگی خیلی شدیدی شد.

در ساعت سه و نیم حکم حرکت کلیه ستون ها به قرار ذیل صادر گردید:  
ده نفر از فوج نادری، ده نفر از فوج گارد پیاده پهلوی، سه نفر از سوار پهلوی و  
هفت نفر از فوج منصور با یک نفر صاحب منصب از فوج گارد پیاده پهلوی برای  
نگاهداری آذوقه در قلعه آسو متوقف [و] بقیه قوا در ساعت ۹، ۲ دی ماه به استقامت  
تنگ ريسان حرکت نماید. توقفگاه پُست ناحیه تنگ ريسان خواهد بود.

ستون اول در جلو، بعد ستون دوم، بعد بنه کلیه قسمت ها، بعد فوج منصور.

حفاظت بنه به عهده فوج منصور خواهد بود. فرماندهی قوا و کلیه ستون سوار در جلو ستون ۲ حرکت خواهند نمود.

تحت نمره ۵۳۷ شرحی به والی پشتکوه نوشته شد که به قرار مسموع میرها و علی محمدخان شهرت داده اند که والی ما را دچار بدبختی نمود و پیغام داده قریباً پسر مرا با سوار به کمک شما خواهم فرستاد و به شما کمک های مادی و معنوی داده است. به مشارالیه اتمام حجت گردید اگر این قضایا صحت ندارد یک صد نفر سوار و تفنگچی به معیت یک نفر از پسرهای خودش به اردو بفرستد. مراسله مزبور به وسیله امام قلی خان اسفندیاری ارسال گردید. و نیز به امانقلی خان که به وسیله امان الله خان غضنفری اظهار خدمتگذاری کرده بود امر شد طوایف بیرانوند را وادار نماید علی محمدخان و اشرار را به خود راه نداده آن ها را دستگیر و غارت کنند. حکمی هم به خود آن ها صادر گشت.

#### وقایع ۲ دی ماه ۱۳۰۶

نظر به بارندگی شدید شب گذشته و اشکال در حرکت به واسطه سنگین بودن چادرها، امر شد در ساعت ۱۰ صبح شروع به بار و در ساعت یازده حرکت نمایند. ساعت ۲ بعد از ظهر قسمت ها بدون هیچ تصادفی به تنگ ريسان وارد شدند. عده عشایر غلامرضاخان و الله یارخان و امان الله خان قبلاً قلل تنگ مزبور را با یک عده سوار نظامی در دست گرفته بودند.

علی محمدخان غضنفری و سایر اشرار در یک فرسنگی جنوبی تنگ در چادرهای کدخدا امیدعلی آینه وند متوقف هستند. از تنگ ريسان حرکات آن ها مشاهده می شود. تا ساعت پنج بعد از ظهر در همان نقطه متوقف بعد سوار شده یک قسمت آن ها به سمت سرطرهان، یک قسمت به طرف تنگ سیاب و یک قسمت به طرف دیوار اردو حرکت نمودند. فوراً دستورات لازمه برای تقویت پست های استحفاظی صادر گردید. دو گروهان از فوج نادری جهت تقویت پست های جناح راست تنگ و قسمت جلو اردوی فوج نادری، یک گروهان از فوج پهلوی پیاده جهت تقویت پست های جناح چپ و تقویت پست های عقب به عهده فوج منصور محول گردید.

عده فوج گارد نادری کلیه می بایست حاضر برای عملیات باشد.

در ساعت دو بعد از ظهر متحدالمالی صادر گردید به عموم طوایف کوشکی و گراوند و غیره که اگر تا چند ساعت دیگر از اطراف علی محمدخان و اشرار دور نشوند، دچار مسئولیت شدید شده و اردو به هیچ چیز آنها ابقاء نخواهد نمود.

ساعت ۹ راپرت رسید که علی محمدخان غضنفری و خوانین بیرانوند به طرف تنگ سیاب رفته و از تنگ عبور نموده اند، به خیال اینکه یا به سرطرها رفته به سامخان گراوند ملحق شوند یا اینکه برای غارت به نقاط دیگر به طرف رومشکان بروند. سامخان گراوند با جمعیت خودش به سرطرها مراجعت نموده برای حفاظت خانه و زندگانی خودش. بستگان و عیالات علی محمدخان نزد سامخان می باشند. در تمام شب اتفاق مهمی رخ نداد.

تحت نمره — به وسیله امانقلی خان بیژنوند<sup>۱</sup> شرحی به خوانین و کدخدایان بیرانوند نوشته شد که اگر در موقع عملیات، اشرار سرطرهانی خواستند به خاک آنها پناهنده شوند می بایست کلیه آنها را دستگیر نموده تحویل قوای نظامی بدهند و نیز اثاثیه و احشام و اغنام آنها را جمع آوری کرد تحویل نمایند. امامقلی خان اسفندیاری که به وسیله امان الله خان اظهار خدمتگذاری کرده بود امر شد به کدخدایان و خوانین بیژنوند تأکیدات لازمه در اجرای امر نموده و آنها را وادار به دستگیری اشرار نماید.

تحت نمره — امان الله خان غضنفری به حکومت عشایری کلیه طوایف طرهانی برقرار و تحت نمره — به عموم طوایف مراتب فوق الذکر اطلاع و اخطار گردید.

### وقایع ۳ دی ماه ۱۳۰۶

در ساعت ۹ صبح راپرت رسید که دیشب علی محمدخان غضنفری در معیت پسرِ مراد محمدخان و چند نفر دیگر از اشرار از خط جنوب طرها به طرف رومشکان رفته است. خوانین بیرانوند از تنگ سیاب عبور نموده اند. چند اوبه از خوشنام وندها را غارت نموده و معلوم نیست به کدام طرف حرکت کرده اند.

سامخان گراوند و خوانین کوشکی که در معیت علی محمدخان بوده اند با جمعیت خودشان به طرف سرطرها محل خود عودت نموده.

در ساعت یازده صبح تحت نمره ۵۶۴ به فرمانده اردوی اعزامی پشتکوه امر شد قوای ستون ۱ را تحت اختیار خود گرفته ۱ ساعت از ظهر گذشته با کلیه قوای عشایری امان‌الله‌خان و نیم بهادران سوار از فوج منصور به سرطرهان حرکت نموده اشرار را قلع و قمع و خانه‌ها و احشام آن‌ها را به مرکز کوچ دهد. این مأموریت می‌بایستی در ظرف ۴۸ ساعت انجام پذیرد. تحت نمره ۵۶۵ به فرمانده ستون ۱ نیز تأکید شد که خود را تحت اختیار سرهنگ مهدیقلی‌خان دانسته و نیز شخصاً جدیت نماید امریه مزبور کاملاً به موقع اجرا گذارده شود.

طبق راپرت واصله، علی‌محمدخان غضنفری لیل گذشته در سراب قاطرچی بوده [است]. اشرار بیرانوند و مرادخان جودکی و پسر میرزا محمدخان و غیره با مشارالیه بوده‌اند. قصدشان معلوم نبوده است. تصور می‌رود می‌خواهند مجدداً به تنگ خرسدر و ناحیه پران‌پریش و کوه‌های جنگلی آن منطقه متواری گردند.

#### وقایع یوم ۴ دی ماه ۱۳۰۶

عده ستون ۱ که تحت فرماندهی سرهنگ مهدیقلی‌خان به سرطرهان رفته بودند لیل گذشته در کوه‌های جناح راست موقعیت گرفته صبح شروع به عملیات بر علیه اشرار می‌نمایند. قسمت عمده اثاثیه و اموال خود را اشرار قبلاً از آب صیمره عبور داده به داخله خاک پشتکوه برده بودند. لیکن یک عده زبده از آن‌ها با بقیه اغنام و احشام باقی مانده و در صدد جلوگیری از قوای نظام برآمدند. جنگ چند ساعت ادامه داشت. بالاخره متمرّدین با دادن تلفات خیلی سنگین از کوه‌های سرطرهان به طرف رودخانه پرتاب و متواری، مقداری از اموال و اغنام آن‌ها به دست عشایری که با امان‌الله‌خان رفته بودند افتاد.

اردو در ساعت هشت بعد از ظهر پس از انجام مأموریت خود مراجعت نمود. طبق راپرت‌های واصله، علی‌محمدخان غضنفری در تنگ خرسدر داخل طایفه بازوند می‌باشد. در بدو ورود مشارالیه از طرف طایفه مزبور جلوگیری به عمل آمده ولی در نتیجه اشرار فائق آمده و به آن‌ها وارد شده‌اند. طوایف سهراب‌وند و رحمن لالوند و رومیانی از محل پران‌پری کوچ نموده به طرف گردنه دار و سراب قاطرچی آمده‌اند که خود را به اردو نزدیک نمایند. در این موضوع چندین مرتبه عریضه نوشته و تأمین خواسته بودند. به آن‌ها امر شده است در صورتی تأمین دارند که خود را از اشرار دور نمایند.

## وقایع یوم ۵ دی ماه ۱۳۰۶

سرهنگ مهدیقلی خان مأمور گردید با کلیه قوای ستون ۲ به محل سرطرهاان یعنی ابتدای خاک سرطرهاان رفته به اتفاق امان‌الله خان غضنفری حکومت عشایری طرهاان، اقدامات لازمه جهت خلع سلاح کلیه طوایف کوشکی و گراوند مخصوصاً اتباع سام‌خان و غیره نموده در ظرف ۳ روز نتیجه عملیات خود را راپرت دهد. عده مزبور در ساعت — به طرف مأموریت خود حرکت نمود.

طبق راپرت واصله، علی محمدخان تصمیم گرفته است با عده‌ای از اشرار بیرانوند و غیره به طوایف نورعلی دلفان که در قسمت جنوبی قلعه کوه‌دشت و در تنگ داوی‌رش و به طور کلی در اطراف دور قلعه کوه‌دشت می‌باشند حمله نموده؛ لطماتی به آن‌ها وارد آورده در صورت عدم موفقیت به طوایف طرهاانی که در پای آسو و پشت تنگ ريسان بين قلعه آسان و تنگ سیاب متوقف هستند حمله کند. به فوریت دستورات لازمه به عشایر مزبور داده شد که به قلعه کوه‌دشت و قلعه آسو نزدیک شوند. به فرماندهان ساخلوی دو قلعه فوق‌الذکر نیز امر شد در حفظ آنان، نهایت مراقبت را به عمل آورند.

## وقایع یوم ۶ دی ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت واصله اشرار همان طوری که خبر رسیده بود به قصد حمله به طوایف دلفانی از گردنه نعل‌شکن به طرف کمیر رفته لیکن طوایف مزبور قبلاً به قلعه نزدیک شده بودند و اشرار نتوانستند به آن‌ها لطمه وارد آورند. پس از یأس از عملیات مزبور مجدداً از خط تنگ مادیان ورود مراجعت نموده‌اند. نیز بر طبق اطلاع واصله طوایف کوشکی و شاه‌کرم و قره‌لیوند به وسیله علی محمدخان غضنفری اغفال شده در تحویل دادن اسلحه و حاضر شدن برای خدمتگذاری مُردد هستند. علی محمدخان شهرت داده است که اردو به طرف کرمانشاه رفت و امان‌الله خان به دست نصرت‌الله خان مجروح گردیده، متواری شد. دو روز قبل عده [ای] از اشرار بیرانوند بختیار و جمعی دیگر در میان طایفه کوشکی جمع شده قره‌لیوندها نیز با طوایف همولوند و دیناروند جودکی حاضر بوده [و] قسم خورده بودند به همدیگر کمک نموده با قوای نظام مخالفت نمایند. عده‌ای که به طرف کوه‌دشت رفته بودند نیز مرکب بوده‌اند از همین اشخاص و چند نفر از اتباع علی محمدخان. خود علی محمدخان در تنگ خرسدر می‌باشد.

مأمورین خلع سلاح سرطرهان جداً مشغول اقدام، کدخدایان و خوانین کوشکی حاضر برای تحویل دادن اسلحه شده و رفته‌اند اسلحه خود را جمع‌آوری نمایند. با طوایف گراوند نیز مشغول مذاکره شده‌اند. به فرمانده اردوی مذکور و به حکومت عشایری طرهان امر شد در اجرای امر تسریع نمایند.

چون بر طبق راپرت واصله اشرار و سام‌خان به طایفه بیژن‌وند پشتکوه پناهنده شده. تحت نمره ۶۰۹ به‌والی شرحی نوشته شد اگر تا پنج روز دیگر از آن‌ها جلوگیری به عمل نیامورد معلوم می‌شود در صمیمیت و خدمتگذاری او نسبت به دولت تردید هست و قوای نظامی برای قلع و قمع بیژن‌وند اعزام خواهد شد. البته در آن صورت مسئول اتفاقات و پیش‌آمدها خود مشارالیه خواهد بود. نظر به اینکه دیگر احتیاجی به نگاه داشتن اردوی اعزامی پشتکوه در تنگ ريسان نبود، امر شد اردوی مزبور به قلعه کوه‌دشت مراجعت نموده، به‌فوریت یک بهادران سوار مأمور نماید به محل اولادقباد و گرمه‌یی رفته طوایف اولادقباد و گرمه را به راهنمایی برادر ابدال‌خان رشیدی و امان‌الله‌خان رضایی کاملاً خلع سلاح نمایند. نیز شاه‌مرادخان ملتزم گردیده است اسلحه بالاوندی‌های زردلال‌کوه را جمع‌آوری و تحویل بگیرد.

اسلحه مزبور را از مشارالیه گرفته به قلعه بیاورند. می‌بایست این مأموریت تا تاریخ دهم جاری انجام پذیرد. اردوی پشتکوه فردا که ۷ دی‌ماه است ساعت شش صبح حرکت خواهد نمود.

طوایف رومیانی و سهراب‌وند و رحمن لالوند آمده بودند پشت تنگ سیاب و اجازه توقف در محل مغاللو پشت تنگ را خواسته بودند. به آن‌ها تأمین و اجازه داده شد در صورت تحویل نمودن اسلحه در امان باشند.

### وقایع یوم ۷ دی‌ماه ۱۳۰۶

در ساعت شش صبح فوج منصور به استقامت قلعه کوه‌دشت حرکت نموده. در ساعت ۱۲ یک دستگاه طیاره در فضای اردوگاه پرواز و به طرف سرطرهان رفت. نیم ساعت بعد صدای چند بمب شنیده شد.

در ساعت ۴ بعد از ظهر یاور حاجی‌علی‌خان تحت نمره ۵۵۶۰ راپرت داد که در ساعت ۱۲ اردو در سه‌فرسنگی قلعه کوه‌دشت بوده است. به‌قرار راپرت واصله اشرار طوایف نورعلی‌راکه در طرف شرقی گردنه وراز بوده‌اند غارت کرده‌اند. پس از ورود



به قلعه کوه دشت مراتب مفصلاً راپرت خواهد شد. در ساعت چهار [و] نیم رپرتی تحت نمره ۱۰۱ از حکومت عشایری رسید که طیاره صبح، طوایف کوشکی را بمبارده کرده و ۹ نفر تلفات به آن‌ها وارد شده است.

خلع سلاح طوایف در جریان است. گرمه‌ای‌ها حاضر برای تحویل اسلحه شده و طوایف کوشکی مقداری اسلحه تحویل داده‌اند.

### وقایع یوم ۸ دی ماه ۱۳۰۶

اردو در محل تنگ ريسان متوقف و منتظر خاتمه خلع سلاح سرطرها می‌باشد.

قضیه خلع سلاح طوایف مزبور در جریان است. نصرت‌الله خان رئیس طایفه گرمه‌یی و یک نفر کدخدا لیلہ گذشته با ۹ قبضه تفنگ به اردو آمده اظهار داشته این مقدار اسلحه حاضر بوده جمع‌آوری شده، هدایت‌الله خان برادر مشارالیه برای جمع‌آوری بقیه اسلحه اعزام شده است. تحت نمره — به امان‌الله خان غضنفری امر شد که نصرت‌الله خان را با کدخدای مزبور به هر قسم که صلاح است یا به تحبیب یا به تهدید در اردوی اعزامی سرطرها نگاه دارد تا بقیه اسلحه طایفه مشارالیه جمع‌آوری گردد.

طبق راپرت نمره — یاور ناصرقلی خان که به وسیله بی‌سیم رسید لیلہ ۷ جاری عده‌ای از اشرار پست نظامی تنگ تیر و محل توقف نایب ۱ فضل‌الله خان را محاصره نموده‌اند. یک عده تحت ریاست نایب سرهنگ حسن آقا برای کمک به آن‌ها اعزام گردیده است. فوراً به یاور حاجی‌علی خان تحت نمره ۱۰۷۳ امر شد در صورتی که خبر مزبور به تحقیق رسیده باشد فوراً ۳ گروهان پیاده و دو مسلسل با خودش حرکت داده از گردنه وراز به سرهنگ حسن آقا ملحق و در دفع اشرار اقدامات نمایند. به علاوه با قوای اعزامی از خرّم‌آباد و قوای نایب ۱ فضل‌الله خان و عده اعزامی از قلعه کوه دشت تشکیل یک ستون بدهند و راپرت دهند تا دستور صادر گردد. بقیه فوج منصور به آن‌ها ملحق گردیده به محض اینکه از این طرف اردوها به کشگان نزدیک شدند آن ستون از آن طرف شروع به پیشرفت و عملیات به طرف جایدرب نماید. مراتب به نایب سرهنگ حسن آقا نیز اطلاع داده شد که در صورت لزوم فوراً یاور حاجی‌علی خان را بخواهد.

طبق راپرت یاور حاجی‌علی خان اشرار یک قسمت از طوایف نورعلی را که در سمت مشرق گردنه وراز متوقف بوده‌اند غارت کرده‌اند.

طبق راپرت جاسوسین، نصرت‌الله‌خان پسر نظرعلی‌خان به حیات‌قلی‌خان و چند نفر دیگر از اشرار با عیالات آن‌ها از آب صیمره گذشته به محل قاضی‌خان و بیژن‌وند خاک پشتکوه رفته‌اند. اثاثیه آن‌ها نصف در خانه امانقلی‌خان اسفندیاری و نصف در خانه‌های طوایف بیژن‌وند می‌باشد. تحت نمره ۷۱۳ به امان‌الله‌خان حکومت طرهان امر شد به امان‌علی‌خان ابلاغ نماید فوراً در تحویل نمودن اثاثیه و دستگیر نمودن نصرت‌الله‌خان و امان‌علی‌خان اقدام نماید. و آن‌ها را تحویل قوای نظامی بدهد. طبق راپرت نمره ۱۹۴ فرمانده قوای اعزامی پشتکوه تا امروز ۱۶ قبضه اسلحه از آزادبخت و طایفه کوشکی مأخوذ گردیده، مابقی را تحویل خواهند داد. طایفه گراوند نیز تا فردا اسلحه خود را تحویل خواهند داد.

#### وقایع بوم ۹ دی ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت نمره ۱۹۲ سرهنگ مهدیقلی‌خان، طوایف کوشکی اسلحه خود را تسلیم بقیه را هم مشغول جمع‌آوری می‌باشند. راحع به گراوند سرطرهان آن هم تا امروز ساعت ۹ باید کدخدایان آن‌ها در تنگ سرطرهان حاضر شده با حسین‌قلی‌خان مذاکره و تأمین بگیرند [و] بقیه اسلحه خود را تحویل نمایند. تحت نمره ۷۱۲ جواب داده شد مقصود اصلی جمع‌آوری کلیه اسلحه می‌باشد هر طور صلاح است اقدام کند لیکن می‌بایست قضیه خلع سلاح تا امروز عصر خاتمه یابد.

طبق راپرت نمره ۵۵۶۲ کفیل فوج مختلط منصور مقداری از اغنام طوایف دلفانی که متجاوز از سه هزار متر از قلعه دور شده بودند اشرار به غارت برده‌اند. تحت نمره ۷۱۸ جواب داده شد به واسطه عدم مراقبت بوده می‌بایست در آتیه بیشتر جدیت برای حفاظت آنان به عمل آید و نگذارند از قلعه دور بشوند. امریه نمره ۷۰۳ می‌بایست به موقع اجرا گذارده شود. طبق راپرت میرعلی‌خان و میرغلامرضاخان روز شنبه جاری اشرار بیرانوند عده آورده بودند کدخدا خداداد امرایی و فرهادخان راوندی را غارت نمایند. چون این‌ها خدمتگذار هستند ما جلوگیری نموده جنگ کردیم و مقداری از اغنام و احشام غارتی را مسترد نموده به آن‌ها تلفات وارد آوردیم، تحت نمره ۷۲۳ جواب محبت‌آمیز به آن‌ها داده شد و یک نفر از آن‌ها به اردو احضار گردید.

طبق راپرت نمره ۱۹۵ سرهنگ مهدیقلی‌خان تعداد هفت قبضه دیگر اسلحه از

طوایف کوشکی مأخوذ شده است با کلیه اسلحه‌ای که به یاور سیاهپوش داده‌اند کلیه ۳۲ قبضه اسلحه از آن‌ها گرفته شده است.

طبق راپرت واصله علی‌محمدخان و سایر اشرار در منطقه پران‌پریز و تنگ خرسدر متوقف می‌باشند و از آنجا برای دستبرد به طرف کوه‌دشت و نقاط دیگر می‌روند.

اردو در تنگ ريسان متوقف و منتظر خاتمه خلع سلاح سرطرها می‌باشند. نصرت‌الله‌خان غضنفری در ساعت سه بعد از ظهر شرحی به‌نایب محمودخان کاوه و به‌عباس‌خان قبادیان نوشته بود که تقاضای تأمین برای مشارالیه بنمایند [تا] در اردو آمده با دو قبضه تفنگ تسلیم گردد. به‌وسیله آن‌ها به‌مشارالیه تأمین داده شد ولی به‌شرط اینکه تا چهار ساعت از شب گذشته به‌اردو آمده تسلیم گردد و نیز تحت نمره ۷۲۱ تأمین‌نامه‌ای به‌همین مضمون برای خود مشارالیه ارسال گردیده<sup>۱</sup>.

#### وقایع یوم ۱۵ دی‌ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت نمره ۹۲۵ سلطان مصطفی‌خان که در ساعت ۸ صبح امروز رسید، عده‌ای که طبق راپرت نمره ۹۰۸ ذکر کرده بود از اشرار و مرکب از کوشکی و پیرانوند و زیدعلی و میوند، ۱۵۰ نفر تفنگچی و چهارصد نفر چوب به‌دست لیل ۱۲ جاری برای غارت طوایف دلفانی به‌استقامت تنگ گاوشمار حرکت نموده بودند. فوراً مشارالیه ۱۶ نفر از تفنگچیان را به‌معیت محمدخان اعزام نموده که حتی‌القوه جلوگیری نموده اشرار را معطل کنند. صبح ساعت ۶ از سراب چگنی حرکت و به‌محض ورود به‌طولایی جنگ بین تفنگچیان طولایی و اشرار در دامنه غربی کوه مهیل شروع شد. فوری مقداری از اسلحه ضبطی به‌طولایی‌ها داده و منطقه را به‌سه قسمت تقسیم نموده مأمورین به‌محل لازمه اعزام داشت.

رستم‌خان بهادر با بیست و پنج نفر مأمور عقب‌الوار، نایب اول اسدالله‌خان مأمور گردید با بیست نفر سوار نیم فرسنگ جلو به‌استقامت گردنه و راز که خط عبور آن‌ها را مسدود نماید. خود مشارالیه ارتفاعات غربی کوه مهیل را اشغال، الوار بدون اطلاع از حضور به‌عجله به‌جلو می‌رفته به‌فاصله صد و پنجاه قدم دچار آتش گردیدند چون در

۱. در پایان یادداشت‌های روز ۹ دی‌ماه، پنج صفحه خالی گذاشته شده است که ظاهراً بعداً نوشته شود. ولی مطلبی در کار نیست و ادامه گزارش‌ها از ۱۵ دی آغاز می‌شود.

آنجا راه فرار نداشته متوجه به طرف کوه شمشیره نشدند. جنگ در گرفت. در ساعت ۲ بعد از ظهر ۵۱۵۸ رأس گوسفند، دویست رأس گاو و مقدار زیادی اثاث‌البیت از آن‌ها مسترد گردید. فقط پنج یا شش مال از اموال غارتی را بردند. در ساعت ۳ الوار به مواقع آن‌ها حمله‌ور شده لیکن با دادن تلفات عقب‌نشینی اختیار کردند. شب به واسطه مه و بارندگی تعقیب آنان مشکل گردید. شروع به خلع سلاح مجروحین شد. دو قبضه تفنگ پنج‌تیر عثمانی، یک قبضه سه‌تیر وسط با مقداری فشنگ، سه نفر چوبدار مجروح دستگیر، شانزده نفر هم مقتول شده بودند. در بین آن‌ها شخص معروف موسوم به محمد صادق نام مییوند طبق استنطاق اسرا مجروحین آن‌ها تا موقعی که آن‌ها اسیر شده‌اند ۲۷ نفر بوده‌اند. از طرف نظامیان به هیچ وجه تلفاتی داده نشد. دو نفر از تفنگچیان طولایی مقتول، دو نفر مجروح، از دلفانی‌ها چهار نفر در سیاه‌چادر موقع غارت مقتول گردید.

ایضاً تحت نمره ۹۳۷ در تعقیب نمره ۹۲۵ راپرت می‌دهد در نتیجه تفتیشات و تحقیقات امروز دو مقتول و یک قبضه تفنگ مکتز دیگر و ۱۳ تیر فشنگ کشف گردید. لذا تعداد مقتولین ۱۸ نفر و اسلحه چهار قبضه و به قرار راپرت واصله وارونی<sup>۱</sup> نام ویس‌کرم، معروف به کچل که سردهسته اشرار بوده سخت مجروح گردیده است. در ساعت — ستون دوم وارد به پای آسو گردید.

در ساعت یک بعد از ظهر رشیدخان رشیدی راپرت داد که به موجب امر ابدالخان رشیدی قریب یک صد و پنجاه نفر که پانزده نفر آن‌ها سوار می‌باشند از طایفه نورعلی حرکت داده که به قلعه کوه‌دشت برود. به مشارالیه اجازه داده شد فوراً حرکت نماید.

طبق راپرت نمره ۹۱۷ سلطان مصطفی‌خان فرمانده گردان ۱ فوج گارد نادری کدخدایان چگنی را عموماً توقیف نموده است.

### وقایع یوم ۱۶ دی‌ماه ۱۳۰۶

در ساعت ۹ صبح ستون ۱ و ستون ۲ و ستون سوار به طرف تنگ چاله برای شروع عملیات بر علیه اشرار متوقف بین پل کله‌هر و پل کردختر حرکت نمودند. موقعی که

۱. [وارونی = بارانی. نام شخصی است. در لکی «ب» را به «و» تبدیل می‌کنند].

ستون‌ها به ناحیه گرگدره رسیده بودند یک فروند طیاره در فضای گل [گل] و میشنو پدیدار گردید. طیاره مزبور بدون اینکه توجهی به اردوها که در حرکت بودند و به‌علاماتی که نشان داده می‌شد بنماید به‌طرف سرطرها ن روانه شده نیم ساعت بعد صدای چند بمب شنیده شد. در ساعت ۲ بعد از ظهر اردوها به‌تنگ چاله رسیده و در قسمت جنوب غربی تنگ مزبور دامنه کوه کچنه متوقف شدند. در ساعت — بعد از ظهر متحدالآل نمره — برای شروع به‌عملیات صادر گردید. خلاصه آن به‌قرار ذیل است:

۱- سرهنگ مهدیقلی‌خان با ستون ۱ و چهل نفر سوار و قوای عشایری امان‌الله‌خان مأمور است فردا صبح ۱۷ از خط عالی‌گیژو به‌طرف پیران‌پریز حرکت نموده عشایر را به‌جناح راست خود اعزام دارد. و شب ۱۸ در عالی‌گیژو با در دست داشتن موقعیت‌های لازمه توقف، صبح ۱۸ شروع به‌حمله برای قلع و قمع و خلع سلاح اشرار و طوایف بازوند و غیره نماید.

۲- ستون ۲ در معیت خود حضرت اجل از خط درکه به کوه سرکن رفته شب ۱۸ در کوه مزبور متوقف، روز ۱۸ شروع به‌عملیات نماید و بالاخره به‌طرف زیویار و سرکن برود.

۳- فوج منصور موظف است ساعت ۶ صبح ۱۷ از قلعه کوه‌دشت حرکت نموده ظهر در تنگ چاله راحت‌باش کرده و بعد از ظهر به‌استقامت گلم‌کبود و زیویار حرکت نماید. شب ۱۷ در نقطه مناسبی بین تنگ چاله و گلم‌کبود موقعیت گرفته روز ۱۸ شروع به‌عملیات برای خلع سلاح زریونی و زیویار و قره‌لیوند و کوشکی‌پری و غیره بنماید.

۴- سلطان مصطفی‌خان موظف است روز ۱۸ با قوای خود و قوای نایب ۱ فضل‌الله‌خان از تنگ تیر حرکت نموده به‌طرف کوه ایران بیاید. پس از قلع و قمع طوایفی که بین کوه پل کله‌هر و کوه ایران می‌باشند، ارتباط خود را با فوج منصور برقرار نماید.

وقایع یوم ۱۷ دی‌ماه ۱۳۰۶

در ساعت ۹ صبح ستون‌های اوّل و دوّم به‌صوب مأموریت‌های خود رهسپار گردیدند. ساعت یازده صبح فوج منصور وارد تنگ چاله شد. در ساعت ۱ بعد از ظهر

از طرف کفیل فرماندهی فوج گارد پهلوی پیاده و کفیل ستون ۲ راپرت رسید که در ساعت دوازده وارد به منطقه کوه سرکن شده تمام ارتفاعات را اشرار در دست دارند و متجاوز از پانصد سوار و پیاده دیده می‌شود. جنگ خیلی سخت درگرفته است. به فوریت بندگان حضرت اجل فرماندهی لشکر و قوای اعزامی لرستان پس از دادن دستورات لازمه به کفیل فوج منصور با بقیه ستون سوار برای ملحق شدن به ستون ۲ حرکت فرمودند. در ساعت ۳ و نیم بعد از ظهر ملحق شدند و در عرض راه راپرت دیگری رسید که در ساعت ۳ بعد از ظهر اشرار با دادن تلفات خیلی سنگین، مواقع مهمه را از دست داده متواری گشته یک نفر از خوانین اشرار مقتول گردیده، نعش او با یک قبضه تفنگ و یک قبضه موزر باقی مانده، مابقی تلفات خود را اشرار برده‌اند و کلیه مرتفعات فعلاً به دست نظامیان آمده است. پس از ملحق شدن به قوای ستون ۲ بلافاصله حضرت اجل برای بازدید مرتفعات به کوه سرکن تشریف بردند و اردو را در نقطه‌ای که قبلاً پیش‌بینی شده در سمت مشرق جاده باغ‌چاله و محل باغ‌چاله تمرکز دادند.

به سرهنگ مهدیقلی خان امر شد صبح ۱۷ قوای خود را از کوه بین پران‌پریز و سرکن به استقامت رود کشگان عزیمت داده اشرار جناحین کوه مزبور را قلع و قمع نماید. ستون ۲ هم به همان استقامت از کوه سرکن عملیات خواهد نمود.

#### وضعیت جغرافیایی و نظامی محل:

از تنگ چاله سه جاده مهم هست. یکی می‌رود به طرف جلگه رومشکان و سراب قاطرچی. دیگری راه بزرگ عالی‌گیژ و است که خط سیر ستون ۱ بود، یکی دیگر جاده درکه و باغ‌چاله است که منتهی می‌شود از طرف جنوب به سرکن، از طرف مشرق به تنگ تیخاب و از طرف شمال شرقی به تنگ رستم کشته و زیویار. بین تنگ چاله و کوه سرکن یک رشته کوه خاکی کم ارتفاع و مُشجر هست سپس جاده داخل در یک دره‌ای می‌شود که از یک طرف سمت جنوب کوه سرکن است و از طرف دیگر همان رشته‌کوهی که جاده را قطع می‌نماید و منتهی می‌شود به کوه مبارکه. راه مزبور به واسطه جنگل بسیار، از نقطه نظر نظامی مشکل است، زیرا که عده زیادی می‌توانند در جنگل پنهان شوند؛ بدون اینکه از دور دیده شوند، به علاوه آب در این منطقه کمیاب است. فقط بین تنگ چاله و تنگ تیخاب در دو نقطه در جناح راست جاده یعنی طرف کوه سرکن آب یافت می‌شود، یکی در ابتدای کوه سرکن به فاصله هزار متر

از جاده، یکی دیگر در پشت گردنه چال باغ که از اواسط کوه سرکن به طرف سرکن می‌رود. در تنگ تیخاب نیز آب هست.

طبق راپرت نمره ۶۳ سرهنگ مهدیقلی خان قوای ستون ۱ بدون تصادف قابل اهمیت با اشرار از امامزاده باباحیب و از تنگ بره عبور کرده به ناحیه عالی‌گیزو رسیده [و] در آنجا موقعیت گرفته است.

قوای فوج منصور هم چنانچه شب مشاهده شد به فاصله نیم فرسخی جناح چپ قوای ستون ۲ در یک دره‌ای با در دست گرفتن مرتفعات اطراف توقف نموده است. از اشرار در این منطقه اصلاً اثری نیست. عموماً متواری شده‌اند، لیکن در منطقه سرکن چندین سیاه‌چادر و اجتماعاتی دیده می‌شود.

در ساعت ۱۱ صبح خوانین زیرونی به اردو پناهنده شده و چهار قبضه اسلحه نیز آورده، تحویل دادند. به فوج منصور دستور داده شد بقیه اسلحه زیرونی‌ها [را] جمع‌آوری نماید.

#### وقایع یوم ۱۸ دی ماه ۱۳۰۶

صبح نوزدهم در ساعت ۹، ستون ۲ حرکت نموده به استقامت تنگ تیخاب عازم گردید. در چال باغ راحت باش داده شد و حضرت اجل برای بازدید محل و گرفتن موقعیت در صورت لزوم به کوه سرکن حرکت نمودند. سه گروهان پیاده به معیت سوار نیز همراه بود. یک گروهان مأمور کوه جناح راست تنگ تیخاب گردید. یک گروهان به کوه جناح چپ کوه مزبور اعزام گشت و یک گروهان، کوه سرکن را در دست داشت. از کوه سرکن مشاهده شد الوار به عجله هر چه تمامتر از رود کشکان با گاو و گوسفند خود عبور می‌نمایند. و به واسطه سختی فوق‌العاده کوه‌ها و مشکلاتی که در پایین آمدن به موقع بود جلوگیری از عبور آنان غیرممکن بود. در ساعت دوازده هوا منقلب گردید. شروع به وزیدن بادهای خیلی سخت، سپس به باران و برف گردید. گروهانی که در کوه سرکن بود مأمور گردید ارتباط در معیت بندگان حضرت اجل حرکت نمایند. دو گروهان‌های دیگر در دو کوه جناحین تا صدور دستور ثانوی بمانند و خود حضرت اجل با قسمت سوار به طرف تنگ تیخاب عازم گردیدند. برف شدت نمود. به فضا را طوری احاطه کرد که اشخاص از بیست قدمی شناخته نمی‌شدند.

بالاخره به یاور ابراهیم خان امر شد عده را از راه بهتری که در جناح چپ این جاده هست و موسوم به تنگ رستم کشته می باشد حرکت داده به جلو تنگ تیخاب بیرد. این راه فوق العاده سخت و دارای پرتگاه و دره های خطرناک است. جاده گم شد و با زحمات مافوق تصور بندگان حضرت اجل و قسمت سوار بالاخره به تنگ تیخاب رسیدند. از تنگ هم عبور نموده داخل در ابتدای خاک زیویار گردیدند. باز هم برف و باران به شدت می آید. از اردو هم ابدأ اثری نیست. در جناح چپ ما در مرتفعات به فاصله سه ربع فرسنگ عده ای سوار دید می شوند. به هیچ وجه تشخیص آنها ممکن نیست. معلوم نیست نظامی از فوج منصور می باشند یا از اشرار. فوراً مفتشین مخصوص اعزام گردیدند برای تشخیص آنها و خود بندگان حضرت اجل با ارکان حرب و قسمت سوار در جناح چپ تنگ، در ابتدای محل زیویار در نزدیکی مادیان رود، روی یک تپه موقعیت گرفتند. باران هم به شدت می آمد. شرحی تحت نمرة ۱۰۰۴ به یاور ابراهیم خان نوشته شد در صورتی که حضوراً به شما دستورات لازمه داده شده بود، به چه علت عده را تاکنون در نقطه ای که تعیین شده بود نیاورده اید. در صورتی که می دانید سه گروهان تنها با من حرکت کرده و چادر و غذا ندارند؟

در ساعت ده از طرف فوج منصور خبر رسید که فوج مزبور در جلو تنگ رستم کشته در نقطه ای که مادیان رود از منطقه گلم کبود خارج می شود رسیده و توقف نموده سوارهایی هم که دیده می شد از بهادران آن فوج می باشند.

تحت نمرة ۲۵۳۹ از یاور ابراهیم خان راپرت رسید که به واسطه برف زیاد راه گم کرده و نتوانسته است از کوه پایین بیاید. در بالای گردنه بین کوه سرکن و کوه مبارکه توقف نموده است. به مشارالیه جواب داده شد در صورتی که قاصد تصدیق می کند که راه تنگ تیخاب بهتر از راه تنگ رستم کشته است، از همین راه و الا از راه رستم کشته فوراً صبح عده را حرکت داده و به جلو تنگ تیخاب به بندگان حضرت اجل ملحق گردد. شب تا صبح بارندگی ادامه داشت ولی از اشرار اثری نبود.

از فرمانده فوج منصور راپرت رسید که با طوایف زیریونی تصادف نموده و آنها را قلع و قمع نموده و تعداد زیادی از اغنام و احشام آنها را طایفه ابدال خان رشیدی به غارت بردند و نیز با قسمت زیویار که در منطقه گلم کبود بوده اند تصادف نموده و آنها را نیز غارت کرده اند.



تحت نمره ۱۰۰۳ جواب داده شد مقصود اصلی خلع سلاح طوایف است و الا دولت نمی‌خواهد یک‌عده گدا تهیه نماید. لازم است در جمع‌آوری اسلحه اشرار جدیت و مراقبت به عمل آید و نیز از خودسری عشایر جلوگیری کند. [به سرهنگ مهدیقلی‌خان امر شد قوای خود را از کوه بین پران‌پریش و سرکن به طرف کشگان فرستد]<sup>۱</sup>.

### وقایع ۱۹ دی ماه ۱۳۰۶

در ساعت ۷ صبح بارندگی قطع و هوا خوب، سپس آفتاب شد. ارتباط با فوج منصور برقرار گردید و در ساعت ده صبح قوای ستون ۲ از راه تنگ تیخاب وارد شدند. بلافاصله عده را از جلو تنگ تیخاب حرکت داده و به طرف تنگ دم‌چیر<sup>۲</sup> حرکت دادند. سمت شمالی تنگ مزبور در یک نقطه مسطحی به فاصله ۸۰۰ متری رود کشگان که موقعیت نظامی داشت، جهت توقفگاه اردو تعیین گردید و به فوج منصور دستور داده شد قریب نیم فرسنگ به جلو آمده به کشگان نزدیک و مشغول اقدامات عاجل جهت خلع سلاح طوایف گردد.

به موجب راپرت سرهنگ مهدیقلی‌خان به واسطه سختی کوه بین پران‌پری و سرکن نتوانسته است از آن خط عده خود را حرکت دهد لیکن به جلو تنگ گراب رسیده بلافاصله شروع به عملیات بر علیه اشراری که مشغول فرار بوده‌اند نموده (اشرار علی‌محمدخان و پسر میرزا محمدخان و مرادخان جودکی و اتباعشان بوده‌اند). چند نفر از آن‌ها مقتول گردیده‌اند، مابقی فرار کرده‌اند. (یکی از مقتولین طبق تحقیقات، پسر میراسفندیارخان بوده است)<sup>۳</sup> و نیز شروع به جمع‌آوری اسلحه بازوند شده، طایفه مزبور تسلیم گردیده و تاکنون ۲۱ قبضه اسلحه تحویل داده‌اند. الله‌یارخان جهت استمالت جودکی‌ها اعزام شده، خوانین جودکی نماینده فرستاده‌اند که اسلحه خود را تحویل خواهند داد و نیز اقدامات لازمه جهت جلب مرادخان جودکی نموده است. طبق راپرت واصله علی‌محمدخان و میرمیرزا محمدخان از پل گاومیشان عبور

۱. مطلب درون [ ] خط خورده است.

۲. اصل: دم‌شران [DOMCEIR]

۳. «غلامشاه پسر میراسفندیارخان ملقب به شهاب‌الملک یا حاجی‌شهاب، فرزند حاج میر تیمورخان درک‌وند و برادر میرصید محمدخان اشرف‌العشایر» [توضیح آقای اردشیر کشاورز].

کرده و به طرف صیمره رفته‌اند. بیرانوندها به طرف کبیرکوه متواری شده‌اند.

### وقایع ۲۰ دی ماه ۱۳۰۶

ستون ۱ در تنگ گراب، ستون ۲ در تنگ دم‌چیر و فوج منصور در جناح چپ ستون ۲ به فاصله سه ربع فرسنگ متوقف.

طبق راپرت نمره ۶۸ سرهنگ مهدیقلی خان تاکنون از طایفه بازوند ۲۷ قبضه تفنگ گرفته شده است. کدخدایان طوایف جودکی برای آوردن اسلحه خودشان اعزام گردیدند. نظر به مسالمت و ملایمتی که با طوایف معمول شده است، خیلی امیدوار و مشغول تحویل نمودن اسلحه خود می‌باشند. شرحی میرعباس خان در خدمتگذاری نوشته بود. تحت نمره ۲۰۳۴ به مشارالیه جواب داده شد می‌بایست عملاً خدمات خود را تثبیت نمایند، آن وقت شما در میان طوایف لرستانی سربلند خواهید شد.

ارتباط بین قوای سرهنگ حسن آقا و فوج منصور برقرار گردید. سرهنگ حسن آقا حضور خودش را در تنگ تیر و قوچون راپرت می‌دهد. تحت نمره ۱۰۳۸ به مشارالیه نوشته شد فوج منصور یوم ۲۱ به طرف قره‌لیوند برای خلع سلاح آنان حرکت خواهد کرد. لازم است شما هم از آن طرف اقدام نمایید. به قره‌لیوندها دو روز مهلت داده شد. پس از دو روز اگر اسلحه را تحویل ندادند باید قلع و قمع شوند. قره‌لیوندها به وسیله یاور حاجی‌علی خان درخواست تأمین کرده بودند. هدایت‌الله خان نزد آنان اعزام گردید و دو روز هم به آن‌ها مهلت داده شد.

### وقایع ۲۱ دی ماه ۱۳۰۶

در ساعت ۱۱ صبح اردوی ستون ۲ از تنگ دم‌چیران حرکت نموده و به فاصله سه ربع فرسنگ به جناح چپ و جلو حرکت و در کنار رود کشگان در زیویار متوقف گردید. به فوج منصور نیز دستور صادر که از مقر خود حرکت نموده به بالای کوه ایران رفت.

طبق راپرت سرهنگ مهدیقلی خان وضعیات آنجا رضایت‌بخش، عملیات خلع سلاح در جریان است. از اشرار در آن ناحیه خبری نیست.

علی‌مرادخان جودکی با چند نفر نوکر خود و یک قبضه اسلحه وارد اردو شده و اظهار عبودیت و خدمتگذاری می‌نماید، در ضمن یک جلد کلام‌الله که به وسیله

علی محمدخان و سایر اشرار مهپور است و برای جلب علی مرادخان جودکی نزد مشارالیه فرستاده بودند با مراسلاتی که علی محمدخان و میر میرزا محمدخان که رییس ارکان حرب قوای اسلامی امضاء نموده است، نزد او فرستاده بودند؛ آورده ارائه داد. اتفاق دیگر مهمی رخ نداد.

#### وقایع ۲۲ دی ماه ۱۳۰۶

ستون ۱ در گراب، ستون ۲ در زیویار و فوج منصور در کوه ایران متوقف، اتفاق مهمی رخ نداد. در ساعت دو [و] نیم صبح یک فروند طیاره به موجب دستوری که لیل گذشته صادر شده بود با هشت بمب حرکت نموده مواقع اشرار را در کبیرکوه کنار صیمره بمبارده نمود. راپرت داد که دو بمب خیلی خوب اصابت کرده [و] چهار بمب دیگر میان چادرهای اشرار محترق شده، دو بمب دور افتاده است.

قوای سلطان مصطفی خان و نایب سرهنگ حسن آقا مستحضر نشده بودند که به قره لیوندها دو روز مهلت داده شده. امروز صبح در ساعت شش شروع به حمله و تیراندازی به طرف آنها نموده [و] عده زیادی تلفات به آنها وارد آورده اند و مقداری از احشام آنها را طولابی ها غارت کرده اند. طبق راپرت یاور حاجی علی خان؛ مشارالیه به زحمت زیادی قره لیوندها را که متفرق شده بودند جمع آوری کرده و یاور مشارالیه مستحضر نشده بود که تیراندازی از طرف کدام عده بوده است.

به هر حال به سلطان مصطفی خان و سرهنگ حسن آقا امر شد دیگر به آنها صدمه وارد نیاورده و اموال غارتی را نیز صورت بردارند. در صورتی که قره لیوندها کلیه اسلحه خود را تحویل نمودند به آنها مسترد گردد. میرعباس خان و میرشفیع خان برای خدمت به اردو وارد شدند.

#### وقایع ۲۳ دی ماه ۱۳۰۶

اتفاق مهمی رخ نداد. اردوها مشغول جمع آوری اسلحه می باشند. شرحی به کدخدایان زیویار که طبق راپرت واصله در طرف گلم کبود متواری هستند نوشته شد و به آنها تأمین داده شد به زودی زود اسلحه خود را تحویل نمایند.

#### وقایع ۲۴ دی ماه ۱۳۰۶

هوا منقلب و بارندگی ادامه دارد. اتفاق مهمی رخ نداده است.

اردوی فوج منصور هنوز به ناحیه کشگان در منطقه قره لیوند وارد نشده است. قاطرهای حمل ارزاق از راه تنگ تیر جهت آوردن آذوقه به شهر اعزام گردید.

### وقایع ۲۵ دی ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت یاور حاجی علی خان امروز وارد جلگه بین پل کله هُر و کوه ایران در کنار رود کشگان شده و جداً شروع به خلع سلاح قره لیوند و کوشکی نموده است. سرهنگ حسن آقا نیز در آن طرف آب مشغول جمع آوری اسلحه شاه کرم و ممیوند است. سایر اردوها به جای خود متوقف و مشغول جمع آوری اسلحه می باشند.

### وقایع ۲۶ دی ماه الی ۲۹ دی ماه ۱۳۰۶

اردوها در محل های گذشته متوقف و مشغول جمع آوری اسلحه متمردين هستند. اتفاق قابل اهمیتی رخ نداد. روز ۲۷ نیز اردوها در همان نقاط متوقف بودند. علی مرادخان جودکی با چند نفر سوار برای خدمتگذاری وارد اردو گردید. روز ۲۸ میرعباس و میرشفیع دیرکوند نیز به اردو آمدند. یاور حاجی علی خان، سید ابراهیم و کدخدایان قره لیوند را روز ۲۷ به این اردو اعزام داشته بود مجدداً سید مزبور با کدخدایان به نزد مشارالیه اعزام گردیدند که بقیه طایفه قره لیوند را که توحش نموده به داخله طوایف جودکی رفته بودند به محل خودشان معاودت داده اسلحه آنها را گرفته تحویل نمایند. راجع به اغنام و احشامی که از قره لیوندها طوایف طولابی و غیره برده بودند دستورات اکید صادر گردید هر چه نزد هر کس هست پس بگیرند که در صورت خدمتگذاری از طرف قره لیوندها و تسلیم آخرین اسلحه خود به آنها مسترد گردد.

رود کشگان به واسطه بارندگی شدید این چندروزه طغیان نموده و عبور از آن مشکل شده است، لیکن تصور می رود تا فردا قابل عبور باشد. اردوها فعلاً منتظرند قاطرهایی که جهت حمل آذوقه در تاریخ ۲۴ به طرف شهر اعزام شده اند، مراجعت نمایند. پس از رفع حوایج آنها به طرف جایدرد تمرکز داده خواهند شد.

به یاور حاجی علی خان امر شد قوای خود را از آب عبور داده به طرف قسمت شرقی کشگان برود و در جمع آوری جودکی های آن طرف اقدامات نماید. علی مرادخان جودکی نیز مأمور گردید تحت امر مشارالیه در آن اردو حضور به هم

رسانیده اقدامات لازمه جهت جمع آوری طوایف متفرق شده و خلع سلاح آنان بنماید. در این منطقه تصور می‌رود تقریباً کلیه اسلحه جمع‌آوری شده باشد، فقط توشمال‌های زیویار چند قبضه دیگر موجود دارند لیکن چهار قبضه از آن‌را به‌اردو فرستاده درخواست تأمین نموده‌اند. محمدعلی‌خان امرایی مأمور گردید به آن‌ها تأمین داده بقیه اسلحه آن‌ها را جمع‌آوری کند. اسلحه کرم‌وند و دیناروند هم مقداری از طرف مأمورین ستون اول و مقداری توسط یاور محمدخان افشار جمع‌آوری شد. یاور مزبور دو قبضه اسلحه دودی از آن‌ها گرفته به‌اردو آورد.

برای کلیه احکام صادره و راپرت‌های این مدت از ۲۶ الی ۲۸ می‌بایست به‌سوابق عملیاتی مراجعه نمود.

بر طبق راپرت‌های واصله پسر میرزا محمدخان و علی‌محمدخان به‌طرف صیمره رفته‌اند، لیکن بیرانوندها و سایر اشرار به‌طرف کبیرکوه رهسپار گردیده‌اند.

عملیات هوایی روز ۱۹ دی‌ماه در محل قره‌لیوند خیلی مؤثر واقع شده، یازده نفر تلفات مقتول و چندین نفر مجروح از آن‌ها گرفته به‌علاوه در تاریخ — حسب‌الامر طیاره به‌محل صیمره پرواز نموده چندین بمب به‌طرف اشرار پرتاب نمود.

امروز صبح نیز یک فروند طیاره در فضای اردوگاه ستون ۲ پرواز نمود. پس از گرفتن دستور به‌طرف پل گاومیشان رفته، تفتیش نموده و مراجعت نموده، راپرت داد که اشرار متفرق شده‌اند. تعداد چادرهای آن‌ها در کبیرکوه و در صیمره خیلی کم شده است به‌علاوه در پل گاومیشان کسی دیده نشده است. دو بسته امانت به‌وسیله طیاره نمره ۱۹ که محتوی مراسلات و تلگرافات بوده است صبح ۲۸ در محل دیگری پرتاب شد و تاکنون به‌این اردو نرسیده. صبح ۲۹ در ساعت هشت و نیم امر صادر گردید اردوی ستون ۲ از آب عبور نماید تا ساعت یک بعد از ظهر عبور طول کشید. نظر به‌اینکه آب باز هم زیاد بود یک نفر نظامی را آب برد به‌فاصله صد متر او را گرفته لیکن یک قبضه اسلحه مشارالیه مفقود گردید و نیز یک قاطر تلگراف بی‌سیم را آب برده قاطر سلامت بیرون آمد لیکن مقداری اثاثیه و چهار زین ترک و چند روپوش که بار قاطر شده بود آب برد. به‌فوج منصور نیز تأکید شد از آب عبور نماید. اردوی ستون ۲ در محل چول‌حول توقف نموده در نظر است فردا به‌طرف کیش حرکت نماید. امر شد محبوسین چگنی را که اصراراً به‌شهر اعزام نموده بودند مجدداً به‌اردو اعزام دارند.

وقایع ۳۰ دی ماه ۱۳۰۶

نظر به بارندگی فوق العاده شدید حرکت غیرممکن است. اردو در محل قبلی متوقف، شش نفر سوار جهت استقرار ارتباط به فوج منصور اعزام گردید. به سرهنگ حسن آقا امر شد به شهر مراجعت نموده و در موضوع ارسال آذوقه به اردو اقدامات مُجدانه نماید. سلطان مصطفی خان فرمانده گردان ۱ فوج گارد نادری که به تنگ کله هُر آمده بود برای عرض راپرت به این اردو آمده راپرت داد اخیراً بیست و پنج قبضه اسلحه از طایفه شاه کرم مأخوذ گردیده است.

وقایع اوّل بهمن ماه ۱۳۰۶

ریاست محترم ارکان حرب قوا مأمور گردید به فوج منصور رفته تحقیقات عمیقۀ راجع به اغنامی که از قره لیوندها به غارت برده اند نموده، در جمع آوری آن اقدام و نیز آن ها را به نفع دولت به فروش رساند.

سلطان مصطفی خان مأمور گردید قوای گروهان ۵ فوج گارد سپه و بهادران ۳ فوج گارد سوار پهلوی را تحت اختیار خود گرفته با تبادل افکار با یاور حاجی علی خان نقشه جهت خلع سلاح طوایف زیدکی و دارونی و غیره، جودکی علی مرادخانی طرح و پس از راپرت شروع به اقدام نماید و نیز محبوسین چگنی را کلیه تحویل گرفته محاکمه نموده هر کدام مرتکب شرارت شده اند راپرت دهد تا دستور اعدام آن ها صادر شود و نیز به مشارالیه اجازه داده شد سه نفر از اشرار را که در پای گردنه وراز در جنگ با اسلحه دستگیر نموده است محاکمه و تیرباران نماید.

اردو در ساعت ۹ و نیم [به] استقامت کیش حرکت نمود. از چول حول به کیش سه راه هست، یکی گردنه عصر که دور است، دیگری یک راه پیاده رو خیلی سخت و یکی راهی که از کنار رود کشگان از سمت شرق رود مزبور می گذرد، این جاده نیز فوق العاده سخت و تقریباً برای بار غیر قابل عبور بود. یوم ۲۹ دی ماه یک عده نظامی جهت اطلاعات اعزام شده بود. امروز نیز جاده قبلاً ترمیم شده سپس بنه بزرگ و غیزه را عبور دادند. وضعیت نظامی خیلی سخت، نظر به اینکه رود کشگان در امتداد تنگ دُم چیر قابل عبور نیست و نمی شود قلل جناح راست را حفظ نمود، عبور از این تنگ در صورت عدم اطمینان کامل از فقدان دشمن در کوه جناح راست واقعاً غیرممکن است.

کیش محدود است از سمت شرق به یک نیم‌دایره کوه که از دنباله کوه دهلیج می‌باشد. از سمت جنوب به کوه تیژخُر و کوه تخت سیاه، از طرف مغرب به تپه‌های سرکن، از طرف شمال به کوه سرکن و دنباله کوه دهلیج. وسعت کیش تقریباً سه ربع فرسنگ در نیم فرسنگ لیکن زمین مسطح آن کم است. اکثر تپه‌ماهور و غالب کوه‌های آن مشجر و از حیث آب از رود کشگان مشروب می‌شود. زمین زراعتی به قدر کفایت دارد. در این ناحیه یک قسمت از طایفه کرم‌وند و طایفه دیناروند زندگانی می‌کنند.

در ساعت چهار بعد از ظهر ارتباط با فوج منصور برقرار گردید. در ساعت ۵ مقداری (۷۰ رأس قاطر) از اردوی ستون ۱ با مأمورین مخصوص و اسلحه ضبطی که بالغ بر پنجاه قبضه بود رسید که به شهر اعزام شدند.

طبق راپرت واصله محمدخان پسر شیخه معروف با کدخدا دوست‌مراد نزاع نموده و مجروح شده، پس از سه روز فوت کرده، اصل موضوع این بوده است که دوست‌مراد اغنام او را غارت کرده بوده است. مشارالیه برای مسترد نمودن اغنام خود جنگ کرده یک نفر دیگر از طرف محمدخان مقتول و اغنام را — علی محمدخان غضنفری با عده قلیلی به طرف هندمینی رفته که از آنجا به عیال خودش که در امامزاده علی‌الدین صالح می‌باشد ملحق گردیده از آنجا به مندلیج متواری شود. نیز مراد محمدخان در ماژین تمرکز یافته. اشرار بیرانوند از پل تنگ عبور نموده به طرف قسمت جنوبی کبیرکوه متواری شده‌اند. صحت و شقم قسمت اخیرالذکر اطلاع فوق هنوز معلوم نیست.

### وقایع یوم ۲ بهمن ماه ۱۳۰۶

اردو به انتظار رسیدن دواب حمل آذوقه در کیش متوقف. کدخدا علی‌شاه زیویاری و بهرام زیویاری در معیت محمدعلی خان امرایی که مأمور خلع سلاح آنان بود به اردو آمد سه قبضه اسلحه نیز تحویل دادند و اظهار نمودند سلطان مراد و فریدون نامان زیویاری با دو قبضه اسلحه متواری شده به طرف جودکی رفته‌اند. خود علی‌شاه و بهرام مأمور گردیدند رفته اسلحه آن‌ها را گرفته به آن‌ها تأمین

بدهند که به محل خود مراجعت نمایند و علی‌شاه و بهرام نیز با وصف شرارت‌های فوق‌العاده که مرتکب شده بودند نظر به اینکه خودشان در اردو حاضر شده بودند و برای تشویق سایر اشراَر به تحویل اسلحه تأمین داده شد. چون تعداد قاطرهای اعزامی فوج نادری کم بود لیلَه گذشته امر شده بود عده دیگر قاطر اعزام دارند. در ساعت ۲ بعد از ظهر پنجاه رأس دیگر وارد این اردو شده و در ساعت سه و نیم بعد از [ظهر؟] با مقداری از قاطرهای فوج گارد پیاده پهلوی به طرف شهر حرکت داده شدند. طبق راپرت واصله کدخدا<sup>۱</sup> می‌یونند و چند نفر از برادران و بستگانش اثنایه خود را در میان طوایف جودکی گذارده خودشان به طرف کبیرکوه متواری شده‌اند. طایفه می‌یونند با سایر طوایف عباس‌خان جودکی به طرف موروئی<sup>۲</sup> نزدیک می‌شوند. به وسیله بی‌سیم با شهر ارتباط دایر است.

#### وقایع یوم ۳ بهمن ماه ۱۳۰۶

اردوی ستون ۲ در کیش متوقف و اتفاق مهمی رخ نداد.

#### وقایع یوم ۴ بهمن ماه ۱۳۰۶

اردوی ستون ۲ در کیش متوقف و اتفاق مهمی رخ نداد. ستون ۱ در تنگ گراب مشغول جمع‌آوری اسلحه می‌باشد. فوج منصور در مولان<sup>۳</sup> و قوای سلطان مصطفی‌خان در ناحیه کله‌هر در ساعت — عصر امر شد سه گروهان پیاده و یک گروهان پنجاه‌تیر از فوج گارد پهلوی پیاده و یک عراده توپ از فوج گارد سپه تحت اختیار نایب سرهنگ سیف‌الله میرزا گذارده شود که با بیست نفر از سوارهای قسمت خودش و عباس‌خان قبادیان به استقامت ناحیه بین دملی [؟] واشیان و سلطان‌کوه حرکت نموده طوایف آنجا را خلع سلاح نماید. به فرمانده فوج منصور نیز امر شد، از مولان به استقامت بابا بهرام حرکت کند و با نایب سرهنگ سیف‌الله میرزا ارتباط حاصل نموده در خلع سلاح اشراَر متواری شده بین طوایف جودکی تشریک مساعی نمایند. همچنین به فرمانده ستون ۳ امر شد از فرار اشراَر مزبور از ناحیه بین چمشک الی آبسرد و دهلیچ جلوگیری کند و نیز امر شد ستون ۲ فردا به استقامت گل‌گل [و] واشیان حرکت کند.

۲. [MURONI]

۱. ناخوانا.

۳. [MAMULAN]



### وقایع یوم ۵ بهمن ماه ۱۳۰۶

صبح در ساعت هشت کلیه قوا حرکت نمودند. نظر به سختی راه عده در ساعت یک بعد از ظهر به محل مورونی رسید. هر دو ستون در آنجا توقف نمودند.

### وقایع یوم ۶ بهمن ماه ۱۳۰۶

در ساعت هشت صبح ستون ۲ به استقامت و اشیان حرکت نمود. قوای نایب سرهنگ سیف‌الله میرزا نیز به طرف محل مأموریت خودشان رهسپار شدند. در ساعت ۱۲ قوای ستون ۲ به محل و اشیان رسیدند.

لیله ۷ از فوج گارد نادری راپرت رسید که مرض کلرا<sup>۱</sup> در آن اردو شیوع پیدا کرده و سه نفر مبتلا شده‌اند درخواست سرم کلرا کرده بودند. فوراً امر شد طبیب فوج پهلوی پیاده به آن اردو رفته تعدادی هم سرم به همراه برند.

فرمانده اردوی اعزامی پشتکوه با حکومت طرهان برای اخذ دستورات به اردوی ستون ۲ آمدند.

### وقایع یوم ۷ بهمن ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت‌های ستون ۱، مرض مزبور در تزايد است. چند نفر دیگر مبتلا شده و اطبا تشخیص یک نوع کلرا داده‌اند. در ساعت ۱۰ صبح دو فروند طیاره در فضای و اشیان پرواز نموده یکی از آن‌ها فرود آمد و دستورات لازمه جهت آوردن دکتر و سرم از شهر گرفت. سلطان محمدرضاخان فرمانده گردان مهندسی و نایب ۱ سید جلال‌خان رییس بی‌سیم به شهر پرواز نمودند. تلگراف بی‌سیم از بدو ورود به و اشیان نتوانسته است ارتباط با خرّم‌آباد حاصل کند. نایب ۱ محمودخان کاوه با حکومت طرهان مأمور خلع سلاح بقیه طرهانی‌ها و قلع و قمع علی‌محمدخان شدند.

### وقایع یوم ۸ بهمن ماه ۱۳۰۶

یک عده از نظامیان ستون ۱ را تلقیح نموده‌اند. در ساعت ۱۰ و نیم صبح دکتر

پارسا وارد اردو گردید و مقداری هم سرم واکسن از شهر آورده. کمیسیون اطباء مرض مزبور را یک نوع ورم معده و امعاء حدس<sup>۱</sup> زده و می‌گویند شبیه به وبا می‌باشد. علت را کثافت آب و عفونی بودن محل و بدی غذای افراد تصور می‌نمایند. مرض تخفیف یافته است.

#### وقایع یوم ۹ بهمن ماه ۱۳۰۶

اردو در واشیان متوقف. بهارکان حرل کل تلگراف شد مرض تخفیف یافته احتیاجی به اعزام دکتر و اکسن که دو روز قبل خواسته بودند نیست. اردوی نایب سرهنگ سیف‌الله میرزا وارد واشیان گردید.

#### وقایع یوم ۱۰ بهمن ماه ۱۳۰۶

ستون ۲ در واشیان، متوقف. اردوی فوج منصور عصر امروز وارد واشیان گردید. سلطان ناصرخان نیز به وسیله نایب سرهنگ محمدعلی خان بلوچ که یوم ۵ جاری با عده چریک و خوانین میربالا گریوه وارد موروئی و در آنجا به قوای ستون ۲ ملحق گردیده بود احضار شد.

دکتر پارسا جهت تفتیش کامل راجع به جریان و نوع مرض مزبور به ستون ۱ رفته و به ستون ۱ دستور داده شد هر چه زودتر از آنجا حرکت کرده به استقامت صیمره برود و تا پنج روز دیگر دستگیری و خلع سلاح پسر میرزا محمدخان و متمرّدین آن ناحیه خاتمه داده راپرت دهد.

#### وقایع یوم ۱۱ بهمن ماه ۱۳۰۶

ساعت ۸ صبح کلیه قسمت‌های متوقفه در واشیان به استقامت جایدر حرکت نمودند. ستون ۱ نیز به محل مأموریت خود به طرف صیمره حرکت نمود.

#### وقایع یوم ۱۲ بهمن ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت واصله علی‌محمدخان و شاه‌مرادخان و چند نفر از همراهانشان

به امامزاده شاه محمد هلیلان رفته و خیال دارند در آنجا زمستان را به نوعی گذرانیده در صدد شرارت برآیند. به نایب محمودخان کاوه و حکومت عشایری طرهان امر اکید صادر گردید در دستگیر نمودن و خلع سلاح آنان اقدامات عاجل به عمل آورند. کلنل موریس<sup>۱</sup> که برای بازدید راه به جایدر آمده بود به حضور بندگان حضرت اجل شرفیاب شده در موضوع راه عقیده دارد که لااقل شش ماه دیگر کار راه به طول خواهد انجامید.

بنندگان حضرت اجل فرماندهی معظم قوای اعزامی لرستان و لشکر غرب از تاریخ هفتم جاری به واسطه خستگی و سرما خوردگی شدید کسالت پیدا نموده و تب شدید الی چهل درجه عارض شده است. مع هذا به امورات رسیدگی می فرمایند و دستورات لازم صادر می فرمایند. اردو در جایدر متوقف و منتظر رسیدن ستون ۱ به صیمره و خاتمه عملیات آنجا می باشد.

#### وقایع یوم ۱۳ بهمن ماه ۱۳۰۶

صبح سیزدهم راپرت رسید که نایب سرهنگ حسن آقا با آذوقه افواج به بابا بهرام رسیده است. فوراً امر شد افواج این اردو به قدر لزوم قاطر جهت سبک نمودن بارها اعزام دارند و کوشش کنند کاروان آذوقه تا عصر به جایدر وارد گردد. کلنل موریس پس از گرفتن اطلاعات راجع به وضعیت راه برای بازدید خط کشگان از تنگ خرسدر الی تنگ کله هُر با ده نفر سوار و یک نفر معین نایب از فوج مختلط منصور در ساعت یازده و نیم صبح حرکت نمود. آذوقه افواج در ساعت پنج و نیم بعد از ظهر وارد اردو گردید. امر شد آذوقه فوج نادری را فردا در ساعت ۸ صبح به استقامت گردنه [مله] دار<sup>۲</sup> حرکت دهند. به ستون اول نیز اطلاع داده شد به موقع یک عده برای هدایت آنها به آن اردو اعزام دارند.

#### وقایع یوم ۱۴ بهمن ماه ۱۳۰۶

به فرمانده ستون ۲ امر شد فوراً در ساعت ۹ صبح با قوای ابواب جمعی خود به طرف

۱. کلنل موریس رئیس اداره کل طرق و شوارع (وزارت فوائد عامه). سالنامه پارس، ۱۳۰۷، ص ۲۱.  
۲. [MELADÂR]

پل تنگ حرکت نموده به فاصله دو فرسخ الی دو فرسخ و نیم از محل فعلی در نقطه مناسبی تمرکز یافته و اقدام عاجل جهت خلع سلاح طوایف جودکی به عمل آورد و نتیجه عملیات خود را هر چه زودتر راپرت دهد. در ساعت ۵ بعد از ظهر سلطان ناصرخان متصدی ستون ۳ که به موجب [امر] شفاهی بندگان حضرت اجل توسط نایب سرهنگ محمدعلی خان بلوچ احضار شده بود وارد اردو گردید، به مشارالیه دستورات لازمه داده شد [تا] باقی مانده گروهان های ۳ و ۴ و ۶ و مسلسل ۲ و بهادران ۲ مأمور ستون ۳ که در شهر هستند با آذوقه مکفی بخواهد [و] پس از ملحق شدن آنها - ۱ در آبسرد و چمشک هر کدام هشت نفر پیاده و چهار نفر سوار گمارده بقیه قوای خود را به میثوند بیاورد و راپرت دهد تا دستور ملحق شدن او به اردو داده شود. امریه ای نیز به یاور ناصرقلی خان در همین موضوع صادر گردید که کلیه افراد باقی مانده واحدهای فوق الذکر را به فوریت بدون دقیقه ای فوت وقت اعزام دارد. سلطان ناصرخان می بایست قبل از ۲۵ بهمن راپرت ورود خود را با کلیه قوای خود به استثنای پست های آبسرد و چمشک بدهد که برای ۲۵ به اردو ملحق گردد. یک دستگاه طیاره نمره ۱۹ در فضای جایدر پرواز به واسطه شدت باد موفق به فرود آمدن نشد و به استقامت شرق رفت تا ناپدید گردید.

#### وقایع یوم ۱۵ بهمن ماه ۱۳۰۶

در ساعت ۸ صبح سلطان ناصرخان به صوب مأموریت خود حرکت نمود به سرهنگ بلوچ و فرمانده اردوی اعزامی پشتکوه که بنا بوده است به صیمره برود و هنوز راپرت ورود او نرسیده امر اکید صادر گردید که هر چه زودتر مأموریت محوله را انجام دهند.

فوج منصور در جایدر متوقف. کسالت بندگان حضرت اجل ادامه دارد. تب گاهی شدت نموده به چهل درجه می رسد. هوا منقلب و مه است. طیاره نتوانست بیاید.

#### وقایع یوم ۱۶ بهمن ماه ۱۳۰۶

به فوج منصور و قوای حاضر در جایدر امر شد در ساعت ۹ صبح به استقامت

اردوی ستون ۲ حرکت نموده در آن محل (سراب چمشک) توقف نماید. چون اطباء اعزامی از مرکز با سرم و واکسن می‌بایست با طیاره به اردو برسد احتیاطاً یک بهادران سوار از فوج مختلط منصور در میدان طیاره در جایدر گمارده شد که تا ساعت ۱۱ صبح منتظر ورود طیاره باشند. در صورت آمدن علامت فرود آمدن نشان داده و دکترها را به اردو بیاورند. به طیاره چپی دستور داده شد فردا پرواز نماید. اردوی ستون ۱ ساعت ۵ و ۱ عصر ۱۵ وارد قلعه صیمره شده و شروع به اقدامات نموده است. در ساعت یازده یک فروند طیاره نمره ۲۵ پرواز نمود لیکن متوجه علامت که از جایدر نشان دادند نشده به استقامت کبیرکوه و امتداد رود صیمره حرکت نموده ناپدید گردید.

#### وقایع یوم ۱۷ بهمن ماه ۱۳۰۶

طبق راپرت واصله اشرار بیرانوند از طایفه زرین جویی و میرمیرزا محمدخان و مرادخان جودکی و کدخدا ابو و امان الله بین پل گاومیشان و ماژین بوده‌اند با هم اتحاد و اتفاق نموده که در برابر قوای نظام مقاومت نمایند. مراتب به سرهنگ مهدیقلی خان اطلاع داده شد که با استحضار از مراتب فوق برای دستگیر نمودن و قلع و قمع آنها اقدام نماید.

#### وقایع یوم ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۶

اردوهای ستون ۲ و فوج مختلط منصور در سراب بلمک<sup>۲</sup> متوقف و منتظر نتیجه اقدامات و عملیات اردوی ستون ۱ می‌باشند به علاوه اقدامات لازمه جهت جمع‌آوری کلیه جودکی‌ها به وسیله ستون ۲ به عمل آمده است.

# پیوست‌ها

## سند شماره ۱

[حکومت خرم‌آباد به وزارت داخله، ۲۴ تیر ۱۳۰۶]\*

وزارت داخله، سواد راپرت نمرة ۳۴۵ حکومت خرم‌آباد، ۲۴ تیرماه [۱۳۰۶]

۱- راپرت خرم‌آباد فیلی - در تعقیب راپرت (۳۲۴) عرض می‌شود از اردوی اعزامی به طرهان به ریاست آقای محمدعلی‌خان سرهنگ بلوچ هنوز خبر قطعی نرسیده عجلتاً اردو در چگنی متوقف است از قرار معروف علی‌محمدخان (امیراعظم) حاکم طرهان اظهار اطاعت کرده و قتل نظامیان را از اتفاقات و اقدام مهتر خودشان می‌داند تفنگ‌ها و اسبان آن‌ها را توسط حاجی حبیب تاجر خرم‌آبادی که طرهان بوده به‌اردو فرستاده بعضی مستدعیات یا به عبارت دیگر (شروط) هم راجع به طرز اخذ مالیات، نیامدن خودش به‌اردو، رفتن اردو به طرهان، مراجعت از چگنی داشته ولی هنوز توافق نظر با سرکردگان حاصل نشده است. به‌طور مشهود عمده شکایت از مأمورین مالیه است. و ضمناً پاره از نظامیان سابق مأمور آن حدود که درین یک دو سال جهت جمع‌آوری اسلحه و غیره رفته بودند رضایت ندارند مخصوصاً آقای محمودخان کاوه که اخیراً آنجا بوده. چون مشارالیه در جزو اردوی اعزامی مجدداً به سمت طرهان رفته بود لذا اداره قشونی ایشان را احضار به خرم‌آباد نمودند.

۲- آقای مغروری رییس سجل خرم‌آباد منتقل به کرمانشاه شده. آقازاده عضو اول اداره کفیل برقرار شده است.

احمد نمینی دولتشاهی

سواد مطابق اصل است رییس دفتر حکومتی - محمود کمالوند.

## سند شماره ۲

[حکومت خرم آباد به وزارت داخله، ۲۶ تیر ۱۳۰۶]

وزارت داخله، سواد راپرت نمرة ۳۵۳ حکومت خرم آباد، ۲۹ تیرماه [۱۳۰۶]

به واسطه آمدن جمعیت بیرانوند در اطراف دره دراز و تنگ زاهد راه ناامن است. اتومبیل‌های مسافرین که مکرر طرف شلیک اشرار واقع گشته‌اند فوراً مراجعت کرده‌اند یک قافله هم برده شد. جمعیت از قرار معلوم تقریباً هزار نفر است که قریب به نصف یا بیشتر تفنگ دارند. منصورخان و دیگر خوانین در میان اشرار می‌باشند. بیرق سهرنگ ملی با طبل جلو آن‌ها حرکت می‌دهند. اردویی با کمال نظم و استعداد از شهر حرکت کرد مرکب از نظامیان و سواران بختیاری که تازه به خدمت آمده‌اند بر حسب اتفاق و عدم مساعدت موقع متأسفانه در روز ۲۷ ماه جاری با الوار مصادف شده پس از چند ساعت جنگ شجاعانه عقب‌نشینی با اردو می‌شود. مقتول از طرفین بوده و از سمت الوار زیادتر است. از طرف اردو تقی‌خان سپه‌وند (بیرانوند) که خدمتگذار بود کشته می‌شود چون که اسب سلطان رحمت‌خان تیر خورده و تقی‌خان می‌خواهد سلطان را نجات دهد گلوله می‌خورد. معروف است که سلطان عبدالرحمن هم دستگیر شده و گویا صحت داشته باشد. آقای سلطان ارشدالسلطنه دولتشاهی که با عده خود با کمال قوت قلب و شجاعت تا آخرین ساعت جنگیده، از پای راست مجروح گردیده ولی خطرناک نیست و تحت معالجه‌اند. مجروحین آنچه تاکنون رسیده در مریم‌خانه معالجه می‌شوند. اردویی که با آقای محمدعلی‌خان سرهنگ بلوچ در چگنی بود دیگر لازم نشد به طرهان برود دیشب مراجعت کرد. در خرم آباد دیروز به واسطه این اخبار وحشت حکمفرما بود ولی به علت رسیدن اردوی طرهان و اقدامات دیگر و اوامر مطاعه تلگرافی صادره از خاکپای مقدس اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاه ارواحنا فداء و مؤدّه حرکت اردوی طهران آرامش برقرار شده. دهات اطراف و بستگان تقی‌خان مقتول با اغنام و احشام به اطراف خرم آباد آمده‌اند. راهسازها تعطیل کرده‌اند و آلات و ادوات مهندسی را به شهر آورده‌اند. یکی دو نفر از محترمین و کدخدایان سواران بختیاری هم در جنگ کشته شده. راپرت وقایع را صبح ۲۸ با طیاره اداره قشونی به طهران فرستاده به واسطه اغتشاش راه چند روز است که آقای مغروری (امیر محتشم) رییس سابق سجل احوال خرم آباد و مأمور حالیه کرمانشاهان نمی‌تواند حرکت نماید اداره را تحویل داده منتظر وقت و اطمینان از

راه‌اند. از اخبار اخیر معلوم گردید سلطان رحمت خان مقتول گردیده در مسجد جامع از طرف اداره جلیله قشونی مجلس ترحیم برقرار است.  
حکومت خرم آباد لرستان، احمد نمینی دولتشاهی  
سواد مطابق اصل است. رئیس دفتر حکومتی، محمود کمالوند.

### سند شماره ۳

[حکومت بروجرد به وزارت داخله، ۱۹ شهریور ۱۳۰۶]

وزارت داخله، اداره حکومتی بروجرد لرستان، نمره ۱/۲۹، ۱۳۰۶/۶/۱۹

مقام منیع وزارت جلیله داخله — چند روز است که وارد بروجرد و حسب موسوم به تکمیل دیدوبازدید آقایان عظام و خوانین و اهالی شهر و ضمناً مطالعه وضعیات مشغول بوده این است مشاهدات و اطلاعات خود را به عرض می‌رسانم: اوضاع بروجرد برخلاف چندی قبل رضایت‌بخش و امنیت و انتظام و آسایش عموم برقرار و پست‌های نظامی در اطراف منظم و مرتباً شب و روز به حفظ انتظام و رفاهیت عامه مراقب و مواظبند.

اخبار خرم آباد هم بحمدالله مسرت‌انگیز و امیدبخش است و اردوهای متواتر و ستون‌های متعدد نظامی متعاقب یکدیگر در تعقیب اشرار حرکت در سه منزلی خرم آباد نقطه که معروف به کل‌کل است با اشرار مصادف شده و اشرار عده کثیری تلفات داده و چندین نفر از عمایده آن‌ها مقتول و فراراً به طرف کبیرکوه که پناهگاه آن‌ها است رفته‌اند و اردوی نظامی متهورانه تعاقب آن‌ها را دارند و امیدوار است که به زودی ریشه فساد این مشت دزد به کلی کنده و نابود گردد. برای استحضار خاطر مبارک به عرض رسانید آقای فرمانده محترم لشکر غرب هم دیروز وارد بروجرد و در سربازخانه منزل فرمودند بنده هم خدمتشان تشرف حاصل کرده و تعلیماتی راجع به حفظ انتظام و آسایش اهالی فرمودند و ضمناً وعده همه‌گونه مساعدت در پیشرفت امور حکومتی داده و روز بعد حرکت نمودند.  
کفالت حکومت بروجرد لرستان.

### سند شماره ۴

[حکومت خرم آباد به وزارت داخله، ۲۶ آبان ۱۳۰۶]

راپرت خرم آباد فیلی، نمره ۵۱۱، ۶/۸/۲۶

راپرت خرم آباد فیلی — شهر امن است شخم و تخم در حومه خیلی خوب شده در



راه بروجرد مدتی است اتفاقی رخ نداده. اهالی انتظار رسیدن اجازه بودجه بلدیہ را که حضرت اشرف آقای وزیر مالیه تصویب فرمودند با کمال بی صبری دارند و هر روزه از طبقات مختلفه یادآوری می کنند. قاصدی که حاج سیف الله خان حسب الفرموده حضرت وزیر مالیه نزد والی پشتکوه فرستاده بود سه چهار روز قبل مراجعت کرد علت این همه تأخیر حرکت والی پشتکوه به سمت گرمسیر بوده که اکنون که در خزانیه است خلاصه جواب دستخطها را نوشته و اظهار اطاعت و خدمتگذاری نموده بود. جناب آقای فرمانده کل با قوای همراه خودشان در مکان معروف به «سرخ دُم» که متصل به خاک طرهان است تشریف دارند. طرهانی ها دارایی و احشام و اغنام را رد کرده و به جاهای امن فرستاده خودشان با بیرانوندها در جلو و اطراف اردو می باشند. بختیار معروف هم که اطراف بروجرد را مغشوش می کرده در جزء این اشرار آمده. از اردو اخبار موثقی هنوز نرسیده ولی آنچه در السنه و افواه معروف است زدوخوردهایی کوچک دسته ای بین الوار مطیع و الوار یاغی و نظامیان رخ می دهد تلفاتی هم بوده. دزدی در اطراف اردو هم می شود چنانکه در لیلہ ۲۲ آبان که اردو در منزل چنار بردآغل آخر خاک چگینی بود اشرار سه کُرنگ از طایفه ویس کرم را در کنار کشکان غارت نموده فاصله این نقطه با اردو سه فرسنگ. اردوی فوج گارد سپه به ریاست سرهنگ محمدعلی خان بلوچ هنوز در آبسرد متوقف است. راهسازان مشغول کارند اتفاقی برای آنها رخ نداده. قریب شصت نفر سنگ بر آذربایجانی که در شکست کوه و سنگ در راهسازی های آن صفحات تعلیماتی گرفته اند به خرم آباد وارد و به کشکان رفتند اجرت از روزی ۸ الی ۱۲ قران دارند.

برنج گرده زیاد از سمت الشتر به خرم آباد می آورند قیمت به نرخ از منی سه قران و نیم — به ۲ قران و پانصد دینار آمده.

حکومت خرم آباد لرستان — احمد نمینی دولتشاهی [نقش مهر]: حکومت خرم آباد

[حاشیه ۱:] عیناً برای استحضار خاطر مبارک وزارت پناهی تقدیم شود. امضا

[ناخوانا]

[حاشیه ۲:] ورود دفتر حکومت بروجرد، نمره ۶/۹/۱/۱۷۳۸

## سند شماره ۵

[حکومت خرم آباد به وزارت داخله، ۲۸ آبان ۱۳۰۸]

راپرت خرم آباد فیلی، نمره ۵۱۲، مورخه ۶/۸/۲۸

راپرت خرم آباد فیلی — پل کلهوت و اطراف آن آخرین نقطه راه شوسه لرستان و مکانی است که می خواهند در آنجا تونل بزنند و لوازم آن حاضر شده. یک پُست نظامی عبارت از دوازده نفر درین نقطه هست مسافت بین پل کلهوت و اردوی فرمانده چهار فرسخ می باشد. مسیو چرنیسکی مهندس در آنجا مشغول کار بوده پیغاماتی از الوار می رسد که شما را برای گفتگو دادن عمله و کنترات راه باید ملاقات کنیم. از این نقطه امروز حرکت نکنید. ولی بعضی از دوستان مشارالیه را مطلع می کنند که خیال الوار دستگیری شما است. از حُسن اتفاق ایشان حرکت می کنند. به فاصله ده دقیقه الوار با جمعیتی قریب دویست نفر به آن نقطه می ریزند نظامیان تا عصر دفاع می کنند فشنگ آن ها تمام می شود. ناچار تسلیم شده و تفنگ ها را به الوار می دهند. جمیع اثاثیه و آذوقه نظامیان و راهسازان از چادر تا بیل و کلنگ و قند و چای و برنج و روغن به غارت رفته یک نفر نظامی تیر می خورد. میرزا علی خان قائم مقامی تحویلدار راه که حامل وجه نقد جهت تأدیه اجرت و حقوق عملجات بود چون در کشکان واقعه را می شنود رفتار عاقلانه نموده و مراجعت می کنند مسیو چرنیسکی هم حالا در خرم آباد است.

حکومت خرم آباد لرستان، احمد نمینی دولتشاهی [نقش مهر]: حکومت خرم آباد.

## سند شماره ۶

[حکومت خرم آباد به وزارت داخله، اوّل آذر ۱۳۰۶]

وزارت داخله، اداره حکومتی بروجرد و لرستان، نمره ۳، ضمیمه راپرت لرستان\*، ۱ آذر ۱۳۰۶

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامت شوکته. در راپرت های قبل اردوکشی سمت طرهان و کبیرکوه را عرض کرده بودم اینک از قرار اخبار واصله از اطراف اردوی

\* دو گزارش قبلی — اسناد شماره ۴ و ۵ — ضمائم این گزارش هستند.

دولتی در خاک طرهان با قسمتی از الوار بیرانوند مصادف شده و مصادمه واقع می‌شود. الوار فرار اختیار نموده و اردو جلو می‌رود مجدداً الوار خود را جمع‌آوری نموده بنای زدوخورد را می‌گذارند. هنوز خبر ثانوی راجع به این جنگ ثانی نرسیده است که به عرض برسد.

عده اردو هم قرار است از کرمانشاه حرکت نموده به ستون طرهان ملحق شود از قرار مذکور خود نظر علی خان در اردو است ولی پسرش علی محمدخان با جمعیتی در یک نقطه مرتفعی است معروف به امامزاده و هنوز به اردو نیامده و تصمیمش هنوز معلوم نیست. راپرت حکومت خرم آباد برای استحضار خاطر مبارک تقدیم گردید.

از حضرت اشرف آقای وزیر مالیه و آقای سرتیپ شیبانی تحقیق فرمایید تمام این قضایا را عرض کرده‌ام که امروزه اقدامات سیاسی بهتر از اردوکشی است و نتایج خوبی به دست می‌آید خاصه راجع به علی محمدخان طرهانی پسر نظر علی خان که جواب او را در راپرت قبل عرض کرده‌ام. هیچ عقیده نداشتم تعرضی بشود زیرا با جلب او ممکن بود اشرار دیگر تدمیر شوند متأسفانه اقداماتی که در جلب او شروع کرده بودم عقیم ماند و به طوری که پیش‌بینی می‌شد با عده خود متواری است ولو اینکه عاقبت مغلوب شود ولی البته پس از زحمت اردو خواهد بود.

(چون از طرف قرین اشرف همایونی ارواحناه فداه با حضور خود حضرت اشرف عالی و دستورالعمل راجع به اقدامات مدبرانه سیاسی مرحمت شد مستدعی است در موقع مقتضی به عرض خاکپای مبارک شهرباری مطالب را عرضه بدارید که از طرف بنده قصوری نشده است و دو شاهد بزرگوار دارم که تا چه اندازه اصرار کردم که در اردوکشی عجله ننمایند تا اقدامات بنده نتیجه بدهد لیکن تصدیق می‌فرمایید که این گونه اقدامات با اردوکشی منتفی\* می‌شود و نتیجه را باید از قوای نظامی انتظار داشت.) امر امر مبارک است.

[حاشیه ۱:] فوری است به عرض برسد. ۶/۹/۱۱

[حاشیه ۲:] سوادى از این راپرت به استثنای آنچه که در پرائتز است به ضمیمه

سواد راپرت حاکم خرم آباد به وزارت جنگ با قید محرمانه بفرستید. ۶/۹/۱۱

[حاشیه ۳:] به حکومت بنویسید قرار بود مرکز حکومت را خرم آباد قرار بدهید

چه شده است که بر و جرد آمده‌اند در صورتی که توقف و حضور جنابعالی در خرم آباد لازم تر و مناسب تر است. البته به طوری که حضوراً مقرر فرموده‌اند بیشتر اوقات خود را در خرم آباد بگذرانید.

## سند شماره ۷

[حکومت خرم آباد به وزارت داخله، ۳ آذر ۱۳۰۶]

وزارت داخله، سواد راپرت نمرة ۵۲۷ حکومت خرم آباد، ۳ آذرماه [۱۳۰۶]

شهر و اطراف بحمدالله امن است چون در افواه افتاده بود که در خرم آباد دیگر عده باقی نمانده دیروز قسمتی نظامی از پیاده و سوار و توپخانه که در حدود ۸۰۰ الی ۹۰۰ نفر می‌شود در شهر و اطراف با موزیک گردش کرده و حرکت پسندیده بود.

آقای یاور قادرپناه فرمانده ساخلوی خرم آباد معرفی شده. در این مسئله مصادمات سختی اتفاق افتاده سرهنگ حسن آقاخان را که متوقف خرم آباد بود حضرت فرمانده امر دادند به کشکان و آن حدود جهت حفظ آذوقه و انتظام و اطمینان راهسازان بروند در عصر ۲۵ آبان با چهل نفر سوار تقریباً از شهر حرکت نمود پست‌های راه را هم جمع کرد و برد. شب اول در کشکان راحت گذشت. لیلہ بعد الوار شبانه تمام بلندی‌ها را می‌گیرند چون صبح سرهنگ از خواب برخاسته و می‌خواهد حرکت به جلو نماید بنای تیراندازی را می‌گذارند و نظامیان محاصره می‌شوند. دو روز این محاصره طول می‌کشد جنگ گاهی با سرنیزه بوده. از نظامیان چهار نفر مقتول می‌شود. وکیل علیرضا [از] گارد سپه کشته شده. نایب اول فضل‌الله خان جهانشاهی تیر به سینه می‌خورد گلوله از پشت رد شده خطر ندارد. در شهر تحت معالجه است. از الوار در حدود سی‌چهل نفر کشته می‌شود. تمام اسب‌هایی که آنجا بوده از صاحبمنصبان و افراد و عملجات راه کشته شده و یا الوار زنده می‌برند. فقط اسب اسمعیل‌اوف راهساز باقی ماند. چادرهای راهسازان را پاره پاره کرده با گلوله سوراخ سوراخ کردند چادرهای انگلیسی خوب بردند دوپست زبز که برای کشیدن کل راهساز بود و از قرار معلوم هریک در حدود سه تومان جهت دولت تمام شده جمع کرده آتش زده بیل و کلنگ و اثاثیه تماماً رفته. تبریزی‌های سنگ‌بر که سابقاً عرض شد جمعاً لخت شده و کتک زیاد خورده به شهر آمده‌اند. آقای سرهنگ حسن آقا و صاحبمنصبان و افراد عموماً شجاعتی لایق تقدیر و قابل تمجید کرده‌اند که موقعیت

آن‌ها خیلی بد بوده است پس از دو روز قسمتی از سواره فوج پهلوی و یاور ابراهیم‌خان می‌رسند و آن‌ها را از محاصره درمی‌آورند. این قسمت با اردوی سرهنگ بلوچ در آبسرد و سرکل و سایر نقاط عرض راه کیلان بودند که به آن‌ها جناب فرمانده امر فرموده بودند از طریق شاهنشاه مراجعت کرده از راه شوسه به کشکان بروند و به اردوی حضرت فرمانده ملحق شوند. این‌ها هم برای آن مقصود می‌آمده، خوشبختانه به موقع رسیده‌اند یکی از الوار که گویا عملة راه هم بوده یک مقدار زیادی کاغذهای راهسازان را برداشته به خیال غارت یا اسکناس فرار می‌کند در این بین تیر می‌خورد تا وقت مردن کاغذها را رها نکرده حقوق مهرماه را اجرت طلبکار از اداره است.

در این چند روز برای اردوی حضرت اجل نان و گوشت پخته گوسفند و مرغ، برنج، چای، قند و بتری [؟] با طیاره از خرّم آباد فرستاده می‌شود رستم‌خان بهادر طولابی و محمدخان پسرعمو و برادرزن مشارالیه قریب یک صد نفر از چگنی حرکت دادند که هر یک با انبان دوش قریب ده من آرد به اردو رساندند در موقعی که حسن آقا محصور بود طرهانی‌ها خانه محمدخان را به این تقصیر غارت کردند اشخاصی که با حسن آقاخان سرهنگ این جنگ را کرده‌اند طایفه شاه کرم و ویس کرم چگنی بوده که تا یک ماه قبل مطیع و خدمتگذار بودند از طرهانی هم داخل داشته‌اند. از اشخاصی که در جنگ بوده‌اند شنیده می‌شود که فریاد می‌کرده‌اند مال جمعیتی هستیم که با شلاق برای دو گاو این دوروزه ما را یاغی کردید در میان آن‌ها تا یک صد تفنگ بوده در میان کشتگان الوار پسری دوازده ساله دیده شده تا بیست قدمی نظامیان می‌آمده‌اند.

اردوی حضرت اجل در کشکان سابق است جلو نرفته، بیانیه در اطمینان کدخدایان و رعایای طرهانی منتشر نموده‌اند که سیصد نسخه با ژلاتین طبع گردیده با طیاره در طرهان ریخته‌اند. خلاصه آنکه این احتشاد برای اشخاص متمرّد و یاغی دولت است کدخدایان نجیب و رعایای مطیع طرهان مطمئن باشند که به آن‌ها ربطی ندارد. اردوی سرهنگ بلوچ پس از آنکه در کشکان اشرار را تعقیب بکنند آن‌ها فرار می‌نمایند چند نفر از کدخدایان نادم گردیده تسلیم شده‌اند سرهنگ جمیع را غارت می‌کند ولی مجدداً اموال را رد نموده به سمت اردوی طرهان حرکت می‌کند. باید امروز به حضرت اجل برسند ولی هنوز خبر نرسیده. آقای سرهنگ مهدیقلی‌خان از راه کرمانشاه به هلیلان و صیمره رسیده معروف است با طایفه کراوند که برای جلوگیری

رفته بودند جنگی نموده و به دست رییس کراوند تیر خورده است عملیات طیاره و طیاره‌چی‌ها خوب بوده آقای فرمانده اظهار رضایت نمودند دیروز قاصدی از اردو آمد مراسلات و تلگرافات داشت سالم رسیده بود روس‌ها و ارمنی‌های راه با موجب‌های گزاف که می‌گیرند و منافی که می‌برند عجالتاً به این بهانه همگی در خرّم‌آباد راحت نموده‌اند حقیقه مخارجی که در راه می‌شود عجب دارد مثلاً هر دفعه که اتومبیل از خرّم‌آباد به کشکان می‌رود برای اتومبیل خود دو پوت بنزین و یک قوطی روغن می‌گیرند در صورتی که هشت فرسخ است و راه صاف شنیده می‌شود اتومبیل‌چی علاوه بر ماه هفتاد تومان موجب ماهی هشتاد تومان متجاوز از این هم فایده دارد و از این قبیل سهل‌انگاری بسیار است.

احمد نمینی دولتشاهی، حکومت خرّم‌آباد.

سواد مطابق اصل است: رییس دفتر حکومت بروجرد لرستان، محمود کمالوند.

## سند شماره ۸

[حکومت خرّم‌آباد به وزارت داخله، ۳ آذر ۱۳۰۶]

وزارت داخله، سواد راپرت نمرة ۵۱۸ حکومت خرّم‌آباد، ۳ آذرماه ۱۳۰۶

صاحب‌منصبان حکایت می‌کنند که منصورخان بیرانوند با آقای محمدعلی‌خان سرهنگ بلوچ ملاقات نموده و اظهار پشیمانی نموده و گفته است من پس از چندین سال عمر دیگر خیال یاغیگری ندارم که از اول عمر همیشه خدمتگذار بوده حتی طهران رفته و به مدال مبارک تاجگذاری مفتخر شده‌ام خود و کسان و پسرعموماً به خدمت می‌آییم. مراسله هم از کدخدا دوسه معروف نموده که مشارالیه نوشته من خیال جنگ با اردو ندارم مخصوصاً منصور گفته خیلی میل دارم آخر عمر را با زن جوانی که در بروجرد دارم راحت باشم پس از مذاکرات رفته است که بعد بیاید.

احمد نمینی دولتشاهی، حکومت خرّم‌آباد.

سواد مطابق اصل است: رییس دفتر حکومتی، محمود کمالوند.

## سند شماره ۹

[حکومت خرّم‌آباد به وزارت داخله، ۴ آذر ۱۳۰۶]

وزارت داخله، سواد راپرت حکومت خرّم‌آباد، [بدون شماره]، ليله ۴ آذر [۱۳۰۶]  
پس از عرض راپرت‌های امروز غروب سیم آقای حسن آقاخان سرهنگ را

ملاقات کردم که تازه از راه رسیده بود. بعد از شکرگذاری از فتوحات و سلامت افراد نظامیان و شخص مغزی‌الیه وقایع را تحقیق کردم همان‌طور که در صفحات قبل عرض گردیده ایشان بیان کردند تلفات نظامیان چهار نفر و مجروح هفت نفر. اسب هم آنچه بوده تلف شده و از الوار هم متجاوز از پنجاه نفر کشته شده که نعش آن‌ها را برده و برخی را جای گذارده بودند. الوار به‌طور تحقیق یک‌صد تفنگ متجاوز داشته‌اند که عمده سه‌تیر بوده و بسیار خوب تیراندازی می‌کرده‌اند. مقصود آن‌ها قطع روابط با اردوی حضرت فرمانده و بردن و سوزاندن آذوقه بوده که بحمدالله موفق نشده‌اند. جمعیتی از سادات حیات‌غیب و ریش‌سفیدان آن اطراف نزد سرهنگ آمده سرهنگ هم به آن‌ها گفته باید دوازده تفنگی را که از پُست کلهر چند روز قبل برده‌اند بیاورید آن‌ها هم تعهد کرده‌اند. این جنگ خیلی سخت بوده است افراد و صاحب‌منصبان و شخص سرهنگ حسن‌آقا شجاعت و انجام وظیفه کرده‌اند تلگرافاً هم به‌عرض خاکپای مبارک اعلی ارواحناه فداه رسیده و نیز بیان نمودند وقتی که سواران پهلوی رسیده بودند از محاصره درآمده بودیم ولی رسیدن آن‌ها خیلی مفید بود. از اداره قشونی به‌راهسازها اطلاع دادند که در آن حدود پست‌های نظامی برقرار شده باید رفع تعطیل نمود مشغول کار گردند. یک نفر از آذربایجانی‌های سنگ‌بُر که کتک زیاد خورده چند دنده او شکسته از طرف اداره راه نزد دکتر حفظ‌الصحه جهت معالجه فرستاده‌اند ولی زیرانداز و بالاپوش هیچ ندارد و لخت است. دیگر تازه نیست هوا سرد شده علائم بارندگی هویدا است.

احمد نمینی دولتشاهی، حکومت خرم‌آباد.

سواد مطابق اصل است: رییس دفتر حکومت بروجرد لرستان، محمود کمالوند.

## فہرست اعلام

|                                       |                                      |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| آینہ وند، امید علی (کد خدا) ۲۵۹       | آب باریک سوری (طایفہ) ۲۱۱، ۲۱۲       |
| آینہ وند، چراغ علی ۲۳۷، ۲۳۸           | آب تاف ۲۱۰                           |
| آینہ وند، علی خان ۲۳۷، ۲۳۸            | آبستان ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۵، ۴۸، ۵۵    |
| آینہ وند، علی اکبر ۲۳۷، ۲۳۸           | ۵۶، ۵۸، ۶۲، ۶۵، ۷۳، ۸۳، ۹۲، ۹۶       |
| آینہ وند، غلامرضا ۲۳۷، ۲۳۸            | ۱۰۶ تا ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۴۳، ۱۶۱، ۱۹۱       |
| آینہ شاہ کرم (طایفہ) ۲۲۹              | ۲۵۵                                  |
| ابراہیم (سید) ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۷۵           | آب سرد ۳۴، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۸، ۲۹۲        |
| ابراہیم خان - ضرابی، یاور ابراہیم خان | آبکت - اکت                           |
| ابراہیم خان (نایب) ۸۰                 | آب کشگان ۲۱۰                         |
| ابوالحسن خان ۵۸، ۵۹                   | آذربایجان غربی ۱۱                    |
| ابوقدارہ، علیرضا - علی رضا خان        | آزادبخت، عسگر خان ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۶۵      |
| ابومیرانوند (کد خدا) ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۵۱    | آزادخان ۲۲۹                          |
| ۲۵۸، ۲۸۱                              | آسان - آسو                           |
| احمد خان (سلطان) ۸۱، ۱۵۵              | آسو (قلمہ، تنگ) ۲۰۶، ۲۴۵، ۲۵۴ تا ۲۵۸ |
| احمد خان (نایب) ۲۳۳                   | ۲۶۲                                  |
| احمدیگ ۲۲۹                            | آب صیمہ ۲۶۵                          |
| ارشد السلطنہ ۸۱، ۱۳۵                  | آقاسی خان ۱۰۲                        |
| ارفع، یاور ابراہیم خان ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۷۱  | آقاولی، فرج اللہ خان (سرہنگ) ۲۶، ۱۳۷ |
| ۲۹۲                                   | آل کیجال - عالی گیزو                 |
| ارمنی ہا ۲۹۳                          | آلہ ۴۱، ۴۲، ۴۴                       |
|                                       | آینہ وند (طایفہ) ۲۳۳، ۲۳۹، ۲۵۷       |



|                                     |                                       |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| اروپا ۱۳۷                           | امام قلی خان (قلعه) ۴۵                |
| ازنا ۸۸، ۵۹، ۵۸، ۵۵، ۴۵             | امامزاده بابا حبیب ۲۷۰                |
| اسد ۲۵۸                             | امامزاده خضر ۱۲۶                      |
| اسدالله بیک (معین نایب) ۸۰          | امامزاده شاهنشاه ۱۷۰                  |
| اسدالله خان (سلطان) ← خلعتبری،      | امان الله ۲۸۴                         |
| اسدالله خان                         | امان الله خان ← غضنفری، امان الله خان |
| اسدالله خان (نایب) ۲۶۶، ۲۲۳         | امانقلی خان (نایب) ۱۲۶                |
| اسدالله سگوند ← سگوند، اسدالله خان  | امانقلی خان ۲۲۹                       |
| اسفندیاری، امام قلی ۱۶۰، ۲۵۹، ۲۳۰   | امجدالسلطان ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۱۵۶، ۱۵۸      |
| اسفندیاری، امانقلی خان ۲۶۵          | ۱۸۹                                   |
| اسمعیل اوف ۲۹۱                      | امرای (طایفه) ۲۴۸، ۲۴۲، ۲۳۴           |
| اسمعیل میرزا ۱۹۹                    | امرای، امان خان ۲۴۰                   |
| اشرف العشائر، میرصد محمد ← میرصد    | امرای، حسین (شیخ) ← شیخ حسین خان      |
| محمدخان                             | امرای، خداداد ۲۶۵                     |
| اصلان ۲۲۹                           | امرای، محمدعلی خان ۲۷۸، ۲۷۶           |
| افشار، یاور محمد ۲۷۶                | امرای، محمدقاسم خان ۲۴۰               |
| اکبر حسین ۲۲۹                       | امرای، نظرعلی خان ۲۱۲، ۲۳۱، ۲۳۴       |
| اکت ۱۵۳                             | ۲۸۰، ۲۳۷، ۲۳۶                         |
| الشر ۱۵، ۵۱، ۶۳ تا ۶۶، ۷۲، ۷۵، ۸۵   | امیر (طایفه) ۲۲۰                      |
| ۸۶، ۹۰ تا ۹۲، ۹۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵     | امیرخان (نایب) ۲۲۷                    |
| ۱۲۱ تا ۱۲۵، ۱۲۷ تا ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۳۴    | امیراحمدی، احمد ۵ تا ۷، ۱۲ تا ۱۹، ۲۱  |
| ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۷        | ۲۳، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۶، ۴۷    |
| ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۷، ۲۳۰        | ۵۱ تا ۵۳، ۵۹، ۶۱، ۶۵ تا ۶۷، ۷۱ تا     |
| ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۹        | ۷۳، ۸۳، ۸۵، ۸۸، ۹۶، ۱۳۶، ۱۳۸          |
| ۲۷۲، ۲۸۸                            | ۱۴۲ تا ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰ تا ۱۵۲      |
| الله یار (قلعه) ۵۰، ۲۷۰             | ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۷۷          |
| الله یارخان ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰ | ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۹۱، ۱۹۵، ۱۹۷، ۱۹۸          |
| ۲۵۹                                 | ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۵ تا ۲۰۷، ۲۴۳، ۲۴۶        |
| الوار ← لر، لرها                    | ۲۶۹                                   |

|                                       |  |
|---------------------------------------|--|
| امیر احمدی، ولی (سرھنگ) ۷۷ تا ۷۹،     | ایل بیگی، کریم خان ۲۸، ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۹۴، |
| ۲۰۳، ۱۳۲                              | ۹۶، ۱۰۶، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۹۵، ۲۵۲، ۲۵۴       |
| امیر اشرف، نظر علی خان ۲۰۳            | ایلخانی ← شیر محمد خان                 |
| امیر اعظم ← علی محمد خان طرهانی       | ایوان خان (یاور) ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۶،   |
| امیر اکرم، حسین خان ۱۳                | ۱۳۵، ۱۷۵                               |
| امیر انتصار ۲۰۳                       | ایواندر ← ایودر                        |
| امیر تومان ۵۴                         | ایودر ۹۱، ۱۲۸، ۱۲۹                     |
| امیر جنگ، غلامرضا خان ۵۱ تا ۵۳، ۶۳،   |  |
| ۱۲۵، ۲۵۹                              | پ                                      |
| امیر طهاسب، محمود (سرھنگ) ۲۴۶،        | بابا بهرام ۲۷۹                         |
| ۲۴۸، ۲۴۹                              | بابا محمود ۱۰۸                         |
| امیر علایی، حسین (سرھنگ) ۵۶، ۵۷،      | بابا مراد ۲۱۲                          |
| ۶۳، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۹،       | بابا هادی ۲۴۴                          |
| ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۴، ۱۷۹،         | باد مسون ۲۱۲                           |
| ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳                         | بازوند (طایفه) ۲۴۰، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۹،     |
| امیر عشایر ← شیخ علی خان              | ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۷۳           |
| امیر لشکر غرب ← امیر احمدی، احمد      | بازوند، باقر (کد خدا) ۲۴۸              |
| امیر محتشم ← مغروری                   | باغ چاله ۲۶۹                           |
| امیر مخصوص ← قبادیان، عباس            | باقالین ۷۰                             |
| امیر منظم، مهر علی ← مهر علی خان      | بالا گریوه ۶۱، ۶۲، ۲۳۶، ۲۸۱            |
| امیر همایون، غلامعلی خان ←            | بالاوند ۲۱۱، ۲۶۳                       |
| غلامعلی خان                           | بامسر ۷۰                               |
| انگلیسی ۵، ۲۰۵                        | باوند پور ۲۰۵، ۲۲۸، ۲۳۱                |
| اوتاف ۲۹                              | بابی ۲۲۹                               |
| اولاد قباد ۲۱۶، ۲۲۱، ۲۲۳ تا ۲۳۵، ۲۵۴، | بختیار (بیرانوند) ۲۱۲ تا ۲۱۳، ۲۶۲، ۲۸۸ |
| ۲۶۳                                   | بختیاری ۲۵ تا ۲۷، ۲۰۲، ۲۸۶             |
| ایران (کوه) ۲۴۸، ۲۶۸، ۲۷۳ تا ۲۷۵      | بداق (طایفه) ۲۲۹                       |
| ایزدپناه، حمید ۸                      | برارجان ۳۵، ۴۹                         |

|  |   |
|--|---|
| ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۹۳، ۲۰۱،          | برد علی ۴۱                                |
| ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۱۰ تا ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۶،        | برفی ۲۲۹                                  |
| ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۴،          | بروجرد ۱۲، ۱۶ تا ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۳۲ تا    |
| ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷،          | ۳۵، ۳۸ تا ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۵۱،         |
| ۲۴۹ تا ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۵۷ تا ۲۶۲، ۲۶۵،      | ۵۴، ۵۶، ۶۸، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۸۳، ۹۳،           |
| ۲۶۶، ۲۷۳، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۴، ۲۸۶،          | ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۱۷، ۱۳۹،          |
| ۲۸۸، ۲۹۰                               | تا ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۲،          |
| بیرانوند، ابوطالب ۲۵۸                  | ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۷۵ تا ۱۷۷، ۱۹۷، ۱۹۸،           |
| بیرانوند، تقی خان ۶۰، ۲۰۲              | ۲۰۰ تا ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۴۵، ۲۸۷ تا ۲۸۹،         |
| بیرانوند، حسین خان ۵۷، ۵۸              | ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴                             |
| بیرانوند، علی مردان خان ۶۷، ۲۱۳، ۲۳۲،  | بریتانیا ← انگلیس                         |
| ۲۳۳                                    | بسطامی خنسه، علی (حاجی) ۷۲                |
| بیرانوند، غلامعلی خان ← غلامعلی خان    | بصری ۳۵                                   |
| بیرانوند، لطیف خان ← لطیف خان          | بغداد ۵۳                                  |
| بیرانوند، محمد تقی خان ۲۴              | بلوچ، محمد علی خان (سر هنگ) ۷۱، ۸۱،       |
| بیرانوند، منصور خان ← منصور خان        | ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۷۵، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۵،             |
| بیرانوند، ولی ۳۲                       | ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۳ تا ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۸۱،           |
| بیژن وند ۲۶۰، ۲۶۳، ۲۶۵                 | ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۲، ۲۹۳،             |
| بیژن وند، امانقلی ۲۵۹، ۲۶۰             | بوذرجمهری، کریم آقاخان (سر هنگ) ۱۶،       |
|  | ۱۷۵                                       |
| پ                                      | بهاروند ۵۰، ۲۲۴                           |
| پایی (ایل) ۱۵، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۵۸، ۵۹، ۶۲، | بهاروند، حسین خان ۶۱، ۲۵۱                 |
| ۱۰۵، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۶۰                | بهرام ۲۷۸، ۲۷۹                            |
| پایی، تقی خان ۲۷                       | بهزادی، علی محمد (سر هنگ) ۴۴، ۴۵، ۵۷،     |
| پایی، حسین خان ۲۰۷                     | ۸۶، ۱۰۰، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۳،                   |
| پایی، حسین علی خان ۲۷                  | بیدگیجه ۳۷، ۳۸                            |
| پایی، حسین قلی خان ۴۷، ۹۴، ۱۰۵، ۱۰۶،   | بیرانوند (طایفه) ۷، ۱۲ تا ۱۴، ۲۵، ۳۲، ۳۹، |
| ۱۶۱، ۲۶۵                               | ۵۱، ۵۶، ۶۷، ۶۹، ۷۲، ۹۱، ۹۶، ۱۰۵،          |
| پایی، محمد تقی خان ۲۷                  | ۱۲۹، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۱،             |

|                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| تنگ بره ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۶۳، ۱۸۳، ۱۸۴،    | پارسا (دکتر) ۲۸۱                     |
| ۱۸۶، ۱۹۴، ۲۷۰                       | یران پریز ۲۴۷، ۲۴۹ تا ۲۵۲، ۲۶۱، ۲۶۶  |
| تنگ پریان ۲۴۳، ۲۵۶، ۲۵۷             | ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۲                        |
| تنگ ترک ۲۵۳                         | پشتکوه ۵۱، ۵۲، ۱۶۲، ۲۰۴، ۲۲۶، ۲۳۳ تا |
| تنگ تیخاب ۲۶۹ تا ۲۷۲                | ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۹         |
| تنگ تیر ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۷۳     | ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵         |
| ۲۷۵                                 | ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۸                        |
| تنگ چاله ۲۶۷                        | پل کردختر ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۶۷         |
| تنگ خرسدر ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۵۱، ۲۶۱        | پسولادین، محمود (سرهنک) ۶۸، ۱۰۹      |
| ۲۶۶، ۲۶۲                            | ۲۰۳                                  |
| تنگ خسروآباد ۲۵۷                    | پونه ← پینه                          |
| تنگ دمچیر ۲۴۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۷        | پنجعلی خان ۲۵۳                       |
| تنگ رستم ۲۶۹، ۲۷۱                   | پنجه ۲۱۲                             |
| تنگ ريسان ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۲ تا ۲۶۴، ۲۶۶ | پهلوی، رضا ← رضاشاه                  |
| تنگ سیاب ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳         | پیره لکی ۲۳۷                         |
| تنگ گاوشمار ۲۴۰، ۲۶۶                | پینه ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۶۷، ۲۰۲         |
| تنگ گراب ۲۷۲، ۲۷۳                   |                                      |
| تیزخر (کوه) ۲۷۸                     | ت                                    |
| تیفور ۲۲۹                           | تاجبخش، مهدی قلی خان (سرهنک) ۲۰۴     |
| تیمور ۴۱                            | ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۶         |
| تیمورپور، محمد (میر میرزا) ۲۰۳      | ۲۳۰، ۲۳۲ تا ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۴۹، ۲۵۰       |
|                                     | ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۵         |
| ج                                   | ۲۶۸ تا ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۴، ۲۹۲       |
| جافریک ۲۲۹                          | تجره ۱۷                              |
| جانعلی خان ۲۵۷                      | تقی خان ← بیرانوند، تقی خان          |
| جایدر ۲۴۸، ۲۶۴، ۲۷۵، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴  | تقی خان نایب ۸۸                      |
| جمشیدخان ۶۹، ۱۷۶                    | تکه ۲۹، ۵۵ تا ۵۷، ۶۴، ۷۳، ۸۳، ۹۴، ۹۶ |
| جوانمرد (طایفه) ۹۱                  | ۱۴۳                                  |

|                                   |                                      |
|-----------------------------------|--------------------------------------|
| چمشک ۲۰۵، ۲۲۳، ۲۷۹، ۲۸۳           | جودکی (طایفه) ۶۲، ۱۰۵، ۱۸۵، ۱۸۶      |
| چم قرق ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۲۳         | ۲۱۰، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۶۲         |
| چنار برد آغل ۲۰۴، ۲۱۰ تا ۲۱۲، ۲۲۴ | ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷ تا ۲۷۹، ۲۸۳       |
| ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۸۸                     | ۲۸۴                                  |
| چوقا بهرام ۷۰                     | جودکی، عباس خان ۱۸۶، ۲۴۹، ۲۵۱        |
| چول حول ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴   | ۲۵۸، ۲۷۹                             |
| ۲۱۶، ۲۴۴، ۲۷۶، ۲۷۷                | جودکی، علی مراد خان ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۷۳ تا |
| چهریق ۱۲                          | ۲۷۵                                  |
| چیلاره ۲۵۶                        | جودکی، مراد خان ۲۳۶، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۱   |
| ح                                 | ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۷۲، ۲۸۴              |
| حاتم ۲۲۹                          | جودکی، ملک احمد خان ۲۵۰، ۲۵۸         |
| حاجی (طایفه) ۲۲۹                  | جوشنی، عزیز الله ۵۶                  |
| حاجی آباد ۲۱                      | جهانشاهی، فضل الله خان (نایب) ۲۲۵    |
| حاجی حبیب تاجر خرم آبادی ۲۸۵      | ۲۲۶، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۹۱                   |
| حاجی سوری (طایفه) ۲۴۱             | جهانگیر خان ۳۹، ۲۲۹                  |
| حاجی لر ۹۱                        | چ                                    |
| حجت الله خان (میرزا) ۵۳           | چال باغ ۲۷۰                          |
| حسن (خوشناموند) ۲۱۲               | چالانچولان ۱۷، ۱۴۱                   |
| حسن خان ۲۲۹                       | چرنیسکی (مسیو) ۲۸۹                   |
| حسن علی میرزا ۳۹                  | چغا بهرام ← چوقا بهرام               |
| حسنوند ۲۴، ۵۷، ۵۸، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۴۰  | چغندر (طایفه) ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳          |
| ۱۹۳                               | چگنی ۱۵، ۲۳، ۳۲، ۵۲، ۶۷، ۷۶، ۸۴      |
| حسنوند، عباس خان ۶۳، ۱۲۵          | ۱۳۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۷۴، ۱۸۱         |
| حسنوند، کریم خان ۲۵۲، ۲۵۵         | ۱۸۶، ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۲۸، ۲۴۰ تا ۲۴۲       |
| حسنوند، مهر علی خان ۱۳            | ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۶         |
| حسین آباد ۲۱، ۵۳                  | ۲۷۷، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸، ۲۹۲              |
| حسین افغان (نایب) ۱۶، ۱۳۴، ۱۳۵    | چگنی، کاظم خان ← کاظم خان            |

|  |  |
|--|--|
| حسین ۲۲۹                               | ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۱ تا ۱۹۹، ۲۰۱ تا ۲۰۷،      |
| حسین خان ۱۹۰                           | ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۵،          |
| حسین خان (سرهنگ) ← امیرعلایی،          | ۲۵۴، ۲۸۵ تا ۲۸۷، ۲۸۹ تا ۲۹۱، ۲۹۳،      |
| حسین خان                               | ۲۹۴                                    |
| حسین خان بهاروند ← دیرک‌وند،           | خزاعی، حسین (سرتیپ) ۲۰۱                |
| حسین خان                               | خوشناموند (طایفه) ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۶۰        |
| حسین قلی پایی ← پایی، حسین قلی خان     | خلیف (مکان) ۲۱۲                        |
| حنایی ۲۵۴                              | خلعتیری، اسدالله (سلطان) ۷۶، ۷۷، ۱۱۰،  |
| حیات‌قلی خان ۲۶۵، ۲۵۰                  | ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹،          |
| حیدرخان (ایل) ۱۰۶، ۱۰۵                 | ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۵۴ تا        |
| حیدرعلی (ایل) ۲۴۱                      | ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷،          |
|  | ۱۷۳، ۱۷۹                               |
| خج                                     | خلعتیری، نصرالله (سرهنگ) ۲۲، ۲۴، ۳۳ تا |
| خاک دانه ۲۱۰                           | ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۵۴، ۵۵، ۷۰، ۹۵،        |
| خاناباخان ۱۹۰                          | ۹۶، ۱۴۱، ۱۷۶                           |
| خداداد ۲۲۹                             | خواجه‌عذرا ۵۳                          |
| خداکرم ۲۷                              | خوزستان ۱۷، ۱۹۸                        |
| خدانظر سوری (طایفه) ۲۴۱                |  |
| خدایاری، قاسم (یاور) ۲۴۳، ۲۴۴          | »                                      |
| خرم‌آباد ۶، ۷، ۱۱ تا ۱۸، ۲۳، ۲۵ تا ۲۷، | دارونی (طایفه) ۲۷۷                     |
| ۳۰، ۳۲، ۳۶ تا ۳۸، ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۴۷ تا    | دالوند ۳۱                              |
| ۵۵، ۵۷، ۵۹ تا ۶۱، ۶۴ تا ۶۶، ۶۸، ۷۰     | داوودرشید ← دوی‌رش                     |
| تا ۷۲، ۷۴ تا ۷۶، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۶، ۸۷،   | دراندره ۳۵، ۶۹، ۱۴۱، ۱۷۵،              |
| ۸۹ تا ۹۲، ۹۶ تا ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵،    | درکه ۲۶۸، ۲۶۹                          |
| ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۰، ۱۲۳ تا        | دره‌چی ۴۹                              |
| ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸ تا ۱۴۰،        | دره‌دراز ۳۲، ۱۷۵، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۴۵، ۲۸۶،  |
| ۱۴۴ تا ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۱ تا ۱۶۶،      | دزفول ۵۰، ۵۳، ۲۰۲                      |
| ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵ تا ۱۷۸، ۱۸۰ تا ۱۸۲،      | دلفانی ۲۶۲، ۲۶۵ تا ۲۶۷                 |

|                                       |                                      |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| دیناروند ۲۷۸، ۲۷۶                     | دمب چخماق ۲۵۶                        |
| دیناروند جودکی ۲۶۲                    | دمب ريسان ← دم ريسان                 |
|                                       | دم روباه (تنگه) ۲۴۷                  |
| ر                                     | دم ريسان ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۷     |
| رازان ۱۶، ۱۷، ۹۴، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۶۰       | ۲۵۸                                  |
| رازانی، اسکندر ۲۴۱                    | دم شران ← دم چیر                     |
| راس تپه ۲۲۰                           | دملی ۲۷۹                             |
| راوندی، فرهادخان ۲۶۵                  | دوآب ۲۱۰ تا ۲۱۷، ۲۱۲                 |
| رباط ۱۳، ۱۶، ۴۵، ۶۳، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹    | دوآب کشگان ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۸، ۲۲۳        |
| ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۵، ۱۵۰          | ۲۲۵                                  |
| ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳          | دوست مراد (کد خدا) ۲۷۸               |
| ۱۹۵                                   | دوکوهه ۲۸                            |
| رباط نمک ۱۷۵                          | دوگوشه ۳۳                            |
| رحمت الله ۲۲۹                         | دولت شاهی، ارشد السلطنه (سلطان) ۲۸۶  |
| رحمت خان (سلطان) ۲۸۷، ۲۸۶             | دولیسگان ۳۷، ۳۸، ۱۷۴                 |
| رحمن خان ۳۷ تا ۳۹، ۴۲                 | دوی رش، ۲۱۶، ۲۲۷، ۲۶۲                |
| رحمن لالوند امرایی (طایفه) ۲۴۱، ۲۴۵   | ده پیر ۶۰، ۱۸۳، ۱۹۱                  |
| ۲۶۱، ۲۶۳                              | دهلیچ ۲۷۸، ۲۷۹                       |
| رحیم ۲۲۹                              | دیرکوند (ایل) ۱۷، ۲۳، ۳۸، ۵۰، ۵۳، ۵۶ |
| رحیم داراب ۲۲۹                        | ۶۲، ۶۳، ۶۷، ۷۴، ۱۰۵، ۱۳۶، ۱۳۸        |
| رزم آرا، یاور حاج علی خان ۱۰۶، ۲۰۱ تا | ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۱         |
| ۲۰۳، ۲۰۶، ۲۳۶، ۲۶۳، ۲۷۳ تا ۲۷۵        | ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۳                   |
| ۲۷۷                                   | دیرکوند، شیر محمد ۱۸۱                |
| رستم خان بهادر ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۶۶     | دیرکوند، میرایمان ۲۰                 |
| ۲۹۲                                   | دیرکوند، میرشفیع ۲۷۵                 |
| رشیدی، ابدال خان ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۷۱        | دیرکوند، حاج میر تیمور خان ۵۳، ۲۷۲   |
| رشیدی، امان الله خان                  | دیریکوند ← دیرکوند                   |
| رشیدی، رشیدخان ۲۶۷                    | دینارآباد ۲۲، ۴۹، ۶۹                 |

|                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| رومانی - رومانی                      | رضا ۲۲۹                                |
| ریسان (کوہ) ۲۵۴                      | رضاخان - رضاشاہ                        |
| ریملہ ۱۹۱، ۳۱، ۳۲                    | رضاخان نایب ۱۷۵                        |
|                                      | رضاقلی خان یاور ۱۹، ۲۹، ۶۱، ۶۲         |
| رُ                                   | رضاشاہ ۵، ۸، ۱۱، ۱۴ تا ۱۶، ۱۸، ۲۰۳     |
| زاغہ ۱۷، ۳۱، ۳۲، ۵۱، ۵۷، ۷۳، ۸۳، ۹۶  | ۲۰۷، ۲۳۶، ۲۸۶                          |
| ۱۹۶، ۱۹۱، ۱۷۸، ۱۷۵، ۱۵۳، ۱۴۳         | رضایی، امان اللہ خان ۲۶۳               |
| زالباب ۲۵۶                           | رضوی، سید حسن (سلطان) ۱۵، ۷۹ تا ۸۳     |
| زاهد شیر ۱۲، ۱۳، ۱۵ تا ۱۸، ۵۱، ۵۵ تا | ۸۸، ۹۸ تا ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۲           |
| ۵۷، ۷۱، ۷۴، ۸۴، ۸۵، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۷     | ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳           |
| ۱۰۸، ۱۱۱ تا ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱       | ۱۶۵ تا ۱۶۸، ۱۷۲                        |
| ۱۲۷، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳ تا      | رفیع ۲۴۰                               |
| ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۶۳ تا ۱۶۷، ۱۶۹       | رفیع نظام ۷۸، ۸۰                       |
| ۱۷۰، ۱۷۲ تا ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰       | رکرک (طایفہ) ۲۲۹                       |
| ۱۸۲ تا ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵ تا ۱۹۹     | رماوندی، اسفندیار خان ۲۴۴              |
| ۲۸۶، ۲۰۱                             | رنگرزان ۲۰، ۲۵، ۲۷ تا ۳۲، ۳۶ تا ۳۹، ۴۳ |
| زرد لال کوہ ۲۶۳                      | ۴۷، ۴۸، ۵۶، ۶۰، ۶۴، ۷۲ تا ۷۴، ۸۳ تا    |
| زردہ سوار (کوہ) ۲۴۳                  | ۸۵، ۹۱، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۱۱۶، ۱۳۰           |
| زرگری نژاد، غلامحسین ۵، ۱۲، ۲۰۱      | ۱۲۸ تا ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳         |
| زرین جویی (طایفہ) ۲۸۴                | ۱۶۰ تا ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۹۱         |
| زریونی (طایفہ) ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۵، ۲۴۸    | ۱۹۶                                    |
| ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱              | روس، روسہا ۵، ۲۹۵                      |
| زریونی، نجف قلی خان ۲۳۳              | روشت ۷۰                                |
| زمان خان (برج) ۱۸۹                   | رومانی (کوہ) ۷۶                        |
| زنگنه ۵۴                             | رومشکان ۲۳۴، ۲۴۳، ۲۴۷ تا ۲۵۱، ۲۵۳      |
| زید علی (طایفہ) ۲۶۶                  | ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰، ۲۶۹                     |
| زیدکی (طایفہ) ۲۷۷                    | رومیانی (طایفہ) ۱۸۶، ۲۴۱، ۲۶۱، ۲۶۳     |
| زین العابدین خان ۵۰                  | رومیانی، الماس ۲۵۳                     |



|                                      |                                       |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| سربند ۷۰                             | زینب بیرانوند (طایفه) ۲۴۳، ۲۱۰        |
| سرج ۳۶ تا ۳۸                         | زیویار ۲۰۴، ۲۱۰ تا ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۳۴      |
| سرخ دم ۲۰۴ تا ۲۰۶، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۴ تا  | ۲۴۱، ۲۴۸، ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۷۴          |
| ۲۲۱، ۲۱۹                             | ۲۷۶                                   |
| سرخ دم لری ۲۲۴، ۲۲۷، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۸   | زیویاری، بهرام ۲۷۸                    |
| ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۸۸                   | زیویاری، سلطان مراد ۲۷۸               |
| سردار اشرف، حسین خان ۱۳              | زیویاری، علی شاه (کد خدا) ۲۷۸         |
| سردار افخم، حسن خان ۱۳               | زیویاری، فریدون ۲۷۸                   |
| سردار انتصار ۲۰۴، ۲۰۵                |                                       |
| سردار خان ۱۳۵                        | س                                     |
| سردار سپه ← رضاشاه                   | سالارالدوله ۵                         |
| سردار مظفر، کریم خان ۱۳              | سالار اشرف، یحیی خان ۵۳، ۵۴           |
| سرکل ۲۹۲                             | سالاروند ۲۷                           |
| سرکن ۲۶۸ تا ۲۷۲، ۲۷۸                 | سام خان ← گراوند، سام خان             |
| سروتوکه ۳۲                           | ساندرز (کلنل) ۱۱                      |
| سرهنگ حسن آقا ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۸، ۲۱۹     | سبزه علی ۲۲۹                          |
| ۲۲۴ تا ۲۲۶، ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۷       | سبزوار (طایفه) ۲۳۹، ۷۰                |
| ۲۹۱، ۲۹۳، ۲۹۴                        | سپهوند، تقی خان ۲۸۶                   |
| سرهنگ نصرالله خان ← خلعتبری، نصرالله | ستارخان (معین نایب) ۱۹۰               |
| سعدوندیان، سیروس ۵، ۸، ۱۷، ۲۰۷       | سرآب یاس ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۱                |
| سعدی، حبیب الله (سلطان) ۲۳۰          | سرآستان ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵            |
| سفارت بریتانیا ۱۱                    | سرآب یلمک ۲۸۴                         |
| سفیدکوه ← کوه سفید                   | سرآب توگه ← سروتوکه                   |
| سگوند (طایفه) ۱۵، ۱۹، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۴۸ | سرآب چمشک ۲۸۴                         |
| ۵۸، ۹۴، ۹۶، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۱            | سرآب فرنخ آباد ۲۴۳ تا ۲۴۶، ۲۴۹ تا ۲۵۲ |
| سگوند، اسدالله خان ۱۰۶، ۱۶۲          | ۲۵۶                                   |
| سگوند، ایمان قلی خان ۹۴              | سرآب قاطرچی ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۶۹             |
| سگوند، کریم خان ← ایل بیگی، کریم خان | سرآب گل ۲۲۱، ۲۴۵                      |

|                                      |   |
|--------------------------------------|---|
| سلطان کوه ۲۷۹                        | شاه جمشیدی ۴۳   |
| سلطانی، محمد علی ۲۹۵                 | شاه کرم (طایفه) ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۶۲، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۲ |
| سمکو، اسماعیل آقا ۱۱                 | شاه مراد خان گراوند ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۲                           |
| سواران (مکان) ۳۰                     | ۲۳۴، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۸۱  |
| سوج ← سرچ                            | شجاع نظام ۲۲، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۴۱                                |
| سوری (طایفه) ۲۳۴ تا ۲۴۰              | شرف (طایفه) ۲۲۹   |
| سهراب (کد خدا) ۲۴۰                   | شریف الدوله ۱۲  |
| سهراب وند ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۳    | شعبان شاه وردی (طایفه، مکان) ۴۰، ۷۰                         |
| ۲۶۱، ۲۶۳                             | شکر علی ۲۱۲   |
| سهراب وند، امید علی ۲۵۱              | شمس الله ۲۲۹  |
| سیاهپوش، یاور علی اکبر خان ۲۴۴، ۲۵۰  | شمس علی خان ۲۵۱   |
| ۲۵۴، ۲۶۶                             | شوراب ۲۴۵   |
| سید علی اکبر خان (نایب) ۲۱۱          | شوراب باز ۲۰۹   |
| سید حاجی ۲۲۹                         | شهاب الدوله ۲۴۹، ۲۵۳  |
| سیف الله خان (حاج) ۲۸۸               | شهاب الملک ۲۷۲  |
| سیف الممالک، رضا ۵۴، ۵۵              | شیبانی، حبیب الله خان (سرتیپ) ۲۹۰                           |
| سیف میرزا (سرهنگ) ۲۳۶، ۲۷۹ تا ۲۸۱    | شیخ حسین خان امرایی ۲۳۷                                     |
| سیلاخور ۲۹، ۴۸، ۵۹، ۶۰، ۶۸ تا ۷۰، ۹۴ | شیخ خزعل ۱۹، ۹۰، ۱۰۵  |
| ۱۴۱                                  | شیخ علی خان ۱۲، ۱۳، ۵۰، ۶۷، ۱۶۰                             |
| ش                                    | شیخه ۳۲، ۸۸، ۱۶۱، ۲۵۸، ۲۷۸                                  |
| شاهبختی، محمد (سرتیپ) ۵، ۶، ۸، ۱۲    | شیراوند (طایفه) ۲۲۹   |
| ۱۵، ۱۶، ۲۰ تا ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰ | شیر محمد خان سگوند (ایلخانی) ۲۰، ۲۳                         |
| تا ۴۶، ۴۳ تا ۵۵، ۵۳ تا ۵۸، ۶۲ تا ۶۸  | ۳۲، ۴۸، ۵۹، ۶۱، ۹۵، ۱۰۵، ۱۰۶                                |
| ۷۰ تا ۷۹، ۷۶، ۸۲، ۸۳، ۸۵ تا ۸۸       | ۱۲۲، ۱۳۶، ۱۴۷، ۲۵۸  |
| ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۶ تا ۱۰۵، ۱۰۷ تا ۱۲۲    | ص   |
| ۱۲۴ تا ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۹       | صادق خان (سگوند) ۱۹، ۶۱، ۲۲۵                                |
| ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰ تا ۱۷۳       | صارم، مصطفی (نایب) ۲۴۸                                      |
| ۱۷۵، ۱۷۷ تا ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵ تا    | صارم الممالک ۲۴   |
| ۱۹۰، ۱۹۲ تا ۱۹۸، ۲۰۸                 |   |

|                                     |                                      |
|-------------------------------------|--------------------------------------|
| ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۴، ۲۴۷ تا ۲۵۰، ۲۵۴      | صدر، نظام‌الدین ۱۷۶                  |
| ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۰ تا ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۸۰      | صید حسن شاه کرمی (طایفه) ۲۲۹         |
| ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۸ تا ۲۹۰، ۲۹۲           | صید محمد رحیم خان ۱۷۷، ۱۸۱، ۲۲۵      |
| طفراییک ۲۱۲                         | ۲۵۸                                  |
| طهران ← تهران                       | صید محمدی ۶۷                         |
| طهماسبی، امیر لشکر (عبدالله) ۲۰۵    | صید هاشم خان حسنونند ۷۲، ۱۲۴، ۱۲۹    |
| طولابی ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۴۰، ۲۶۶      | ۱۳۳                                  |
| ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۷۵                       | صیمه ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۶۱، ۲۷۳         |
| طولابی، اسفندیار ۶۸                 | ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۲         |
| طولابی، محمدخان ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۳، ۲۲۹  |                                      |
| طیموری، داراب ۲۵۱                   | ضی                                   |
| طیموری بازوند، محمد زکی ۲۵۱         | ضرابی، ابراهیم خان (یاور) ۱۵، ۲۰، ۲۱ |
| ظ                                   | ۲۵ تا ۲۸، ۳۰ تا ۳۲، ۳۷، ۳۹ تا ۴۴، ۴۷ |
| ظهرباب ۲۳                           | ۴۸، ۵۵، ۶۰، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۷۲، ۷۴       |
| ظهرو ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۲۲                  | ۷۵، ۸۳، ۹۴ تا ۹۶، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۶      |
| ظهیرالملک (قلعه) ۲۲۳                | ۱۳۸، ۱۴۱ تا ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۶۰ تا    |
| ظهیرالملک، محمدرضاخان ۵۳، ۵۴        | ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۵                   |
|                                     | ط                                    |
| ع                                   | طباطبایی ۴۹، ۳۵                      |
| عالی‌گیزو ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲ تا ۲۶۸ | طباطبایی، ابوالمجد ۴۸                |
| ۲۷۰                                 | طباطبایی، اسمعیل ۴۸                  |
| عبادالله ۲۳۰                        | طباطبایی، شریعتمدار ۴۸               |
| عباس‌خان ← جودکی، عباس              | طباطبایی، صدرالعلما ۴۸               |
| عباس‌قلی‌خان (نایب سرهنگ) ۳۵، ۱۹۹   | طباطبایی، عبدالحسین ۴۸               |
| ۲۰۰                                 | طباطبایی، علی ۴۸                     |
| عبدالحسین خان ۱۸۱                   | طباطبایی، محمد ۴۸                    |
| عبدال ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۴۰ تا ۴۴، ۴۹، ۶۷  | طهران ۶ تا ۸، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۸     |
| ۹۴، ۹۶، ۱۴۲                         | ۲۱۱، ۲۲۱، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۴         |

|                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| غ                                    | عبدالرحمن (سلطان) ۲۸۶                |
| غضنفری، امان الله ۵۲، ۲۰۳، ۲۱۱، ۲۱۳، | عبدالعلی خان (سرهنگ) ۱۷۵             |
| ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۵،        | عبدالله خان ۲۱۲، ۲۳۳، ۲۳۸            |
| ۲۴۸ تا ۲۵۱، ۲۵۳ تا ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۱،    | عثمانی ۵                             |
| ۲۶۲، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۸                   | عزت الله خان (نایب) ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۲،   |
| غضنفری، علی محمد خان ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۳،  | ۲۲۵                                  |
| تا ۲۱۵، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۳۶ تا ۲۳۸، ۲۴۳،   | عزیز الله خان ۲۲۵                    |
| ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۷، ۲۵۸،        | عزیز خان ۲۰۷                         |
| ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۸                        | علوی، یدالله ۵۴                      |
| غضنفری، نصرت الله خان ۲۶۶            | علی اکبر ۲۲۹                         |
| غضنفری، نظر علی خان ۲۰۵، ۲۳۲         | علی اکبر خان (یاور) ← سیاهپوش،       |
| غلامرضا خان ← امیر جنگ، غلامرضا خان  | علی اکبر                             |
| غلامشاه ۲۷۲                          | علی اکبر هوانورد ۲۳۳                 |
| غلامعلی خان ۱۲، ۱۵، ۵۰، ۷۲، ۸۸، ۱۵۰، | علی الدین صالح (امامزاده) ۲۷۸        |
| ۱۵۳، ۱۶۱، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۵،        | علی پناه ۲۲۹                         |
| ۱۸۶، ۱۹۳، ۲۵۱                        | علی حسین ۴۱، ۲۲۹                     |
| ف                                    | علی خان ۲۲۹                          |
| فاضل قلاوند ← قلاوند، فاضل           | علی خانی ۲۲۹                         |
| فتح الله (طایفه) ۲۲۹                 | علیرضا خان ۲۱۳، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۲، ۲۵۸   |
| فتح علی (کدخدا) ۲۲۹، ۲۴۱             | علی شاه (کدخدا) ۲۳، ۲۱۲، ۲۲۹، ۲۷۹    |
| فتحی، رحمن خان (سلطان) ۲۰۲           | علی محمد خان طرهانی ۲۰۲ تا ۲۰۶، ۲۱۰، |
| فرج الله ← آقاولی، فرج الله          | ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۸ تا ۲۳۱، ۲۳۷ تا    |
| فرمانفرما ۵۴                         | ۲۳۹، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱ تا      |
| فلک الافلاک ۷۴                       | ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۶۶، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۶،        |
| فوج آهن ۴۴، ۵۷، ۵۸، ۹۴، ۱۱۰، ۱۲۱،    | ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۹۰                        |
| ۱۲۶، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۷،        | علی مراد خان گراوند ۲۵۳، ۲۵۷، ۲۵۸،   |
| ۱۷۳، ۱۹۴                             | ۲۷۷                                  |
|                                      | عینعلی ۲۲۹                           |

|                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| قاسمی، سید فرید ۹                   | فوج بهادر ۱۶، ۲۵، ۷۲، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۷۲ |
| قاضی خان ۲۶۵                        | ۱۷۵، ۱۹۴، ۱۹۵                       |
| قائد رحمت ← کای رمت                 | فوج پهلوی ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۵   |
| قائم مقامی، میرزا علی خان ۲۸۹       | ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴        |
| قبادیان، عباس ۲۰۵، ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۱    | ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۹، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰        |
| ۲۷۹، ۲۶۶                            | ۲۹۲                                 |
| قره لیوند ۲۰۴، ۲۱۱ تا ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷ | فوج دفاع ۵۸، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۹۱، ۱۰۸    |
| ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۳۰، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۸        | ۱۳۲، ۱۶۸، ۱۸۹، ۱۹۴، ۱۹۵             |
| ۲۶۲، ۲۶۸، ۲۷۳ تا ۲۷۷                | فوج سپه ۲۲، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۶، ۴۲  |
| قره لیوند، کریم ۲۱۳                 | ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۵۸، ۶۸      |
| قره لیوند لکی ۲۳۷                   | ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۹۴، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۸       |
| قلاوند ۱۰۵                          | ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۹۴        |
| قلاوند، فاضل ۲۲۴                    | ۲۰۲، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵        |
| قلمه جنی ۷۰                         | ۲۵۰، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۸، ۲۹۱             |
| قلمه جوق ۱۹۳                        | فوج مرگ ۱۵۳، ۱۷۵، ۱۹۴، ۱۹۵          |
| قلمه زره ۲۱۴                        | فوج مظفر ۱۹۵                        |
| قلمه سپه ۱۴۴، ۱۶۵، ۱۷۳              | فوج منصور ۲۲۰، ۲۳۴، ۲۴۶ تا ۲۴۸      |
| قلمه مظفر ۶۴، ۱۲۳                   | ۲۵۰، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۳ تا ۲۶۵      |
| قلندر (کوه) ۲۵۶                     | ۲۶۸، ۲۷۰ تا ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴      |
| قم ۱۷۱                              | فوج نادری ۲۰۴، ۲۱۵ تا ۲۲۰، ۲۲۷، ۲۳۸ |
| قوچون ۲۷۳                           | ۲۴۰، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳        |
| قویمی، غلامحسین (سلطان) ۷۹ تا ۸۱    | ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۷، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰        |
| ۱۱۴، ۱۵۸، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۱۳، ۲۱۴        | فیال ۲۱، ۱۴۱                        |
| ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۵             | فیض الله ۲۲۹                        |

ک

کاظم خان چگنی (کدخدا) ۳۲، ۱۰۶، ۲۲۸، ۲۴۰، ۲۲۹

ق

قادریناه (یاور) ۲۹۱  
قاسم علی ۲۲۹

|                                     |                                     |
|-------------------------------------|-------------------------------------|
| کاشمیر ۲۵۶                          | کاگیان ۲۰۹، ۲۰۴                     |
| کفشگران ۴۶                          | کاوه، محمود (نایب) ۲۸۵، ۲۸۰، ۲۶۶    |
| کلاه‌فرنگی (کوه) ۱۵۳                | کای رمت ۲۱، ۲۵ تا ۲۷، ۷۰، ۹۴، ۱۰۶   |
| کلبعلی ۲۴۰                          | ۱۶۰، ۱۵۳، ۱۴۳                       |
| کلخانی (کوه) ۲۵۶                    | کبیرکوه ۲۳۷، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۷۸     |
| کلکته ۲۰۸                           | ۲۸۹، ۲۸۷، ۲۸۴، ۲۷۹                  |
| کلنگانه ۲۴                          | کتوله ۲۱۲                           |
| کلهر ۲۹۴، ۲۸۸، ۲۰۵                  | کجنه ۲۶۸، ۲۴۸                       |
| کلهر قبادیان ۲۵۳                    | کدخدای ابو ← ابومیرانوند            |
| کله‌هر ۲۲۲، ۲۴۸، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۵، ۲۷۷ | کدخدای باشی چگنی ۲۴۰                |
| ۲۷۹                                 | کدخدای خنجر ۲۴۹                     |
| کمالوند، محمود ۱۰۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۸۵   | کردعلی‌وند (طایفه) ۱۸۶، ۱۸۱         |
| ۲۹۴، ۲۹۳، ۲۸۷                       | کسرشوراب ۲۱۰ تا ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷ تا    |
| کمیر ۲۰۶، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۶۲             | ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۸             |
| کوشکی (طایفه) ۲۰۴، ۲۱۰ تا ۲۱۴، ۲۳۹  | کرقاسی ۲۲۹                          |
| ۲۴۰، ۲۴۸، ۲۶۲ تا ۲۶۶، ۲۷۵           | کرکی ۲۱۴، ۲۲۱                       |
| کوشکی، حسامقلی‌خان ۲۵۸              | کرگانه ۱۹۳                          |
| کوشکی، کاظم ۲۳۷، ۲۳۸                | کرگه ۵۴، ۵۵                         |
| کوشکی، ملک‌احمدخان ۲۵۷              | کرمانشاه ۵۳، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۳۸، ۲۴۹     |
| کوشکی‌پری (طایفه) ۲۶۸               | ۲۶۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۲             |
| کولیدر ۱۴۱                          | کرم‌وند ۲۷۶، ۲۷۸                    |
| کونانی ۲۳۹، ۲۴۸                     | کرنوکر ۷۰                           |
| کونانی، امامقلی‌خان ۲۳۸             | کریت ← گریت                         |
| کونانی، امان‌قلی‌خان ۲۳۷            | کشاورز، اردشیر ۸، ۵۴، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۳۶ |
| کونانی، جعفر ۲۳۷، ۲۳۸               | ۲۴۴، ۲۷۲                            |
| کونانی، محمد حسین ۲۳۷               | کشکان ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۲ تا    |
| کوه‌دشت ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵ تا ۲۲۱   | ۲۲۵، ۲۴۸، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲        |
| ۲۲۳ تا ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۰ تا ۲۳۵    | ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۸، ۲۸۹        |
| ۲۳۷ تا ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹      | ۲۹۱ تا ۲۹۳                          |
| ۲۵۴ تا ۲۵۶، ۲۶۲ تا ۲۶۴، ۲۶۶ تا ۲۶۸  |                                     |

|                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| کوه سفید ۷۴، ۷۹، ۸۴، ۸۹، ۱۱۴، ۱۲۱.   | گردنه دار ۲۶۱                          |
| ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۹۱                   | گرگرد ۲۶۸، ۲۵۶                         |
| کوه سفید چگنی کش ۷۹، ۸۰، ۱۱۴، ۱۸۶    | گرمه ۲۶۴، ۲۶۳                          |
| کوه سیاه ۲۷۸، ۹۴                     | گریت ۱۶۱، ۵۶                           |
| کوه شاهنشاه ۲۸، ۸۲، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲.   | گریکو (سرهنک) - گیگوخان                |
| ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۹         | گل ارژنه - گرارجنه                     |
| کوه شاهنشین ۴۰                       | گل گل ۲۸۷، ۲۷۹، ۲۶۸، ۲۵۶               |
| کوه شمشیر ۲۶۷                        | گل محمد ۲۲۹                            |
| کوه گج ۲۰۹، ۲۱۰                      | گلم کبود ۲۶۸، ۲۷۱، ۲۷۴                 |
| کیش ۲۱۲، ۲۷۶ تا ۲۷۹                  | گورکش ۹۴، ۲۶                           |
| کیلان ۲۹۲                            | گوشه ۲۱، ۳۳                            |
| کیوره ۳۵، ۳۶                         | گوشه پل ۲۱                             |
| گی                                   | گیگوخان (سرهنک) ۱۵ تا ۱۷، ۵۱، ۶۶.      |
| گارد سپه - فوج سپه                   | ۷۲، ۷۵، ۸۶، ۸۹ تا ۹۱، ۱۱۱، ۱۱۹.        |
| گارد نادری - فوج نادری               | ۱۲۳ تا ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۷.        |
| گاومیشان ۲۷۲، ۲۷۶، ۲۸۴               | ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۸۵ تا        |
| گراب ۲۷۴، ۲۷۹                        | ۱۸۷، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸.          |
| گرارجنه ۷۷                           | ل                                      |
| گراوند ۱۰۶، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۳. | لر - لرها ۷، ۱۲ تا ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۵. |
| ۲۴۴، ۲۴۷، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۵.        | ۲۷، ۳۳ تا ۳۷، ۳۹، ۴۲ تا ۴۵، ۴۹، ۵۰.    |
| ۲۹۲، ۲۹۳                             | ۵۵ تا ۵۷، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۷۳ تا ۷۵.    |
| گراوند، الله یارخان - الله یارخان    | ۷۷، ۸۰ تا ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۷ تا ۸۹، ۹۳.    |
| گراوند، باقرخان ۲۳۸                  | ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۱.        |
| گراوند، سامخان ۲۳۰، ۲۵۰، ۲۵۷، ۲۵۸.   | ۱۱۵، ۱۲۶، ۱۲۹ تا ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۶.        |
| ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۶۳                        | ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲ تا        |
| گراوند، ناصرخان ۲۳۷                  | ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳.          |
| گراوند عباس خانی (طایفه) ۲۲۶         | ۱۶۵ تا ۱۶۷، ۱۷۰ تا ۱۷۲، ۱۷۵ تا ۱۷۸.    |

|                                      |                                      |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| محمدخان (سلطان) ۱۰۹، ۱۳۲، ۲۷۶        | ۱۸۱، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴         |
| محمد جعفر (کدخدا) ۱۷۵                | ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۶ تا ۲۰۸، ۲۱۳، ۲۱۶       |
| محمد حسن ۲۳۷                         | ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۷، ۲۸۶، ۲۸۹ تا      |
| محمد حسین خان ۱۰۶                    | ۲۹۲، ۲۹۴                             |
| محمدرضا (نایب) ۱۹۹                   | لرستان ۵، ۶، ۹، ۱۱ تا ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۰ |
| محمدرضاخان ۵۴، ۱۰۹، ۲۸۰              | ۲۱، ۲۴ تا ۲۸، ۳۰، ۴۰، ۴۳، ۴۸، ۵۲، ۵۳ |
| محمد زمان شاه کرمی (طایفه) ۲۲۹       | ۵۵، ۵۷ تا ۵۹، ۶۱ تا ۶۶، ۶۸ تا ۷۲، ۷۵ |
| محمدعلی خان (سرهنک) ← بلوچ،          | تا ۸۲، ۸۵ تا ۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۶ تا   |
| محمدعلی خان                          | ۱۰۵، ۱۰۷ تا ۱۱۶، ۱۱۸ تا ۱۲۷، ۱۲۹ تا  |
| محمد قاسم بیگ طرهانی ۲۵۲، ۲۳۳        | ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۳ تا      |
| محمد کاظم میرزا ۱۹۷، ۱۹۸             | ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۶ تا ۱۷۳، ۱۷۵       |
| محمودلی ۲۱۲، ۲۴۹                     | ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹         |
| مخل کوه ۱۹۱                          | ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۶ تا ۲۰۸، ۲۳۸، ۲۳۹       |
| مدبه (کوه) ۱۵، ۷۷ تا ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۴  | ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۵۱، ۲۶۹، ۲۷۳         |
| ۸۹، ۹۰، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۶۷، ۱۹۲، ۱۹۴      | ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۳، ۲۹۴                   |
| مدیر نظام (سلطان) ۱۹۶                | لطیف خان ۱۵، ۵۰، ۶۷، ۸۸، ۱۴۸، ۱۵۳    |
| مرات الملک ۱۷۵                       | ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۷۴                        |
| مراد (سلطان) ۲۷۸                     |                                      |
| مرادعلی وند (طایفه) ۱۸۱              | م                                    |
| مراد محمدخان ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۶۰، ۲۷۸      | مازین ۲۷۸، ۲۸۴                       |
| مرشدخان ۲۲۹                          | مادیان رود ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۲۰، ۲۴۲   |
| مصطفی خان (سلطان) ۲۴۰، ۲۵۰، ۲۶۶      | ۲۶۲، ۲۷۱                             |
| ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۷۷، ۲۷۹                   | ماسور ۱۸، ۴۵، ۷۵ تا ۷۷، ۸۴، ۹۱، ۱۵۶  |
| مظفر ۵۱                              | ۱۸۴، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۰۹                   |
| معین السلطنه، میرزا رحیم خان ۱۱، ۱۰۸ | مال اسد ۳۱، ۴۴                       |
| ۱۴۷، ۱۷۴، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۶              | مبارکه ۲۶۹، ۲۷۱                      |
| معینی، حسن خان ۳۹                    | میل (کوه) ۲۶۶                        |
| مفانلو ۲۶۳                           | متش ۴۹                               |
| مفروری ۲۸۶                           | محسن آباد ۱۱۰، ۱۹۴، ۱۹۶              |
| مفیث الاسلام ۴۸                      | محمد ← شاه بختی، محمد (سپهبد)        |



|                                     |                                       |
|-------------------------------------|---------------------------------------|
| میرزاخان ۶۷                         | ملک شاه کرمی (طایفه) ۲۲۹              |
| میرزا فرهادخان ۵۳، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۸    | ملک عراق (اسم) ۵۳                     |
| میرزا محمدخان ۲۵۱، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۷۲    | ملک مراد ۲۲۹                          |
| ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۱                       | مله ۲۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۳                 |
| میرزا محمود ۵۴                      | مله کبود ۲۲۲، ۲۲۵                     |
| میرزا مراد ۲۲۹                      | مده ۶۷                                |
| میرزاوند (طایفه) ۲۲۹                | ممولان ۲۷۹                            |
| میرشفیع خان ۲۷۴                     | ممیوند (طایفه) ۲۶۶، ۲۷۵، ۲۷۹          |
| میرصیدمحمدخان ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۲          | ممیوند، محمد صادق ۲۶۷                 |
| میرعباس خان ۲۷۳ تا ۲۷۵              | مورونی ۲۷۹ تا ۲۸۱                     |
| میرعلی خان ۲۶۵                      | موریس (کلنل) ۲۸۲                      |
| میرعلی محمدخان ۲۳۶                  | موسی ۲۲۹                              |
| میرغلامرضاخان ۲۳۶، ۲۶۵              | موسی رضا ۲۲۹                          |
| میرمحمدخان صیمره ۲۵۱                | مندلیچ ۲۷۸                            |
| میرمیرزا محمدخان ۲۵۳، ۲۵۸، ۲۷۴، ۲۸۴ | مندوب سامی ۵۳                         |
| میرکرم (طایفه) ۲۲۹                  | منصور، عزیزالله خان ۲۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۸ |
| میشنو ۲۵۶، ۲۶۸                      | منصورخان ۶۹، ۷۰، ۱۷۶، ۲۰۷، ۲۲۲        |
| میکائیل خان (یاور) ۸۶، ۹۳، ۱۰۴، ۱۱۸ | ۲۲۴، ۲۵۰، ۲۸۶، ۲۹۳                    |
| ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸        | مهرعلی خان امیر منظم ۱۳               |
| ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳                       | مهدی ۲۲۹                              |
| ن                                   | مهدی قلی خان (سرهنگ) - تاجبخش،        |
| ناصرقلی خان (یاور) ۲۲۹، ۲۴۵، ۲۵۴    | مهدی قلی خان                          |
| ۲۶۴، ۲۸۱، ۲۸۳                       | میان باغ ۵۷، ۵۸                       |
| ناظری، سید حسن (سلطان) ۲۵، ۸۶، ۸۷   | میدان ۳۵                              |
| ۹۳، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۱۹ تا      | میر (طایفه) ۵۰، ۵۳، ۱۰۵، ۲۰۳، ۲۲۴     |
| ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۵        | ۲۳۶، ۲۵۱، ۲۵۹، ۲۸۱                    |
| ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۷ تا     | میراحمدی ۳۸، ۷۳، ۹۶، ۱۵۳              |
| ۱۸۰، ۱۸۳                            | میراسفندیارخان ۲۷۲                    |
| نامدار ۲۲۹                          | میردیرک وند ۶۲                        |
| نبی الله خان ۶۰                     | میران ۲۲۵                             |
|                                     | میرزا (شاکرم) ۲۲۹                     |

|                                       |                                      |
|---------------------------------------|--------------------------------------|
| ونایی ۲۱، ۲۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹              | نجفداری، نصر اللہ خان (سرہنگ) ۲۵۲    |
| ویس کرم (طایفہ) ۲۲۹، ۲۶۷، ۲۸۸، ۲۹۲    | ۲۵۸، ۲۵۴                             |
| ھ                                     | نجفعلی ۲۲۹                           |
| ھادی ۲۲۹                              | ندیمی، محمود (سرہنگ) ۱۳۷، ۸۰         |
| ھاویلان ۷۰                            | نصرت اللہ خان (سلطان) ۱۰۰، ۲۳۰، ۲۶۲  |
| ھدایت اللہ خان ۲۶۴، ۲۷۳               | ۲۶۵، ۲۶۴                             |
| ھرو ۲۸، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۴۸، ۵۱، ۵۷، ۶۰    | نظام السلطنہ ۶۰                      |
| ۹۴، ۹۶، ۱۰۶، ۱۴۳، ۱۵۳، ۱۶۰، ۱۶۱       | نظر علی وند امرایی (طایفہ) ۲۴۰       |
| ۱۷۲، ۱۷۶، ۱۸۶، ۲۰۲                    | نعل شکن (کوہ) ۲۲۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۵     |
| ھسیوند درویش (طایفہ) ۲۲۹              | ۲۶۲، ۲۵۷                             |
| ھلمور ۲۷                              | نمک (مکان) ۳۱                        |
| ھلیلان ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۳۰   | نمینی دولتشاهی، احمد ۲۸۵، ۲۸۷ تا ۲۸۹ |
| ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۹۲                         | ۲۹۴، ۲۹۳                             |
| ھمدان ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۴۱  | نور علی ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۷                |
| ۵۲، ۱۲۷، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۶۳، ۱۶۶      | نور علی دلفان (طایفہ) ۲۶۲            |
| ھمولوند ۲۶۲                           | نوروز علی (کد خدا) ۲۴۱               |
| ھندمینی ۲۷۸                           | نہاوند ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳     |
| ی                                     | ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۲                        |
| یار احمدی (طایفہ) ۱۲                  | نیستا، محمد علی (نایب دوم) ۸۰        |
| یار حسن ۲۴۰                           | نیک طبع، عباس (سلطان) ۲۲۷            |
| یساور حاجی علی خان ← رزم آرا، یساور   | و                                    |
| حاجی علی خان                          | واشیان ۲۷۹ تا ۲۸۱                    |
| یحیی خان ← سالار شرف، یحیی خان        | والیزادہ معجزی، محمدرضا ۱۲، ۱۴       |
| ید اللہ خان (معین نایب) ۱۷۵، ۲۴۴، ۲۵۱ | وراز (کوہ) ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۵ تا ۲۲۰، ۲۲۲ |
| ۲۵۸                                   | تا ۲۲۸، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۵۳، ۲۶۳، ۲۶۴      |
| یمین الملک ۶۰                         | ۲۶۶، ۲۷۷                             |
| یوسف ۲۲۹                              | وزیری، حسن خان (سلطان) ۲۱            |
|                                       | وفا عزیز اللہ ۳۳                     |
|                                       | ولی آقا (سرہنگ) ← امیر احمدی، ولی    |

# نمونه‌هایی از اصل اسناد











مجموعه‌ای از اسناد و گزارشهای رسمی در توصیف عملیات نظامی مربوط به شورش عشایر بیرانوند لرستان در بهار ۱۳۰۳ که به محاصره خرم‌آباد منجر شد و همچنین رویارویی نیروهای دولتی و سایر نیروهای عشایری در منطقه طرهان در اواخر سال ۱۳۰۶ که در هر دو مورد فرماندهی عملیات را سر تپ شاه‌بختی بر عهده داشت. این مجموعه از نقطه نظر اشمال بر گزارش روز به روز — و حتی در مواردی ساعت به ساعت — دو نمونه از نبردهای حساس و تعیین‌کننده لرستان در سالهای نخست حاکمیت پهلوی، نه فقط از نظر تاریخ نظامی که از لحاظ تاریخ کلی ایران در دوره مورد بحث نیز منبعی یگانه و ارزشمند است.



قیمت: ۱۱۰۰ تومان

شابک: ۹۶۳-۹۱۳۸۰-۰۰-۰ ISBN 964-91480-0-0